

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

سلسله نشست های فرهنگ سازی و تبیین

«نقشه جامع مدیریت اسلامی» «نجما»

«مبانی و مسائل مدیریت اسلامی»

ارائه: حجة الاسلام دکتر ولی الله نقی پور فر

عضو هیأت علمی دانشگاه قم

و مسئول انجمن مدیریت اسلامی حوزه علمیه قم

V-naghipoor@qom.ac.ir



انتشارات دانشگاه قم

نقشه جامع  
مدیریت اسلامی  
«نجا»  
حوزه پژوهش

ویرایش ششم

به همراه نقد استادان مدیریت و علوم انسانی  
(مصاحبه‌ها و نشست‌ها)

پژوهش: کارگروه بنیادین مدیریت اسلامی

نظارت علمی: دکتر علی رضائیان

مسئول کارگروه: حجت‌الاسلام دکتر ولی‌الله نقی‌پورفر

نقشه جامع مدیریت اسلامی (ویرایش ششم)  
به همراه نقد استادان مدیریت و علوم انسانی

Comprehensive Map  
of  
Islamic Management  
CMIM (NAJMA)  
The Research Part

(Sixth Edition)

Along with critique of  
The Management Professors and Humanities  
(Interviews and Meetings)

The Research by: The Fundamental Workgroup of Islamic Management  
Scientific Supervisor: Ali Rezaeian, PH. D  
Responsible of the Work group: Vli Allah Naghipour Far, PH. D

گزیده‌ای از مقدمه دکتر علی رضائیان:

نقشه جامع مدیریت اسلامی «نجا» مبتنی بر اسناد بالادستی، دیدگاه نخبگان حوزوی و دانشگاهی مدیریت اسلامی و دیدگاه نخبگان مسلمان در زمینه مبانی و مسائل علوم انسانی و دانش مدیریت است. از ویژگی‌های اساسی نقشه جامع مدیریت اسلامی «نجا»، انجام پژوهش‌ها، مبتنی بر «اجتهاد جامع در مدیریت اسلامی»، در دو سطح مطلوب و قابل قبول، است. که بر اساس روش‌های چهارگانه جامع «نقلی و حیاتی، عقلی، تجربی و شهودی»، همه توانمندی‌های تخصصی حوزوی و دانشگاهی، را ارج می‌نهد و در انجام پژوهش‌ها، از تمام آن‌ها، به تناسب، بهره می‌گیرد. این نقشه به همت مراکز و پژوهشگران فعال قم و تهران در زمینه مدیریت اسلامی، و مصاحبه‌ها و نشست‌های ملی با اساتید مدیریت و علوم انسانی در سه حوزه پژوهش، آموزش و اجرا سیاست‌گذاری شده است و هم اینک، نقشه جامع مدیریت اسلامی در حوزه پژوهش، تدوین گشته و بستر مناسبی را برای تعریف منطقی، نظام‌یافته و هماهنگ طرح‌های پژوهشی مدیریت اسلامی فراهم آورده است. ...

# نقشه جامع مدیریت اسلامی «نجما»

## مقدمه: تعریف

❖ «نجما، مجموعه‌ای است جامع، هماهنگ، پویا و آینده‌نگر، شامل «مبانی (محتوایی و روشی)»، «مسائل مدیریت اسلامی»، و «الزامات اجرایی»، در سه حوزه «پژوهش، آموزش و اجرا»، مبتنی بر ارزش‌های اسلامی، در راستای اهداف نظام اسلامی، برای دستیابی به مدیریت مطلوب فراگیر، متوازن و نظام‌مند در همه سطوح و همه ارکان نظام اسلامی». ❖ این تعریف با الهام از «نقشه جامع علمی کشور»، ارائه شده است.

### ❖ ارکان نقشه جامع:

➤ مبانی (محتوایی و روشی)

➤ مسائل

➤ الزامات اجرایی

### ❖ حوزه های نقشه جامع:

➤ پژوهش

➤ آموزش

➤ اجرا

قرآن و سنت معصومین (ع)، و محکمت عقلی و تجربی  
اسناد بالادستی | دستاوردهای علمی پژوهشی



«نجما» حوزه پژوهش

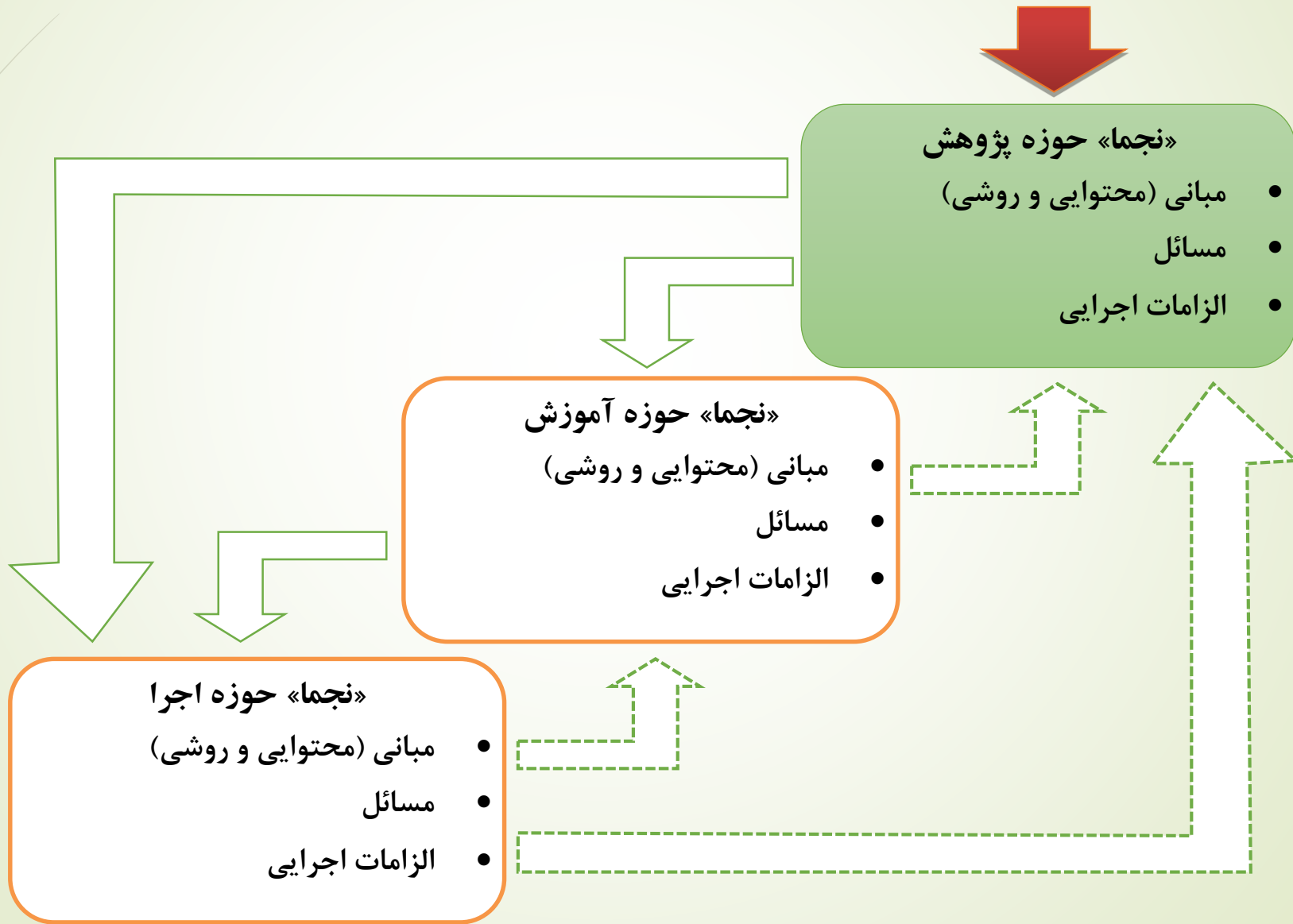
- مبانی (محتوایی و روشی)
- مسائل
- الزامات اجرایی

«نجما» حوزه آموزش

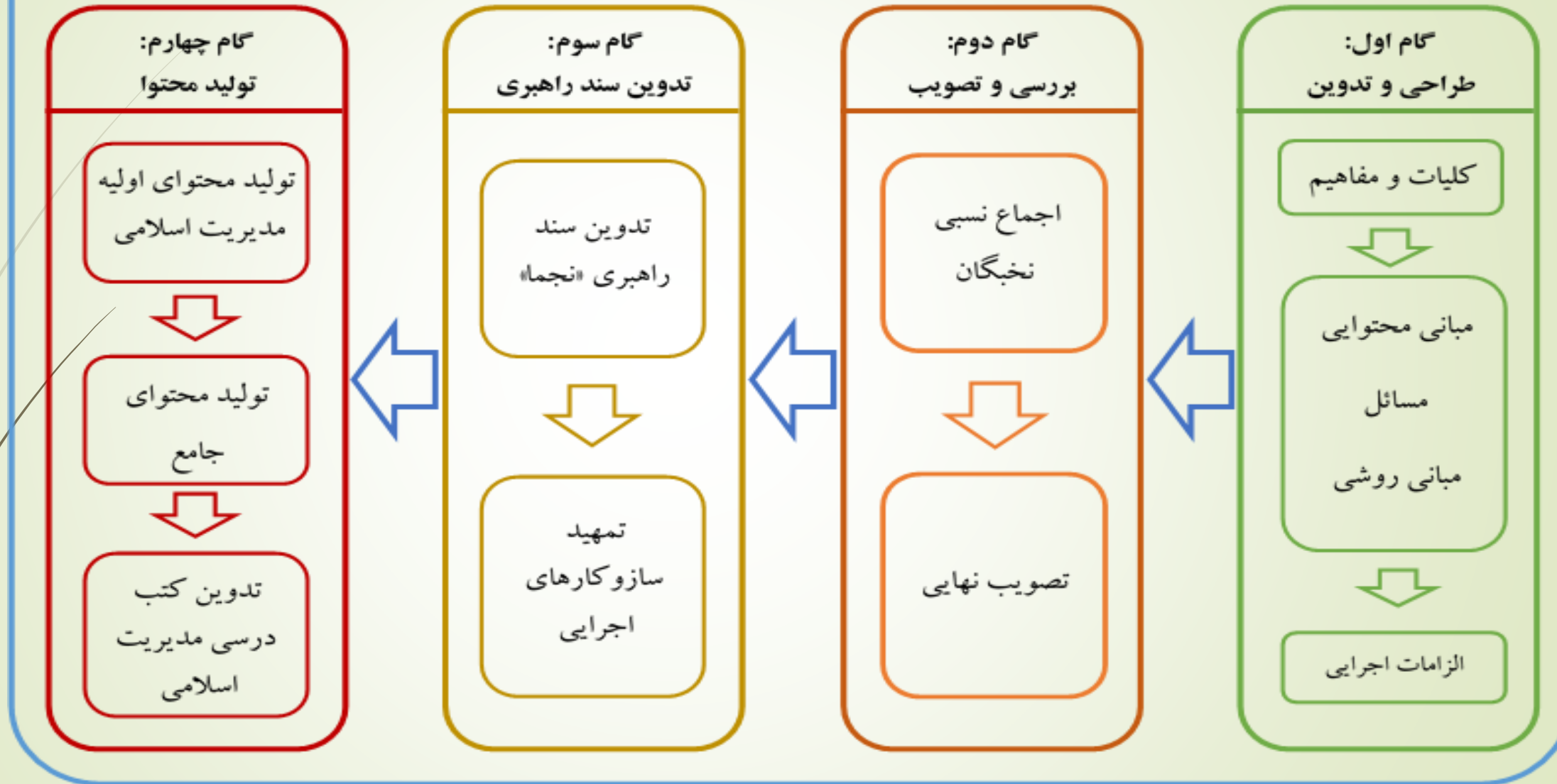
- مبانی (محتوایی و روشی)
- مسائل
- الزامات اجرایی

«نجما» حوزه اجرا

- مبانی (محتوایی و روشی)
- مسائل
- الزامات اجرایی



## مراحل تحقق «نجما» در حوزه پژوهش





# مفاهیم اساسی نقشه جامع مدیریت اسلامی ("نجم")

## «نقشه جامع علم»:

«نقشه جامع علم» در منظر «نجم»، ناظر به نظام موضوعات «مبانی، مسائل و الزامات اجرایی» یک علم است؛ که در سه حوزه «پژوهش، آموزش و اجرا»، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در این تقسیم، «مسائل»، قسیم «مبانی» است.

### «مبانی علم»

«عبارت است از گزاره‌هایی که «اصول متعارفه» (بدیهیات اولیه) و «اصول موضوعه علم» (پیش‌فرض‌های علم) را در سه سطح عام، خاص و اخص تشکیل می‌دهد».

### «مبانی مدیریت اسلامی»

بنابراین «مبانی مدیریت اسلامی» شامل «اصول متعارفه و اصول موضوعه عام» (مبانی عام علوم انسانی) و «اصول موضوعه خاص و اخص» (مبانی خاص و اخص مدیریت اسلامی) است.

### «مسائل علم»

«عبارت است از گزاره‌هایی که موضوعات آنها زیر چتر عنوان جامعی (کل یا کلی) قرار می‌گیرند؛ که آن عنوان جامع، موضوع علم را تشکیل می‌دهد».

بنابراین هر آنچه «درون یک علم»، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، «مسائل علم» را تشکیل می‌دهد.

### «مسائل علم مدیریت اسلامی»

شامل «مسائل نظری (توصیفی-تجویزی) و مسائل الگویی» است.

# مفاهیم اساسی نقشه جامع مدیریت اسلامی ("نجما") «تقسیمات مبانی» و منطق آن

«مبانی هر علمی» در تقسیمی منطقی،

یا ناظر به «محتوای علم» است و یا ناظر به «روش علم» است که نحوه دستیابی به محتوای علم را ارائه می دهد.

از این رو، می توان، «مبانی علم»، را به «مبانی محتوایی» و «مبانی روشی» تقسیم کرد.

«مبانی محتوایی»، یا ناظر به «اصل شناخت» و یا ناظر به «متعلق شناخت» است.

«قسم اول»، «مبانی معرفت شناختی» است.

قسم دوم، یا ناظر به «بود و نبود»ها است و یا ناظر به «باید و نباید»ها است.

مورد اول، «مبانی هستی شناختی» است.

و مورد دوم، «مبانی الزام شناختی» است.

بنابراین، «مبانی علم»، منطقاً، در چهار عرصه، مورد بحث قرار می گیرد:

**الف.** «مبانی محتوایی»: «مبانی معرفت شناختی، هستی شناختی، و الزام شناختی»

**ب.** «مبانی روش شناختی»: «روش شناسی اجتهاد جامع در مدیریت اسلامی».

- بدیهیات اولیه حاکم بر همه عرصه های:
- معرفت شناسی
- هستی شناسی
- الزام شناسی
- روش شناسی

**مبانی عام علوم انسانی:**  
اصول متعارفه

- معرفت شناسی
- هستی شناسی
- الزام شناسی
- روش شناسی

**مبانی عام علوم انسانی:**  
اصول موضوعه

- معرفت شناسی
- هستی شناسی
- الزام شناسی
- روش شناسی

**مبانی خاص و اخص**  
مدیریت اسلامی

- چارچوب ها، رویکردها و مکاتب
- نظریه ها
- اصول و قوانین

**مسائل کلی مدیریت**  
اسلامی

- فاعل تدبیر
- فعل تدبیر
- وسایط تدبیر
- متعلق تدبیر (سنخ و موضوع)
- ظرف و محیط تدبیر
- هدف تدبیر

**مسائل تفصیلی مدیریت**  
اسلامی

- الگوهای تدبیر ولایی الهی
- الگوهای مدیریت ولایی شیطانی

**مسائل الگویی مدیریت**  
اسلامی



# نقشه جامع مدیریت اسلامی ("نجم")

## بخش اول:

«مبانی محتوایی مدیریت اسلامی»

## بخش دوم:

«مبانی روشی مدیریت اسلامی»

## بخش سوم:

«مسائل نظری مدیریت اسلامی»

## بخش چهارم:

«مسائل الگویی مدیریت اسلامی»

## بخش پنجم:

«نظام موضوعات مبانی و مسائل مدیریت اسلامی»

## بخش ششم:

«الزامات اجرایی «نجم»ی حوزه پژوهش»

# نقشه جامع مدیریت اسلامی «نجما»: بخش اول: مبانی محتوایی مدیریت اسلامی

## فصل اول:

مبانی معرفت‌شناختی مدیریت اسلامی

## فصل دوم:

مبانی هستی‌شناختی مدیریت اسلامی

## فصل سوم:

مبانی الزام‌شناختی مدیریت اسلامی

# بخش اول: مبانی محتوایی مدیریت اسلامی:

فصل دوم: مبانی هستی شناختی مدیریت اسلامی:

مقدمه: قرآن و مدیریت

گفتار اول: مبانی «هستی شناسی خالق»

گفتار دوم: مبانی «هستی شناسی مخلوق»

# مقدمه: قرآن و مدیریت: رهنمود های مدیریتی سوره علق

## «بسم الله الرحمن الرحيم»

«إقرأ باسم ربك الذي خلق؛ خلق الإنسان من علق» «إقرأ و ربك الأكرم الذي علم بالقلم؛ علم الإنسان ما لم يعلم»  
«كلا إن الإنسان ليطغى أن رآه استغنى؛ إن إلى ربك الرجعى» (علق / ۱-۸)

### ❖ مسائل مدیریتی شب بعثت:

#### ➤ منصب نبوت و ولایت:

• «انتصاب پیامبر اسلام (ص) به مدیریت و رهبری نظام خلقت و عالم انسانی»

• انتصاب امیر مؤمنان (ع) به وزارت و قائم مقامی پیامبر اسلام:

«اجعل لی وزیرا من اهلی هارون اخی؛ اشدد به ازری و اشركه فی امری کی نسبحک کثیرا و نذکرک کثیرا...» (طه / )

«انت منی بمنزلة هارون من موسى؛ الا انه لا نبی بعدی» (ص): (...)

«اری نور الوحی و اشم ریح النبوة؛ ... انک تسمع ما اسمع و تری ما اری؛ الا انک لست بنبی و لکنک لوزیر» (نہج، خ قاصعه)

«و عنه ، عن عبد الله بن ميمون ، عن جعفر بن محمد ، عن أبيه قال: "وقف النبي ( صلى الله عليه و آله ) بعرج ثم قال:

«اللهم، إن عبدك موسى دعاك فاستجبت له، و ألقيت عليه محبة منك، و طلب منك أن تشرح له صدره، و تيسر له أمره، و تجعل له وزيرا من أهله، و تحل العقدة من لسانه؛ و انا أسألك بما سألك عبدك موسى أن تشرح به صدري، و تيسر لي أمري ، و تجعل لي وزيرا من أهلي عليا أخي» ( قرب الاسناد، ص ۲۷ ) .

«يا سلمان ، إن موسى سأل ربه أن يجعل له وزيرا من أهله فجعل له أخاه هارون وزيرا . و إنني سألت ربي أن يجعل لي وزيرا من أهلي فجعل لي أخي أشد به ظهري و أشركه في أمري؛ فاستجاب لي كما استجاب لموسى في هارون .

يا سلمان ، لولا أن تفرط أمتي في أخي علي كإفراط النصارى في عيسى بن مريم لقلت فيه مقالة يتبعون آثار قدميه في التراب يقبلونه . (كتاب سليم، ص ۴۲۰)

# مقدمه: قرآن و مدیریت: رهنمود های مدیریتی سوره علق

➤ مطالعه شهودی لوازم منصب مدیریت و رهبری:

• مطالعه شهودی کلی عوالم و منابع انفسی و آفاقی سازمان خلقت:

«إقرأ باسم ربك الذي خلق؛ خلق الانسان من علق» (علق/۱-۲)

«و كذلك نرى ابراهيم ملكوت السموات و الارض و ليكون من الموقنين» (انعام/)

• مطالعه شهودی کلی سیر تاریخی عملکرد مدیریت و رهبری انبیاء اولوا العزم در عالم انسانی:

«إقرأ و ربك الأكرم الذي علم بالقلم؛ علم الانسان ما لم يعلم»؛

«كلا إن الإنسان ليطغى أن رآه استغنى؛ ان إلى ربك الرجعى» (علق/۲-۸)

❖ سیر کلی مدیریت الهی در جذب، گزینش و تربیت مدیران و رهبران الهی {انبیاء و اولیاء معصوم(ع) به ویژه پیامبر اسلام(ص)}:

➤ مقدمه:

«اشتراکات و تمایزات در الگو گیری از مدیریت الهی، براساس ملاک وسع و امکانات (فعلی و تقدیری) غیر معصومین»

«لا یكلف الله نفسا الا وسعها» (بقره/۲۸۶) / «لا یكلف الله نفسا الا ما آتیها» (طلاق/۷)

«فلما فصل طالوت بالجنود؛ ... ان الله مبتلیکم بنهر ... قالوا: لا طاقة لنا الیوم بجالوت و جنوده؛

قال الذین یظنون انهم ملاقوا الله: کم من فئة قليلة غلبت فئة كثيرة بأذن الله؛ و الله مع الصابرين ... ربنا افرغ علينا صبرا و ...» (بقره/۲۵۰-۲۴۹)

«الا لله الذین الخالص...» (زمر/۳) / «و لو ان اهل القرى آمنوا و اتقوا، لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض؛ ....» (اعراف/۹۶)

➤ مدیریت وراثت فرانسلی معصومین (ع):

«مدیریت اسلامی، هنر، علم و مهارت تدبیر امور ...»

«ان الله اصطفی آدم و نوحا و آل ابراهیم و آل عمران علی العالمین؛ ذریه بعضها من بعض؛ و الله سمیع علیم» (ال عمران/۳۳-۳۴)

➤ مدیریت و تربیت شخصیت پیامبر از کودکی تا بعثت:

«و لقد قرن الله به صلی الله علیه و آله من لدن أن كان فطیما أعظم ملك من ملائکته؛ یسلك به طریق المکارم ، و محاسن أخلاق العالم لیه و نهاره؛ (نهج، خ قاصعه، ۳۰۰)



# مقدمه: قرآن و مدیریت: رهنمود های مدیریتی سوره مزمل و مدثر

## ”بسم الله الرحمن الرحيم“

”يا ايها المزمل؛ قم الليل إلا قليلا؛ نصفه او انقص منه قليلا؛ و رتل القرآن ترتيلا؛ انا سنلقي عليك قولا ثقيلا؛  
إن ناشئة الليل هي أشد وطأ و أقوم قيلا؛ إن لك في النهار سبحا طويلا؛ ...  
ان ربك يعلم انك تقوم ادنى من ثلثي الليل و ... و طائفه من الذين معك ...  
فاقرؤوا ما تيسر من القرآن؛ علم ان سيكون منكم مرضى؛ و آخرون يضربون في الارض يبتغون من فضل الله؛ و  
آخرون يقاتلون في سبيل الله؛ فاقروا ما تيسر منه ... (مزمل /)

## ”بسم الله الرحمن الرحيم“

”يا ايها المدثر قم فأنذر؛ و ربك فكبر و ثيابك فطهر؛ و الرجز فاهجر و لاتمنن تستكثر و لربك فاصبر“ (مدثر /)

# مقدمه: قرآن و مدیریت: رهنمود های مدیریتی سوره مزمل و مدثر

## ❖ مسائل مدیریتی بعد از شب بعثت (سه سال اول):

### ➤ برنامه خود مدیریتی:

«يا ايها المزمل؛ قم الليل إلا قليلاً؛ نصفه أو انقص منه قليلاً؛ و رتل القرآن ترتيلاً؛ انا سنلقي عليك قولا ثقيلاً؛

إن ناشئة الليل هي أشد وطأً و أقوم قِيلاً؛ إن لك في النهار سبحا طويلاً؛ ...» (مزمل/ ۱-۷)

«من نصب نفسه للناس اماما فليبدأ من نفسه قبل تعليم غيره» (نهج، )

### ➤ دعوت و مدیریت و رهبری الهی غیر مستقیم و عدم اعلان رسمی:

«ارایت الذی ینهی عبدا اذا صلی...» (علق/ ۹-۱۰)/ «و اذا ذكرت ربک فی القرآن وحده ولوا علی ادبارهم نفورا» (اسراء/ )

### ➤ جذب و گزینش و تربیت نیروهای مستعد:

«ان ربک یعلم انک تقوم ادنی من ثلثی اللیل و ... و طائفه من الذین معک ... فاقروا ما تیسر من القرآن؛ علم ان سیکون منکم مرضی؛ و آخرون یضربون فی الارض یتبعون من فضل الله؛ و آخرون یقاتلون فی سبیل الله؛ فاقروا ما تیسر منه ...» (مزمل/ ۲۰)

# مقدمه: قرآن و مدیریت: رهنمود های مدیریتی سوره مزمل و مدثر

❖ مسائل مدیریتی دعوت علنی (سال چهارم بعثت به بعد):

➤ آغاز اعلان رسمی مدیریت و رهبری الهی

«یا ایها المدثر قم فأنذر؛ و ربک فکبر و ثیابک فطهر؛ و الرجز فاهجر و لاتمنن تستکثر و لربک فاصبر» (مدثر/۱-۷)

➤ معرفی قائم مقام و جانشین:

«قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : يا بني عبد المطلب ! إني قد جئتكُم بخير الدنيا و الآخرة و قد أمرني الله أن أدعوکم إليه؛

فأيکم يؤازرنی علی هذا الامر علی أن يكون أخي و وصيي و خليفتي فيکم؟

قال : فأحجم القوم عنها جميعا و قلت : يا نبي الله ! أكون وزيرك عليه ؟ فأخذ برقبتي ثم قال:

هذا أخي و وصيي و خليفتي فيکم، فاسمعوا له و أطيعوا» علی (ع): ( کنز العمال، ۱۲ / ۱۱۴)

«... فأیکم يؤازرنی علی أمری هذا ؟ فقلت ...: أنا یا نبي الله أكون وزيرك عليه !

فأخذ برقبتي فقال : إن هذا أخي و وصي و خليفتي فيکم فاسمعوا له و أطيعوا ،

فقام القوم يضحكون و يقولون لأبي طالب : قد أمرک أن تسمع و تطيع لعلی» (علی): (کنز العمال، ۱۲ / ۱۲۳؛ ابن إسحاق و ابن جریر و...)

➤ گسترش تدریجی حیطة رسالت با روش پدری معنوی و رافت و عنایت و تدبیر مادرانه (استعاره مزغ با جوجه ها)

• انداز عشیره خود:

«و انذر عشیرتک الاقربین؛ و اخفض جناحک لمن اتبعک من المؤمنین» (شعراء/۲۱۴-۲۱۵)

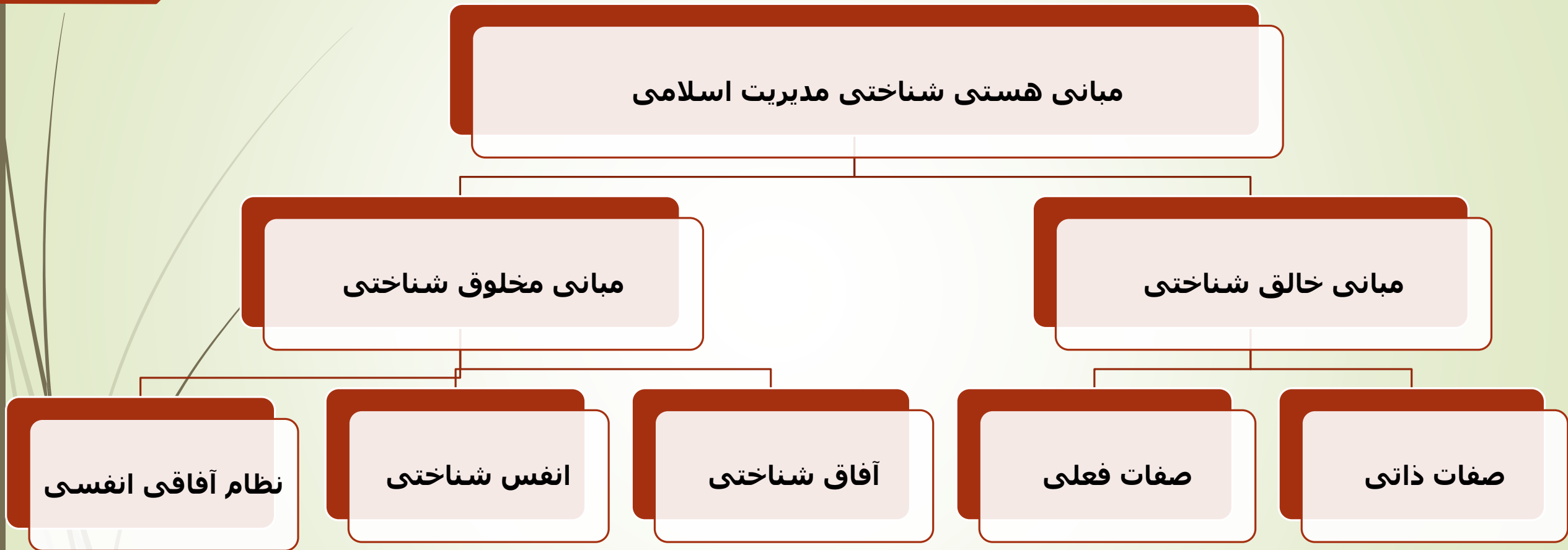
• انداز مکه و عربستان:

«و کذلک اوحینا الیک قرانا عربیا لتنذر ام القرى و من حولها...» (شوری/۷)

• انداز جهانی:

«قل یا ایهاالناس؛ انی رسول الله الیکم جميعا ...» (اعراف/۱۵۸)

# فصل دوم: مبانی هستی شناختی مدیریت اسلامی:



# فصل دوم: مبانی هستی شناختی مدیریت اسلامی:

گفتار اول: مبانی خالق شناختی «الله»: : نظام اسماء الله:

❖ نظام صفات ذاتی

❖ نظام صفات فعلی

گفتار دوم: مبانی مخلوق شناختی (افاق و انفس):

❖ «نظام آفاقی»:

❖ «نظام انفسی»:

❖ «نظام آفاقی انفسی»:



# گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

## مقدمه: رابطه فعل الهی با عملکرد انسانها

► نظام تکوین و تشریح، تحت تدبیر ولایی دایمی «الله» قرار دارد:

«یدبر الامر من السماء الی الارض...» (سجده/۵)

► «ولایت الله» ذاتی است؛ و «تدبیر ولایی الله»، شامل «تدبیر نظام تکوین و تشریح» می باشد.

► هیچ حادثه‌ای شکل نمی‌گیرد، مگر به اذن خدا و تحت تدبیر الهی؛ لذا، بررسی «تدبیر ولایی الله»، از الزامات اولیه مدیریت اسلامی است:

«الا له الخلق و الامر، تبارک الله رب العالمین» (اعراف/۵۴)

پس، بدون توجه و لحاظ تدبیر «رب العالمین»، سخن از «مدیریت اسلامی» برای اهل ایمان، معنای صحیحی ندارد.

و «مدیریت اسلامی»، بایستی اهداف، برنامه ریزی و عملکرد خود را در طول «تدبیر الهی»، قرار دهد.

► «سنت‌های الهی در فرد، خانواده، جامعه و تاریخ» از جلوه‌های قدرتمند تحقق اراده و تدبیر خدا، است.

بنابراین، بررسی تدبیر ولایی الله، از راه سنن، نیز، از الزامات اولیه علم به مدیریت اسلامی است.

► غالب اوصاف الهی نسبت به مخلوق، اشتراک معنوی دارد (با حفظ تمایزات خالق و مخلوق)؛

و حرکت انسان‌ها در مسیر الهی، برای رسیدن به مراتبی از خلافت الهی (مظهریت متعالی اسماء و صفات الهی)، و تخلق به اخلاق الهی، می باشد.

بنابراین تدبیر الهی، (با حفظ تمایزات شؤون الهی از شؤون انسانی)، از باب «تخلقوا باخلاق الله»، الگوی مدیریت اسلامی را برای مدیران مسلمان ترسیم می کند.

«الگوی تدبیر ولایی الله»، شامل «الگوی تدبیر نظام عالم ملک و عالم ملکوت» می باشد.

► «تدبیر الله، در عالم ملک و ملکوت»، بر حسب مراتب فرهیختگی علمی حصولی و شهودی، و میزان ولایت الهی پژوهشگران و مدیران اسلامی {مراتب سه گانه الزامات فقهی حقوقی (الزامات مسلمین)، اخلاقی (الزامات اهل ایمان) و عرفانی (الزامات اهل یقین و احسان)} قابل بهره‌برداری علمی و عملی می باشد.

# گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«با تاکید بر تبیین «بسم الله الرحمن الرحيم» و سور توحید و حمد»

## مقدمه:

الگو گیری از «نظم و نسق قرآنی»، از راهبردهای اساسی در تفکر دینی و تدوین ادبیات و اسناد دینی است؛

## توحید و حمد، سور پایه در بررسی نظام اسماء الله:

آیه «بسم الله الرحمن الرحيم» و سور «توحید و حمد» از سور پایه در این زمینه می باشد؛

چرا که بنابر منطق قرآن و روایات، «بسم الله الرحمن الرحيم»، و «سوره حمد»، خلاصه کل قرآن»، و «سوره توحید، خلاصه ثلث قرآن»، تلقی شده است:

«يا ايها الملاء، انى القى اليّ كتاب كريم: انه من سليمان؛ و انه بسم الله الرحمن الرحيم ...» (نمل/۲۹-۳۰)

«في مهج الدعوات باسنادنا إلى محمد بن الحسن الصغار من كتاب فضل الدعاء باسناده إلى معاوية بن عمار عن الصادق عليه السلام أنه قال:

«بسم الله الرحمن الرحيم اسم الله الأكبر - أو قال : الأعظم». (نورالثقلين، ۱/۸)

«و لقد آتيناك سبعا من المثاني و القرآن العظيم» (حجر/۸۷)

«... عن الحسن ابن علي عن أبيه علي بن محمد عن أبيه محمد بن علي، عن أبيه الرضا عن آبائه عن علي عليهم السلام أنه قال سمعت رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم يقول: إن الله تبارك و تعالى قال لي:

يا محمد؛ «و لقد آتيناك سبعا من المثاني و القرآن العظيم» (حجر/۸۷)؛

فأفرد الامتنان عليّ بفاتحة الكتاب، و جعلها بإزاء القرآن العظيم ...» (نورالثقلين، ۱/ ۶)

# گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

## «با تاکید بر تبیین «بسم الله الرحمن الرحيم» و سور توحید و حمد»

«و فی کتاب التوحید باسناده إلى أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

«من قرأ قل هو الله أحد مرة واحدة فكأنما قرأ ثلث القرآن، و ثلث التوراة، و ثلث الإنجيل، و ثلث الزبور». (نور الثقلين، ۷۰۱/۵)

«في كتاب معاني الأخبار باسناده إلى الأصبع بن نباتة عن أمير المؤمنين عليه السلام حديث طويل يقول فيه عليه السلام:

«نسبة الله عز وجل، قل هو الله». (نور الثقلين، ۷۰۷/۵)

«و أخرج أبو عبيد و أحمد في فضائله و النسائي في اليوم و الليلة و ابن منيع و محمد بن نصر و ابن مردويه و الضياء في المختارة عن أبي بن كعب رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه (و آله) و سلم:

«من قرأ قل هو الله أحد، فكأنما قرأ ثلث القرآن». (الدر المنثور، ۴۱۱/۶)

➤ این ویژگی «بسم الله ...» و «سوره توحید و حمد»، بدین معنی است که:

«مرجع تمام اسماء و صفات اعظم الهی، اسماء الله مذکور در سوره «توحید و حمد» است»:

پس بایستی «نظام اسماء الله» بر محور و ظل «اسماء الله سوره توحید و حمد»، توصیف و تبیین گردد.

# گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

## «با تاکید بر تبیین «بسم الله...» و «سور توحید و حمد»

► نظام اسمایی «بسم الله الرحمن الرحيم»:

«الله»، «الرحمن»، «الرحيم» (و شديد العقاب) است.

► نظام اسمایی سوره توحید:

«قل هو الله احد؛ الله الصمد؛ لم يلد و لم يولد؛ و لم يكن له كفوا احد» (توحید/۲-۵)

«الله» و دو اسم اعظم الهی کلیدی، «احد» و «صمد» است؛

فقره "لم يلد و لم يولد و ..." تفسیری از "صمد" است که در روایات بدان تذکر داده شده است:

قال وهب بن وهب القرشي : وحدثني الصادق جعفر بن محمد ، عن أبيه الباقر عن أبيه عليهم السلام أن أهل البصرة كتبوا إلي الحسين بن علي عليهما السلام، يسألونه عن الصمد فكتب إليهم: بسم الله الرحمن الرحيم، أما بعد فلا تخوضوا في القرآن ، ولا تجادلوا فيه ، و لا تتكلموا فيه بغير علم ، فقد سمعت جدي رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم يقول : من قال في القرآن بغير علم فليتبوء مقعده من النار؛

و إن الله سبحانه قد فسر الصمد فقال: «الله أحد. الله الصمد» ثم فسره فقال: «لم يلد و لم يولد و لم يكن له كفوا أحد» (صدوق، توحید، ۹۱)

► «احدیت و صمدیت»، در تحلیل عقلی و در تفاسیر روایی، هم ناظر به «صفات ذاتی» و هم ناظر به «صفات فعلی» است؛ بنا بر این:

► «مبانی خالق شناختی»،

هم ناظر به «احدیت و صمدیت» صفات ذاتی «الله»، است.

و هم ناظر به «احدیت و صمدیت» صفات فعلی «الله»، (شؤونات الهی در نظام عوالم هستی)، است.

# گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق: «الله»: نظام اسماء الله:

## «مبتنی بر تبیین سوره توحید»

«الله»، «مستجمع جمیع صفات کمال»:

➤ ویژگی های عمومی صفات ذاتی و فعلی:

❖ احدیت:

«... ءارباب متفرقون خیر ام الله الواحد القهار» (یوسف/۳۹)

❖ صمدیت:

«یا ایها الناس انتم الفقراء الی الله و الله هو الغنی الحمید» (فاطر/۱۵)

➤ ویژگی های صفات ذاتی:

❖ حیات:

«الله لا اله الا هو الحی القيوم؛ لاتأخذه سنة و لا نوم...» (بقره/۱۵۵)

«و توکل علی الحی الذی لایموت و سبح بحمده» (فرقان/۵۸)

❖ علم:

«هو الله الذی لا اله الا هو؛ عالم الغیب و الشهادة؛ هو الرحمن الرحیم» (حشر/۲۲)

❖ قدرت:

«الله الذی خلق سبع سموات و من الارض مثلهن ینزل الامر بینهن لتعلموا ان الله علی کل شیء قدير؛ و ان الله قد احاط بكل شیء علما»  
(طلاق/۱۲)

«انی جاعل فی الارض خلیفة...» (بقره/۳۰)



# گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«احدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

➤ احدیت الهی: «متجلی در فکر و عقیده، منش و رفتار»:

❖ تجلی احدیت در کلمه توحید (فکر و عقیده):

➤ توحید در ذات و صفات الله: «حیات، علم و قدرت»:

«الله لا اله الا هو الحی القيوم...» (بقره/۲۵۵)

➤ توحید در افعال الله: «خالقیت، ربوبیت، ملوکیت (حاکمیت و مدیریت عالم) و الوهیت»:

«الله خالق کل شیء و هو علی کل شیء وکیل» (زمر/۱) / «قل اعوذ برب الناس، ملک الناس، اله الناس» (ناس/۱-۲)

❖ تجلی احدیت در توحید کلمه و عدم تفرقه (منش و رفتار): کلان راهبرد حاکم بر نظامات وجودی انسان:

«وحدت و هماهنگی در همه عرصه های تجلی نفس و عدم تفرقه»:

«و اعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا» (ال عمران/۱۰۲)

❖ تفرقه، نماد شرک (اکبر الكبائر!):

«... یا بنی لا تشرک بالله ان الشرک لظلم عظیم» (لقمان/۱۲)؛ «و لاتکونوا من المشرکین؛ من الذین فرقوا دینهم و کانوا شیعا؛ ...» (روم/۳۱-۳۲)

# گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«احدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

➤ نمادهای تشریحی احدیت الهی

❖ ده فرمان قرآنی متعالی محترم، تجلی عقلانی احدیت الهی و قدم اول مسلمانی

و زیر بنای ارزشهای فوق عقلانی اسلام:

«قل تعالوا اتل ما حرم ربکم علیکم، الا تشرکوا به شیئا و بالوالدین احسانا؛ ولا تقتلوا اولادکم من املاق؛ نحن نرزقکم و ایاهم؛ و لا تقربوا الفواحش ما ظهر منها و ما بطن؛ و لا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق؛ ذلكم وصيکم به لعلکم تعقلون»؛

«و لا تقربوا مال الیتیم الا بالتي هي احسن حتى يبلغ اشده؛ و اوفوا الکيل و الميزان بالفسط؛ لانکلف نفسا الا وسعها؛ و اذا قلتُم فاعدلوا و لو کان ذا قربي؛ و بعهد الله اوفوا؛ ذلكم وصيکم به لعلکم تذكرون»

«و ان هذا صراطی مستقيما فاتبعوه و لا تتبعوا السبل فتفرق بکم عن سبيله؛ ذلكم وصيکم به لعلکم تتقون» (انعام/۱۵۱-۱۵۲)

❖ نماز، (خصوصا نماز جماعت و جمعه)، اولین تجلی فوق عقلانی احدیت الهی:

«... و يعلمکم ما لم تكونوا تعلمون» / «... فاذکروا الله کما علمکم ما لم تكونوا تعلمون» (بقره/۱۵۱ و ۲۲۹)/ «ایاک نعبد و ایاک نستعین» (حمد/۵)

«ان هذه امتکم امة واحدة و انا ربکم فاعبدون؛ و تقطعوا امرهم بینهم؛ کل الینا راجعون» (انبیاء/۹۲-۹۳)

«یا ایها الرسل کلوا من الطيبات و اعملوا صالحا انی بما تعملون علیم؛

و ان هذه امتکم امة واحدة و انا ربکم فاتقون؛ فتقطعوا امرهم بینهم زبرا؛ کل حزب بما لديهم فرحون» (مومنون/۵۱-۵۲)

«حافظوا علی الصلوات و الصلوة الوسطی؛ و قوموا لله قانتین» (بقره/۲۲۸)

❖ کعبه، خانه معنوی بشریت، و حج ابراهیمی، نماد وحدت و هماهنگی جهانی امت اسلام و امت بشری:

«ان اول بیت وضع للناس للذی بکة مبارکا و هدی للعالمین؛

فیه آیات بینات؛ مقام ابراهیم و من دخله کان آمنا؛ و لله علی الناس حج البيت من استطاع الیه سبیلا» (ال عمران/۹۶-۹۷)

«جعل الله الکعبة البيت الحرام قیاما للناس...» (مائده/۹۷)

«و فرض علیکم حجّ بینته الحرام... جعله سبحانه و تعالی للإسلام علما...» (نہج، خ ۱، ص ۴۵)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«احدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

► احدیت الهی و مراتب وحدت (توحید کلمه):

❖ وحدت و هماهنگی در نظام وجودی:

«لا اقسام بیوم القيمة و لا اقسام بالنفس اللوامة» (قیامت/ ۱-۲) / یا ایها الذین آمنوا علیکم انفسکم؛ لا یضركم من ضل اذا اهتديتم...» (مائده/ ۱۰۵)

«یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و لتنظر نفس ما قدمت لغد و اتقوا الله...» (حشر/ ۱۸) / «اتقوا الله و كونوا مع الصادقین» (توبه/ ۱۱۹)

«افرأیت من اتخذ الهه هواه افانت تكون علیه وکیلا؛ ام تحسب ان اکثرهم یسمعون او یعقلون...» (فرقان/ ۲۳-۲۴)

❖ وحدت و هماهنگی در نظام خانواده:

«... لتسکنوا الیه؛ و جعل بینکم مودة و رحمة...» (روم/ ۲۱) / «... و الصلح خیر...» (نساء/ ۱۲۸)

❖ وحدت و هماهنگی در سازمانها و نظامات اجتماعی:

«... فاتقوا الله و اصلحوا ذات بینکم؛ و اطیعوا الله و رسوله ان کنتم مومنین» (انفال/ ۱)

❖ وحدت و هماهنگی در نظام اسلامی:

«و اعتصموا بحبل الله و لا تفرقوا...» (ال عمران/ ۱۰۳) / «ایها الذین امنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم؛ فان تنازعتم...» (نساء/ ۵۹)

❖ وحدت و هماهنگی با امت اسلام:

«انما المومنون اخوه؛ فاصلحوا بین اخویکم و اتقوا الله لعلکم ترحمون» (حجرات/ ۱۰)

❖ وحدت و هماهنگی با امت اهل کتاب:

«یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و نشرک به شیئا و لا یتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله...» (ال عمران/ ۶۴)

❖ وحدت و هماهنگی با مستضعفین عالم:

«و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان... ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم اهلها؛ و اجعل...» (نساء/ ۷۵)

# گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله: «احدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

➤ وحدت و هماهنگی با نظام ملک و ملکوت:

«الله الذي سخر لكم ما فى السموات و ما فى الارض جميعا منه؛ ان فى ذلك لآيات لقوم يتفكرون» (جاثیه/۱۳)

«... تنزل عليهم الملائكة الا تخافوا و لا تحزنوا و ابشروا بالجنة التى كنتم توعدون نحن اولياؤكم فى الحياة الدنيا و فى الآخرة...» (فصلت/۲۰-۲۱)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«احدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

► پیش نیازها و الزامات تجلی احدیت الهی در جامعه:

➤ وحدت و هماهنگی در نظام تقنین قرآن محور:

مرجعیت قرآن و سنت معصومین(ع) / استقرار نظام تقنین صالح قرآنی (تفکیک مجلس کارشناسی و مجلس تقنین):

«... الم یؤخذ علیهم میثاق الكتاب الا یقولوا علی الله الا الحق و درسوا ما فیه؛ و الدار الآخرة خیر للذین یتقون؛ افلاتتعقلون» (اعراف/۱۶۹)

➤ استقرار قانونی نظام شایسته سالار قرآن محور:

«و الذین یمسکون بالكتاب و اقاموا الصلوة انا لا نضیع اجر المصلحین... خذوا ما آتیناکم بقوة و اذکروا ما فیه لعلکم تتقون» (اعراف/۱۷۰)

➤ استقرار نظام مشورت و مشارکت اجتماعی و سازمانی قرآن محور:

«و الذین استجابوا لربهم و اقاموا الصلوة؛ و امرهم شوری بینهم؛ و مما رزقناهم ینفقون...» (شوری/۳۸)

«و ما اختلفتم فیه من شیء فحکمه الی الله» (شوری/۱۰)

➤ وحدت و هماهنگی حوزوی، کشوری و لشکری در نظام امامت و رهبری قرآنی:

«و اعتصموا بحبل الله جمیعا و لا تفرقوا...» (ال عمران/ /) «و اطیعوا الله و رسولہ و لا تنازعوا فتشلقوا و تذهب ریحکم و اصبروا...» (انفال/۲۶)

➤ استقرار نظام جامع دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر (نظام جامع بازرسی و نظارت):

«و لتکن منکم امة یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر؛ و اولئک هم المفلحون؛ و لا تكونوا کالذین تفرقوا و اختلفوا من بعد ما جاءهم البینات؛ و اولئک لهم عذاب عظیم» (ال عمران/۱۰۴-۱۰۵)

➤ وحدت و هماهنگی در نظام قضایه قرآن محور:

«انا انزلنا الیک الكتاب بالحق لتحکم بین الناس بما اریک الله؛ و لا تکن للخائنین خصیما» (نساء/۱۰۵)

➤ استقرار نظام تنبیه و پاداش مضاعف نسیت به عملکرد سلسله مراتب مدیریت نظام اسلامی:

«... من یأت منکن بفاحشة مبینة یمضیها لها العذاب ضعفین؛... و من یقنت منکن لله و رسولہ و تعمل صالحا نؤتها اجرها مرتین...» (احزاب/۳۰-۳۱)

➤ استقرار نظام تنبیه غلاظ و شداد ناقضین وحدت اجتماعی و متعرضین به حیثیت سلسله مراتب مدیریت صالح،



# گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

## «احدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

### ➤ احدیت الهی و عالم آخرت:

❖ «عالم آخرت»، تجلی گاه تمام عیار احدیت الهی (اسماء و صفات فعلی):

«مالک يوم الدين» (حمد/۴) / «يوم لا تملك نفس لنفس شيئا؛ و الامر يومئذ لله» (انفطار/۱۹)

«يوم هم بارزون؛ ...؛ لمن الملك اليوم؟! لله الواحد القهار» (غافر/۱۶)

❖ «باور به آخرت و آخرتگرایی»، موتور پیشران تحقق ارزش های الهی:

«هذا كتاب انزلناه مبارك ... و الذين يؤمنون بالآخرة يؤمنون به و هم على صلواتهم يحافظون» (انعام/۹۲) / «... فذكر بالقرآن من يخاف وعيد» (ق/۴۵)  
«وابتغ فيما آتاك الله الدار الآخرة؛ و لا تنس نصيبك من الدنيا؛ و احسن ...؛ و لا تبغ الفساد في الارض؛ ان الله لا يحب المفسدين» (قصص/۷۷)

\*توجه به «سنت اضطجاع»: اشتغال به ذکر الهی در حالت خوابیده به پهلو راست همچون میت در قبر، کمی قبل از نماز صبح بعد از ناهله صبح

تمرین امادگی اهل ایمان خصوصا مدیریت اسلامی برای سفر آخرت و ارزیابی عملکرد و حسابرسی الهی

### ➤ احدیت الهی و مراتب الزامات دینی، و جایگاه سلسله مراتب مدیریت اسلامی

❖ مراتب الزامات دینی:

➤ «اسلام»: «الزامات فقهی حقوقی»

➤ «ایمان»: «الزامات فقهی حقوقی+ حد اقل الزامات اخلاقی»

➤ «یقین (و احسان)»: «الزامات فقهی حقوقی+ حد اقل الزامات اخلاقی+ حد اقل الزامات عرفانی»

❖ «الزامات اهل ایمان»، حد اقل الزامات سلسله مراتب مدیریت اسلامی

❖ «ده فرمان»، الزامات اولیه اهل اسلام در دوره مکه، و پایه الزامات در مدینه

❖ «تداوم طهارت و تلاوت»، «اهتمام به نماز»، «ایتاء زکوة، و صبر بر عبادت، از معصیت و در مصیبت»،  
الزام اولیه عموم اهل ایمان و خصوصا سلسله مراتب مدیریت اسلامی

❖ «ده فرمان» و پیوست محرمان اولیه غذایی:

«قل لا اجد فی ما اوحی الی محرما علی طاعم... الا ان یکون میتة او دما مسفوحا او لحم خنزیر، فانه رجس او فسقا اهل لغير الله به؛...» (انعام/۱۴۵)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«احدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

▪ احدیت اعتقادی (توحید در اسماء و صفات الهی)، و سلوک مدیریت اسلامی:

(۱) سلوک شخصی:

➤ اهل عشق به خدا و انس به خلوت مستمر و مناجات با خدا و تلاوت قرآن:

«انما المومنون الذين اذا ذكر الله وجلت قلوبهم و اذا تليت عليهم آياته زادتهم ايمانا و على ربهم ينوكلون» (انفال/۲)

➤ اهل تواضع و فروتنی و دوری از منیت و خود خواهی و عجب و غرور:

«اذلة على المومنين...» (مائده/۵۴)

➤ زهد به دنیا و مراقبت از امور، موقعیتها و مصرف شبهه ناک:

«يا ايها الرسل كلوا من الطيبات و اعملوا صالحا...» (مومنون/۵۱) / «... لكيلا تأسوا على ما فاتكم و لا تفرحوا بما آتاكم...» (حدید/۲۳)

«و لاتمدن عينيك الى ما متعنا به ازواجنا منهم زهرة الحياة الدنيا لنتفتم فيه و رزق ربك خير و ابقى» (طه/۱۳۱)

➤ اهل محاسبه نفس و نقد جدی خود و طالب مستمر عفو و غفران و رحمت خدا:

«يا ايها الذين آمنوا عليكم انفسكم؛ لا يضرکم من ضل اذا اهتديتم؛ الى الله مرجعکم فينبئکم بما كنتم تعملون» (مائده/۱۰۵)

«لا اقسام بيوم القيمة و لا اقسام بالنفس اللوامة...» (قيامت/۱-۲)

«يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله و لتنظر نفس ما قدمت لغد و اتقوا الله ان الله خير بما تعملون؛ و لا تكونوا كالذين نسوا الله فانسيهم انفسهم اولئك هم الفاسقون» (حشر/۱۸-۱۹)

«و اذکر ربک فی نفسک تضرعا و خيفة و دون الجهر من القول بالغدو و الاصال و لاتکن من الغافلين» (اعراف/۲۰۵)

➤

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«احدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

➤ احدیت اعتقادی (توحید در اسماء و صفات الهی)، و سلوک مدیریت اسلامی:

(۲) سلوک اجتماعی و سازمانی:

➤ جلوه گاه توحید و یاد خدا و عشق به آخرت:

«عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد البرقي، عن شريف بن سابق، عن الفضل ابن أبي قرة، عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

قال رسول الله صلى الله عليه و آله: قالت الحواريون لعيسى: يا روح الله! من نجالس؟

قال: من يذكركم الله رؤيته؛ و يزيد في علمكم منطقه و يرغبكم في الآخرة عمله» (كافي، ۱ / ۳۹)

➤ اخلاص در فکر و نیت و عمل، و دوری از خود نمایی و ریاکاری

➤ دیدن ارزشهای اصیل دیگران و قدر شناسی مناسب از آنان:

«و الى مدین اخاعم شعيبا قال يا قوم ... فافوا الكيل و الميزان و لا تبخسوا الناس اشياءهم...» (اعراف/۸۵)

«ويل للمطففين الذين اذا اکتالوا على الناس يستوفون و اذا کالوهم او وزنوهم يخسرون ...» (مطففين/۱-۲)

➤ عشق به حقیقت و تشنه دانش کارگشا:

«قال له موسى: هل اتبعك على ان تعلمني مما علمت رشدا» (كهف/۶۶)

«وقفوا اسماعهم على العلم النافع لهم...» (ع): (خطبه متقین، ۱۹۳)

➤ اهل مشورت مستمر و دوری از استبداد رای:

«و شاورهم في الامر» آل عمران/ / «و امرهم شوری بینهم» (شوری/۲۸)

➤ اهل رسیدگی به احوال نیازمندان (فقراء و مساکین، ایتام و ...):

«فآت ذا القربى حقه و المسکین و ابن السبل؛ ذلك خير للذين يريدون وجه الله؛ و اولئك هم المفلحون» (روم/۲۸)

# گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

## «احدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

➤ عشق و رحمت، و فروتنی و نرمش با اهل توحید و مقابله سخت نفوذ ناپذیر با دشمنان خدا:

«... اذلة على المومنين و اعزة على الكافرين...» (مائده/۵۴) / «... اشداء على الكفار و رحماء بينهم...» (فتح/۲۹)

➤ اهل توکل بر خدا و عدم واهمه از غیر خدا و قاطعیت و صلابت در بیان و دفاع از حق و عمل به آن:

«و على الله فليتوكل المؤمنون» (ابرهیم/ ) / «... يجاهدون في سبيل الله و لا يخافون لومة لائم...» (مائده/۵۴)

«الذين يبلغون رسالات الله و يخشونه و لا يخشون احدا الا الله و كفى بالله حسيبا» (احزاب/۳۹)

«سألت الرضا ( عليه السلام ) فقلت له: جعلت فداك، ما حد التوكل؟ فقال لي: أن لا تخاف مع الله أحدا» (امالی صدوق، ص ۳۱۱)

➤ ...

## ➤ وحدت و هماهنگی مبتنی بر احدیت، و سلوک مدیریت اسلامی:

❖ پرچمداری حفظ وحدت و انسجام اجتماعی، سازمانی، ملی، منطقه ای و بین المللی، مبتنی بر ارزشهای انسانی و اسلامی:

➤ حمایت از وحدت و مبارزه با نماد های تفرقه و اختلاف افکنی

سیره امیر مومنان (ع) بعد از سقیفه برابر ابوسفیان و دارودسته بنی امیه

➤ سعه صدر در مواجهه فرهنگی با مخالفین و تلاش وافر برای حفظ وحدت:

سیره امیر مومنان (ع) در مواجهه با اصحاب سقیفه، حمل، معاویه و خوارج

➤ تحمل و پرداخت هزینه های حفظ وحدت و انسجام اجتماعی و سازمانی:

مدارای دردآور فوق انتظار با اصحاب سقیفه (خلفای ثلاث)، و جنگ خونین با وحدت شکنان متجاوز

سیره امام خمینی ره: «اینجانب با تمام طاقت، در حصول وحدت همه اقشار ملت مسلمان کوشش کرده و می‌کنم، و از خداوند متعال در این امر بسیار مهم، که هستی ملت بدان پیوسته است، استمداد می‌نمایم». (صحیفه امام؛ ج ۲؛ ص ۲۲۸، نجف، ۱ شهریور ۱۳۵۷)

❖ جذب حداکثری مبتنی بر ارزشهای ثابت الهی، و دفع حداقلی

❖ ...



گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«احدیت الهی» و نمونه رهنمود های مدیریتی

► جلوه هایی از تجلی «احدیت» فعلی در سیره مدیریتی انبیاء و اولیاء الهی:

❖ **سیره مدیریتی حضرت ابراهیم (ع) در برابر نظام شرک:**

«قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ:

إِنَّا بَرَاءٌ مِنْكُمْ وَ مِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَ بَدَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَ الْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ؛

إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَ مَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ؛

رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَ إِلَيْكَ أُنَبَّا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ؛ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ؛

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ مَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (ممتحنه ۴-۶)

❖ **سیره مدیریتی پیامبر اسلام، در آغاز جنگ با مشرکان:**

أَذِنَ لِلَّذِينَ يُفَاتِلُونَ بَاتِهِمْ ظُلْمًا وَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ ( ۳۹ )

الَّذِينَ أَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ؛ وَ لَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسِ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدِمَتْ صَوَامِعُ وَ بِيَعُ وَ صَلَوَاتُ وَ مَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمَ اللَّهِ كَثِيرًا وَ لِيَنْصُرَنَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ( ۴۰ )

الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ ( ۴۱ )

❖ **سیره امیرمومنان (ع) در جنگ جمل:**

«... المقدام بن شريح بن هاني عن أبيه قال : إن أعرابيا قام يوم الجمل إلى أمير المؤمنين عليه السلام فقال:

يا أمير المؤمنين أتقول : ان الله واحد؟ قال:

فحمل الناس عليه و قالوا : يا أعرابي أما ترى ما فيه أمير المؤمنين من تقسم القلب؟

فقال أمير المؤمنين عليه السلام : دعوه فان الذي يريده الاعرابي هو الذي نريده من القوم ،...» (توحيد صدوق، ۸۳؛ نور الثقلين، ۵ / ۷۰۹)



# گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله: «احدیت الهی» و نمونه رهنمود های مدیریتی

► .. جلوه هایی از تجلی «احدیت» فعلی در سیره مدیریتی انبیاء و اولیاء:

## ❖ سیره مدیریتی اصحاب کهف:

«نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْنَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَرِذْنَاهُمْ هُدًى؛  
وَ رَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُو مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذَا شَطَطًا» (كهف/۱۳-۱۴)

## ❖ سیره مدیریتی اهل ایمان:

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ  
نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَ لَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَ لَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ؛ نُزِّلًا مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ» (فصلت/۳۰-۳۲)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«احدیت الهی» و نمونه رهنمود های مدیریتی

➤ جلوه های اشکار و پنهان از حفظ وحدت اجتماعی مبتنی بر «احدیت»

در سیره مدیریتی انبیاء و اولیاء:

❖ سیره مدیریتی حضرت هارون (ع) در برخورد با گوساله پرستان: (صلاحیت رهبری و وحدت ارتدادی امت)

قَالَ يَا هَارُونُ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا؛ أَلَا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي؛ قَالَ يَا ابْنَ أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي؛

إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي (طه/ ۹۲-۹۴)

❖ سیره مدیریتی حضرت امیر مومنان(ع) در برخورد با اصحاب سقیفه:

«و من کلام له عليه السلام لما عزموا على بيعة عثمان: لقد علمتم اني اُحق الناس بها من غيري .

و و الله لأسلمن ما سلمت أمور المسلمين؛

و لم يكن فيها جور إلا علي خاصة التماسا لأجر ذلك و فضله، و زهدا فيما تنافستموه من زخرفه و زبرجه» (نهج، خ/ ۷۴)

➤ نمونه های اشکار و پنهان تعارض وحدت اجتماعی با «احدیت» در سیره مدیریتی انبیاء و اولیاء:

❖ سیره مدیریتی امام حسین(ع) با فتنه یزید: (همراهی امت غافل مرعوب با رهبری مرتد):

«... و یزید فاسق شارب الخمر و قاتل النفس؛ و «مثلی لایبایع مثله» ... قال(مروان) : اني امرک ببيعة یزید فإنه خیر لك في دینک و دنیاک!

فقال عليه السلام : إنا لله و إنا إليه راجعون؛ و على الإسلام السلام! إذ قد بليت الأمة براع مثل یزید

(الفتوح، ۵ / ۱۷، انساب الاشراف، بلاذری، ترجمه الحسين(ع)، ۱۶۶)

❖ سیره مدیریتی حضرت امام خمینی ره در مقابل محمد رضا پهلوی:

«سخنرانی امام ره در مورد تصویب کاپیتولاسیون» ۴ ابان ۱۳۴۳ قم، «مباحثه حضرت امام ره با مرحوم آقای حکیم» ۲۷ مهرماه ۱۳۴۴، نجف.

# گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

## «صمدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

### ➤ صمدیت الهی:

#### ❖ بی نیازی ذاتی:

«حدثنا أبي رحمه الله ، قال : حدثني سعد بن عبد الله ، قال : حدثنا محمد ابن عيسى بن عبيد ، عن يونس بن عبد الرحمن ، عن الربيع بن مسلم ، قال : سمعت أبا الحسن عليه السلام و سئل عن الصمد فقال : الصمد الذي لا جوف له» (صدوق، توحيد، ۹۳)

#### ❖ بی نیازی از غیر :

الله الصمد؛ لم يلد و لم يولد؛ و لم يكن له كفوا احد» (توحيد/۲-۵)

#### ❖ مرجعیت رفع نیاز غیر:

«حدثنا علي بن أحمد بن محمد بن عمران الدقاق رحمه الله، قال: حدثنا محمد بن يعقوب، عن علي بن محمد، عن سهل بن زياد، عن محمد بن الوليد و لقبه شباب الصيرفي، عن داود بن القاسم الجعفري،

قال: قلت لأبي جعفر عليه السلام: جعلت فداك، ما الصمد؟ قال: السيد المصمود إليه في القليل و الكثير». (صدوق، توحيد، ۹۴)

#### ❖ فرمانروایی محبوب عالم:

«قال الباقر عليه السلام : الصمد السيد المطاع الذي ليس فوقه أمر و ناه». (همو، همان، ۹۰)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«صمدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

صمدیت الهی و رهنمودهای مدیریتی:

❖ اصل اول: توکل بر خدا و استمداد از او:

«... و من يتوكل على الله فهو حسبه؛ ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شىء قدرا» (طلاق/۳)

«و توکل علی الحی الذی لایموت و سیح بحمده ...» (فرقان/۵۸)

❖ اصل دوم: تلاش و همت مستقل در کسب روزی:

«الكاد لعیاله كالمجاهد فی سبیل الله» (کافی، ۵ / ۸۸)

❖ اصل سوم: عزت نفس و بی نیازی از غیر، حتی خوبان، پرهیز از تملق و مذمت غیر:

«ما اكل احدكم طعاما قطّ خيرا من عمل يده» (ص): (کافی، ج ۸)

«الحسین بن محمد بن عامر، عن معلى بن محمد، عن صالح بن أبي حماد، جميعا عن الوشاء، عن أحمد بن عائذ، عن أبي خديجة سالم بن مكرم، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): **من سألنا أعطينا و من استغنى أغناه الله**» (کافی، ۲ / ۱۳۸)

«اللَّهُمَّ صُنْ وَجْهِي بِالْبَيْسَارِ وَ لَا تَبْدُلْ جَاهِي الْإِفْتَارِ فَاسْتَرْزُقْ طَالِبِي رِزْقِكَ وَ اسْتَعْطِفْ شِرَارَ خَلْقِكَ - وَ ابْتَلِي بِحَمْدِي مَنْ أَعْطَانِي وَ أَفْتِنِ بِذَمِّ مَنْ مُنَعَنِي وَ أَنْتَ مِنْ وَرَاءِ ذَلِكَ كُلِّهِ وَ لِي الْإِعْطَاءُ وَ الْمَنْعُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (نهج، خ ۲۲۵، ص ۲۲۸)

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ صُنْ وَجْهِي بِالْبَيْسَارِ، وَ لَا تَبْدُلْ جَاهِي بِالْإِفْتَارِ فَاسْتَرْزُقْ أَهْلَ رِزْقِكَ، وَ اسْتَعْطِفْ شِرَارَ خَلْقِكَ، فَافْتِنِ بِحَمْدِي مَنْ أَعْطَانِي، وَ ابْتَلِي بِذَمِّ مَنْ مُنَعَنِي، وَ أَنْتَ مِنْ دُونِهِمْ وَ لِي الْإِعْطَاءُ وَ الْمَنْعُ» امام سجاد (ع): (صحیفه، دعای مکارم الاخلاق: دعای ۲۰)



# گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

## «صمدیت الهی» و رهنمود های مدیریتی

❖ اصل چهارم: ضرورت حفظ عزت نفس، و پرهیز از ابراز نیاز به تبهکاران و بی دینان و منت کشی آنان، و بالعکس، ابراز نیازمندی به خدا و بندگان خوب خدا:

«عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد بن خالد، عن علي بن حسان، عن حدثه، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال:

ما أقبح بالمؤمن أن تكون له رغبة تذله. «ما أقبح ان تكون في مومن رغبة تذله» (كافي، ٢ / ٣٢٠)

«علي بن إبراهيم عن أبيه عن عثمان بن عيسى عن عبد الله بن مسكان عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن الله تبارك وتعالى فوض إلى المؤمن كل شئ إلا ادلال نفسه» (كافي، ٥ / ٦٣)

«محمد بن الحسين عن إبراهيم بن إسحاق الأحمر عن عبد الله بن حماد الأنصاري عن عبد الله بن سنان عن أبي الحسن الأحمسي عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن الله عز وجل فوض إلى المؤمن أموره كلها و لم يفوض إليه ان يكون ذليلا اما تسمع قول الله تعالى يقول: «و لله العزة و لرسوله و للمؤمنين» فالمؤمن يكون عزيزا و لا يكون ذليلا؛

ثم قال: إن المؤمن أعز من الجبل ان الجبل يستقل منه بالمعاول و المؤمن لا يستقل من دينه بشئ» (كافي، ٥ / ٦٣؛ تهذيب، ٦ / ١٧٩)

«... و هَبْ لِي الْأُنْسَ بِكَ و بِأَوْلِيَايِكَ و أَهْلِ طَاعَتِكَ؛ و لَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ و لَا كَافِرٍ عَلَيَّ مِنَّةً، و لَا لَهُ عِنْدِي يَدًا، و لَا بِي إِلَيْهِمْ حَاجَةٌ، بَلِ اجْعَلْ سَكُونَ قَلْبِي و أَنْسَ نَفْسِي و اسْتِغْنَائِي و كِفَايَتِي بِكَ و بِخِيَارِ خَلْقِكَ» امام سجاد (ع): (صحيفه، دعای ٢١)

## ❖ اصل پنجم: نهی شدید از سربرار دیگران شدن:

«عدة من أصحابنا، عن أحمد بن أبي عبد الله، عن أبي الخزرج الأنصاري، عن علي بن غراب، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال:

قال رسول الله (صلى الله عليه و آله) : ملعون ملعون من ألقى كله على الناس، ملعون ملعون من ضيع من يعول» (كافي، ٤ / ١٢)

«محمد بن يحيى، عن محمد بن الحسين، عن عبد الرحمن بن محمد الأسدي، عن سالم بن مكرم، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: اشتدت حال رجل من أصحاب النبي (صلى الله عليه وآله) فقالت له امرأته، لو أتيت رسول الله (صلى الله عليه وآله) فسألته فجاء إلى النبي (صلى الله عليه وآله) فلما رآه النبي (صلى الله عليه وآله) قال: «من سألتنا أعطيناها و من استغنى أغناه الله»، فقال الرجل: ما يعني غيري فرجع إلى امرأته فأعلمها، فقالت: إن رسول الله (صلى الله عليه وآله) بشر فأعلمه؛ فأتاه فلما رآه رسول الله (صلى الله عليه وآله) قال: «من سألتنا أعطيناها و من استغنى أغناه الله»، حتى فعل الرجل ذلك ثلاثا ثم ذهب الرجل فاستعار معولا ثم أتى الجبل، فصعده فقطع حطبا، ثم جاء به فباعه بنصف مد من دقيق فرجع به فأكله، ثم ذهب من الغد، فجاء بأكثر من ذلك فباعه، فلم يزل يعمل و يجمع حتى اشترى معولا، ثم جمع حتى اشترى بكرين و غلاما ثم أترى؛ حتى أيسر فجاء إلى النبي (صلى الله عليه وآله) فأعلمه كيف جاء يسأله و كيف سمع النبي (صلى الله عليه وآله) فقال النبي



گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«صمدیت الهی» و نمونه رهنمود های مدیریتی

➤ جلوه هایی از تجلی «صمدیت» در سیره مدیریتی انبیاء و اولیاء:

"و لَكِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ جَعَلَ رُسُلَهُ أُولِي قُوَّةٍ فِي عَزَائِمِهِمْ ... مع قناعة تملأ القلوب و العيون غنى"؛ علی (ع)، (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۷ ص ۲۹۲)

❖ بی نیازی از دشمن در اقتصاد مقاومتی حضرت موسی (ع):

«وَ إِذْ قُلْتُمْ: يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ! فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَ قِنَائِهَا وَ قُومِهَا وَ عَدَسِهَا وَ بَصَلِهَا؛

قَالَ: أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ؟! اهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَا سَأَلْتُمْ؛

وَ ضَرَبْتَ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةَ وَ الْمَسْكَنَةَ وَ بَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ؛ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ يَفْتُلُونَ النَّبِيِّينَ ... ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ» (بقره/۶۱)

«... وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَتَهُمْ وَ ظَلَلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّاءَ وَ السَّلْوَكَ كُلُّوا مِنَ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ مَا ظَلَمُونَا وَ لَكِنَّ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (اعراف/۱۶۰)

«يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ وَ وَاعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَ السَّلْوَكَ؛

كُلُّوا مِنَ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ لَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَ مَنْ يَحِلِّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ» (طه/۸۰-۸۱)

❖ تذکر به تجربه های موفق کشورهای دیگر:

➤ ریاضت اقتصادی چند ده ساله، و خود تحریمی ۱۰ ساله چین (افزایش تولید با ساعات کار بیشتر، درآمد و مصرف کمتر!)

➤ ریاضت اقتصادی ژاپن بعد از جنگ جهانی دوم (افزایش تولید با ساعات کار بیشتر، درآمد و مصرف کمتر!)

➤ ریاضت اقتصادی آلمان بعد از جنگ جهانی دوم (افزایش تولید با ساعات کار بیشتر، درآمد و مصرف کمتر!)

➤ ریاضت اقتصادی در احیاء شرکت کرایسلر (افزایش تولید با ساعات کار بیشتر، با ثلث درآمد گذشته!)

... ➤

# گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

## «صمدیت الهی» و نمونه رهنمود های مدیریتی

❖ سیره پیامبر اسلام(ص) و مومنین در شعب ابی طالب در برابر محاصره اقتصادی و بایکوت اجتماعی:

➤ وضعیت شعب در گزارش امیر مومنان (ع):

«خویشان ما (قبیله قریش) بر این شدند که پیامبر ما را بکشند و نسل ما را براندازند. درباره ما تصمیم گرفتند و ستمها روا داشتند. خواروبار از ما قطع کردند و آب گوارا از ما بازگرفتند و ما را در جایگاه بیم و هراس نشانند و جاسوسها بر ما گماشتند و ما را ناچار ساختند تا در میان کوهی ناهموار پناه جویم و بدین اکتفا نکرده جنگ علیه ما افروختند و پیمان نامه در میان خود علیه ما نوشتند بدین مضمون که:

▪ با ما هم خوراک نشوند و با ما آب ننوشند؛

▪ و با ما وصلت و ازدواج نکنند؛

▪ و خرید و فروش نمایند؛

▪ و از آنان در امان نباشیم تا اینکه **محمد(ص)** را در اختیار آنان نهیم تا اینکه وی را بکشند و جسدش را مثله [=قطعه قطعه] کنند.

جز در موسم **حج** و **عمره** ما **بنی هاشم** از امنیت برخوردار نبودیم. اما **مشیت خداوند** درباره ما چنین قرار گرفت که ما با تمام وجود از آن حضرت دفاع کنیم. و پروانه وار شمع وجودش را طواف نماییم و با شمشیرهای خود شب و روز از او حمایت کنیم. مومنانمان به انگیزه نیل به پاداش پروردگار و کافرانمان به منظور دفاع از حریم قوم و تبار از وجود مقدس وی حمایت می کردند.» علی (ع):

(شوشتری، بهج الصباغه، ۱۲۷۶ش، ج۲، ص۲۵۵، به نقل از نصر بن مزاحم، وقعه صفین)

➤ سیره و ابتلائات حضرت یوسف (ع)، از الگوهای الهی برای پیامبر و یاران در دوره محاصره:

«نزول سوره یوسف (ع) در دوره شب ابی طالب»

(مدت محاصره: محرم سال هفتم بعثت تا رجب سال دهم)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«صمدیت الهی» و نمونه رهنمود های مدیریتی

■ جلوه هایی از تجلی «صمدیت» در سیره مدیریتی انبیاء و اولیاء:

❖ سیره پیامبر(ص) و مومنین در برابر محاصره اقتصادی و نظامی جنگ احزاب:

➤ اوضاع سخت مسلمانان:

«مسلمانان از پشت سر خود (داخل مدینه) از جانب بنی قریظه در مورد خانواده هایشان ایمنی نداشتند و نیز از مقابل، با سپاه انبوه مشرکان که هر چندگاه از قسمت های تنگ خندق می گذشتند، درگیر می شدند، دچار هراس زیادی شدند». (واقدی، المغازی، ۱۹۶۶م، ج ۲، ص ۴۶۴-۴۷۴)

قرآن وحشت مسلمانان و بدگمانی آنان به وعده های خداوند را کاملا وصف کرده است. (طبری، ۱۲۲۰، ج ۱۰، ص ۲۷۰-۲۶۴):

«اذجاؤوكم من فوقكم و من اسفل منكم؛ و اذ زاغت الابصار و بلغت القلوب الحناجر و تظنون بالله الظنونا؛ هنالك ابتلى المومنون و زلزلوا زلزالا شديدا؛ و اذ يقول المنافقون و الذين في قلوبهم مرض ما وعدنا الله و رسوله الا غرورا (احزاب/ ۱۰-۱۲)

این ترس به گونه ای بود که مُعْتَب بن قُشَیر، از منافقان، گفت: محمد به ما وعده گشایش قصرهای کسری و قیصر را می داد، در حالی که اکنون کسی برای قضای حاجت هم جرات بیرون رفتن ندارد. (یعقوبی، ج ۲، ص ۵۱؛ طبری، تاریخ، ج ۲، ص ۵۷۲؛ سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۲۲۳)

نقض عهد بنی قریظه، سرماي شدید، قحطی و گرسنگی و فشار بر مسلمانان به اوج خود رسید. ابن هشام، ج ۲، ص ۲۲۳.

قرآن نیز ضمن آوردن آیاتی به این مطلب اشاره کرده است. (واقدی، المغازی، ۱۹۶۶م، ج ۲، ص ۴۹۵):

«ام حسبتم ان تدخلوا الجنة و لما ياتكم مثل الذين خلوا من قبلكم؛ مستهم البأساء و الضراء و زلزلوا حتى يقول الرسول و الذين آمنوا:

متى نصر الله؟؛ الا ان نصر الله قريب» (بقره/ ۲۱۴)

➤ سیره پیامبر(ص) و مومنین:

«لقد كان لكم في رسول الله اسوة حسنة ...»

«من المومنين رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه و منهم من قضى نحبه و منهم من ينتظر و ما بدلوا تبديلا» (احزاب ۲۱-۲۳)

«الآن نغزوهم و لا يغزوننا» (ص): (صحيح بخارى، ۵ / ۲۸؛ حليه الاولياء، ۴ / ۳۴۵)

مسلمانان روز و شب در سرما و گرسنگی شدید به نوبت از خندق پاسداری می کردند. (واقدی، المغازی، ۱۹۶۶م، ج ۲، ص ۴۶۵، ۴۶۸)

معجزاتی از رسول خدا(ص) درباره سیرکردن مسلمانان نقل شده است. (ابونعیم اصفهانی، دلائل النبوة، ۱۳۹۷ق، ص ۴۳۳)

# گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله: «صمدیت الهی» و نمونه رهنمود های مدیریتی

## ❖ صمدیت و فشار اقتصادی مومنین:

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَ لَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا!  
تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» (نساء / ۹۴ )

«يا ايها الذين آمنوا انما المشركون نجس؛ فلا يقربوا المسجد الحرام بعد عامهم هذا؛

و ان خفتم عيلة فسوف يغنيكم الله من فضله ان شاء؛ ان الله عليم حكيم» (توبه/۲۸)

## ❖ جلوه لطيف صمدیت در سیره جناب سلمان:

«دعا سلمان ابا ذر "ره" ذات يوم إلى ضيافة فقدم إليه من جرابه كسرة يابسة و بلها من ركوته؛ فقال أبو ذر:

ما أطيب هذا الخبز، لو كان معه ملح؛ فقام سلمان و خرج و رهن ركوته بملح و حمله إليه؛ فجعل أبو ذر يأكل ذلك الخبز و يذر عليه ذلك الملح و يقول:

الحمد لله الذي رزقنا هذا القناعة؛ فقال سلمان: «لو كانت قناعة لم تكن ركوتي مرهونة!»

امام جواد از پدران معصوم از امام سجاد (ع): (عيون اخبار الرضا، صدوق، ۲ / ۵۸؛ بحار، ۲۲ / ۲۲۱)



گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»:

اسماء الله محور و فراگیر در افعال الهی: «الله، رحمن، رحیم»

► نگرشی اجمالی بر ویژگی های سوره حمد:

«بسم الله الرحمن الرحيم»

«الحمد لله رب العالمين؛ الرحمن الرحيم؛ مالك يوم الدين» (حمد/۱-۴)

«اياك نعبد و اياك نستعين» (۵)

اهدنا الصراط المستقيم» (۶)

«صراط الذين انعمت عليهم غير المغضوب عليهم، و لا الضالين» (۷)

❖ اسامی با مسماى سوره:

حمد، فاتحة الكتاب، ام الكتاب، سبعا من المثاني...

❖ سوره حمد خلاصه كل قرآن:

«بسم الله ...» خلاصه سوره حمد، «سوره حمد»، خلاصه قرآن:

«و لقد آتيناك سبعا من المثاني و القرآن العظيم» (حجر/)

❖ حاوی اسم اعظم الهی:

«و عن جعفر بن محمد (عليهما السلام)، أنه قال: من قرأها - يعني سورة الفاتحة - فتح الله عليه خير الدنيا و الآخرة ،

و قال (ع): ان اسم الله الأعظم مقطع في هذه السورة». (مستدرک الوسائل، نوری، ۴ / ۲۳۰)





گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»: اسماء الله محور و فراگیر در افعال الهی: «الله، رحمن، رحیم»

«بسم الله الرحمن الرحيم»

«الحمد لله رب العالمين؛ الرحمن الرحيم؛ مالك يوم الدين» (حمد/ ۱-۵)

❖ «الله»: اسم اعظم الهی، مستجمع جميع صفات:

➤ خالق هستی:

«الله خالق كل شيء و هو على كل شيء وكيل» (زمر/ ۶۲)

➤ رب العالمين:

«ربنا الذي اعطى كل شيء خلقه ثم هدى» (طه/ ۵۰).

❖ «الرحمن»:

➤ اسم اعظم مختص الله:

«قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن؛ ايا ما تدعوا فله اسماء الحسنی...» (اعراف/ )

➤ رحمت ابتدایی فراگیر:

ناظر به نحوه ربوبیت در «نظام خلقت و هدایت» :

«الرحمن على العرش استوى» (طه/ ۵)/ «و رحمتی وسعت كل شيء...» (اعراف/ ۱۵۶)

❖ «الرحيم»: رحمت پاداشی:

«هو الذي يصلى عليكم و ملائكته ليخرجكم من الظلمات الى النور و كان بالمؤمنين رحيمًا» (احزاب/ ۲۳)/ «و سأكتبها للذين يتقون و يؤتون الزكوة و الذين هم بآياتنا يؤمنون» (اعراف/ ۱۵۶)

«لئن شكرتم لازيدنكم و لئن كفرتم، ان عذابي لشديد»/ «نبئ عبادى انى انا الغفور الرحيم؛ و ان عذابي هو العذاب الاليم» (حجر/ ۴۹-۵۰)

❖ مالك يوم الدين: (غضب مستتر: شديد العقاب بودن)

«و ما ادريك ما يوم الدين ثم ما ادريك ما يوم الدين؛ يوم لا تملك نفس لنفس شيئا و الامر يومئذ لله» (انفطار/ )

«... و كان (على بن الحسين عليه السلام) إذا قرأ "مالك يوم الدين" يكررها حتى كاد أن يموت». (كافى، ۲/ ۶۰۲)

**گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:**  
**«مبتنی بر تبیین سوره حمد»: اسماء الله محور و فراگیر در افعال الهی: «الله، رحمن، رحیم»**

➤ **رحمانیت و رهنمود های مدیریتی:**

❖ **مدیریت رحمانی، حاکم بر عالم هستی:**

«قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن؛ ایا ما تدعوا فله اسماء الحسنی...» (اسراء/۱۱۰)/«الرحمن على العرش استوی» (طه/۵)

❖ **رحمت شامل بر بندگان خدا {انفس(مسلمان و غیرمسلمان) و آفاق(ملک و ملکوت: جماد، نبات، حیوان، جن و ملک):**

«و رحمتی وسعت کل شیء...» (اعراف/۱۵۶)/ «ربنا وسعت کل شیء رحمة و علما؛ فاغفر للذین تابوا و اتبعوا سبیلک...» (غافر/۷)

«الله الذی سخر لكم البحر... و سخر لكم ما فی السموان و الارض جمیعا منه؛ ان فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون» (جاثیه/۱۲-۱۳)

«و الی ثمود اخاهم صالحا قال یا قوم اعبدوا الله ما لکم من اله غیره؛ هو انشأکم من الارض و استعمرکم فیها فاستغفروه ثم توبوا الیه؛

ان ربی قریب مجیب» (هود/۶۱)

«اتقوا الله فی عبادته و بلاده؛ فانکم مسئولون حتی عن البقاع و البهائم» علی (ع): (نهج، خ ۱۶۷)

❖ **تخریب زمین و تباهی منابع انسانی و محیط زیست، نماد مدیریت شیطانی مدعی ارزش های انسانی معنوی:**

«و من الناس من یعجبک قوله فی الحیوة الدنیا و یشهد الله علی ما فی قلبه و هو الذی خصام؛ اذا تولى سعی فی الارض لیفسد فیها و یهلك الحرث و النسل؛ و الله لا یحب الفساد» (بقره/۲۰۵)

❖ **پیمانهای بین المللی محیط زیست و مدیریت رحمانی:**

(پیمان کیوتو، پاریس، گلاسکو و ...)

❖ **جامعیت در رفع نیاز مادی و معنوی، و اصالت و اولویت معنویات بر مادیات:**

«الرحمن علم القرآن خلق الانسان علمه البیان» (الرحمن/۱-۴)

❖ **مقدمیت مادیات جهت تحقق معنویات:**

«و ابتغ فیما آتیک الله الدار الآخرة و لا تنس نصیبک من الدنیا...» (قصص/۷۷)

**گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:**

**«مبتنی بر تبیین سوره حمد»: اسماء الله محور و فراگیر در افعال الهی: «الله، رحمن، رحیم»**

➤ **ادامه مبحث «رحمانیت و رهنمود های مدیریتی»:**

❖ **تکریم در رحمانیت (نظام تکوین و نظام هدایت):**

«یا ایها الانسان ما غرک بربک الکریم الذی خلقک فسویک فعدلک ...» (انفطار/ /) «اقراً و ربک الاکرم الذی علم بالقلم؛ علم الانسان ...» (علق/ ۱-۵)

❖ **ترجیح معنویات بر مادیات:**

«و الذین تبوءوا الدار و الایمان ...؛ یحبون من هاجر الیهم ... و یؤثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصة و من یوق شح نفسه فاولئک هم المفلحون» (حشر/ ۹)

«یا ایها الذین آمنوا انما المشرکون نجس فلا یقربوا المسجد الحرام ...؛ و ان خفتم عیلة فسوف یغنیکم الله من فضله ان شاء؛ ان الله علیم حکیم» (توبه/ ۲۸)

❖ **رعایت اقتضات و مصلحتها:**

«الله لطیف بعباده یرزق من یشاء و هو القوی العزیز» (شوری/ ۱۹) «و لو بسط الله الرزق لعباده لبغوا فی الارض؛ ...» (شوری/ ۲۷)

❖ **بلاء، پیک ویژه رحمت خدا:**

«و لنبلونکم بشیء من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات؛ فبشر الصابرین... اولئک علیهم صلوات و رحمة؛ و ...» (بقره/ ۱۵۵)

❖ **مدیریت رحمانی، و التزام به پیوست اخلاقی در رعایت الزامات فقهی حقوقی:**

«ان الله یأمر بالعدل و الاحسان؛ و ایتاء ذی القربی و الیتامی، و ینهی عن الفحشاء و المنکر و البغی؛ یعظکم لعلکم تذكرون» (نحل/ ۹۰)

❖ ...

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»

➤ **نظام پاداش و تنبیه رحمانی در دنیا (رحیمیت و شدت عقاب) و رهنمودهای مدیریتی:**

❖ **فوریت بازخورد گرایشی و منشی عملکرد نیک و بد (نظام عکس العمل):**

«قل کل يعمل علی شاکلته...» (اسراء/۸۲)/ «لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون...» (آل عمران/۹۲) / «... و من یبخل فانما یبخل عن نفسه...» (محمد/۲۸) / «... و ما یخدعون الا انفسهم و ما یشعرون» (بقره/۹) / «... و ما یضلون الا انفسهم و ما یشعرون» (آل عمران/۶۹) / «... و ان یهلكون الا انفسهم و ما یشعرون»؛ «... و ما یمكرون الا بانفسهم و ما یشعرون» (انعام/۲۶ و ۱۲۲)

❖ **قطعیت در پاداش و «عفو و غفران» و «تانی (درنگ)» در تنبیه:**

«لئن شکرتم لازیدنکم و لئن کفرتم، ان عذابی لشدید» (ابراهیم/۷)/ «نبی عبادی انی انا الغفور الرحیم؛ و ان عذابی هو العذاب الالیم» (حجر/۴۹-۵۰) / «ما اصابکم من مصیبة فیما کسبت ایدیکم و یعفو عن کثیر» (شوری/)

❖ **تقدم پاداش بر تنبیه:**

«هو الذی یصلی علیکم و ملائکته لیخرجکم من الظلمات الی النور و کان بالمؤمنین رحیما» (احزاب/۲۳)

«و سأکتبها للذین یتقون و یؤتون الزکوة و الذین هم بأیاتنا یؤمنون» (اعراف/۱۵۶)

«یا من وسعت کل شیء رحمته، یا من سبقت رحمته غضبه» (ص)/ «یا من سبقت رحمته غضبه» علی (ع) : (بحار، ۹/ ۲۸۶ و ۲۳۹)

❖ **اصیل بودن پاداش، و فرعی بودن تنبیه:**

«صراط الذین انعمت علیهم؛ غیر المغضوب علیهم و لا الضالین» (حمد/۷)

❖ **ده ها و صدها برابری پاداش، و همانندی در تنبیه:**

«من جاء بالحسنة فله عشر امثالها و من جاء بالسيئة فلا یجزی الا مثلها و هم لا یظلمون» ( انعام/۱۶۰)

«مثل الذین ینفقون ... کمثل حبة انبتت سبع سنابل فی کل سنبله مائة حبة؛ و الله یضاعف لمن یشاء؛ و الله واسع علیم» (بقره/۲۶۱)



**گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:**

**«مبتنی بر تبیین سوره حمد»:**

**نظام پاداش و تنبیه رحمانی در دنیا (رحیمیت و شدت عقاب)، و رهنمودهای مدیریتی:**

**❖ همراهی پاداش مادی با رشد معنوی:**

«و اذ تاذن ربکم: لئن شکرتم لازیدنکم...» (ابراهیم/۷)

«یا ابا ذر، إذا أراد الله بعبد خيرا فقهه في الدين، و زهده في الدنيا، و بصره بعيوب نفسه». (ص):

«إذا أراد الله بعبد خيرا منحه عقلا قويا و عملا مستقيما». على (ع): (عيون الحكم و المواعظ، واسطی، ۱۲۶)

«إذا أراد الله بعبد خيرا ألهمه الاقتصاد و حسن التدبير، و جنبه سوء التدبير و الاسراف». على (ع): (مستدرک الوسائل، ۱۵ / ۲۶۶)

**❖ همراهی «تنبیه مادی» با عبرت آموزی، تذکر معنوی و اصلاح:**

«و ما ارسلنا فی قرية من نبي الا اخذنا اهلها بالاساء و الضراء؛ **لعلهم يضرعون**»؛ «و لقد آخذنا آل فرعون بالسنين و نقص من الثمرات **لعلهم يذكرون**» (اعراف/۹۴ و ۱۲۰) / «و لنذيقنهم من العذاب الادنى دون العذاب الاكبر **لعلهم يرجعون**» (سجده/۲۱).

**❖ تنبیه موقت دنیوی اصلاحگر، مقدمه پاداش ابدی اخروی:**

«عدة عن أحمد عن علي بن الحكم عن ابن جندب عن سفيان بن السمط قال قال أبو عبد الله عليه السلام:

« إذا أراد الله بعبد خيرا فأذنب ذنبا أتبعه بنعمة و يذكره الاستغفار ... ». (الكافي، ۲ / ۴۵۲)

**❖ پاداش ظاهری موقت مادی دنیوی مقدمه تنبیه ابدی اخروی:**

**نظام تنبیه استدراجی خالق هستی: حاکم بر افراد گنهگار سرکش مصر به ضدیت با حق:**

«و الذين كذبوا بآياتنا سنستدرجهم من حيث لا يعلمون و املی لهم ان كیدی متین» (اعراف/۱۸۲-۱۸۳)

«و لقد ارسلنا الى امم من قبلك فآخذناهم بالباطل و الضراء لعلهم يتضرعون؛ فلو لا اذ جاءهم تضرعوا و لكن قست قلوبهم و زين لهم الشيطان ما كانوا يعملون؛ فلما نسوا ما ذكروا به فتحنا عليهم ابواب كل شيء حتى اذا فرحوا بما اوتوا، آخذناهم بغتة فأذا هم مبلسون؛

فقطع دابر القوم الذين ظلموا و الحمد لله رب العالمين» (انعام/۴۲-۴۵) / «سأرهقه صعودا» (مدثر/۱۷)

«... و إذا أراد بعبد شرا فأذنب ذنبا أتبعه بنعمة لينسيه الاستغفار و يتمادى بها و هو قول الله تعالى:

« **سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ** » بالنعم عند المعاصي». (الكافي، ۲ / ۴۵۲)



**گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:**

**«مبتنی بر تبیین سوره حمد»**

**نظام پاداش و تنبیه رحمانی در دنیا (رحیمیت و شدت عقاب)، و رهنمودهای مدیریتی:**

«علي(بن ابراهيم) عن أبيه عن القاسم بن محمد عن المنقري عن حفص بن غياث عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

« كم من مغرور بما أنعم الله تعالى عليه و كم من مستدرج يستر الله تعالى عليه؛ و كم من مفتون بثناء الناس عليه » (الكافي، ٢ / ٤٥٢).

❖ **«تنبیه مضاعف» مدیریت و بستگان گنهگار، و «تکریم مضاعف» مدیریت و بستگان خدمتگذار:**

«يا نساء النبي من يأت منكن بفاحشة مبينة يضاعف لها العذاب ضعفين و كان على الله يسيرا» (احزاب/٢٠)

«و من يقنت منكن لله و رسوله و تعمل صالحا نُؤْتها اجرها مرتين و اعتدنا لها رزقا كريما» (احزاب/٢١)

«و تفقد الطير فقال ما لى لا ارى الهدهد ام كان من الغائبين؛ لا عذبه عذابا شديدا او لاذبحنه؛ او ليأتيني بسلطان مبين» (نمل/٢٢)

❖ **عفو و گذشت و مدارای هرچه بیشتر با سطوح نازل سازمانی و جامعه:**

«خذ العفو و امر بالعرف و اعرض عن الجاهلين» (اعراف/١٩٩)

❖ **هلاکت جوامع بر اثر وارونگی نظام پاداش و تنبیه:**

«... إنما هلك من كان قبلكم بمثل هذا؛ كانوا يقيمون الحدود على ضعفائهم و يتركون أقوياءهم و أشرافهم فهلكوا». (ص): (دعائم ...)

«إنما هلك بنو إسرائيل لأنهم كانوا يقيمون الحدود على الوضيع دون الشريف». (دعائم...)

« عن علي ( ع ) أنه كتب إلى رفاعة (بن شداد بجلى، قاضيه فى الاهواز):

**أقم الحدود فى القريب يجتنبها البعيد، لا تطل الدماء و لا تعطل الحدود» (دعائم الاسلام، ٢ / ٢٤)**

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»

نظام پاداش و تنبیه رحمانی در دنیا (رحیمیت و شدت عقاب)، و رهنمودهای مدیریتی:

❖ قاعده کلی عملکرد جامعه انسانی و نظام پاداش و تنبیه عالم هستی در حیات دنیوی:

« لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ؛

إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ (رعد/۱۱)

➤ عملکرد صالح جامعه:

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْغُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (اعراف/۹۶)

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأَدْخَلْنَاَهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ (مائده/ ۶۵)

وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أَنْزَلْنَا إِلَيْهِمْ مِنْ رَّبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ (مائده/۶۶)

➤ عملکرد فاسد جامعه:

«و ما أصابكم من مصيبة فيما كسبت أيديكم و يعفوا عن كثير» (شورى/ ۳۰)

وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (انفال/ ۲۵)

«ظهر الفساد فى البر و البحر بما كسبت ايدى الناس ليزيقهم بعض الذى عملوا لعلهم يرجعون» (روم/)

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (انفال/ ۵۳)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»:

نظام پاداش و تنبیه رحمانی در آخرت: «مالک یوم الدین» و رهنمودهای مدیریتی:

■ مقدمه: نظام تجسم اعمال در دنیا و آخرت:

مالکیت مطلق، و نظام پاداش و تنبیه مدیریت رحمانی، در «مراحل عالم آخرت»:

❖ مرحله ابتدایی برزخ:

«حسابرسی کلی و پاداش و تنبیه موقت»

❖ مرحله میانی قیامت:

«حسابرسی تفصیلی نهایی»

❖ مرحله نهایی بهشت و جهنم:

«پاداش و تنبیه نهایی»

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»:

نظام پاداش و تنبیه رحمانی در آخرت: «مالک يوم الدين» و رهنمودهای مدیریتی:

❖ مرحله برزخ: نظام پاداش و تنبیه مدیریت رحمانی ابتدایی: «حسابرسی کلی و پاداش و تنبیه موقت»:

«حتى اذا جاء احدهم الموت قال رب ارجعوني لعلي اعمل صالحا فيما تركت؛ كلا!؛ ... و من ورائهم برزخ الى يوم يبعثون» (مومنون/۹۹-۱۰۰)

«محمد ، عن ابن عيسى ، عن أحمد بن محمد ، عن عبد الرحمن بن حماد ، عن عمرو بن يزيد ، قال : قلت لأبي عبد الله عليه السلام ...

و لكني و الله أتخوف عليكم في البرزخ» قلت : و ما البرزخ قال: القبر منذ حين موته إلى يوم القيامة» ( الكافي ۳ : ۲۴۲ )

➤ نظام پاداش و تنبیه و گذرگاه مرگ:(نظام تجسم اعمال):

«كل نفس ذائقة الموت ...» (آل عمران/۱۸۵، انبياء/۳۵، عنكبوت /۵۷) / «كل من عليها فان و يبقى وجه ربك ذو الجلال و الاكرام» (الرحمن/۲۶-۲۷)

✓ مرگ شیرین و آسان: آخرت گرایان مجاهد فی سبیل الله: «اهل ايمان و يقين (اصحاب يمين و مقربين)»

✓ مرگ های متنوع دردناک: مريض القلب های دلبسته دنیا: « بسیاری از مسلمانان و اهل کتاب»

✓ مرگ های هولناک: اهل نفاق، و کفر دلبسته دنیا: «منافقين، اهل کتاب معاند، مشرکین و ملحدین»:

«زين للناس حب الشهوات من النساء و البنين ... ذلك متاع الحياة الدنيا...» (آل عمران/۱۴) / «كلا بل تحبون العاجلة و تذرون الآخرة» (قيامت/۲۰-۲۱)

«و لو ترى اذ الظالمون فى غمرات الموت و الملكة باسطوا ايديهم؛ اخرجوا انفسكم؛ اليوم تجزون عذاب الهون ...» (انعام/۹۲)

«و التفت الساف و بالساق.. فلا صدق و لا صلى و لكن كذب و تولى ثم ...؛ اولى لك فاولى؛ ... ثم اولى لك فاولى» (قيامت/۲۹-۳۵)

✓ مرگ های نامعلوم: دنیا گریزان غیر مسلمان: (?)



# گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»:

نظام پاداش و تنبیه رحمانی در آخرت: «مالک يوم الدين» و رهنمودهای مدیریتی:

➤ موضوعات حسابرسی کلی برزخ:

✓ سؤالات اعتقادی: از «پروردگار / دین / نبوت و امامت و رهبری الهی»

عن سوید بن عفلة قال : قال أمير المؤمنين عليه السلام: ... فيقولان له : من ربك؟ و ما دينك؟ و من نبيك؟ ... و من امامك؟» (كافي ٢ / ٢٢١ - ٢٢٩) «... عن الحضرمي قال: قلت لأبي جعفر عليه السلام: أصلحك الله... و عم يسألون» قال: «عن الحجة القائمة بين أظهرهم...» (الكافي ٢ : ٢٢٧)

✓ سؤالات دیگر: از «الزامات اولیه عبادی و اقتصادی»:

➤ محور اصلی افراد مورد سوال: رهبران و پیروان خالص در ایمان و کفر:

«... عن الحضرمي قال: قلت لأبي جعفر عليه السلام: أصلحك الله من المسؤولون في قبورهم؟ قال: من محض الإيمان و من محض الكفر؛ قلت: فبقية هذا الخلق قال: يلهي و الله عنهم، ما يعاب بهم...» (الكافي ٢ / ٢٢٧)

➤ نظام پاداش و تنبیه و قرارگاه موقت برزخ:

✓ بهشت برزخی: شهداء و اولیاء الهی و ...: (انعمت عليهم):

«و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون؛ فرحين بما آتاهم الله من فضله و يستبشرون بالذين لم يلحقوا بهم من خلفهم الا خوف عليهم و لا هم يحزنون» (آل عمران/١٦٩-١٧٠)

✓ جهنم برزخی: تبهکاران، منافقین و کفار (مغضوبین):

«النار يعرضون عليها غدوا و عشيا؛ و يوم تقوم الساعة ادخلوا آل فرعون اشد العذاب» (غافر/٤٦)

✓ خواب برزخی: (شیرین و یا آشفته)

➤ تغییر و تحول پرونده اعمال از برزخ تا روز قیامت:

«ينبؤا الانسان يومئذ بما قدم و اخر...» (قیامت/١٢)

➤ سه عامل مکمل در ارتقاء پرونده اعمال بعد از مرگ: «فرزند صالح، سنت حسنه، وقف جاری»:

عن عبد الخالق بن عبد ربه قال : قال أبو عبد الله عليه السلام : خير ما يخلفه الرجل بعده ثلاثة : ولد بار يستغفر له ، و سنة خير يقتدى به فيها ، و صدقة تجري من بعده» (بحار الأنوار، ٦ / ٢٩٤)



گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»:

نظام پاداش و تنبیه رحمانی در آخرت: «مالک يوم الدين» و رهنمودهای مدیریتی:

■ مراحل مالکیت و ملوکیت الهی در روز قیامت:

«يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَوَاتُ وَ بَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ» (ابراهيم / ۴۸)

«يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ لَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ؛ لمن الملك اليوم؟؛ لله الواحد القهار» (غافر/ ۱۶)

«لايسئل عما يفعل و هم يسئلون» (انبیاء/ ۲۳)

❖ **مرحله فوق العاده مالک «يوم الدين»:** قدرت نمایی خدای رحمان:

«و ما ادريک ما يوم الدين؟؛ ثم ما ادريک ما يوم الدين؟؛ يوم لا تملك نفس لنفس شيئا و الامر يومئذ لله» (انفطار/)

«و خشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا... و عنت الوجوه للحي القيوم...» (طه/ ۱۰۸)

«حَتَّىٰ إِذَا تَصَرَّحَتِ الْأُمُورُ - وَتَقَضَّتِ الدُّهُورُ وَأَزَفَ النَّشُورُ - أَخْرَجَهُمْ مِنْ ضَرَائِحِ الْقُبُورِ وَأَوْكَارِ الطُّيُورِ - وَأَوْجِرَةَ السَّبَّاحِ وَمَطَارِحِ الْمَهَالِكِ سِرَاعًا إِلَىٰ أَمْرِهِ - مَهْطَعِينَ إِلَىٰ مَعَادِهِ رَعِيلًا صُمُوتًا قِيَامًا صُفُوفًا - يَبْغِذُهُمُ الْبَصَرُ وَيُسْمِعُهُمُ الدَّاعِي - عَلَيْهِمْ لُبُوسٌ الْأَسْتِكَانَةِ وَصَرَعُ الْأَسْتِسْلَامِ وَالذَّلَّةِ - فَذَلَّتِ الْحَيْلُ وَانْقَطَعَ الْأَمَلُ وَهَوَتْ الْأَفئِدَةُ كَاطِمَةً - وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ مُهَيَّبَةً - وَالْجَمُّ الْعَرَقُ وَعَظْمُ الشَّقَقِ وَأَرْعَدَتِ الْأَسْمَاعُ - لِزَبْرَةِ الدَّاعِي إِلَىٰ فَصْلِ الْخِطَابِ وَمُقَابِصَةِ الْجَزَاءِ - وَنَكَالِ الْعِقَابِ وَنَوَالِ الثَّوَابِ» (نہج، خ ۸۳، ص ۱۰۹)

«سليمان بن جعفر ، باسناده ، عن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين عليه السلام ، أنه قال : إذا كان يوم القيامة جمع الله عز وجل الخلق

عراة ، فيوقفون بالمحشر ، حتى يعرقوا عرقا " شديدا " و تشند أنفاسهم ، فيمكثون بذلك مقدار خمسين عاما " ، و ذلك قول الله عز وجل :

" و خشعت الأصوات للرحمان فلا تسمع إلا همسا» ( شرح الاخبار ، قاضى نعمان، ۲ / ۴۶۸ ؛ بحار الانوار، ۷ / ۱۰۱).

❖ **مرحله عمومی مالک «يوم الدين»:** سیطره اقتدار مطلق الهی بر تمام عرصه های آخرت:

«يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمُ الدِّينِ؛ يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ» (ذاریات/ ۱۲-۱۳)/ وَإِنَّ الْفُجَارَ لَفِي حَجِيمٍ؛ يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ الدِّينِ» (انفطار/ ۱۴-۱۵)

وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ» (صافات / ۸۲) / وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ» (ص / ۷۸)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»:

نظام پاداش و تنبیه رحمانی در آخرت: «مالک يوم الدين» و رهنمودهای مدیریتی:

❖ مرحله مالک «يوم الحساب»: حسابرسی از خالق و مخلوق!:

«فلنستئن الذين ارسل اليهم و لنستئن المرسلين» (اعراف/۶)

➤ حسابرسی از خالق! و رسولان الهی!:

✓ حسابرسی از خدای رحمان:

«... أَوْلَمْ نَعْمَرِكُمْ مَا يَنْذَكُرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ وَجَاءَكُمُ النَّذِيرُ...» (فاطر/۳۷)

✓ حسابرسی از کارگزاران (انبیاء و معصومین صاحب منصب):

«يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ: أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا؟

قَالُوا شَهِدْنَا عَلَى أَنْفُسِنَا وَغَرَّبْنَاهُمْ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ» (انعام/۱۳۰)

➤ حسابرسی از خلائق (پرونده فردی و تشکیلاتی):

«و يوم يناديهم فيقول: ماذا اجبتم المرسلين؟...» (قصص/۶۵)

«أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ؛ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ؛ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ (مطففين/۲-۶)

✓ حسابرسی به پرونده اعمال فردی:

«اقرا کتابک کفی بنفسک اليوم علیک حسیبا» (اسراء/۱۴)

«و وضع الكتاب؛ فترى المجرمين مشفقين مما فيه؛ و يقولون: يا ويلتنا! ما لهذا الكتاب لا يغادر صغيرة و لا كبيرة الا احصیها؟! و وجدوا ما عملوا حاضرا؛ و لا یظلم ربك احدا» (كهف/۴۹)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»:

نظام پاداش و تنبیه رحمانی در آخرت: «مالک يوم الدين» و رهنمودهای مدیریتی:

✓ حسابرسی به پرونده اعمال تشکیلاتی و سازمانی (اعمال رهبری، و اعضای سازمان):

• پرونده مشترک اعضای سازمان:

«تری کل امة جاثیه!؛ کل امة تدعی الی کتابها؛ الیوم تجزون ما کنتم تعملون» (جاثیه/۲۸)

«فَعَقَرُوهَا فَاصْبَحُوا نَادِمِينَ» (شعراء/۱۵۷)/ «... اذ انبعث اشقيها؛ ... فکذبوه فَعَقَرُوهَا؛ فدمدم عليهم ربهم بذنبهم ... و لا يخاف عقبيها» (شمس/۱۲-۱۵)

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا يَجْمَعُ النَّاسَ الرَّضَا وَالسُّخْطُ - وَإِنَّمَا عَقَرَ نَاقَةَ ثَمُودَ رَجُلٌ وَاحِدٌ - فَعَمَّهُمُ اللَّهُ بِالْعَذَابِ لَمَّا عَمَّوهُ بِالرِّضَا - فَقَالَ سُبْحَانَهِ: «فَعَقَرُوهَا فَاصْبَحُوا نَادِمِينَ» \* - فَمَا كَانَ إِلَّا أَنْ خَارَتْ أَرْضُهُمْ بِالْخَسْفَةِ - خَوَارَ السِّكَّةَ الْمُحَمَّاةَ فِي الْأَرْضِ الْخَوَارَةَ» (نہج، خ ۲۰۱، ص ۳۱۹)

«فَوَاللَّهِ لَوْ لَمْ يُصِيبُوا مِنَ الْمُسْلِمِينَ - إِلَّا رَجُلًا وَاحِدًا مُعْتَمِدِينَ لِقَتْلِهِ - بِلَا جُرْمٍ جَرَّهَ لِحَلِّ لِي قَتْلِي ذَلِكَ الْجَبِشِ كُلِّهِ - إِذْ حَصَرُوهُ فَلَمْ يُنْكِرُوا - وَلَمْ يَدْفَعُوا عَنْهُ بِلِسَانٍ وَلَا بِيَدٍ - دَعَا مَا أَنْتُمْ قَدْ قَتَلْتُمُ مِنَ الْمُسْلِمِينَ - مِثْلَ الْعِدَّةِ الَّتِي دَخَلُوا بِهَا عَلَيْهِمْ»

(نہج، خ ۱۷۲؛ الغارات، ثقفی کوفی، ۱/ ۲۱۰؛ الامامه و السياسه، ابن قتیبہ دینوری، ۱/ ۱۲۵)

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ ... قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ آخِثًا حَتَّى إِذَا ادَّارَكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أَخْرَاهُمْ لِأَوْلَادِهِمْ: رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَصْلُونَا فَأْتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِنَ النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٍ وَلَكِنْ لَا تَعْلَمُونَ» (اعراف/۲۷-۲۸)

• پرونده سرنوشت ساز رهبری سازمان:

«يوم ندعوا كل اناس بامامهم...» (اسراء/۷۱)

«يقدم قومه يوم القيمة فاوردهم النار؛ و بنس الورد المورود» (هود/) / «وَجَعَلْنَاَهُمْ أَيْمَةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ» (قصص/۴۱)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ مَادَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا آسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ؛ لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ (بقره/۲۴-۲۵)

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا: اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلنَحْمِلْ خَطَايَاكُمْ وَمَا هُمْ بِحَامِلِينَ مِنْ خَطَايَاهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ؛

وَلِيَحْمِلَنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَثْقَالًا مَعَ أَثْقَالِهِمْ وَلَيَسْأَلَنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ» (عنكبوت/۱۲-۱۳)

يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ؛ وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا؛ رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنَهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا (احزاب/۶۶-۶۸)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»:

نظام پاداش و تنبیه رحمانی در آخرت: «مالک يوم الدين» و رهنمودهای مدیریتی:

❖ مرحله مالک «يوم الجزاء»:

➤ سرنوشت امت مسلمان:

✓ مقربان:

فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ؛ فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّةٌ نَعِيمٍ (واقعه/۸۸-۸۹) / «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ...» (حمد/۷)  
وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (نساء/ ۶۹)

✓ اصحاب یمین:

وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ أَصْحَابِ الْيَمِينِ؛ فَسَلَامٌ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ» (واقعه/۹۰-۹۱)  
وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» (بقره/۲۰۱)

✓ مریض القلب ها(ضالین):

«...فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ» (بقره/ ۲۰۰)

✓ منافقان(مغضوبین):

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَيْهِ مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ؛ وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ  
الْفُسَادَ؛ وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَلَيْسَ الْمِهَادُ (بقره/۲۰۲-۲۰۶)

➤ سرنوشت امت بشری:

✓ مغضوبین:

✓ ضالین:

وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ؛ فَنُزُلٌ مِنْ حَمِيمٍ؛ وَتَصْلِيَةٌ جَحِيمٍ (واقعه/۹۲-۹۴) / «غير المغضوب عليهم و لا الضالین» (حمد/۷)

✓ آزادگان بی خبر از اسلام

➤ بلاتکلیفان (بالغان متحیر، نابالغان و سفیهان):



گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»

► نجلی احدیت در اعتقاد و سلوک جامعه، در سوره حمد و رهنمود های مدیریتی:

❖ احدیت و توکل الهی:

«ایک نعبد و ایک نستعین» (حمد/۵)

«لا حول و لا قوة الا بالله ...»

❖ احدیت و دغدغه مستمر لغزش و سقوط:

«اهدنا الصراط المستقیم» (حمد/۶)

❖ احدیت و امت واحده:

«ایک نعبد و ایک نستعین» (حمد/۵)

«ان هذه امتكم امة واحدة و انا ربكم فاعبدون؛ و تقطعوا امرهم بينهم؛ كل الينا راجعون» (انبیاء / ۹۲-۹۳)

«و ان هذه امتكم امة واحدة و انا ربكم فاتقون؛ فتقطعوا امرهم بينهم زبرا؛ كل حزب بما لديهم فرحون؛ فذرهم فی غمرتهم...» (مومنون/۵۲-۵۴)

❖ احدیت و الگوهای سلسله مراتب امامت و رهبری الهی:

«صراط الذين انعمت عليهم...» (حمد/۷)

«و من يطع الله و الرسول فاولئك الذين انعم الله عليهم من النبيين و الصديقين و الشهداء و الصالحين؛ و حسن اولئك رفيقا؛

ذلك الفضل من الله و كفى بالله عليما» (نساء/۵۹)

❖ احدیت و اسباب شناسی گروه ها و رهبران اجتماعی معارض، و موضع گیری مناسب در برابر انها:

«غير المغضوب عليهم و لا الضالين» (حمد/۷)

«الله لا اله الا هو؛ ... فمن يكفر بالطاغوت و يؤمن بالله فقد استمسك بالعروة الوثقى، لا انفصام لها؛ و الله سميع عليم؛ الله ولي الذين آمنوا ...» (بقره/۲۵۵-۲۵۷)



گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»

■ امامت الهی و وحدت امت اسلامی:

. «ایاک نعبد و ایاک نستعین» (حمد/۵)

• «ان هذه امتكم امة واحدة و انا ربكم؛ فاعبدون» (انبیاء/۹۲) / «ان هذه امتكم امة واحدة و انا ربكم؛ فاتقون» (مومنون/۵۲)

«و من يشاقق الرسول من بعد ما تبين له الهدى و يتبع غير سبيل المومنين، نوله ما تولى و نصله جهنم و ساءت مصيرا» (نساء/۱۱۵)

❖ امامت اعتقادی و سیاسی و وحدت در مكتب اهل بيت (ع):

«و علم آدم الاسماء كلها؛ ثم عرضهم على الملكة» (بقره/۳۱) / «و جعلناهم ائمة يهدون بامرنا...» (انبیاء/۷۳)

«لو بقيت الارض بغير امام لساخت» امام صادق (ع): (كافي، ۱/ ۱۷۹، ۳/ ۱۹۸)

«اللهم بلى لا تخلو الارض من قائم لله بحجة اما ظاهرا مشهورا او خائفا مغمورا، لئلا تبطل حجج الله و بيناته» على (ع): (نهج، حكمت ۱۲۷)

• «... حدثني أبو علي بن - همام قال : سمعت محمد بن عثمان العمري - قدس الله روحه - يقول : سمعت أبي يقول : سئل أبو محمد الحسن بن علي عليهما السلام و أنا عنده عن الخبر الذي روي عن أبائه عليهم السلام :

" أن الأرض لا تخلو من حجة لله على خلقه إلي يوم القيامة و أن من مات و لم يعرف إمام زمانه مات ميتة جاهلية»

فقال (ع): إن هذا حق كما أن النهار حق ، ف قيل له : يا ابن رسول الله فمن الحجة و الامام بعدك ؟

فقال ابني محمد ، هو الامام و الحجة بعدي ، من مات و لم يعرفه مات ميتة جاهلية» (كمال الدين، ۴۰۹)

• قال رسول الله (ص) : من مات لا يعرف إمام دهره مات ميتة جاهلية» : امام صادق(ع): (دعائم الاسلام، ۱/ ۲۷)

• عن ابى عبد الله (ع)، عن رسول الله (ص): «و من مات بغير إمام مات ميتة جاهلية» (مستدرک، ۱۸ / ۱۷۶)

• «... قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع حَدَّثَنِي عَمَّا بُنِيَتْ عَلَيْهِ دَعَائِمُ الْإِسْلَامِ ... وَ الْوَلَايَةُ الَّتِي أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهَا وَ لَايَةُ آلِ مُحَمَّدٍ ص فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ :

«مَنْ مَاتَ وَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ : أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُوَلِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ : (نساء/۵۹)» (كافي، ۲/ ۲۱)

• حدثنا .... بهذا الدعاء ، و ذكر أن الشيخ العمري قدس الله روحه أملاه عليه و أمره أن يدعو به و هو الدعاء في غيبة القائم عليه السلام:

«اللهم! عرفني نفسك فإنك إن لم تعرفني نفسك لم أعرف رسولك، اللهم! عرفني رسولك فإنك إن لم تعرفني رسولك لم أعرف حجتك،

اللهم! عرفني حجتك فإنك إن لم تعرفني حجتك ضللت عن ديني، اللهم! لا تمنني ميتة جاهلية و لا تزغ قلبي بعد إذ هديتني، (كمال الدين، ۵۱۲)

# گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

## رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»

### ❖ امامت اعتقادی و سیاسی و وحدت در مکتب اهل سنت:

• «من مات بغير امام، مات ميتة جاهلية» (ص): (کنز العمال، ۱ / ۱۰۳)

• «و من مات ليس له إمام جماعة عليه طاعة بعثه الله يوم القيامة بعث من مات ميتة جاهلية» (مسند الشاميين، طبرانی، ۳ / ۲۶۰)

• «حدثنا أبو النعمان ... حدثني أبو رجاء العطاردي قال سمعت ابن عباس رضي الله عنهما عن النبي (ص) قال من رأى من أميره شيئا يكرهه فليصبر عليه فإنه من فارق الجماعة شبرا فمات الا مات ميتة جاهلية» (صحيح بخارى، ۸ / ۸۷)

• «... فإنه ليس أحد يفارق الجماعة شبرا فيموت الا مات ميتة جاهلية» (همان، ۱۰۵)

• «حدثنا عبد الله ... ابن جريح قال أخبرني عاصم بن عبيد الله:

ان النبي (ص) قال: ... من فارق الجماعة مات ميتة جاهلية» (مسند احمد، ۳ / ۲۴۵)

• «... سمعت ابن عباس يرويه عن النبي (ص) قال: من رأى من أميره شيئا يكرهه فليصبر فإنه ليس من أحد يفارق الجماعة شبرا فيموت الا مات ميتة جاهلية» (سنن دارمي، ۲ / ۲۴۱)

• حدثنا إسماعيل ... عن جنادة بن أبي أمية قال دخلنا على عبادة بن الصامت وهو مريض فقلنا: أصلحك الله حدث بحديث ينفعك الله به سمعته من النبي (ص)؛ قال: دعانا النبي (ص) فبايعنا فقال فيما اخذ علينا: ان بايعنا على السمع و الطاعة في منشطنا و مكرهنا و عسرنا و يسرنا و أثرة علينا و ان لا ننازع الامر أهله الا ان تروا كفرا بواحا عندكم من الله فيه برهان» (صحيح بخارى، ۸ / ۸۸)

• «حدثنا مسدد، حدثنا يحيى بن سعيد عن عبيد الله حدثني نافع عن عبد الله رضي الله عنه عن النبي صلى الله عليه و سلم قال:

«السمع و الطاعة على المرء المسلم فيما أحب وكره ما لم يؤمر بمعصية فإذا امر بمعصية فلا سمع و لا طاعة» (صحيح بخارى، ۸ / ۱۰۶)

• «حدثنا عمر بن حفص بن غياث ... عن أبي عبد الرحمن عن علي رضي الله عنه قال:

بعث النبي صلى الله عليه وسلم سرية و أمر عليهم رجلا من الأنصار و أمرهم ان يطيعوه فغضب عليهم و قال أليس قد امر النبي صلى الله عليه و سلم ان تطيعوني قالوا بلى قال عزمت عليكم لما جمعتم حطبا و أوقدتم نارا ثم دخلتم فيها فجمعوا حطبا فأوقدوا فلما هموا بالدخول فقام ينظر بعضهم إلى بعض فقال بعضهم: إنما تبعدنا النبي صلى الله عليه و سلم فرارا من النار أفندخلها فبينما هم كذلك إذ خمدت النار و سكن غضبه؛ فذكر للنبي (ص) فقال: لو دخلوها ما خرجوا منها ابدا إنما الطاعة في المعروف» (همان، ۸ / ۱۰۶)

# گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

## رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»

### ❖ امامت اعتقادی و سیاسی و وحدت در مکتب اهل سنت:

- حدثنا إسحاق بن منصور ... اتينا معقل بن يسار نعوذه فدخل عبید الله فقال له معقل أحدثك حديثا سمعته من رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال : **ما من وال يلي رعية من المسلمين فيموت وهو غاش لهم الا حرم الله عليه الجنة**» (صحيح بخارى، ١٠٧ / ٨)
- «... عن أبي هريرة عن النبي صلى الله عليه وسلم أنه قال: **من خرج من الطاعة و فارق الجماعة فمات مات ميتة جاهلية؛** و من قاتل تحت راية عميه يغضب لعصبة أو يدعو إلى عصبة أو ينصر عصبة فقتل فقتله جاهليه و من خرج على أمتي يضرب برها و فاجرها و لا يتحاش من مؤمنها و لا يفي لذي عهد عهده فليس منى و لست منه» (صحيح مسلم، ٢١ / ٦)
- «وحدثني عثمان بن أبي شيبة ... عن عرفة قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: من اتاكم و أمركم جميع على رجل واحد يريد ان يشق عصاكم أو يفرق جماعتكم فاقتلوه» (صحيح مسلم، ٢٣ / ٦)
- حدثنا الحسين بن إسحاق التستري حدثنا سهل بن عثمان ثنا وكيع عن سفيان عن عبد الملك بن عمير عن جابر قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم **«لا يزال هذا الأمر قائما حتى يكون اثنا عشر خليفة»** (المعجم الكبير، طبرانى، ٢١٤ / ٢)
- حدثنا عثمان بن أبي شيبة ، ثنا أبو داود الحفري ، ثنا ياسين ، عن إبراهيم بن محمد بن الحنفية ، عن أبيه عن علي قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: **" المهدي منا أهل البيت يصلحه الله في ليلة "** (سنن بن ماجه، ١٢٤٧ / ٢).
- و أخرجه أيضا ابن ماجه في السنن قال : حدثنا أبو بكر بن أبي شيبة ، ثنا أحمد بن عبد الملك ، ثنا أبو المليح الرقي ، عن زياد بن بيان ، عن علي بن نفيل ، عن سعيد بن المسيب ، قال : كنا عند أم سلمة فتذاكرنا المهدي فقالت : سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول : **«المهدي من ولد فاطمة "** (سنن بن ماجه، ١٢٤٨ / ٢) .



# گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

## رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»

### ► قرآن و اهل البيت (ع) محور وحدت اسلامی

«و اعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا» (ال عمران/۱۰۲) / «و اطيعوا الله و رسوله و لا تنازعوا فتشلقوا و تذهب ريحكم و اصبروا ...» (انفال/۴۶)

«انه لقرآن كريم ...؛ لا يمسه الا المطهرون» (واقعه/۷۸۰۷۹) / «انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهركم تطهيرا» (احزاب/۳۳)

• حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا أبو النضر ثنا محمد يعني ابن طلحة عن الأعمش عن عطية العوفي عن أبي سعيد الخدري عن النبي صلى الله عليه و سلم قال إني أوشك أن أدعى فأجيب و انى تارك فيكم الثقلين كتاب الله عز وجل و عترتي كتاب الله حبل ممدود من السماء إلى الأرض؛

و عترتي أهل بيتي و ان اللطيف الخبير أخبرني انهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض فانظروني بم تخلفوني فيهما» (مسند احمد، ۱۷ / ۳)

• «انى تارك فيكم ما إن تمسكتم به بعدى لن تضلوا: كتاب الله و عترتي أهل بيتي؛

و انهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض» (ص): (كنز العمال، ۱ / ۱۸۶)

• «إن مثل أهل بيتي فيكم مثل سفينة نوح، من ركبها نجا و من تخلف عنها هلك» ابوذر از پیامبر (ص): (كنز العمال، ۱۱۲ / ۹۴)

• «النجوم أمان لأهل السماء؛ و أهل بيتي أمان لامتي» پیامبر (ص): (كنز العمال، ۱۱۲ / ۹۶)

• «أنا و علي و فاطمة و الحسن و الحسين يوم القيامة في قبة تحت العرش» پیامبر (ص): (كنز العمال، ۱۱۲ / ۱۰۰)

• «خير رجالكم علي؛ و خير شبابكم الحسن و الحسين؛ و خير نسائك فاطمة» ابن مسعود از پیامبر (ص): (كنز العمال، ۱۱۲ / ۱۰۲)

• «عرض لي ملك استأذن ان يسلم علي و يبشرني ببشرى:

ان فاطمة سيدة نساء أهل الجنة و ان الحسن و الحسين سيدا شباب أهل الجنة» حذيفة از پیامبر (ص): (كنز العمال، ۱۱۲ / ۱۰۲)

» ... عن علي بن أبي طالب عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه و آله: النجوم أمان لأهل السماء فإذا ذهبت النجوم ذهب أهل السماء، و أهل بيتي أمان لأهل الأرض فإذا ذهب أهل بيتي ذهب أهل الأرض» (كمال الدين، صدوق، ۲۰۵)

«... حدثني أبو الطفيل [ عامر بن واثلة ] أنه رأى أبا ذر قائما عند باب الكعبة و هو ينادي: أيها الناس من عرفني فقد عرفني و من لم يعرفني فأنا جندب الغفاري صاحب رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم ألا إني أبو ذر؛ ألا إني سمعت رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم يقول:

مثل أهل بيتي فيكم مثل سفينة نوح من ركبها نجا و من تخلف عنها غرق ...» (مناقب الامام اميرالمؤمنين، محمد بن سليمان كوفى، ۱۲۶ / ۲)

**گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:**

**رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»  
امت واحده اسلامی و امامت سیاسی واحد:**

**❖ ملاکات شایستگی جانشینی پیامبر اسلام و رهبری معصومانه امت اسلام:**

«منسوب از جانب خدا/ برترین در معنویت/ علم کامل به دین/ پهلوان امت!/ صاحب اعجاز/ وارث آثار نبوت/ هم سخن با ملائکه»

❖ «ان الله قد بعث لكم طالوت ملكا...؛ قال: ان الله اصطفيه عليكم و زاده بسطة في العلم و الجسم، ... ان اية ملكه ان يأتكم التابوت و فيه سكينه من ربكم و بقیة مما ترك آل موسى و آل هارون، تحمله الملائكة...» (بقره/ ۲۴۷-۲۴۸)

**❖ امام زمان (ع) حلقه وصل میان خالق و مخلوق (ملک و ملکوت، زمین و آسمان، دنیا و آخرت):**

• «الحمد لله رب العالمين ... مالک يوم الاديم؛ اياک نعبد و اياک نستعين؛ اهدنا الصراط المستقیم... و لا الضالين»

• «قال الإمام أبو محمد الحسن(ع)، قال أمير المؤمنين (ع): فاتحة الكتاب هذه أعطاها الله محمدا صلى الله عليه و آله و أمته؛

بدأ فيها بالحمد لله و الثناء عليه، ثم ثنى بالدعاء لله عز وجل؛ و لقد سمعت رسول الله صلى الله عليه و آله يقول :

قال الله عز وجل : **قسمت الحمد بيني و بين عبدي نصفين ، فنصفها لي ، و نصفها لعبدي ...**» (تفسیر منسوب به امام حسن عسکری، ۵۸)

«و حدثناه إسحاق بن إبراهيم الحنظلي أخبرنا سفيان بن عيينة عن العلاء عن أبيه عن أبي هريرة ... فقال ... فاني سمعت رسول الله صلى الله عليه و سلم يقول قال الله تعالى: **قسمت الصلاة بيني و بين عبدي نصفين ... فإذا قال: «إياك نعبد و إياك نستعين» قال: هذا بيني و بين عبدي...** فإذا قال: «اهدنا الصراط المستقیم ...» قال: **هذا لعبدي...**» (صحيح مسلم، ۲ / ۹)

• «... أَيْنَ وَجْهَ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهَ الْأَوْلِيَاءُ؛ أَيْنَ السَّبَبِ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ و السَّمَاءِ...» (مفاتيح الجنان، دعای ندبه)

➤ **نماز ویژه امام زمان(ع):**

• ۲ رکعت: در هر رکعت، ۱۰۰ مرتبه تکرار ایه «ایاک نعبد و ایاک نستعين» در سوره حمد، و... + ۱۰۰ مرتبه صلوات در سجده» (مفاتيح الجنان)

➤ **مدیریت و رهبری امام زمان(ع):**

• «و لقد سبقت كلمتنا لعبادنا المرسلين انهم لهم المنصورون و ان جندنا لهم الغالبون» (صافات/ ۱۷۱-۱۷۳)

• «...إِقَامَةً لِدِينِكَ و حُجَّةً عَلَى عِبَادِكَ و لِئَلَّا يَزُولَ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ و يَغْلِبَ الْبَاطِلُ عَلَى أَهْلِهِ...» (مفاتيح الجنان، دعای ندبه)



گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»

❖ ملاکات شایستگی رهبری امت اسلام در دوره غیبت کبری:

➤ مشروعیت دینی

«علم به دین / تقوی / علم به زمان / شجاعت / قدرت تدبیر»

« ان الله يامرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها... » (نساء/ ۵۸)

➤ مقبولیت مردمی:

«و الذين استجابوا لربهم و اقاموا الصلوة و امرهم شوری بينهم و مما رزقناهم ینفقون...» (شوری/ ۲۸)

«لو لا حضور الحاضر و قیام الحجة بوجود الناصر...» علی (ع): (نهج / خطبه ۳)

❖ پیش بسوی رهبری واحد امت اسلامی:

➤ اتحادیه کشورهای اسلامی: وحدت در اقتصاد، سیاست، امنیت و ...

➤ نظام فدرالی مبتنی بر رای امت مسلمان و خبرگان رهبری

➤ مقام معظم رهبری، حائز بالاترین امتیاز صلاحیت رهبری در «مشروعیت دینی و مقبولیت مردمی»:

«ملاکات مشترک مکتب اهل البيت (ع) و مکتب اهل سنت»

**گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:**

**رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»**

**اصول بنیادین و سطوح وحدت اسلامی: (سطوح وحدت خانواده رحمانی):**

«الرحمن علم القرآن؛ خلق الانسان؛ علمه البيان؛... و السماء رفعها و وضع الميزان؛ الا تطغوا في الميزان؛... و الارض وضعها للانام...» (الرحمن/۱-۱۰)

❖ **اصول بنیادین وحدت میان امت اسلامی: (خانواده اسلامی):**

«انما المؤمنون اخوة؛ فاصلحوا بين اخويكم؛ و اتقوا الله لعلكم ترحمون» (حجرات/۱۰)

➤ **اصول وحدت با عموم شیعیان:**

**رعایت حرمت «محکقات مسلمین (محکقات ۱۰ فرمان + محکقات دیگر) + «محکقات مکتب اهل البيت (ع)»**

➤ **اصول وحدت با عموم مسلمین:**

**رعایت حرمت «محکقات مسلمین (محکقات ۱۰ فرمان + محکقات دیگر)»، مبتنی بر «عدم تعرض به مقدسات خاص یکدیگر»**

❖ **اصول بنیادین وحدت با اهل کتاب: (خانواده توحیدی)**

**رعایت حرمت «محکقات ۱۰ فرمان» + «محکقات مشترک دیگر با اهل کتاب»، مبتنی بر «عدم تعرض دینی و سرزمینی»**

«قل يا اهل الكتاب: تعالوا الى كلمة سواء بيننا و بينكم ان لانعبد الا الله و لا نشرك به شيئا و لا يتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله...» (آل عمران/۶۴)

❖ **اصول بنیادین وحدت با بشریت: (خانواده بشری)**

«يا ايها الناس انا خلقناكم من ذكر و انثى و ... ان اكرمكم عند الله اتقيكم؛ ان الله عليم خبير» (حجرات/۱۳)

**رعایت حرمت «محکقات حقوق و تکالیف بشری با محوریت محکقات مشترک ۱۰ فرمان»، مبتنی بر «عدم تعرض دینی و سرزمینی»**

**التزام به «عدالت محوری بر مبنای عقلانیت فطری»**

«... و لايجرمنكم شأن قوم على الا تعدلوا؛ اعدلوا هو اقرب للتقوى؛ و اتقوا الله؛ ان الله خير بما تعملون» (مائده/۸)

«لاينهيكم الله عن الذين لم يقاتلوكم في الدين و لم يخرجوكم من دياركم ان تبروهم و تقسطوا اليهم؛ ان الله يحب المقسطين» (ممتحنه/۸)

«ان الله يامر بالعدل و الاحسان و ايتاء ذى القربى؛ و ينهى عن الفحشاء و المنكر و البغى؛ يعظكم لعلكم تذكرون» (نحل/۹۰)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»

■ مدیریت رحمانی و آسیب شناسی امت واحده (خانواده رحمانی):

«... غیر المغضوب عليهم و لا الضالین» (حمد/۷)

❖ جریان های معارض امت واحده:

➤ گروه «مغضوبین» (عالمان حق پوش، شبهه افکنان معاند، منافقین، کفار معاند، ستمگران، مرتکبین و مروجین فحشاء، و...):

✓ مصادیق: «ابلیس، سامری، بلعم باعورا، قوم عاد و ثمود، فرعون، هامان، قارون، و...»

«... و إِنْ يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَّرِيدًا؛ لَعْنَةُ اللَّهِ ...» (نساء/۱۱۷-۱۱۸) / «... وَ اتَّبِعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...» (هود/۶۰)

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَ الْهُدَىٰ مِنْ بَيْنَاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَ يَلْعَنُهُمُ الْآعِينُونَ» (بقره/۱۵۹)

«فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا... ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» (آل عمران/۶۱)

«وَ الَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةً عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ عَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ» (شوری/۱۶)

«وَ اتَّبِعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَةً وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَنْسِ الرَّفْدُ الْمَرْفُودُ» (هود/۹۹) / «... فَبَاءُوا بِغَضَبٍ عَلَىٰ غَضَبٍ وَ لِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ» (بقره/۹۰)

«... وَ لَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكَفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (نحل/۱۰۶)

«وَ الْخَامِسَةُ أَنَّ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ... وَ الْخَامِسَةُ أَنَّ غَضَبَ اللَّهِ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ» (نور/۷ و ۹)

«فَإِذَنْ مُؤَدِّنُ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ؛ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ» (اعراف/۲۴-۲۵)

✓ وضعیت باطنی: بیماران لاعلاج، مردگان (کوران، کران و لال ها) در قبر!:

«فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ» (بقره/۱۰)

«صم بكم عمى فهم لا يرجعون»؛ «صم بكم عمى؛ فهم لا يعقلون» (بقره/۱۸ و ۱۷) / «انك لاتسمع الموتى» (نمل/۸۰؛ روم/۵۲)

«و ما انت بمسمع من فى القبور» (فاطر/۲۲)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»

➤ اقسام جماعت «ضالین»:

✓ راه گم کردگان حق طلب:

«قَالَ لَنْ لَمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ» (انعام/۷۷) / «قَالَ فَعَلَّهَا إِذَا وَأَنَا مِنَ الضَّالِّينَ» (شعراء/۲۰) / «وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ» (تغابن/)

✓ گمراهان آلوده: «فی قلوبهم مرض»:

«فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ»

فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَّ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ فَيُصْبِحُوا عَلَى مَا أَسْرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ نَادِمِينَ» (مائده/۵۲)

«وَأَغْرُ لِأَبِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ» (شعراء/۸۶) / «لَنْ لَمْ يَنْتَه الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ، وَالْمُرْجِفُونَ...» (احزاب/۴۰)

«إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ غَرَّ هَوَاءٌ دِينَهُمْ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (انفال/ ۴۹)

«و إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا» (احزاب/۱۲)

«وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ فَإِذَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ... وَ ذَكَرَ فِيهَا الْقِتَالَ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشِيِّ عَلَيْهِ... فَأُولَى لَهُمْ (محمد/ ۲۰)

«...اذا تمنى الفى الشيطان فى امنيته... لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ» (حج/۵۲-۵۳)

الف. کران نغرت زده:

«گنهکاران معتاد/گنهکاران جو زده/گنهکاران صدمه خورده از بعضی متدینین»:

«و جَاءَهُ قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمِنْ قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ» (هود/۷۸) / «... و لا تسمع الصم الدعاء اذا ولوا مدبرين؛ (روم/۵۲)

«انهم أَلْفُوا آبَاءَهُمْ ضَالِّينَ؛ فَهُمْ عَلَى آثَارِهِمْ يُهْرَعُونَ» (صافات/۶۹-۷۰)

ب. کوران گرفتار:

«گنهکاران معتاد/گنهکاران جو زده/گنهکاران هم مشرب با مسلمان نماها»:

«و ما انت بهادى العمى عن ضلالتهم...» (روم/۵۳)



**گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:**

**رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»**

➤ **مدیریت رحمانی و آسیب شناسی امت واحده (خانواده رحمانی):**

❖ **تبعات خطرناک و هول انگیز تفرقه:**

«وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (آل عمران / ۱۰۵)

➤ **نماد شرک عملی و کفر به آخرت، و ملازم ریاکاری، بخل و خشونت اجتماعی:**

«...منیبین الیه و اتقوه و اقیموا الصلوة و لا تكونوا من المشرکین؛ من الذین فرقوا دینهم و كانوا شیعا؛ کل حزب بما لديهم فرحون» (روم / ۲۱-۲۲)

«... انما الهکم اله واحد؛ فاستقیموا الیه و استغفروه؛ و ویل للمشرکین الذین لایؤتون الزکوة و هم بالآخرة هم کافرون» (فصلت ۶-۷)

«ارایت الذی یکذب بالذین فذلک الذی یدع الیتیم و لا یحض علی طعام المسکین؛ فویل للمصلین... و الذینهم یراؤون و یمنعون الماعون» (ماعون / ۱-۷)

➤ **از دست رفتن ابرو و عزت اجتماعی:**

«وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ و لا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم و اصبروا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال / ۲۶)

➤ **فرو غلطیدن در گرداب تباهی اهداف و برنامه های متعالی انسانی الهی:**

«ان هذه امتکم امة واحده و انا ربکم فاتقون؛ فتقطعوا امرهم بینهم زیرا؛ کل حزب بما لديهم فرحون؛ فذرهم فی غمرتهم حتی حین!» (مومنون / ۵۲-۵۴)

➤ **نابودی منابع قدرت و امنیت اجتماعی و حیثیت اخلاقی و ناموسی:**

«ان فرعون علا فی الارض و جعل اهلها شیعا؛ یتضعف طائفة منهم؛ یدبح ابناءهم و یتحی نساءهم؛ انه کان من المفسدین» (قصص / ۴)

➤ **از دست رفتن هویت انسانی الهی، و اسارت در بند و بندگی فراعنه گردنکش:**

«فاستخف قومه فاطاعوه؛ انهم كانوا قوما فاسقین» (زخرف / ۵۴)

... ➤



# گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

## رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»

### ❖ آسیب شناسی امت واحده اسلامی (خانواده اسلامی):

#### ➤ وضعیت عموم مسلمین:

«و لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ» (بقره/ ۲۴۳؛ یوسف/ ۳۸؛ غافر/ ۶۱) / «و لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (اعراف/ ۱۸۷؛ یوسف/ ۲۱، ۴۰، ۶۸، نحل/ ۳۸؛ روم/ ۳۰ و ۳۱؛ سبأ/ ۲۸ و ۲۶؛ غافر/ ۵۷؛ جاثیه/ ۲۶) / «و لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ» (هود/ ۱۷، رعد/ ۱؛ غافر/ ۵۹) / «بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ» (عنکبوت/ ۶۳؛ حجرات/ ۲)

• جهل به دین و بی خبری اکثریت از عقاید مشترک مذاهب یکدیگر

• گرفتار اقسام تعصبات قومی مذهبی

• کثرت محرومیت از الگوهای راهبر و حدتگرا

• ضعف تقید اعتقادی رفتاری اکثریت مسلمین

«الی الله اشکو من معشر یعیشون جهالا و یموتون ضلالا» (نهج/ خطبه ۱۷)

#### ➤ وضعیت اکثریت سران و رهبران مسلمین:

• ضعف مشورت، و شیوع استبداد رأی

• ضعف تقید دینی و عملی اکثر سیاستمداران مسلمان

• حزب گرایی و غلبه گرایش های ملی مذهبی، بر شمول گرایی اسلامی در اکثریت رهبران

• سیطره نظام های سکولار در اکثر کشورهای مسلمان

• وابستگی و یا انفعال اکثریت علمای مسلمان در نظام های مسلمان سکولار

• وابستگی اکثر نظام های مسلمین به قدرت های جهانی غیر مسلمان

### ❖ راهبرد بصیرت دهی و اصلاح مبتنی بر قسط و عدل در دفع آسیبها، با حفظ هویت و حیثیت خانواده اسلامی:

«قل هذه سبیلی؛ ادعوا الی الله علی بصیرة انا و من اتبعنی؛ سبحان الله و ما انا من المشرکین» (یوسف/ ۱۰۸)  
«و ان طائفتان من المؤمنین اقتتلوا فاصلحوا بینهما؛ فان بغت احدهما علی الاخری فقاتلوا الی تبغی حتی تغیی الی امر الله؛ فان فاءت فاصلحوا بینهما بالعدل و اقسطوا؛ ان الله یحب المقسطین؛ انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بین اخیکم...» (حجرات/ ۹-۱۰)

**گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:**

**رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»**  
❖ **آسیب شناسی امت واحده توحیدی: (خانواده توحیدی)**

➤ **وضعیت روان شناختی و جامعه شناختی یهود:**

«جریان فرهنگ جمود فکری/دنیاگرایی شدید/استکبار و گردنکشی/ نژادپرستی شدید و نفی مسئولیت فرا نژادی!»

«لتجدن اشد الناس عداوة للذين آمنوا اليهود و الذين اشركوا؛ ...» (مائده/۸۲)

«...و منهم ان تآمنه بدينار لا يؤده إليك إلا ما دمت عليه قائماً ذلك بأنهم قالوا لئس علينا في الأميين سبيلٌ ويقولون على الله الكذب...» (آل عمران/۷۵)

➤ **وضعیت روان شناختی و جامعه شناختی مسیحیت:**

«جریان فرهنگ حقیقت جویی/دنیا گریزی/تواضع و فروتنی»

«... و لتجدن اقربهم مودة للذين آمنوا الذين قالوا انا نصارى؛ ذلك بان منهم قسيسين و رهبانا و انهم لايسنكبون» (مائده/۸۲)

«و من اهل الكتاب من ان تآمنه بقنطار يؤده إليك و ...» (آل عمران/۷۵)

➤ **عملکرد اکثریت سران و رهبران یهود و مسیحیت:**

«ازار فراوان اهل ایمان/کتمان حقیقت/حسادت شدید!/شبهه افکنی/توطئه جنگ مذهبی و تلاش بر ارتداد مسلمین»:

«... مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ و أَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ» (آل عمران/۱۱۰)

«... و لتسمعن من الذين اتوا الكتاب من قبلكم و الذين اشركوا اذى كثيرا و ان تصبروا و تتقوا؛ فان ذلك من عزم الامور» (آل عمران/۱۸۶)

«يَا اَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ و تَكْتُمُونَ الْحَقَّ و انتم تعلمون» (آل عمران/۷۱)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تُطِيعُوا فَرِيقًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ» (آل عمران/ ۱۰۰)

«وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّوكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُوا و اصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (بقره/۱۰۹)

« قالت اليهود ... كلما اوقدوا نارا للحرب اطفاها الله؛ و يسعون فى الارض فسادا؛ و الله لايجب المفسدين» (مائده/۶۴)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»

❖ آسیب شناسی امت واحده بشری: (خانواده بشری):

➤ «عدم تمایل سران کفر و شرک به هرگونه پیشرفت نظام اسلامی:

«مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَ لَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ؛ ...» (بقره/ ۱۰۵)

➤ عدم التزام به پیمانها و تعهدات:

« لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وَ لَا ذِمَّةً وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ » (توبه/ ۱۰)

➤ فتنه گری و ترور، جنگ مستمر تا ارتداد امت مسلمان:

«... وَ الْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَ لَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتِطَاعُوا؛ ...» (بقره/ ۲۱۷)

➤ تظاهر به جهل و بی خبری به حقوق و تکالیف:

«... وَ لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ» (انعام/ ۱۱۱)

➤ عادت به شکستن حدود و ضوابط انسانی و الهی:

نَلِكَ الْقُرَى نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِهَا وَ لَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِنْ قَبْلُ كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الْكَافِرِينَ؛

وَ مَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ وَ إِنْ وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ» (اعراف/ ۱۰۱-۱۰۲)

# گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

## رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»

❖ راهبرد مدیریت رحمانی در مقابل فتنه گری و شیطنت زورگویان عالم:

➤ آمادگی همه جانبه برای دفع آسیب دشمنان (خصوصا آمادگی نظامی):

«آمادگی نظامی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی برای دفع تهدید و تهاجم دشمنان آشکار و پنهان»:

«و اعدوا لهم ما استطعتم من قوة و من رباط الخيل؛ ترهبون به عدو الله و عدوكم و آخرین من دونهم لا تعلمونهم و الله يعلمهم؛

و ما تنفقوا من شىء فى سبيل الله يوف اليكم و انتم لا تظلمون» (انفال/۶۰)

«و ان نكثوا ايمانهم من بعد عهدهم و طعنوا فى دينكم فقاتلوا ائمة الكفر؛ انهم لا ايمان لهم لعلهم ينتهون» (توبه/۱۲)

«و قاتلوهم حتى لا تكون فتنه و يكون الدين لله فان انتهوا فلا عدوان الا على الظالمين» (بقره/۱۹۲)

«و قاتلوهم حتى لا تكون فتنه و يكون الدين كله لله فان انتهوا فان الله بما تعملون بصير» (انفال/۲۹)

«عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن علي بن الحكم، عن عمر بن أبان، عن أبي عبد الله (ع) قال: قال رسول الله صلى الله عليه و آله :

الخير كله في السيف و تحت ظل السيف و لا يقيم الناس إلا السيف و السيوف مقاليد الجنة و النار» (كافى، كلينى، ۵ / ۲)

«أحمد بن محمد بن سعيد، عن جعفر بن عبد الله العلوي، وأحمد بن محمد الكوفي، عن علي بن العباس، عن إسماعيل بن إسحاق جميعا، عن أبي روح فرج بن قره، عن مسعدة بن صدقة قال: حدثني ابن أبي ليلى، عن أبي عبد الرحمن السلمى قال: قال

أمير المؤمنين صلوات الله عليه: أما بعد فإن الجهاد باب من أبواب الجنة، فتحه الله لخاصة أوليائه و سوغهم كرامة منه لهم و نعمة ذخرها، و الجهاد هو لباس التقوى و درع الله الحصينة و جنته الوثيقة، فمن تركه رغبة عنه ألبسه الله ثوب الذل و شمله البلاء؛ و فارق الرضا و ديث بالصغار و القماءة، و ضرب على قلبه بالأسداد و أدب الحق منه بتضييع الجهاد و سئم الخسف و منع النصف،...:

اغزوهم قبل أن يغزوكم فوالله ما غزي قوم قط في عقر دارهم إلا ذلوا،... و قد بلغني أن الرجل منهم كان يدخل على المرأة المسلمة و الأخرى المعاهدة، فينتزع حجلها و قلبها و قلائدها و رعاثها ما تمنع منه إلا بالاسترجاع و الاسترحام، ثم انصرفوا وافرین ما نال رجلا منهم كلم و لا أريق له دم؛ فلو أن امرءا مسلما مات من بعد هذا أسفا ما كان به ملوما بل كان عندي به جديرا» (كافى، كلينى، ۵ / ۵)

➤ حمایت از مظلومان ناتوان طالب نجات به قدر توان:

«و ما لكم لا تقاتلون فى سبيل الله و المستضعفين من الرجال و النساء و الولدان الذين يقولون ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم اهلها...» (نساء/۷۵)

«لايكلف الله نفسا الا وسعها...» (بقره/۲۸۶)



# گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

## رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»

### ► ایرانیان و محور وحدت اسلامی:

#### ❖ پرچمداری قرآن و عترت در آخر الزمان:

- یا ایهاالذین امنوا من یرتد منکم عن دینہ، فسوف یأتی اللہ بقوم یحبہم و یحبونہ اذلة على المومنین اعزة على الکافرین یجاهدون فی سبیل اللہ لا یخافون لومة لائم؛ ذلك فضل اللہ یؤتیہ من یشاء و اللہ واسع علیم؛
- انما ولیکم اللہ و رسوله و الذین آمنوا ... و هم راکعون؛ و من يتول اللہ و رسوله و الذین آمنوا **فان حزب اللہ هم الغالبون**» (مائده/۵۴-۵۶)
- «... فان یکفر بها هؤلاء، **فقد وکلنا بها قوما** لیسوا بها بکافرین» (انعام/۸۹) / «و ان تتولوا **یستبدل قوما غیرکم** ثم لا یكونوا امثالکم» (محمد/۲۸)
- هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم، يتلوا علیهم آیاتہ و ... و **آخرین منهم لما یلحقوا بهم** و هو العزیز الحکیم؛
- ذلك فضل اللہ یؤتیہ من یشاء و اللہ ذو الفضل العظیم» (جمعه/۲-۳)
- «و روى أن النبي صلى الله عليه و آله سئل عن هذه الآية (مائده/۵۴)، فصر بیده علی عاتق سلمان فقال هذا و ذوهه ، ثم قال:
- **لو كان الدين معلقا بالثريا لناله رجال من أبناء فارس**» (نور الثقلين، ۱ / ۶۲۲)
- «أخرج سعيد بن منصور وابن جرير و ابن المنذر و ابن أبي حاتم و ابن مردويه عن أبي هريرة رضي الله عنه قال لما نزلت «و ان تتولوا **یستبدل قوما غیرکم** (محمد/۲۸)؛ قيل: **من هؤلاء؟** و سلمان رضي الله عنه إلى جنب النبي صلى الله عليه و سلم؛
- فقال(ص): **هم الفرس؛ و هذا و قومه**» (الدرالمنثور ، ۶ / ۶۷) و أخرج عبد الرزاق و عبد بن حميد و الترمذي و ابن جرير و ابن أبي حاتم و الطبراني في الأوسط و البيهقي في الدلائل عن أبي هريرة رضي الله عنه قال تلا رسول الله صلى الله عليه و سلم هذه الآية: «**و ان تتولوا يستبدل قوما غیرکم ثم لا يكونوا أمثالکم**» (محمد/۲۸)
- فقالوا: يا رسول الله؛ من هؤلاء الذین ان تولینا استبدلوا بنا ثم لا يكونوا أمثالنا ؟
- فصر رسول الله صلى الله عليه و سلم علی منكب سلمان ثم قال(ص):
- **هذا و قومه؛ و الذي نفسي بيده لو كان الايمان منوطا بالثريا لتناوله رجال من فارس**» (الدرالمنثور ، ۶ / ۶۷)

# گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

## رهنمودهای مدیریتی «مبتنی بر تبیین سوره حمد»

و أخرج ابن مردويه عن جابر رضي الله عنه ان النبي صلى الله عليه وسلم تلا هذه الآية: «و ان تتولوا يستبدل قوما غيركم...» (محمد/٢٨):

• فسئل «من هم؟ قال(ص): **فارس؛ لو كان الدين بالثريا لتناوله رجال من فارس**» (الدرالمنثور، ٦ / ٤٧)

• و أخرج سعيد بن منصور و البخاري و مسلم و الترمذي و النسائي و ابن جرير و ابن المنذر و ابن مردويه و أبو نعيم و البيهقي معا في الدلائل عن أبي هريرة قال كنا جلوسا عند النبي صلى الله عليه و سلم حين أنزلت سورة الجمعة فتلاها فلما بلغ «**و آخرين منهم لما يلحقوا بهم**» (جمعه/٣) قال له رجل: يا رسول الله من هؤلاء الذين لم يلحقوا بنا ؟ فوضع يده على رأس سلمان الفارسي و قال(ص):

و الذي نفسي بيده **لو كان الايمان بالثريا لناله رجال من هؤلاء**» (الدر المنثور، ٦ / ٢١٥)

• و أخرج سعيد بن منصور و ابن مردويه عن قيس بن سعد بن عبادة ان رسول الله صلى الله عليه و سلم قال:

«**لو أن الايمان بالثريا لناله رجال من أهل فارس**» (الدر المنثور، ٦ / ٢١٥)

### ❖ پرچمداری علم در آخر الزمان:

• «... عن جعفر عن أبيه (ع) أن رسول الله (ص)، قال: **لو كان العلم منوطا بالثريا لتناوله رجال من فارس**» (قرب الإسناد، ؛ بحار الانوار، ١ / ١٩٥)

• حدثنا عبد الله حدثني أبي، ثنا عبد الوهاب بن عطاء، ثنا عوف عن شهر بن حوشب قال: قال أبو هريرة:

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: **لو كان العلم بالثريا لتناوله ناس من أبناء فارس**» (مسند احمد، ٢ / ٢٢٠؛ جامع الصغير، السيوطي، ٢ / ٢٢٢؛ كنز العمال، ١١ / ٤٩١؛ ح ٣٣٢٤٢، ١٢ / ٩١، ح ٣٤١٣١)

• أخبرنا أحمد بن يحيى شعبة البصري في كتابه ثنا يعقوب بن غيلان ثنا محمد بن الصباح عن سفيان بن عيينة عن عبد الرحمن بن القاسم عن أبيه عن عائشة أن النبي (ص) قال: **لو كان العلم معلقا بالثريا لناله ناس من أبناء فارس**» (ذكر اخبار اصبهان، ابو نعيم اصبهاني، ١ / ٨)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

«مبتنی بر تبیین سوره حمد»

► دو فتنه جهانی یهود، و رسالت ایرانیان در آزادی قدس، و بستر سازی حکومت جهانی امام زمان (ع):

❖ دو فتنه جهانی آخر الزمانی یهود:

• «و قضینا الی بنی اسرائیل فی الکتاب: لتفسدون فی الارض مرتین و لتعلن علوا کبیرا» (اسراء/۴)

➤ ویژگی های مشترک دو فتنه:

فتنه: جهانی / فتنه گر: قوم یهود / مرکز فتنه: فلسطین / سرکوبگر فتنه: فداییان سلحشور اسلام (عبادا لنا اولی باس شدید)

➤ فتنه جهانی اول یهود و رسالت ایرانیان در سرکوبی آن و بستر سازی ظهور (رفع مانع ظهور):

«فاذا جاء وعد اولیهما، بعثنا علیکم عبادا لنا اولی باس شدید فجاسوا خلال الدیار و کان وعدا مفعولا» (اسراء/۵)

• «عن بعض أصحابنا (قال): کنت عند أبي عبد الله (ع) جالسا إذ قرأ هذه الآية:

«فاذا جاء وعد اولاهما بعثنا علیکم عبادا لنا اولی باس شدید، فجاسوا خلال الدیار وکان وعدا مفعولا»

فقلنا: جعلنا فداک، من هؤلاء؟ فقال: ثلاث مرات: هم و الله اهل قم!» (بحار الانوار، ۶۰ / ۲۱۶) .

➤ فتنه جهانی دوم یهود، و سرکوبی آن به رهبری بی واسطه امام زمان (ع):

«ثم ردنا لکم الکره علیهم؛ و امددناکم باموال و بنین و جعلناکم اکثر نفیرا؛ ...

فاذا جاء وعد الآخرة ليسؤوا وجوهکم و لیدخلوا المسجد كما دخلوه اول مرة و لیتبروا ما علوا تتبیرا...» (اسراء/۶-۷)

• عن حمران ، عن أبي جعفر عليه السلام قال كان يقرأ: " بعثنا علیکم عبادا لنا اولی باس شدید "

ثم قال : و هو القائم (ع) و أصحابه اولی باس شدید» (تفسیر العیاشی، ؛ بحار الانوار، ج ۵۱ ص ۵۷)

• «اللهم إنا نرغب إليك في دولة كريمة، تعز بها الاسلام و أهله، و تذل بها النفاق و أهله، و تجعلنا فيها من الدعاة إلى طاعتك و القادة إلى سبيلك، و ترزقنا بها كرامة الدنيا و الآخرة» امام باقر(ع): دعا در خطبه نماز جمعه: (کافی، ۲ / ۲۲۴)

**گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:**

**«مبتنی بر تبیین سوره حمد»: ویژگی های مدیر رحمانی**

❖ **عباد الرحمن، و امام المتقین (مدیران و رهبران فرشته خوی، الگوی پیروان اهل تقوی):**

«و عباد الرحمن ... و اجعلنا للمتقین اماما» (فرقان/۶۳) / «وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ ...» (زخرف/۱۹)

❖ **افتاده احوالی:**

«و عباد الرحمن الذين يمشون على الارض هونا» (فرقان/۶۳)

❖ **مدارا با جاهلان...:**

«و اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما»

❖ **اهل خلوت با خود و خدا: تهجد و شب زنده داری:**

«و الذين يبيتون لربهم سجدا و قياما»

❖ **یاد آخرت و نگران از عواقب عملکرد های خود:**

«و الذين يقولون ربنا اصرف عنا عذاب جهنم؛ ان عذابها كان غراما؛ انها ساءت مستقرا و مقاما»

❖ **اعتدال در رسیدگی به احوال نیازمندان:**

«و الذين اذا انفقوا لم يسرفوا و لم یقتروا و كان بین ذلك قواما»

❖ **مصون از شرک و قتل و فحشاء و شهادت ناحق و امور بیهوده و جاهلانه:**

«و الذين لا يدعون مع الله الها اخر؛ و لا يقتلون النفس التي حرم الله الا بالحق و لا یزنون؛ و من یفعل ذلك یلق اثاما؛ یضاعف لها العذاب یوم القيمة و یخلد فیہ مقاما... و الذين لا یشهدون الزور؛... و اذا مروا باللغو مروا کراما»

❖ **متذکر به آیات قرآن کریم و نظام تکوین:**

«و الذين اذا ذکروا بآیات ربهم لم یخروا علیها صما و عمیانا»

❖ **دغدغه مند رشد و صلاح خانواده؛ و طالب توفیق هدایت و رهبری اهل تقوی:**

«و الذين یقولون ربنا هب لنا من ازواجنا و ذریاتنا قره اعین و اجعلنا للمتقین اماما» (فرقان / ۷۴)



**گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:**

**«مبتنی بر تبیین سوره حمد»: ویژگی های مدیر رحمانی**

❖ **یاد آخرت و سنت موکد اضطجاع (ذکر خدا، قبل از اذان صبح، خوابیده به حالت میت در قبرا!):**

**(تمرین امادگی مواجهه صاحبان قدرت با مرگ و حسابرسی هولناک عالم قبر و قیامت):**

**از عوامل یاد آخرت:**

استمرار در «خلوت با خود و خدا، انس با نماز و قرآن، انس با اهل آخرت، زیارت اهل قبور، رسیدگی به احوال فقرا و مساکین و ...»

«فذكر بالقرآن من يخاف وعيد» (ق/ /) «يا ايها الانسان انك كادح الى ربك ... فلا اقسم بالشفق و الليل و ما وسق ... لتركن طبعا عن طبق...» (انشقاق/ ۶-۱۹)

«اذكروا هادم اللذات» على (ع): (عيون الحكم، ۸۸) / «تجهزوا رحمكم الله فقد نودي فيكم بالرحيل» (نهج، خ/ ۲۰۴) / «كيف غفلتكم عما لا يغفلكم» (نهج/ /)

«باسناده عن علي (ع): ان رسول الله صلى الله عليه و آله كان إذا صلى ركعتين قبل صلاة الغداة اضطجع على شقه الأيمن و جعل يده اليمنى تحت خده اليمنى ثم قال: استمسكت بالعروة (بعروة الله - خ) الوثقى التي لا انفصام لها و استعصمت بحبل الله المتين أعوذ بالله من فورة العرب و العجم و أعوذ بالله من شر شياطين الانس و الجن توكلت على الله طلبت حاجتي من الله حسبي الله و نعم الوكيل لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم». (الجعفریات ۳)

«الحسين بن سعيد عن فضالة عن حسين بن عثمان عن ابن مسكان و محمد بن سنان عن ابن مسكان عن سليمان بن خالد قال: سئلته عما أقول إذا اضطجعت على يميني بعد ركعتي الفجر فقال أبو عبد الله عليه السلام:

اقرأ الخمس آيات التي في آخر آل عمران إلى أنك لا تخلف الميعاد و قل استمسكت (استمسك - يب ط) بعروة الله الوثقى التي لا انفصام لها و اعتصمت بحبل الله المتين و أعوذ بالله من شر فسقة العرب و العجم آمنت بالله توكلت على الله الجأت ظهري إلى الله و فوضت امرى إلى الله و من يتوكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شئ قدرا حسبي الله و نعم الوكيل . اللهم من أصبحت حاجته إلى مخلوق فان حاجتي و رغبتى إليك الحمد لرب الصباح الحمد لخالق الاصباح ثلثا». (التهديب، ۲/ ۱۳۶)

«عن أبي عبد الله (ع) انه إذا صلى ركعتي الفجر و كان لا يصليهما حتى يطلع الفجر يتكى على جانبه الأيمن ثم يضع يده اليمنى تحت خده الأيمن يستقبل القبلة ، ثم يقول استمسكت بعروة الله الوثقى التي لا انفصام لها و اعتصمت بحبل الله المتين أعوذ بالله من شر شياطين الانس و الجن؛ أعوذ بالله من شر فسقة العرب و العجم حسبي الله توكلت على الله الجأت ظهري إلى الله طلبت حاجتي من الله لا حول و لا قوة الا بالله؛

اللهم اجعل لي نورا في قلبي و نورا في سمعي و نورا في بصري و نورا في لساني و نورا في شعري و نورا في بشرى و نورا في لحمى و نورا في دمي و نورا في عظامي و نورا في عصبي و نورا من بين يدي و نورا من خلفي و نورا عن يساري و نورا من فوقى و نورا من تحتي . اللهم عظم لي نورا و نعمة و سرورا ثم يقرء خمس آيات من آخر آل عمران ان في خلق السماوات و الأرض إلى قوله انك لا تخلف الميعاد ثم يقول سبحان رب الصباح و فائق الاصباح و جاعل الليل سكنا و الشمس و القمر حسباننا ثلثا؛ اللهم اجعل أول يومى هذا صلاحا و أوسطه فلاحا و آخره نجاحا اللهم من أصبح و حاجته و طلبته إلى مخلوق فان حاجتي و طلبتي إليك وحدك لا شريك لك؛ ثم يقرء آية الكرسي و المعوذتين و يقول سبحان ربى العظيم و بحمده استغفر الله و أتوب اليه مئة مرة و كان يقول من قال هذا بنى الله له بيتا فى الجنة». (الدعائم، ۱/ ۱۶۶؛ جامع إحدیث، ۵/ ۴۲۳)

**گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:**

**«مبتنی بر تبیین سوره حمد»: ویژگی های مدیر رحمانی**

❖ **یاد آخرت و سنت موکد اضطجاع (ذکر خدا، قبل از اذان صبح، خوابیده به حالت میت در قبرا):**

**(تمرین امامدگی مواجهه صاحبان قدرت با مرگ و حسابرسی هولناک عالم قبر و قیامت):**

( القول في الضجعة بين ركعتي الفجر و ركعتي الغداة ):

**«اضطجع بين ركعتي الفجر و ( ركعتي - خ ) الغداة على يمينك مستقبل القبلة؛ و قل في ضجعتك:**

**«استمسك بعروة الله الوثقى التي لا انفصام لها و اعتصمت بحبل الله المتين و أعوذ بالله من شر فسقة الجن و الإنس؛ سبحان رب الصباح فالق الاصبح سبحان رب الصباح فالق الاصبح ثم يقول بسم الله وضعت جنبي لله فوضت امرى إلى الله اطلب حاجتي إلى الله توكلت على الله حسبي الله و نعم الوكيل و من يتوكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شئ قدرا اللهم و من أصبح و حاجته إلى مخلوق فان حاجتي و رغبتى إليك و تقرا خمس آيات من آخر آل عمران ان في خلق السماوات و الأرض إلى قوله انك لا تخلف الميعاد و صل على محمد و آل محمد مئة مرة فإنه روى ان من صلى على محمد و آل ( آله - خ ل ) محمد مئة مرة بين ركعتي الفجر و ركعتي الغداة وقى الله وجهه حر النار و من قال مئة مرة سبحان ( الله - خ ) ربي العظيم و بحمده استغفر الله ربي و أتوب اليه بنى الله له بيتا في الجنة و من فرأ احدى و عشرين مرة قل هو الله أحد بنى الله له بيتا في الجنة فان قرئها أربعين مرة غفر الله له».** (الفقيه، ١/ ٤٩٢، ١٢٢٣)

**«و لا بأس بان تصليهما ( اي ركعتي الفجر ) إذا بقي من الليل ربع و كلما قرب من الفجر كان أفضل ثم اضطجع على يمينك مستقبل القبلة و قل:**

**«استمسك ( استمسكت - ك ) بالعروة الوثقى التي لا انفصام لها و بحبل الله المتين و أعوذ بالله من شر فسقة الجن و الإنس اللهم رب الصباح و رب المساء فالق الاصبح سبحان الله رب الصباح و فالق الاصبح و جاعل الليل سكنا بسم الله فوضت امرى إلى الله و ألجأت ظهري إلى الله و اطلب حوائجي من الله توكلت على الله حسبي الله و نعم الوكيل و لا حول و لا قوة الا بالله العلى العظيم»**

**فإنه من قالها كفى ما أهمه ثم يقرأ خمس آيات من آخر آل عمران و يقل مئة مرة سبحان ربي العظيم و بحمده استغفر الله ربي و أتوب اليه مئة مرة فإنه من قالها بنى الله له بيتا في الجنة».** (فقه الرضا، ١٢؛ جامع احاديث، ٥/ ٢٦١٧)

**«باسناده عن علي بن جعفر عن أخيه موسى بن جعفر ( ع ) قال: سئلته عن الرجل: هل يصلح له ان يتكلم إذا سلم في الركعتين قبل الفجر قبل أن يضطجع على يمينه؟ قال(ع): نعم».** (قرب الإسناد ٩١؛ جامع احاديث، ٥/ ح ٢٦١٩)

**«محمد بن يعقوب عن علي بن محمد عن سهل بن زياد عن علي بن أسباط عن إبراهيم ابن أبي البلاد قال صليت خلف الرضا عليه السلام في المسجد الحرام صلاة الليل فلما فرغ جعل مكان الضجعة سجدة».** (الكافي، ٣/ ٢٢٨؛ التهذيب، ٢/ ١٣٧؛ جامع احاديث، ٥/ ح ٢٦٢٠)

**«محمد بن الحسين عن إبراهيم بن أبي البلاد قال صلى أبو الحسن الأول صلاة الليل في المسجد الحرام و انا خلفه فصلى الثمان و أوتر و صلى الركعتين ثم جعل مكان الضجعة سجدة».** (قرب الإسناد، حميرى، ١٢٨)

**گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:**

**«مبتنی بر تبیین سوره حمد»: ویژگی های مدیر رحمانی**

❖ **یاد آخرت و سنت موکد اضطجاع (ذکر خدا، قبل از اذان صبح، خوابیده به حالت میت در قبرا):**

**(تمرین امامدگی مواجهه صاحبان قدرت با مرگ و حسابرسی هولناک عالم قبر و قیامت):**

«محمد بن علي بن محبوب عن محمد بن عبد الحميد محمد بن عمر بن يزيد عن محمد بن عذافر عن عمر بن يزيد قال قال أبو عبد الله عليه السلام ان خفت الشهرة في التكاأة فقد يجزيك ان تضع يدك على الأرض و لا تضطجع و أوماً بأطراف أصابعه من كفه اليمنى فوضعها في الأرض قليلاً؛

و حكى أبو جعفر عليه السلام ذلك». (تهذيب ۲۲۲ - جامع احاديث، ۵ / ح ۳۶۲۲)

«احمد عن موسى بن القاسم و أبي قتادة عن علي بن جعفر عن أخيه موسى عليه السلام قال: **سئلته عن رجل نسي ان يضطجع على يمينه بعد ركعتي الفجر فذكر حين اخذ في الإقامة كيف يصنع؟** قال يقيم و يصلى و يدع ذلك فلا بأس».

(مسائل على بن جعفر، ۱۸۲؛ قرب الاسناد، ۲۲۲؛ التهذيب، ۲ / ۳۲۸؛ جامع احاديث، ۵ / ۲۴۶)

«علي بن جعفر في كتابه مثله بإسناده عن علي بن جعفر عن أخيه موسى بن جعفر (ع) مثله». (قرب الإسناد ۹۲؛ جامع احاديث، ۵ / ح ۳۶۲۲)

**«و يستحبّ الضجعة بعد نافلة الفجر على الجانب الأيمن ، و الدعاء فيها بالمأثور للمستفيضة الخاصية و العامية».**

**(بهبهانی، وحید، مصابيح الظلام فی شرح مفاتيح الشرائع، ۲ / ۵۱۵)**



**گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:**

**«مدیریت رحمانی» و «عرش تدبیر و فرماندهی نظام عالم»**

**■ عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی:**

- «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدِيرُ الْأَمْرَ...» (يونس/٣)
- «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَىٰ» (طه/٥)

**■ صفات عرش الهی: مجد، کرامت و عظمت:**

- «فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ» (مومنون / ١١٦)
- «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ» (نمل / ٢٦)
- «ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ؛ فَعَالٌ لِمَا يُرِيدُ» (بروج/١٥-١٦)

**■ تسبیحات اربعه، چهار رکن عرش الهی، حاکم بر تارو پود عالم:**

- «و روى عن الصادق عليه السلام انه سئل لم سميت الكعبة كعبة؟؛ قال (ع): لأنها مربعة؛ ف قيل له و لم صارت مربعة؟ قال(ع): لأنها بحذاء البيت المعمور و هو مربع؛ ف قيل له و لم صار البيت المعمور مربعاً؟ قال(ع): لأنه بحذاء العرش و هو مربع؛ ف قيل له و لم صار العرش مربعاً؟

قال(ع): لان الكلمات التي بنى عليها الاسلام أربع و هي: **سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلا الله و الله أكبر**». (علل الشرايع، ٢ / ٢٩٨)

**■ حقیقت تسبیحات اربعه، حاکم بر تارو پود «بینش، گرایش و رفتار» اهل ایمان:**

- «تفسیر علی بن ابراهیم : ابي ، عن ابن ابي عمير ، عن جميل ، عن ابي عبد الله عليه السلام قال : قال: رسول الله صلى الله عليه و آله: لما أسري بي إلى السماء دخلت الجنة فرأيت فيها (قيعان و رايت فيها) ملائكة يبنون لبنة من ذهب و لبنة من فضة و ربما أمسكوا؛ فقلت لهم: ما لكم ربما بنيتم و ربما أمسكتم؟ فقالوا: حتى تجيئنا النفقة، فقلت لهم : و ما نفقتكم؟ فقالوا: قول المؤمن في الدنيا: **سبحان الله و الحمد لله و لا إله إلا الله و الله أكبر**، فإذا قال، بنينا ، و إذا أمسك، أمسكنا!».

(بحار الانوار، ٨ / ١٢٢؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ٧ / ١٨٨، طوسی، امالی، ٤٧٢)



# گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله: «مدیریت رحمانی» و «عرش تدبیر و فرماندهی نظام عالم»

## مقدمه:

### ❖ «حاکمیت مطلق اراده الهی بر نظام خلقت»:

- «ذو العرش المجید فعال لما یرید» (بروج/۱۵-۱۶)
- «اذا قضی امرنا فانما یقول له کن فیکون» (بقره/۱۱۷؛ آل عمران/۴۷؛ مریم/۳۵)
- «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ؛ فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (یس/۸۲-۸۳)

### ❖ فرایند حاکمیت اراده الهی بر فکر و اراده و عملکرد انسانی:

- «حاکمیت الهی بر اندیشه انسانی / بر شوق و اراده / بر قدرت عمل / بر توفیق عمل، و ضرورت اذن الهی»
- «یا ایها الذین آمنوا استنجبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم؛ و اعلموا ان الله یحول بین المرء و قلبه و انه الیه تحشرون» (انفال/۲۴)
- «و ان یمسک الله بضر فلا کاشف له الا هو؛ و ان یمسک بخیر، فهو علی کل شیء قدیر» (انعام/۱۷)
- «و ما تشاؤون إلا ان یشاء الله رب العالمین» (تکویر/ ۲۹)

### ❖ عرصه های تجلی آشکار حاکمیت الهی در زندگی انسان:

- «عرفت الله سبحانه بفسخ العزائم، و حل العقود، و نقض الهمم» (نهج، حکمت ۲۵۰)
- «عرف الله سبحانه و تعالی بفسخ العزائم و حل العقود و كشف الضر و البلیة عن اخلص له النیة» علی (ع): (عیون الحکم، واسطی، ۳۳۹)
- «حدّثنا أحمد بن هارون القاضي (الغامی)، وجعفر بن محمد ابن مسرور، قال: ... حدّثنا أحمد بن أبي عبد الله البرقي، عن أبيه، عن محمد بن أبي عمير، عن هشام بن سالم، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: سمعت أبي يحدث عن أبيه (عليه السلام): أن رجلا قام إلى أمير المؤمنين (عليه السلام) فقال له: يا أمير المؤمنين بما عرفت ربّك؟ قال (عليه السلام): بفسخ العزائم و نقض الهمم، لما أن هممت فحال بيني و بين همّي، و عزمت فخالف القضاء عزمي، فعلمت أنّ المدبّر غيري، ...» (خصال، صدوق، ۱/ ۱۲۲)

**گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:**

**«مدیریت رحمانی» و «عرش تدبیر و فرماندهی نظام عالم»**

از «صاحب نظران مدیریت»، چند پرسش مطرح می شود:

۱- در سازمانی که من، ظاهراً، مدیر آن هستم، «وجود نامرئی حیرت آوری» با خصوصیات ذیل حضور دارد:

➤ در همه بخشهای سازمان حضور دارد:

▪ «هو معکم اینما کنتم» (حدید / )

➤ بر همه سازمان اشراف اطلاعاتی دارد:

▪ «ألا إِنَّه بكلّ شیءٍ محیط» (فصلت / ۵۴)

➤ حتی در فکر و قلب من حضور دارد:

«نحن أقرب إليه من حبل الوريد» (ق / )

➤ بدون اجازه اش، نه تنها حق، بلکه امکان هدفگذاری،... و تصمیم گیری در سازمان، برای من وجود ندارد:

▪ «إِنَّ الله یحول بین المرء و قلبه...» (انفال / )؛

▪ «و ما تشاؤون إلاّ أن یشاء الله ربّ العالمین» (تکویر / )

➤ بدون اجازه اش، حتی، امکان کسب قدرت ندارم؛ بلکه، جوانی، پیری، و مرگ و زندگی ام نیز، در اختیار اوست:

▪ «الله الذی خلقکم من ضعف؛ ثمّ جعل من بعد قوّة ضعفا...» (روم / )

▪ «کیف تکفرون بالله و کنتم امواتا فأحیاکم ثمّ یمیتکم ثمّ یحییکم؛ ثمّ إلیه ترجعون» (بقره / )

➤ او، در کتاب راهنمایش، از نوع مدیریت، علمکرد و توصیه هایش، سخن گفته، عمل بر طبق آن را، تاکید دارد:

▪ «لقد انزلنا الیکم کتابا فیه ذکرکم افلا تعقلون» (انبیاء / )

▪ «انا انزلنا الیک الكتاب بالحقّ لتحکم بین الناس بما اریک الله و لا تکن للخائنین خصیما» (نساء / ۱۰۵)

## گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله: «مدیریت رحمانی» و «عرش تدبیر و فرماندهی نظام عالم»

➤ او از عواقب تخلف از دستور هایش، به من هشدار می دهد؛ و در مقابل، از غفران و رحمتش در صورت عذر خواهی و جبران، سخن می گوید:

▪ «نَبِّئْ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ؛ وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ» (حجر/۴۹-۵۰)

➤ سبک برخوردش با من، شبیه ترکیبی از سبک های مدیریت و رهبری است:  
از دستوری تا مشارکتی و تفویضی:

▪ «انما امره اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون» (يس/۸۲) / «فعال لما يريد» (بروج/)

▪ «انا هديناه السبيل اما شاكرا و اما كفورا» (انسان/)

▪ «إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَ لَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَ إِن تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ» (زمر/۷)

➤ به ظاهر، به من اجازه هدفگذاری، برنامه ریزی، سازماندهی، هدایت و رهبری، ... و نظارت و کنترل می دهد؛ لیکن با حضور و اشراف لحظه لحظه اش بر کار و وجود من، هر جا مصلحت ببیند، بدون اجازه ام، با اقتدار کامل، دخل و تصرف می کند و اراده اش را بر من و سازمانم حاکم می کند:

▪ «قل اللهم مالك الملك؛ تؤتي الملك من تشاء؛ و تنزع الملك ممن تشاء؛ و تعزّ من تشاء و تدلّ من تشاء...» (آل عمران/)

▪ «و ابتغ فيما آتاك الله الدار الآخرة؛ و لا تنس نصيبك من الدنيا؛ و أحسن كما أحسن الله إليك...» (قصص/)

▪ «ليس للإنسان إلا ما سعى...» (نجم/)

➤ «نحوه مدیریت او، با چگونگی بینش، گرایش، منش، و عملکرد من، ارتباط شدیدی دارد:

▪ «قل ما يعبؤا بكم ربّي لولا دعاؤكم؛ فقد كذبتم فسوف يكون لزاما» (فرقان/)

▪ «ادعوني استجب لكم؛ إنّ الذين يستكبرون عن عبادتي سيدخلون جهنم داخرين» (شوری/)

▪ «ما أصابكم من مصيبة فيما كسبت أيديكم و يعفو عن كثير» (شوری/)

# گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله: «مدیریت رحمانی» و «عرش تدبیر و فرماندهی نظام عالم»

➤ او لحظه به لحظه مرا در مسیر رسیدن به اهداف متعالی سازمان و هدف نهایی خلافت و جانشینی خود در عالم، یاری می دهد:

«بسم الله الرحمن الرحيم» ... «ایاک نعبد و ایاک نستعین»

«هو الذی انشأکم من الارض و استعمرکم فیها؛ فاستغفروه ثم توبوا الیه؛ ان ربی قریب مجیب» (هود/۶۱)

▪ «... إني جاعل في الأرض خليفة...» (بقره / )

▪ «تخلقوا بأخلاق الله» (ص): {بحار الأنوار، ۵۸ / ۱۲۹؛ مستدرک، حاکم نیشابوری، باب فضائل علی (ع)؛ ارشاد القلوب، دیلمی، ب ۲۸ ص ۱۲۷}

▪ «عن زيد بن أسلم، قال: قيل أوحى الله إلى داود (ع): **تخلّق بأخلاقی و إن من أخلاقی الصبر**» .

(الحر العاملي في الجواهر السنّيّة ص ۷۸ عن كتاب مسكن الفؤاد؛ الزمخشري في ربيع الأبرار؛ ۲ / ۵۲۹).

➤ او مدیرانی با الگوی نمایندگی مدیریت خود، در ارتباط با من قرار داده است:

▪ «فالمدبرات أمرا...» (نازعات/۵)

▪ «لا يعصون الله ما أمرهم و يفعلون ما يؤمرون» (تحریم/۶)

▪ «لا يسبقونه بالقول و هم بأمره يعملون» (انبیاء/۲۷)

▪ «نحن أولياؤکم في الحياة الدنيا و في الآخرة...» (فصلت/۳۱)

▪ «الله يصطفي من الملائكة رسلا و من الناس؛ إنّ الله سمیع بصیر؛ یعلم ما بین أيديهم و ما خلفهم؛ و إلى الله ترجع الأمور» (حج/۷۵-۷۶)

▪ «لقد لكم في رسول الله أسوة حسنة لمن كان يرجوا الله و اليوم الآخر و ذكر الله كثيرا» (احزاب/۲۱)

۲- «حال از صاحب نظران مدیریت، می پرسم»:

«مدیر ارشد این سازمان ، کیست؟ من هستم یا او؟!»



گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

**عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی**

**چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله أكبر»**

**مراحل سلوک الهی:**

«تخلیه / تخلیه / تجلیه / فناء فی الله (مقام محو: بندگی تمام عیار):»

«سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله أكبر»

▪ «ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» (ذاریات/۵۶)

**مراتب سلوک الهی:**

❖ **مرتبه اسلام:**

التزام به الزامات فقهی حقوقی

(احکام تکلیفی: محرمات و واجبات؛ احکام وضعی: صحت، بطلان، و ...)

❖ **مرتبه ایمان:**

التزام به الزامات فقهی حقوقی + اخلاقی

❖ **مرتبه یقین**

التزام به الزامات فقهی حقوقی + اخلاقی + عرفانی

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ مرحله رکن تسبیح: سبحان الله:

➤ معرفت و باور به خالقیت و ربوبیت مطلق الهی در نظام تکوین و تشریح:

«سُبْحَانَهُ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ»... «الله خالق کل شیء» (زمر/ ۴ و ۶۲) / «فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (یس / ۸۲)

➤ بینش و باور و اعتراف به نفی هرگونه عیب و نقص در ذات مقدس خدای رحمان، و در نظام خلقت و تشریح الهی:

«سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى...» (اسراء/ ۱)

«سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُثْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ» (یس/ ۳۶)

«وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْعُلُكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ؛ لِتَسْتَوُوا عَلَى ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا: سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ؛ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ» (زخرف/ ۱۲-۱۴)

«مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ...؛ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ؛ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ» (مومنون/ ۹۱-۹۲)

«قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَابِدِينَ؛ سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ» (زخرف/ ۸۱-۸۲)

«هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَ... هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ؛ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ؛ هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ... لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى؛ يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (حشر/ ۲۲-۲۴)

«تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَفُورُ؛ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاقُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ؛ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ» (ملك/ ۴)

«وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ» (قصص/ ۶۸)

«سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ؛ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ» (صافات/ ۱۵۹-۱۶۰)

«وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ؛... سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ؛ وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ؛ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (صافات/ ۱۷۱-۱۸۲)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ بینش و باور و اعتراف به فقر و نیاز وجودی مطلق خود و نظام خلقت، به خالق بی نیاز پاسخگوی نیازها:

▪ «یا ایها الناس انتم الفقراء الی الله؛ و الله هو الغنی الحمید» (فاطر/۱۵)

➤ آسیب شناسی وجود خود، و معرفت و اعتراف به قصور و تقصیر بندگی، و عذر خواهی به درگاه الهی و طلب عفو و گذشت و رحمت الهی:

«و نَفْسٍ و مَا سَوَّاهَا؛ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا؛ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا؛ وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» (شمس/۷-۱۰)

«... رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَ لَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَي الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا رَبَّنَا وَ لَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَ اعْفُ عَنَّا وَ اغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» (بقره/۲۸۶)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

➤ مطالعه اسبب شناسانه اهداف، برنامه ها و عملکرد مدیریت های غیر الهی (طاغوتی و شیطانی) با استمداد از رهنمود ها و الگوی عملی سیره اولیاء الهی، خصوصاً اهل البيت (ع):

▪ «... فمن يكفر بالطاغوت و يؤمن بالله فقد استمسك بالعروة الوثقى، لا انفصام لها و الله سميع عليم» (بقره/۲۵۶)

▪ «و الَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ اَنْ يَعْبُدُوهَا و اَنَابُوا اِلَى اللّٰهِ لَهُمُ النُّبُورَى؛ فَبَشِّرْ عِبَادِ» (زمر/۱۷)

▪ «قُلْ سِيرُوا فِي الْاَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» (انعام/۱۱)

▪ «قُلْ سِيرُوا فِي الْاَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ» (نمل / ۶۹)

▪ «قُلْ سِيرُوا فِي الْاَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ» (روم/۴۲)

▪ «... أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْاَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ و لَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا اَفَلَا تَعْقِلُونَ» (يوسف / ۱۰۹)

▪ «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْاَرْضِ فَتَكُون لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا اَوْ اَدَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَاِنَّهَا لَا تَعْمَى الْاَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ (حج/۲۶)

▪ «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْاَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ و أَشَدَّ قُوَّةً وَّآثَارًا فِي الْاَرْضِ فَمَا اَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ؛

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرَحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ و حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ؛ فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا اَمِنَّا بِاللّٰهِ وَحَدُّهُ و كَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ؛ فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ اِيْمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سِنَّةَ اللّٰهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ و خَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ» (غافر/۸۲-۸۵)

▪ «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَى و لَكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ ... و هُدًى و رَحْمَةً لِّعَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (يوسف/۱۱۱)

▪ «فَأَخَذَهُ اللّٰهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ و الْأُولَى؛ اِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَنْ يَخْشَى» (نازعات/۲۵-۲۶)

▪ «و اعلموا انكم لن تعرفوا الرشده حتى تعرفوا الذى تركه؛ و لن تاخذوا بميثاق الكتاب حتى تعرفوا الذى الذى نقضه؛ و لن تمسكوا به حتى تعرفوا

الذى نبذه؛ فالتمسوا ذلك من عند اهلهم فانهم عيش العلم و موت الجهل؛ هم الذين يخبركم حكمهم عن علمهم، و صمتهم عن منطقتهم، و ظاهرهم عن باطنهم؛ لا يخالفون الدين و لا يختلفون فيه، فهو بينهم شاهد صادق، و صامت ناطق ...» على (ع): (خ/۱۲۷، ص ۲۰۵)



گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

➤ سیاست وارونه بنی امیه و معاویه، در سنت آسیب شناسی ارزشها و شناخت پیروان جبهه حق و باطل:

✓ ازادی تعلیم ایمان و ممنوعیت تبیین کفر و شرک و نفاق:

▪ «علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن القاسم بن محمد، عن المنقري، عن سفيان ابن عيينة، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: إن بني أمية أطلقوا للناس تعليم الايمان و لم يطلقوا تعليم الشرك لكي إذا حملوهم عليه لم يعرفوه» (كافي، كليني، ۲ / ۲۱۵)

✓ تنقیص مقام عصمت: شخصیت انبیاء(ع) و پیامبر اسلام(ص):

▪ «لا أوتى برجل يزعم أن داود تزوج امرأة أوريا الا جلده حد للنبوة و حدا للاسلام» علی (ع): (نورالثقلين، حویزی، ۴ / ۲۴۶)

✓ نسبت قضاوت جاهلان به پیامبر اسلام!:

▪ «حدثنا قتيبة بن سعيد الثقفي و أبو كامل الجحدری و تقاربا في اللفظ و هذا حديث قتيبة قال: حدثنا أبو عوانة عن سماك عن موسى بن طلحة عن أبيه قال: مررت مع رسول الله صلى الله عليه و سلم يقوم على رؤس النخل؛ فقال ما يصنع هؤلاء؟!؛

فقالوا يلقحونه يجعلون الذكر في الأنثى فيتلقح فقال رسول الله صلى الله عليه و سلم: ما أظن (يعنى ذلك) شيئا؛

قال: فأخبروا بذلك فتركوه فأخبر رسول الله صلى الله عليه و سلم بذلك فقال: إن كان ينفعهم ذلك فليصنعه فاني إنما ظننت ظنا فلا تؤاخذوني بالظن و لكن إذا حدثتكم عن الله شيئا فخذوا به فاني لن اكذب على الله عز وجل» (صحيح مسلم، ۵ / ۹۵)

▪ «حدثنا عبد الله بن الرومي اليمامي و عباس بن عبد العظيم العنبري و أحمد بن جعفر المعقري قالوا حدثنا النضر بن محمد حدثنا عكرمة (و هو ابن عمار) حدثنا أبو النجاشي حدثني رافع بن خديج قال: قدم نبي الله صلى الله عليه و سلم المدينة و هم يأبرون النخل يقولون يلقحون النخل؛ فقال(ص): ما تصنعون؟!؛

قالوا كنا نصنعه قال(ص): لعلكم لو لم تفعلوا كان خيرا؛ فتركوه فنغضت أو فبنقت؛ قال: فذكروا ذلك له؛ فقال(ص): إنما انا بشر إذا أمرتكم بشئ من دينكم فخذوا به و إذا أمرتكم بشئ من رأيي فإنما انا بشر؛ (قال عكرمة أو نحو هذا قال المعقري فنغضت و لم يشك)» (صحيح مسلم، ۵ / ۹۵)

▪ «حدثنا أبو بكر بن أبي شيبة و عمرو الناقد كلاهما عن الأسود بن عامر قال أبو بكر حدثنا اسود بن عامر حدثنا حماد بن سلمة عن هشام بن عروة عن أبيه عن عائشة و عن ثابت عن انس ان النبي صلى الله عليه و سلم مر يقوم يلقحون؛ فقال(ص):

لو لم تفعلوا لصلح؛ قال: فخرج شيصا!!؛ فمر بهم فقال ما لنخلكم قالوا: قلت كذا و كذا؛ قال(ص): أنتم اعلم بأمر دنياكم!» (صحيح مسلم، همو، همان)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

✓ ترویج اندیشه جبری مسلکی:

✓ ترویج اندیشه ارجاء (لودگی اخلاقی + ایمان = عاقبت بخیری!):

✓ معرفی تناقض امیز امثال عشره مبشره بالجنة:

«حدثنا قتيبة اخبرنا عبد العزيز بن محمد، عن عبد الرحمن بن حميد، عن ابيه، عن عبد الرحمن بن عوف، قال: «قال رسول الله (صلى الله عليه وآله):  
«أَبُو بَكْرٍ فِي الْجَنَّةِ، وَ عُمَرُ فِي الْجَنَّةِ، وَ عَلِيٌّ فِي الْجَنَّةِ، وَ عُثْمَانُ فِي الْجَنَّةِ، وَ طَلْحَةُ فِي الْجَنَّةِ، وَ الزَّيْنُ فِي الْجَنَّةِ، وَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ بْنِ عَوْفٍ فِي الْجَنَّةِ،  
وَ سَعْدُ بْنُ أَبِي وَقَّاصٍ فِي الْجَنَّةِ، وَ سَعِيدُ بْنُ زَيْدٍ فِي الْجَنَّةِ وَ أُوَيْسَةُ ابْنُ الْحِرَاحِ فِي الْجَنَّةِ» (سنن ترمذی، ۵ / ۲۱۱)

«أخبرنا أبو مصعب قراءة عن عبد العزيز بن محمد عن عبد الرحمن بن حميد عن أبيه عن سعيد بن زيد عن النبي صلى الله عليه وسلم نحوه؛ و لم يذكر فيه عن عبد الرحمن بن عوف، و قد روى هذا الحديث عن عبد الرحمن حميد عن أبيه عن سعيد بن زيد عن النبي صلى الله عليه وسلم نحو هذا، و هذا أصح من الحديث الأول». (سنن ترمذی، ۵ / ۲۱۲)

«حدثنا صالح بن مسمار المروزي أخبرنا ابن أبي فديك عن موسى بن يعقوب عن عمر بن سعيد عن عبد الرحمن بن حميد عن أبيه أن سعيد بن زيد حدثه في نفر أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: " عشره في الجنة: **أبو بكر** في الجنة، و **عمر** في الجنة، و **علي** و **عثمان** و **الزبير** و **طلحة** و **عبد الرحمن** و **أبو عبيدة** و **سعد بن أبي وقاص**: قال: فعد هؤلاء التسعة و سكت عن العاشر؛ فقال القوم: نشدك الله يا أبا الأعور من العاشر؟ قال: نشدتموني بالله؛ **أبو الأعور** في الجنة، قال: هو سعيد ابن زيد بن عمرو بن نفيل، و سمعت محمدا يقول هذا أصح من الحديث الأول» (همو، همان)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ قرآن کریم، منبع الهی حیرت آور در سنت آسیب شناسی امور افراد، تشکیلات، جوامع و نظامات بشری:

✓ فرمان انصاف و عدالت ورزی قولی و عملی در برخورد با دشمنان و دوستان راه حق:

▪ «و إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَ لَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَ بَعْدَ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَ صَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (انعام/۱۵۲)

▪ «ان الله يأمر بالعدل و الاحسان و إيتاء ذی القربى و ينهى عن الفحشاء و المنکر و البغی يعظکم لعلکم تذكرون» (نحل/۹۰)

▪ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلَي أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَ الْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَ إِنْ تَلَوُّوا أَوْ نَعَرْتُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (نساء/ ۱۲۵)

▪ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَ ... وَ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنًا قَوْمٌ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعَدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (مائده/ ۲)

▪ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنًا قَوْمٌ أَنْ تَعْدِلُوا؛ اعدلوا هو اقرب للتقوى؛ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (مائده/ ۸)

▪ «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (ممتحنه/ ۸)

▪ «وَ إِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَت إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ؛

فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَ أَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (حجرات/ ۹)

▪ «عدة من أصحابنا ، عن أحمد بن محمد بن خالد ، عن إسماعيل بن مهران ، عن عثمان بن جبلة ، عن أبي جعفر ( عليه السلام ) قال : قال رسول الله ( صلى الله عليه وآله ) : ثلاث خصال من كن فيه أو واحدة منهن كان في ظل عرش الله يوم لا ظل إلا ظله :

رجل أعطى الناس من نفسه ما هو سائلهم ، و رجل لم يقدم رجلا و لم يؤخر رجلا حتى يعلم أن ذلك لله رضى ، و رجل لم يعب أخاه المسلم بعب حتى ينفي ذلك العيب عن نفسه؛ فإنه لا ينفي منها عيبا إلا بدا له عيب!؛ و كفى بالمرء شغلا بنفسه عن الناس» (كافى، كلينى، ۲ / ۱۲۷)

▪ «علي بن إبراهيم ، عن أبيه ، عن النوفلي ، عن السكوني ، عن أبي عبد الله ( عليه السلام ) قال: قال رسول الله ( صلى الله عليه وآله ):

سيد الأعمال إنصاف الناس من نفسك و مؤاساة الأخ في الله و ذكر الله عز وجل على كل حال». (كافى، كلينى، ۲ / ۱۲۵).



گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

- «محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن علی بن الحکم، عن الحسن ابن حمزة، عن جده [ عن ] أبي حمزة الثمالي، عن علي بن الحسين ( صلوات الله عليهما ) قال: كان رسول الله (صلى الله عليه و آله) يقول في آخر خطبته: طوبى لمن طاب خلقه و طهرت سجيته و صلحت سريرته و حسنت علانيته و أنفق الفضل من ماله و أمسك الفضل من قوله و **أنصف الناس من نفسه**». (كافي، كليني، ۱۴۴ / ۲)
- «أبو علي الأشعري، عن محمد بن عبد الجبار، عن ابن فضال، عن غالب بن عثمان، عن روح ابن أخت المعلى، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: **اتقوا الله و اعدلوا، فإنكم تعيون على قوم لا يعدلون**». (كافي، كليني، ۱۴۷ / ۲).
- «علي، عن أبيه، عن ابن محبوب، عن هشام بن سالم، عن زرارة، عن الحسن البزاز قال: قال لي أبو عبد الله (عليه السلام): **ألا أخبرك بأشد ما فرض الله على خلقه [ ثلاث ]**؛ قلت: بلى قال: **إنصاف الناس من نفسك و مؤاساتك أخاك و ذكر الله في كل موطن، أما إنني لا أقول سبحان الله و الحمد لله و لا إله الا الله و الله أكبر و إن كان هذا من ذاك و لكن ذكر الله عز وجل في كل موطن، إذا هجمت على طاعة أو على معصية**» (كافي، كليني، ۱۴۵ / ۲)
- «ابن محبوب، عن أبي أسامة قال: قال أبو عبد الله (عليه السلام): **ما ابتلي المؤمن بشئ أشد عليه من خصال ثلاث يجرمها، قيل: و ما هن؟** قال: **المؤاساة في ذات يده و الانصاف من نفسه و ذكر الله كثيرا، أما إنني لا أقول: سبحان الله و الحمد لله، [ و لا إله الا الله ] و لكن ذكر الله عندما أحل له و ذكر الله عندما حرم عليه**». (كافي، كليني، ۱۴۶ / ۲).
- «يا بني، **اجعل نفسك ميزانا فيما بينك و بين غيرك، فاحب لغيرك ما تحب لنفسك، و أكره له ما تكره لها، و لا تظلم كما لا تحب أن تظلم، و أحسن كما تحب أن يحسن إليك، و استقبح من نفسك ما تستقبحه من غيرك، و ارض من الناس بما ترضاه لهم من نفسك**» (نهج، نامه ۳۱، ص ۳۹۷)

✓ **آسیب شناسی پیروان جبهه حق در عين تبیین و دفاع از حقانیت سبیل الله:**

«أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَ مَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَ قَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَ يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا؛ وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَ إِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُونَ عَنْكَ صُدُودًا» (نساء/ ۶۰-۶۱)

✓ **آسیب شناسی پیروان جبهه باطل، به همراه تبیین بطلان سبیل الشیطان:**

«... وَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَائُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره/ ۲۵۷)

«وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ؛ **كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَنْ تَوَلَّاهُ فَإِنَّهُ يُضِلُّهُ وَ يَهْدِيهِ إِلَى عَذَابِ السَّعِيرِ**» (حج/ ۳-۴)



گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

اسیب شناسی و نقد متواضعانه و عالمانه اهداف، برنامه ها و عملکردهای خود و خودی ها و تلاش بر رفع آنها:

▪ «ان الذين اتقوا اذا مسهم طائف من الشيطان تذكروا فاذا هم مبصرون» (اعراف/ ۲۰۱)

▪ «يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله و لتنظر نفس ما قدمت لغد و اتقوا الله، ان الله خبير بما تعملون» (حشر/ ۱۸)

▪ «و اذكر ربك في نفسك تضرعا و خيفة و دون الجهر من القول بالغدو و الاصال و لا تكن من الغافلين» (اعراف/ ۲۰۵)

▪ «بصرتكم صدق النية» على (ع): (نهج، خ ۴)

➤ سعه صدر در پی جویی دیدگاه های منتقدانه مخالفان نسبت به اهداف، برنامه ها و عملکرد خود

و بازخورد عالمانه و عادلانه به موقع به آنها:

• در صورت وارد بودن نقدها:

پذیرش عذر خواهانه و اصلاح، و یا عذرخواهی و استعفاء:

«سیره اهل ایمان و یقین»

«و الذين اذا فعلوا فاحشة او ظلموا انفسهم ذكروا الله فاستغفروا لذنوبهم، و من يغفر الذنوب الا الله و لم يصروا على ما فعلوا...» (آل عمران/ ۱۲۵)

• در صورت سوء تفاهم در نقد ها:

تبیین و رفع سوء تفاهم و مدارا با لجajتها بشرط عدم نقض حقوق انسانی و اسلامی دیگران توسط منتقدین

«سیره امیرمنان (ع) در برخورد با خوارج و مخالفین»

➤ عذر خواهی دائمی به درگاه الهی، سنت اهل ایمان و یقین، خصوصا در شرائط پیروزی و موفقیت!:

▪ «اذا جاء نصر الله و الفتح و رایت الناس یدخلون فی دین الله افواجا فسیح بحمد ربك و استغفره انه كان توابا» (نصر/ ۱-۲)

▪ «الذين يقولون ربنا اننا آمننا فاغفر لنا ذنوبنا و قنا عذاب النار الصابرين و الصادقین و المنفقین و المستغفرین بالاسحار» (آل عمران/ ۱۷)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

■ اثار و برکات تسبیح و استغفار:

❖ بن بست گشایی، نزول برکات اقتصادی و رزق معنوی:

■ «وَأَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ؛ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى و يُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ؛ و إِن تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ...عَذَابَ...كَبِيرٍ» (هود/۲)

■ «و يَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ؛ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا و يَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ و لَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ» (هود/۵۲)

■ «فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا؛ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا؛ و يُمِدِّدْكُمْ بِأَمْوَالٍ و بَنِينَ و يُجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ و يُجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا» (نوح/۱۰-۱۲)

■ «و عن ابن عباس رضي الله عنهما قال ، قال رسول الله صلى الله عليه و سلم :

"من لزم الاستغفار جعل الله له من كل ضيق مخرجاً، و من كل هم فرجاً، و رزقه من حيث لا يحتسب" رواه أبو داود . (رياض الصالحين، نووی، ۷۲۲)

■ «... إِنَّ اللَّهَ يَبْتَلِي عِبَادَهُ عِنْدَ الْأَعْمَالِ السَّبِيَّةَ - بِنَقْصِ الثَّمَرَاتِ و حَسْبِ الْبَرَكَاتِ - و إِعْلَاقِ خَزَائِنِ الْخَيْرَاتِ لِيُتُوبَ تَائِبٌ؛ و يُفْلِعَ مُفْلِعٌ و يَتَذَكَّرَ مُتَذَكِّرٌ و يَزِدْجِرَ مُزْدَجِرٌ؛ و قَدْ جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ الْإِسْتِغْفَارَ سَبَبًا - لِذُرُورِ الرِّزْقِ و رَحْمَةً الْخَلْقِ فَقَالَ سُبْحَانَهُ:

- «اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا - يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا - و يُمِدِّدْكُمْ بِأَمْوَالٍ و بَنِينَ - و يُجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ و يُجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا»-

- فَرَحِمَ اللَّهُ امْرَأً اسْتَفْبَلَ تَوْبَتَهُ؛ و اسْتَفَالَ خَطِيئَتَهُ و بَادَرَ مَنِيئَتَهُ؛ ... و لَا تُؤَاخِذْنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ...» (نہج، خ ۱۲۳)

❖ مصونیت از عذاب الهی:

«و ما كان الله ليعذبهم و انت فيهم و ما كان الله معذبهم و هم يستغفرون» (انفال/۳۳)

وَحَكَى عَنْهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ الْبَاقِرِ ( ع ) ، أَنَّهُ قَالَ - كَانَ فِي الْأَرْضِ أَمَانَانِ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ - وَقَدْ رُفِعَ أَحَدُهُمَا فِدْوَانُكُمْ الْآخِرَ فَتَمَسَّكُوا بِهِ - أَمَّا الْأَمَانُ الَّذِي رُفِعَ فَهُوَ رَسُولُ اللَّهِ ( ص ) - وَأَمَّا الْأَمَانُ الْبَاقِي فَالِاسْتِغْفَارُ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

«وما كان الله ليعذبهم و أنت فيهم - وما كان الله معذبهم و هم يستغفرون» (نہج، حکمت ۸۸)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ پاک شدن از آلودگی ها، برطرف شدن نقائص وجودی (غیر معصومین)، و ارتقاء وجودی معصومین (ع) و پیروان:

▪ «رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ» (آل عمران / ۱۹۳)

▪ «فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ؛ وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ» (حجر/۹۸-۹۹)

▪ «ألا أخبركم بدائكم من دوائكم؟ قلنا: بلى يا رسول الله، قال (ص) : دأؤكم الذنوب و دواؤكم الاستغفار». (ص): (بحارالانوار، ۹۰ / ۲۸۲)

❖ رسیدن به جامعیت و کمال الهی:

▪ «فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ غُرُوبِهَا وَ مِنْ أَنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَ اطَّرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ؛

و لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَ رِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَ أَبْقَىٰ» (طه / ۱۳۰-۱۳۱)

➤ رسیدن به جامعیت الهی (مقام رکوع)

▪ «فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ» (واقعه/۷۴) / «إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ؛ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ» (واقعه/۹۵-۹۶)

▪ «وَ إِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ؛ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ» (حاقه/۵۱-۵۲)

▪ «سبحان ربی العظیم و بحمده»

▪ «سأل رجل أمير المؤمنين عليه السلام فقال: يا ابن عم خير خلق الله عز وجل ما معنى مد عنقك في الركوع فقال(ع):

تأويله، آمنت بالله(بوحدايتك) و لو ضربت عنقي» (من لا يحضره الفقيه، ۱ / ۳۱۱؛ علل الشرايع، ۲ / ۳۲۰)

➤ رسیدن به کمال الهی (مقام سجده)

▪ «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَىٰ؛ الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّىٰ؛ وَ الَّذِي قَدَّرَ فْهَدَىٰ؛ وَ الَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَىٰ؛ فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَىٰ» (اعلىٰ/۱-۵)

▪ «سبحان ربی الاعلی و بحمده»

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

تلازم تسبیح و استغفار:

❖ دو تسبیح سجده حیات و ممات دنیوی و استغفار تمام عیار فیما بین:

«سبحان ربی الاعلی و بحمده» / «استغفر الله ربی و اتوب الیه» / «سبحان ربی الاعلی و بحمده»

«مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نُعِيدُكُمْ وَ مِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى» (طه/۵۵)

«أخبرنا علي بن سهل قال : حدثنا إبراهيم بن علي قال : حدثنا أحمد بن محمد الأنصاري عن الحسن بن علي العلوي قال: حدثني أبو حكيم الزاهد قال : حدثني أحمد بن علي الراهب قال سألت رجل أمير المؤمنين (عليه السلام) فقال له: يا ابن عم خير خلق الله: ما معنى السجدة الأولى؟ فقال: تأويلها، اللهم انك منها خلقتنا يعني من الأرض؛ و تأويل رفع رأسك، و منها أخرجتنا؛ و السجدة الثانية و إليها تعيدنا؛ و رفع رأسك و منها تخرجنا تارة أخرى». (علل الشرايع، ۲ / ۳۳۶؛ من لا يحضره الفقيه، صدوق، ۱ / ۲۱۲؛ وسائل الشيعه، ۶ / ۳۳۱)

❖ تسبیحات و استغفار در تعقیبات نماز دو رکعتی شبهای رمضان:

تسبیحات چهارگانه + ۷ بار تسبیحات اربعه + ۳ بار تسبیح و طلب غفران + ۱۰ بار صلوات

«سبحان من هو حفيظ لا يغفل؛ سبحان من هو رحيم لا يعجل؛ سبحان من هو قائم لا يسهو؛ سبحان من هو لا يلهو»

«سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر (۷ بار)؛ سبحانک سبحانک سبحانک؛ یا عظیم اغفر لی الذنب العظيم» (۳ بار): (مستدرک، ۶ / ۲۱۶؛ جامع احادیث الشيعه، ۷ / ۲۱۰)

❖ تسبیحات مکرر دعای جوشن کبیر شبهای قدر:

«سبحانک یا لا اله الا انت الغوث الغوث، خلصنا من النار یا رب» (مفاتیح الجنان، دعای جوشن کبیر)



گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

مراتب استغفار و عذر خواهی به درگاه خدا:

وقَالَ (ع) لِقَائِي قَالَ بِحَضْرَتِهِ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ؛ تَكَلُّكَ أُمَّكَ أَتَدْرِي مَا الْإِسْتِغْفَارُ؟؛ الْإِسْتِغْفَارُ دَرَجَةُ الْعَلِيِّينَ؛ وَ هُوَ اسْمٌ وَقَعَ عَلَى سِتَّةِ مَعَانٍ:

(۱) پشیمانی بر گذشته:

أَوْلَهَا النَّدَمُ عَلَى مَا مَضَى؛

(۲) عزم بر ترک بازگشت به گناه:

وَالثَّانِي الْعَزْمُ عَلَى تَرْكِ الْعُودِ إِلَيْهِ أَبَدًا؛

(۳) اداء حقوق مردم:

وَالثَّلَاثُ أَنْ تُؤَدِّيَ إِلَى الْمَخْلُوقِينَ حُقُوقَهُمْ - حَتَّى تَلْقَى اللَّهَ أَمَلَسَ لَيْسَ عَلَيْكَ تَبِعَةٌ؛

(۴) اداء واجبات ضایع شده:

وَالرَّابِعُ أَنْ تَعْمِدَ إِلَى كُلِّ فَرِيضَةٍ عَلَيْكَ - ضَيَعْتَهَا فَتُؤَدِّيَ حَقَّهَا؛

(۵) ذوب کردن جسمی که با گناه پروار شده:

وَالْخَامِسُ أَنْ تَعْمِدَ إِلَى اللَّحْمِ الَّذِي نَبَتَ عَلَى السُّحْتِ - فَتُذِيبَهُ بِالْأَحْزَانِ حَتَّى تُلْصِقَ الْجِلْدَ بِالْعَظْمِ - وَيَنْشَأَ بَيْنَهُمَا لَحْمٌ جَدِيدٌ؛

(۶) چشاندن رنج طاعت بر جسم و جان:

وَالسَّادِسُ أَنْ تُذِيقَ الْجِسْمَ أَلْمَ الطَّاعَةِ - كَمَا أَذْفَنَهُ حَلَاوَةَ الْمَعْصِيَةِ - فَعِنْدَ ذَلِكَ تَقُولُ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» (نهج، حکمت ۴۱۵)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

## ➤ اقسام استغفار:

### ❖ استغفار از فقر بندگی:

«إِنَّ كُلَّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِي الرَّحْمَنِ عَبْدًا» (مریم/۹۳)

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر/۱۵)

«يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ» ( ۲۹ )

### ❖ استغفار از قصور و تقصیر بندگی:

«لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ؛ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَ لَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَ لَا تُحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَ اعْفُ عَنَّا وَ اعْفِرْ لَنَا وَ أَرْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» (بقره/۲۸۶)

### ➤ فقهی حقوقی

➤ اخلاقی

➤ عرفانی

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

مقدمه: مناسبت ایام:

ضربت خوردن امیر مومنان:

معرفت موجودات به حضرت، ناله و نوحه مرغابیان منزل حین خروج حضرت به مسجد:

«أن أمير المؤمنين عليه السلام سهر تلك الليلة، فأكثر الخروج و النظر في السماء و هو يقول: " و الله ما كذبت و لا كذبت، و إنها الليلة التي وعدت بها ... فلما خرج إلى صحن الدار استقبلته الإوز فصحن في وجهه، فجعلوا يطردونهن فقال: "دعوهن فإنهن نوائح " ...» . (ارشاد مفید، ۱ / ۱۷)

«و لم يزل قبره مخفياً ... و قد خرج هارون الرشيد يوما يتصيد ، و أرسلوا الصقور و الكلاب على الطباء بجانب الغريين فجاولتها ساعة، ثم لجأت الطباء إلى الأكمة، فرجع الكلاب و الصقور عنها فسقطت [ في ] ناحية ، ثم هبطت الطباء من الأكمة فهبطت الصقور و الكلاب ترجع إليها، فتراجعت الطباء إلى الأكمة فانصرفت عنها الصقور و الكلاب، ففعلوا ذلك ثلاثاً. فتعجب هارون [ الرشيد من ذلك ] و سأل شيخاً من بني أسد : ما هذه الأكمة؟! فقال: لي الأمان؟! قال: نعم؛ قال: فيها قبر علي بن أبي طالب عليه السلام» (الخرائج و الجرائح، قطب راوندى، ۱ / ۲۲۴)

نفرین حضرت و ارزوی شهادت:

«و قال ( ع ) في سحرة اليوم الذي ضرب فيه:

مَلَكْتَنِي عَيْنِي و أَنَا جَالِسٌ - فَسَنَحَ لِي رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ - مَاذَا لَقِيتُ مِنْ أُمَّتِكَ مِنَ الْأَوْدِ و اللَّدِّ فَقَالَ ادْعُ عَلَيْهِمْ - فَقُلْتُ:

أَبْدَلْنِي اللَّهُ بِهِمْ خَيْرًا مِنْهُمْ - و أَبْدَلَهُمْ بِي شَرًّا لَهُمْ مِنِّي» (نهج، خطبه ۷۰)

«... عن الحسن بن علي، قال : خرجت أنا و أبي نصلي في هذا المسجد ، فقال لي : يا بني إني بت الليلة أوقظ أهلي ... فملكنتني عيناى، فسبح لي رسول الله صلى الله عليه و اله، فقلت: يا رسول الله ماذا لقيت من أمتك من الأود و اللدد ؟ فقال لي: ادع عليهم!؛ فقلت:

«اللهم أبدلني بهم من هو خير لي منهم ، و أبدلهم بي من هو شر لهم مني» (مقاتل الطالبين، ابوالفرج اصفهانى، ۲۵)

«اللَّهُمَّ إِنِّي قَدْ مَلَلْتُهُمْ و مَلُونِي و سَتَمْتُهُمْ و سَتَمُونِي - فَأَبْدَلْنِي بِهِمْ خَيْرًا مِنْهُمْ و أَبْدَلَهُمْ بِي شَرًّا مِنِّي» (نهج، خطبه ۲۵)

از وصای حضرت، تاکید بر التزام به قرآن:

«... الله الله فى القرآن، لايسبقكم بالعمل به غيركم...» (نهج، نامه ۴۷)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ ریشه های طرد ولایت علوی:

«إِنَّمَا بَدَأَ وُقُوعِ الْغَيْتِ أَهْوَاءٌ تُتَّبَعُ و أَحْكَامٌ تُبْتَدَعُ - يُخَالَفُ فِيهَا كِتَابُ اللَّهِ - و يَتَوَلَّى عَلَيْهَا رِجَالٌ رِجَالًا عَلَى غَيْرِ دِينِ اللَّهِ؛

فَلَوْ أَنَّ الْبَاطِلَ خَلَصَ مِنْ مِرَاجِ الْحَقِّ - لَمْ يَخَفَ عَلَى الْمُرْتَادِينَ؛

و لَوْ أَنَّ الْحَقَّ خَلَصَ مِنْ لَبْسِ الْبَاطِلِ - انْقَطَعَتْ عَنْهُ أَلْسُنُ الْمُعَانِدِينَ؛

و لَكِنْ يُؤْخَذُ مِنْ هَذَا ضِعْفٌ و مِنْ هَذَا ضِعْفٌ فَيُمَرَّجَانِ - فَهَذَاكَ يَسْتَوْلِي الشَّيْطَانُ عَلَى أَوْلِيَائِهِ -

و يَنْجُو «الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ» - مِنْ اللَّهِ - الْحُسْنَى» (نهج، خ ۵۰)

❖ بحث تولید دانش بنیان:

➤ حیات طیبه:

«من عمل صالحا من ذكر او انثى و هو مؤمن، فلنجينه حياة طيبة؛ و لنجزينهم باحين ما كانوا يعملون» (نحل/۹۷)

➤ زندگی دانش بنیان:

«و لا تقف ما ليس لك به علم؛ ان السمع و البصر و الغوادر، كل ذلك كان عنه مسئولا» (اسراء/۳۶)

«الى الله اشكو من معشر يعيشون جهالا، و يموتون ضلالا» على (ع): (نهج، خطبه ۱۷)



گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

## تجلی تسبیح و استغفار در نظام خلقت:

- «تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وِ الْأَرْضُ وِ مَنْ فِيهِنَّ وِ إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وِ لَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ؛ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا» (اسراء/۲۴)
- «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وِ الْأَرْضِ وِ الطَّيْرُ صَافَاتٍ كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وِ تَسْبِيحَهُ؛ وِ اللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ» (نور/۲۱)
- «يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وِ مَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» (جمعه/۱)
- «سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وِ الْأَرْضِ؛ وِ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (حديد/۱)
- «سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وِ مَا فِي الْأَرْضِ؛ وِ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (حشر/۱؛ صف/۱)

## تجلی تسبیح و استغفار در سیره مدیران و رهبران معصوم الهی:

### عذر خواهی و تسبیح ملائکه:

- «و إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وِ يَسْفِكُ الدِّمَاءَ وِ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وِ نُقَدِّسُ لَكَ؛ قَالَ: إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ؛ وِ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ: أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛ قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ» (بقره/۳۰-۳۲)
- «و يَوْمَ يَخْشَرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ: أَهَؤُلَاءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ؛ قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيِّنَا مِنْ دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ» (سبا/۴۰-۴۱)
- «يسبح الرعد بحمده و الملائكة من خيفته...» (رعد/۱۲)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ عذر خواهی و تسیح آدم (ع):

▪ «فتلقى ادم من ربه كلمات فتاب عليه انه هو التواب الرحيم» (بقره/ ۳۷)

▪ «ربنا ظلمنا انفسنا و ان لم تغفر لنا و ترحمنا لنكونن من الخاسرين» (اعراف/ ۲۳)

▪ «علي بن ابراهيم، عن ابيه، عن ابن ابي عمير، ... عن كثير بن كلثمة، عن أحدهما (عليهما السلام) في قول الله عز و جل: " فتلقى آدم من ربه كلمات" قال: لا إله إلا أنت سبحانك اللهم و بحمدك عملت سوءا و ظلمت نفسي فاغفر لي و أنت خير الغافرين...» (كافي، ۸ / ۲۰۴)

❖ عذر خواهی و تسیح حضرت موسی!

➤ درخواست رؤیت:

▪ «و لما جاء موسى لميقاتنا و كلمه ربه قال رب ارنى انظر اليك قال لى ترانى و لكن انظر الى الجبل فان استقر مكانه فسوف ترانى فلما تجلى ربه للجبل جعله دكا و خر موسى صعيفا فلما افاق قال سبحانك تبت اليك و انا اول المؤمنين» (اعراف / ۱۲۳)

➤ ضرب هارون(ع)!:

▪ «قال يا هارون ما منعك إذ رأيتهم ضلوا؛ ألا تتبعن أف عصيت أمري؛

قال يا ابن أم لا تأخذ بلحيتي ولا برأسي إني خشيت أن تقول فرقت بين بني إسرائيل ولم ترقب قولي» (طه/ ۹۲-۹۴)

▪ «و لما رجع موسى الى قومه غضبان أسيفا قال بنسما خلقتموني من بعدي أعجلتكم أمر ربكم و ألقى الألواح و أخذ برأس أخيه يجره إليه قال: ابن أم إن القوم استضعفوني و كادوا يقتلونني فلا تشمت بي الأعداء و لا تجعلني مع القوم الظالمين؛

قال: رب اغفر لي و لأخي و أدخلنا في رحمتك و أنت أرحم الراحمين» (اعراف/ ۱۵۰-۱۵۱)

➤ ضرب قبطی:

▪ «و لما بلغ أشده و استوى أتياه حكما و علما و كذلك نجزي المحسنين؛ و دخل المدينة علي حين غفلة من أهلها فوجد فيها رجلين يقتتلان هذا من شيعته و هذا من عدوه فاستغاه الذي من شيعته علي الذي من عدوه فوكزه موسى فقضى عليه قال هذا من عمل الشيطان إنه عدو مضل مبين قال: رب إني ظلمت نفسي فاغفر لي فإنه هو الغفور الرحيم؛ قال رب بما أنعمت علي فلن أكون ظهيرا للمجرمين (قصص/ ۱۴-۱۷)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ عذر خواهی و تسبیح یونس(ع):

▪ «وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ؛

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَكَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ» (انبیاء/۸۸-۸۷)

▪ «فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ؛ لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ» (صافات/۱۲۳-۱۲۴)

❖ عذر خواهی و تسبیح حضرت داوود (ع):

▪ «قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعَجْتِكَ إِلَىٰ نِعَاجِهِ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَا هُمْ؛

وَظَنَّ دَاوُودُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ؛ فَغَفَرْنَا لَهُ ذَلِكَ وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَآبٍ؛

يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ» (ص/۲۲-۲۶)

❖ عذر خواهی و تسبیح حضرت سلیمان (ع):

▪ «وَوَهَبْنَا لِدَاوُودَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ؛ ... وَ لَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا عَلَىٰ كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ؛ قَالَ: رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ هَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ؛ فَسَخَرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ» (ص/۲۰-۲۶)

❖ عذر خواهی و تسبیح حضرت عیسی (ع):

▪ «و إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ: أَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ: اتَّخِذُونِي وَأُمِّيَ إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ: سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعَلَّمَ مَا فِي نَفْسِي وَ لَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ» ( ۱۱۶ )

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ عذر خواهی و تسبیح حضرت پیامبر اسلام (ص):!

«و قالوا: لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعًا؛ أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ وَعِنَبٍ فَتُفَجِّرَ الْأَنْهَارَ خِلالَها تَفْجِيرًا؛ أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ كَمَا زَعَمَتْ عَلَيْنَا كِيسًا أَوْ تَأْتِيَ بِاللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ قَبِيلًا؛ أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِنْ زُخْرَفٍ أَوْ تَرْفَى فِي السَّمَاءِ وَ لَنْ نُؤْمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتَّى تُنْزِلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَقْرُوهُ؛

قُلْ: سُبْحَانَ رَبِّي هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا» (اسراء/ ۹۰-۹۳)

«إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ؛ وَ رَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا؛ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ اسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا» (نصر/ ۱-۳)

«انه لیغان علی قلبی؛ و انی لاستغفر الله فی کل یوم سبعین (مأة) مرة» (ص): (مستدرک الوسائل، نوری، ۵ / ۳۲۰)

«قال (الصادق علیه السلام): کان رسول الله صلی الله علیه و آله، یتوب إلى الله فی کل یوم سبعین مرة، من غیر ذنب» (همان، همو، ۵ / ۳۷۵)

❖ دعای کمیل و عذر خواهی ها و تسبیح حیرت آور امیر مومنان (ع):

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ النِّعَمَ . اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُحْبِسُ الدَّعَاءَ . اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ الْبَلَاءَ . اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَدْبَنْتَهُ ، وَكُلَّ خَطِيئَةٍ أَخْطَأْتُهَا...

لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، سُبْحَانَكَ وَ بِحَمْدِكَ ظَلَمْتُ نَفْسِي ، وَ تَجَرَّأتُ بِجَهْلِي ...» (مفاتیح، دعای کمیل) .



گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ عذر خواهی و حلالیت طلبی امیر مومنان(ع) از خانواده شهید:

«نظر علي عليه السلام إلى امرأة على كتفها قربة ماء، فأخذ منها القربة فحملها إلى موضعها، و سألتها عن حالها فقالت:

بعث علي بن أبي طالب صاحبي إلى بعض الثغور فقتل، و ترك علي صبيانا يتامى، و ليس عندي شيء، فقد أُلجأتني الضرورة إلى خدمة الناس، فانصرف و بات ليلته قلقا، فلما أصبح حمل زنبیلا فيه طعام، فقال بعضهم: أعطني أحمله عنك، فقال(ع): من يحمل وزري عني يوم القيامة؟! فأتى و قرع الباب، فقالت: من هذا؟ قال: أنا ذلك العبد الذي حمل معك القربة؛ فافتحي فإن معي شيئا للصبيان،

فقالت: رضي الله عنك و حكم بيني و بين علي بن أبي طالب!؛

فدخل و قال: إني أحببت اكتساب الثواب، فاخترت بين أن تعجنين و تخبزين و بين أن تعللين الصبيان لأخبر أنا، فقالت: أنا بالخبز أبصر و عليه أقدر، و لكن شأنك و الصبيان، فعملهم حتى أفرغ من الخبز، قال: فعمدت إلى الدقيق فعجنته، و عمد علي عليه السلام إلى اللحم فطبخه، و جعل يلقم الصبيان من اللحم و التمر و غيره، فكلما ناول الصبيان من ذلك شيئا قال له: يا بني اجعل علي بن أبي طالب في حل مما أمر في أمرك، فلما اختمر العجين قالت: يا عبد الله أسجر التنور فبادر لسجره فلما أشعله و لفح في وجهه جعل يقول: ذق يا علي هذا جزءا من ضيع الأراهل و اليتامى!؛

فأرته امرأة تعرفه فقالت: ويحك هذا أمير المؤمنين، قال: فبادرت المرأة و هي تقول: وا حيائي منك يا أمير المؤمنين؛

فقال(ع): بل وا حيائي منك يا أمة الله فيما قصرت في أمرك!« (مناقب ال ابى طالب، ۱ / ۳۱۹؛ بحار الانوار، ۴۱ / ۵۲)

❖ سيد الشهداء(ع)، و عذر خواهی های حیرت آور در دعای عرفه و لحظه شهادت:

«لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ...» (مفاتيح، دعای عرفه)

«الهی رضا برضاک، و تسلیمًا لامرک؛ لا معبود سواک یا غیاث المستغیثین» امام حسین(ع)

❖ صحیفه سجادیه و عذر خواهی ها و تسبیح حیرت آور سید الساجدین(ع):

«إلهي ألبستني الخطايا ثوب مذلتني ، و جللني التباعد منك لباس مسكنتني ، و أمات قلبي عظيم جنائتي ، فأحبه بتوبة منك يا أملي و بغيتي و يا سؤلي و منيتي ، فوعزتک ما أحد لذنوبي سواک غافرا ، و لا أرى لكسري غيرک جابرا ، و قد خضعت بالإنابة إليك ، ...» (مناجات التائبين) .

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ ... الگوی سیره عذر خواهی یوسف(ع) در سیره امام صادق(ع):

«قال أبو بصير: قلت لأبي عبد الله " عليه السلام " : ما كان دعاء يوسف " عليه السلام " في الجب ؟ فانا قد اختلفنا فيه قال(ع):

إن يوسف " عليه السلام " لما صار في الجب و آيس من الحياة قال:

اللهم ان كانت الخطايا و الذنوب قد أخلقت وجهي عندك فلن ترفع لي إليك صوتا، و لن تستجيب دعوة فاني أسألك بحق الشيخ يعقوب فارحم  
ضعفه و اجمع بيني و بينه فقد علمت رفته على و شوقي إليه؛

قال: ثم بكى أبو عبد الله " عليه السلام " ثم قال: و أنا أقول:

اللهم ان كانت الخطايا و الذنوب قد أخلقت وجهي عندك فلن ترفع لي إليك صوتا و لن تستجيب دعوة فاني أسألك بك فليس كمثلك شئ. و أتوجه  
إليك بمحمد نبيك نبي الرحمة يا الله يا الله يا الله؛

قال: ثم قال أبو عبد الله " عليه السلام " : قولوا هذا و أكثروا منه فاني كثيرا ما أقوله عند الكرب العظام». (روضه الواعظين، فتال نيشابورى، ۲۲۸)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

تجلی تسبیح و استغفار در سیره اهل توبه و اهل ایمان، مدیران و رهبران جامعه:

❖ عذر خواهی و توبه و تسبیح خونین «سحره» رهبران فرهنگی بت پرستان، خط شکنان و پیشتازان راه حق!!

▪ «وَأَلْقَى السَّحْرَةَ سَاجِدِينَ؛ قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ؛ رَبِّ مُوسَى وَ هَارُونَ؛

قَالَ فِرْعَوْنُ آمَنْتُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ آدَنَ لَكُمْ إِنَّ هَذَا لَمَكْرٌ مَكْرْتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ لِتُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ؛

لَأَقْطِعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ ثُمَّ لَأَصْلَبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ؛

قَالُوا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ؛ وَمَا نَنفَعُ مِمَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَتْنا رَبَّنَا أَفِرْعُ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَقَّنا مُسْلِمِينَ» (اعراف/ ۱۲۱-۱۲۶)

▪ «فتولَّى فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ أَتَى؛ قَالَ لَهُمْ مُوسَى: وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا عَلَيَّ اللَّهُ كَذِبًا فَيُسْحِتَكُمْ بِعَذَابٍ وَقَدْ خَابَ مَنْ افْتَرَى؛

فَتَنَازَعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ وَ أَسْرُوا النَّجْوَى؛ قَالُوا إِنَّ هَذَانِ لَسَاحِرَانِ يُرِيدَانِ أَنْ يُخْرِجَاكُم مِّنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقِكُمُ الْمُثَلَى؛

فَأَجْمِعُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ ائْتُوا صَفًّا وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنِ اسْتَعْلَى؛

قَالُوا: يَا مُوسَى إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوْلَ مَنْ أَلْقَى؛ قَالَ بَلْ أَلْعُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَ عَصِيْبُهُمْ يُحَيِّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى؛

فَأَوْحَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَى؛ قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى؛ وَ أَلْقَى مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفَ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدٌ سَاحِرٍ؛ وَ لَا يُغْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى؛

فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سُجَّدًا قَالُوا: آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَ مُوسَى؛

قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آدَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَأَقْطِعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَ أَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَ لَأَصْلَبَنَّكُمْ فِي جُدُوعِ النَّخْلِ وَ لَتَعْلَمُنَّ إِنَّا أَشَدُّ

عَذَابًا وَ أَبْقَى؛

قَالُوا: لَنْ نُؤْتِرَكَ عَلَيَّ مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَ الَّذِي فَطَرَنَا فَافْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا؛

إِنَّا آمَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطَايَانَا وَ مَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ وَ اللَّهُ خَيْرٌ وَ أَبْقَى» (طه/ ۶۰-۷۳)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

▪ فَلَمَّا جَاءَ السَّحْرَةَ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَإِنَّا لَنَأْجُزُا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْعَالَمِينَ؛ قَالَ نَعَمْ وَإِنِّكُمْ إِذَا لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ؛

قَالَ لَهُمْ مُوسَى أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ؛ فَأَلْقَوْا حِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُوا: بَعِزَّةٌ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْعَالِبُونَ؛

فَأَلْفَى مُوسَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ؛ فَأَلْفَى السَّحْرَةَ سَاجِدِينَ؛ قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ؛ رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ؛

قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ لَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ و لَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ؛

قَالُوا: لَا ضَيْرَ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ؛ إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا أَنْ كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ» (شعراء/ ۲۱-۵۱)

❖ عذر خواهی ملکه سبا و تبعیت از حضرت سلیمان(ع):

«قَالَتْ: يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ! إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ؛ إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ و إِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ أَلَا تَعْلَمُونَ عَلَيَّ و أُتُونِي مُسْلِمِينَ ...

قال: نَكِّرُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنْظُرُ أَتَهْتَدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ؛ فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ أَهَكَذَا عَرْشُكَ قَالَتْ: كَأَنَّهُ هُوَ و أُوتِينَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا و كُنَّا مُسْلِمِينَ؛ و صَدَّهَا مَا كَانَتْ تَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنَّهَا كَانَتْ مِنْ قَوْمٍ كَافِرِينَ؛ قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً و كَشَفَتْ عَنْ سَاقِهَا قَالَتْ إِنَّهُ صَرْحٌ مُمَرَّدٌ مِنْ

قَوَارِيرَ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي و أَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (نمل/ ۲۹-۲۴)



گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ عذر خواهی و تسبیح ابودر:

▪ «و عنه عن أبي بصير قال سمعت أبا جعفر ع يقول: إن أبا ذر قال لرجل على عهد رسول الله (ص): يا بن السوداء!

قال: فقال رسول الله (ص): تعيره بأمه؟! قال: فلم يزل أبو ذر يمرغ رأسه و وجهه في التراب حتى رضی عنه رسول الله (ص):

(الاصول الستة عشر، اصل عاصم بن حميد، ٢٩، مستدرک، ١٥ / ١٢٣؛ جامع احاديث، ٢١ / ٢٤٩)

▪ «قال النبي (صلى الله عليه و آله و سلم) : «من سرّه أن ينظر إلى تواضع عيسى بن مريم فلينظر إلى أبي ذر!» (اسد الغابه، ٥ / ١٨٦؛

بحار الانوار، ٢٢ / ٢٢٠)

❖ عذر خواهی و توبه خونين حر بن يزيد رياحی:

▪ ...فقال الحسين عليه السلام للحر : **تكلتك أمك! ما تريد؟** فقال له الحر : أما لو غيرك من العرب يقولها لي و هو على مثل الحال التي أنت عليها ما تركت ذكر أمه بالمثل كائنا من كان، و لكن و الله ما لي من ذكر أمك من سبيل إلا بأحسن ما نقدر عليه». (بحار الانوار، ٢٤ / ٣٧٧)

«... فأخذ يدنو من الحسين قليلا قليلا ، فقال له مهاجر بن أوس :.. فما هذا الذي أرى منك ؟ فقال له الحر : **إني و الله أخير نفسي بين الجنة و النار ، فوالله لا أختار على الجنة شيئا و لو قطعت و أحرقت؛** ثم ضرب فرسه فلاحق الحسين عليه السلام فقال له : جعلت فداك يا ابن رسول الله أنا صاحبك الذي حبستك عن الرجوع ، و سايرتك في الطريق ، و جعجت بك في هذا المكان ، و ما ظننت أن القوم يردون عليك ما عرضته عليهم ، و لا يبلغون منك هذه المنزلة ، و الله لو علمت أنهم ينتهون بك إلى ما أرى ما ركبت مثل الذي ركبت ، **و أنا تأب إلى الله مما صنعت ، فترى لي من ذلك توبة؟** فقال له الحسين عليه السلام : **نعم يتوب الله عليك** فأنزل فقال : أنا لك فارسا خير مني راجلا أقاتلهم على فرسي ساعة ، و إلى النزول ما يصير آخر أمري ، فقال له الحسين عليه السلام: **فاصنع يرحمك الله ما بدا لك** . (بحار الانوار، ٢٥ / ١١)

▪ «قال : ف ضرب الحر بن يزيد فرسه ، و جاز عسكر عمر بن سعد ( لعنه الله ) إلى عسكر الحسين ( عليه السلام ) ، واضعا يده على رأسه ، و هو يقول: **اللهم إليك أنيب فتب علي ، فقد أرعبت قلوب أوليائك و أولاد نبيك؛ يا بن رسول الله ، هل لي من توبة؟** قال: نعم تاب الله عليك؛

قال: يا بن رسول الله، أتأذن لي فأقاتل عنك؟؛ فأذن له ، فبرز ... فقتل منهم ثمانية عشر رجلا ، ثم قتل ، فأتاه الحسين ( عليه السلام ) و دمه يشخب ، فقال (ع) : **بخ بخ يا حر ، أنت حر كما سميت في الدنيا و الآخرة...**» (امالی صدوق، ٢٢٢)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ عذر خواهی و تسبیح شب زنده داران اهل قران:

«الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنا آمَنَّا فَاغْرِ لنا ذُنُوبَنا و فِنا عَذابَ النَّارِ؛ الصَّابِرِينَ و الصَّادِقِينَ و الْقَانِتِينَ و الْمُنْفِعِينَ و الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحارِ» (آل عمران/ ۱۶- ۱۷)

«إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ و الْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ و النَّهَارِ لآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ؛ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيامًا و قُعُودًا و عَلى جُنُوبِهِمْ و يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ و الْأَرْضِ؛ رَبَّنَا ما خَلَقْتَ هَذا باطلاً سُبْحانَكَ فِنا عَذابَ النَّارِ؛... رَبَّنَا فَاغْرِ لنا ذُنُوبَنا و كَفِّرْ عَنّا سَيِّئاتِنا و تَوَفَّنا مَعَ الْأَبْرارِ» (آل عمران/ ۱۹۱- ۱۹۰)

▪ «قُلْ آمَنُوا بِهِ أَوْ لا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذا بُتِلَى عَلَيْهِمْ يَجْرُونَ لِلأَذقانِ سُجَّدًا؛ و يَقُولُونَ: سُبْحانَ رَبِّنا إِنْ كانَ وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولًا؛ و يَجْرُونَ لِلأَذقانِ يَبْكُونَ و يَزِيدُهُمْ خُشوعًا» (اسراء/ ۱۰۷- ۱۰۹)

❖ عذر خواهی و تسبیح باغداران خطاکار:

▪ «و لَولا إِذِ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ: ما يَكُونُ لنا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذا سُبْحانَكَ هَذا بُهتانٌ عَظيمٌ» (نور/ ۱۶)

▪ «إِنا بَلَوناهُم كَما بَلَونا أَصحابَ الْجَنَّةِ إِذِ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّها مُصِحِّينَ؛ و لا يَسْتَشْنُونَ؛ فَطَافَ عَلَیْها طائِفٌ مِنْ رَبِّكَ و هُمْ نائمُونَ؛ فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ؛ فَتَنادَوا مُصِحِّينَ؛ أَنْ اعْدُوا عَلَی حَرْبِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صارِمِينَ؛ فَانطَلَقُوا و هُمْ يَتَخَفَتُونَ؛ أَنْ لا يَدْخُلَها اليَوْمَ عَلَیْكُمْ مَسْكِينٌ؛ و عَدَوا عَلَی حَرِّ قَادِرِينَ؛ فَلَمَّا رَأَوْها قالُوا: إِنا لَصالُونَ؛ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ؛ قالَ أوسطُهُم: أَلَمْ أَقُلْ لَكم لَولا تَسْبِحُونَ؛ قالُوا: سُبْحانَ رَبِّنا إِنا كُنَّا ظالمِينَ؛ فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَی بَعْضٍ يَتَلَواهُمُ؛ قالُوا: يا وِيلَنا إِنا كُنَّا طاغِينَ؛ عَسَى رَبِّنا أَنْ يُبَدِلَنا خَيرًا مَناها إِنا إِلى رَبِّنا راعِبُونَ؛ كَذَلِكَ العَذابُ و لَعَذابُ الآخِرَةِ أَكْبَرُ لو كانُوا يَعْلَمُونَ» (القلم، ۱۷- ۲۳)

❖ عذر خواهی و تسبیح بهشتیان:

▪ «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا و عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُم بِإِيمانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الأنهارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ؛ دَعَوِيهِمْ فِيها سُبْحانَكَ اللَّهُمَّ و تَحِيَّاتُهُمْ فِيها سَلامٌ و آخِرُ دَعَوِيهِمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ» (يونس/ ۹- ۱۰)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

تلازم استغفار و عذر خواهی مدیریت اسلامی از اعمال خود، با نظارت و کنترل و نقد گفتار و رفتار منسوبین به خود و کارگزاران حکومتی خود:

❖ نقد عرفانی:

➤ سیره حضرت موسی(ع) با برادر خود:

قَالَ يَا هَارُونَ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا؛ أَلَا تَتَّبِعُنِي أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي؛

قَالَ يَا ابْنَ أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي» (طه/۹۲-۹۴)

«وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي أَعَجَلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَ أَلْقَى الْأَلْوَاحَ وَ أَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّونِي وَ كَادُوا يَقتُلُونِي فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ وَ لَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ؛

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لِأَخِي وَ أَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (اعراف/۱۵۰-۱۵۱)

❖ نقد فقهی حقوقی و اخلاقی:

➤ عذرخواهی همسر عزیز مصر (زلیخا):

«... قَالَتِ امْرَأَةُ الْعَزِيزِ: الْآنَ حَصْحَصَ الْحَقُّ أَنَا رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ وَ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ؛ ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخْنُهِ بِالْغَيْبِ وَ أَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ؛

وَ مَا أَبْرَأُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ» (يوسف/۵۱-۵۲)

➤ عذر خواهی برادران یوسف(ع):

«قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ آتَرَكَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَ إِن كُنَّا لَخَاطِئِينَ؛ قَالَ لَا تَثْرِيبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (يوسف/۹۱-۹۲)

«... قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ؛ قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (يوسف/۹۷-۹۸)



گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ سیره حضرت سلیمان (ع) با هدهد:

«و تَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ: مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهُدَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ؛ لِأَعَدَّبْتَهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لَيَأْتِيَنِي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ؛

فَمَكَتَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ وَ جِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَأٍ يَقِينٍ» (نمل/ ۲۰-۲۲)

➤ سیره الهی با همسران پیامبر(ص):

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَ أُسْرُخْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا؛ وَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَ رِسُولَهُ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا؛ يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُصَافَقْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَ كَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا؛ وَ مَنْ يَفْعَلْ مِنْكُنَّ لِلَّهِ وَ رِسُولِهِ وَ تَعْمَلْ صَالِحًا نُوتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَ أَعَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا؛ يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ...» (احزاب/ ۲۸-۳۲)

➤ عذر خواهی و توبه سنگین اصحاب متمرذ از حضور در جبهه جنگ:

«وَ عَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خَلَفُوا حَتَّى إِذَا صَافَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَ صَافَتْ عَلَيْهِمُ أَنْفُسُهُمْ وَ ظَنُّوا أَن لَّا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا

إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ؛ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (نوبه/ ۱۱۸-۱۱۹)

➤ عذر خواهی و نقد عزیز مصر از رفتار همسر خود!:

▪ «وَ قَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ لِامْرَأَتِهِ أَكْرَمِي مَثْوَاهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَ كَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَ لِنُعَلِّمَهُ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَ اللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ؛ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (يوسف/ ۲۱)

▪ «يوسف اعرض عن هذا و استغفرى لذنبك؛ انك كنت من الخاطئين» (يوسف/ ۲۹)



گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ سیره امیر مومنان (ع) با منسوبین و کارگزاران:

✓ نقد و برخورد با زیاده طلبی دختر خود ام کلثوم، و برخورد با کارگزار غافل خود:

«محمد بن الحسن باسناده عن علی بن ابراهیم عن ابیه عن الحجال عن صالح بن السندي عن الحسن بن محبوب عن عبد الله بن غالب عن ابیه عن سعید بن المسیب عن علی بن ابي رافع قال:

كنت علی بیت مال علی بن ابي طالب علیه السلام و کاتبه، و كان في بیت ماله عقد لؤلؤ كان اصابه يوم البصرة؛

قال: فأرسلت إلي بنت علی بن ابي طالب علیه السلام فقالت لي: بلغني أن في بیت مال أمير المؤمنين علیه السلام عقد لؤلؤ و هو في يدك و أنا أحب ان تعیرنيه أتجمل به في أيام عيد الأضحى، فأرسلت إليها (و قلت: نسخه بحار) عارية مضمونة مردودة يا بنت أمير المؤمنين؟ فقالت: نعم عارية مضمونة مردودة بعد ثلاثة أيام فدفعته إليها؛

و ان أمير المؤمنين علیه السلام رآه عليها فعرفه، فقال لها: من أين صار إليك هذا العقد؟ فقالت: استعرته من علی بن ابي رافع خازن بیت مال أمير المؤمنين لاتزين به في العيد ثم أرده. قال: فبعث إلي أمير المؤمنين علیه السلام فجنته فقال لي: **أتخون المسلمين يا ابن ابي رافع؟**

فقلت له: معاذ الله ان أخون المسلمين. فقال: **كيف أعرت بنت أمير المؤمنين العقد الذي في بیت مال المسلمين بغير اذني و رضاهم!؟**

فقلت: يا أمير المؤمنين انها ابنتك و سألتني ان أعيرها إياه تتزين به فأعرتها إياه عارية مضمونة مردودة فضمنته في مالي و علی ان أرده سليما إلى موضعه.

قال: **فرده من يومك و إياك ان تعود لمثل هذا فتناك عقوبتي. ثم قال: أولى لابنتي لو كانت اخذت العقد علی غير عارية مضمونة مردودة لكانت إذن أول هاشمية قطعت يدها في سرقة!**

قال: فبلغ مقالته ابنته فقالت له: يا أمير المؤمنين انا ابنتك و بضعة منك فمن أحق بلبسه مني؟

فقال لها أمير المؤمنين علیه السلام: يا بنت علی بن ابي طالب لا تذهبن بنفسك عن الحق أكل نساء المهاجرين تتزين في هذا العيد بمثل هذا؟ قال: فقبضته منها ورددته إلى موضعه". ( تهذيب الاحكام، طوسی، ۱۵۱/۱۰-۱۵۲، بحارالانوار، مجلسی، ۲۳۸/۴۰ )

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

✓ عدل علوی در نقد و برخورد با زیاده طلبی برادر خود با وجود فقر و نیاز:

«و ذکر عمرو بن علاء، أن عقیلاً لما سأل عطاءه من بیت المال قال له أمير المؤمنین عبه السلام: تقیم إلى یوم الجمعة، فأقام فلما صلی أمير المؤمنین الجمعة قال لعقیل: ما تقول فیمن خان هؤلاء أجمعین؟ قال: بنس الرجل ذاك، قال: فأنت تأمرنی أن أخون هؤلاء و أعطیک». (بحار الانوار، ۲۱ / ۱۱۴)

«والله لأن أبيت على حسك السعدان مسهداً - أو أجر في الأغلال مصفداً - أحب إلي من أن ألقى الله ورسوله يوم القيامة ظالماً - لبعض العباد - وغاصباً لشيء من الخطام - وكيف أظلم أحداً لنفس يسرع إلى البلى فقولها - ويطول في الثرى حلولها -

والله لقد رأيت عقیلاً وقد أملق - حتى استمأجني من برکم صاعاً - ورأيت صیبانه شعث الشعور غير الألوان من فقرهم - كأنما سودت وجوههم بالعظم - وعاودني مؤكداً وكرر علي القول مردداً - فأصغيت إليه سمعي فطن أبي أبيه ديني - واتبع قياده مفارفاً طريقتي - فأخمت له حديدة ثم أدنيتها من جسمه ليغتر بها - فصح صجيج ذي دنف من ألمها - وكاد أن يحترق من ميسمها - فقلت له تكلتك الثواكل يا عقيل - أتئن من حديدة أحماها إنسانها للعبه - وتجرني إلى نار سجرها جبارها لعضبه - أتئن من الأذى ولا أتئن من لطي... والله لو أعطيت الأقاليم السبعة بما تحت أفلاكها - على أن أعصي الله في نمله أسلبها جلب شعيرة ما فعلت...» (نهج، خطبه ۲۲۴).

✓ برخورد با زیاده طلبی برادر زاده خود، فرزند سردار بزرگ شهید اسلام (جعفر طیار)، و همسر زینب کبری (ع)!!:

«و روی هارون بن سعد قال عبد الله بن جعفر بن أبي طالب لعلي عليه السلام : يا أمير المؤمنين لو أمرت لي بمعونة أو نفقة فوالله مالي نفقة إلا أن أبيع دابتي ، فقال : لا والله ما أحد لك شيئاً إلا أن تأمر عمك أن يسرق فيعطيك!». (بحار الانوار، ۲۱ / ۱۲۷)

✓ نقد و برخورد با استنادار خود:

«أما بعد يا ابن حنيف - فقد بلغني أن رجلاً من فئته أهل البصرة - دعاك إلى مأذبة فأسرعت إليها - تستطاب لك الألوان و تُنقل إليك الحفان - و ما ظننت أنك تُحب إلى طعام قوم - عائلهم مجفو و عنيتهم مدعو...

ألا وإن لكل مأموم إماماً يغندي به - ويستضيء بنور علمه - ألا وإن إمامكم قد اكتفى من دنياه بطمره - ومن طعمه بقرضيه -

ألا وإنكم لا تقدرون على ذلك - و لكن أعينوني بورع و اجتهاد و عفة و سداد -» (نهج، نامه ۴۵)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

✓ نقد و برخورد با قاضی القضاة خود:

و رُوِيَ أَنَّ شَرِيحَ بْنَ الْحَارِثِ قَاضِيَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ( ع ) - اشْتَرَى عَلَيَّ عَهْدَهُ دَارًا بِثَمَانِينَ دِينَارًا - فَبَلَغَهُ ذَلِكَ فَاسْتَدْعَى شَرِيحًا - وَقَالَ لَهُ بَلِّغْنِي أَنَّكَ ابْتَعْتَ دَارًا بِثَمَانِينَ دِينَارًا وَ كَتَبْتَ لَهَا كِتَابًا وَ أَشْهَدْتَ فِيهِ شُهودًا؟ فَقَالَ لَهُ شَرِيحٌ قَدْ كَانَ ذَلِكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؛ قَالَ فَنَظَرَ إِلَيْهِ نَظَرَ الْمُغْضَبِ ثُمَّ قَالَ لَهُ:

يَا شَرِيحُ أَمَا إِنَّهُ سَيَأْتِيكَ مَنْ لَا يَنْظُرُ فِي كِتَابِكَ - وَ لَا يَسْأَلُكَ عَنْ بَيْتِكَ - حَتَّى يُخْرِجَكَ مِنْهَا شَاخِصًا وَ يُسَلِّمَكَ إِلَى قَبْرِكَ خَالِصًا!

فَانظُرْ يَا شَرِيحُ لَا تَكُونُ ابْتَعْتَ هَذِهِ الدَّارَ مِنْ غَيْرِ مَالِكَ - أَوْ نَقَدْتَ التَّمَنَ مِنْ غَيْرِ حَلَالِكَ - فَإِذَا أَنْتَ قَدْ خَسِرْتَ دَارَ الدُّنْيَا وَ دَارَ الْآخِرَةِ - .

أَمَا إِنَّكَ لَوْ كُنْتَ أَتَيْتَنِي عِنْدَ شِرَائِكَ مَا اشْتَرَيْتَ - لَكَتَبْتُ لَكَ كِتَابًا عَلَيَّ هَذِهِ النُّسْخَةَ - فَلَمْ تَرَعَبْ فِي شِرَاءِ هَذِهِ الدَّارِ بِدَرَاهِمٍ فَمَا فَوْقُ - وَالنُّسْخَةُ هَذِهِ: هَذَا مَا اشْتَرَى عَبْدٌ ذَلِيلٌ مِنْ مَيْتٍ قَدْ أُرْعِجَ لِلرَّحِيلِ؛ اشْتَرَى مِنْهُ دَارًا مِنْ دَارِ الْعُرُورِ؛ مِنْ جَانِبِ الْغَائِينَ وَحِطَّةِ الْهَالِكِينَ؛ وَ تَجَمَعُ هَذِهِ الدَّارُ حُدُودَ أَرْبَعَةٍ: الْحَدُّ الْأَوَّلُ يَنْتَهِي إِلَى دَوَاعِي الْأَقَاتِ؛ وَ الْحَدُّ الثَّانِي يَنْتَهِي إِلَى دَوَاعِي الْمُصِيبَاتِ؛ وَ الْحَدُّ الثَّلَاثُ يَنْتَهِي إِلَى الْهَوَى الْمُرْدِي؛ وَ الْحَدُّ الرَّابِعُ يَنْتَهِي إِلَى الشَّيْطَانِ الْمُغْوِي؛ وَ فِيهِ يُشْرَعُ بَابُ هَذِهِ الدَّارِ؛

اشْتَرَى هَذَا الْمُعْتَرِّ بِالْأَمَلِ مِنْ هَذَا الْمُزْعَجِ بِالْأَجَلِ، هَذِهِ الدَّارُ بِالْخُرُوجِ مِنْ عِزِّ الْقِنَاعَةِ، وَ الدُّخُولِ فِي ذُلِّ الطَّلَبِ وَ الصَّرَاعَةِ!

فَمَا أَدْرَكَ هَذَا الْمُشْتَرِي فِيمَا اشْتَرَى مِنْهُ مِنْ دَرَكٍ - فَعَلَى مُبْلِلِ أَحْسَامِ الْمُلُوكِ وَ سَالِبِ نَفُوسِ الْجَبَابِرَةِ، وَ مُزِيلِ مُلْكِ الْفِرَاعِنَةِ، مِثْلِ كِسْرِي وَ قَيْصَرَ وَ تَبَّعَ وَ حَمِيرَ، وَ مَنْ جَمَعَ الْمَالَ عَلَى الْمَالِ فَأَكْثَرَ، وَ مَنْ بَنَى وَ شَيَّدَ وَ زَخِرَفَ وَ نَجَّدَ، وَ ادَّخَرَ وَ اعْتَقَدَ وَ نَظَرَ بِرِزْعِمِهِ لِلْوَلَدِ - إِشْخَاصَهُمْ جَمِيعًا إِلَى مَوْفِ الْعَرَضِ وَ الْحِسَابِ - وَ مَوْضِعِ الثَّوَابِ وَ الْعِقَابِ - إِذَا وَقَعَ الْأَمْرُ بِفَضْلِ الْقَضَاءِ \* ( وَ خَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ: ) \* -

شَهِدَ عَلَيَّ ذَلِكَ الْعَقْلُ إِذَا خَرَجَ مِنْ أَسْرِ الْهَوَى - وَ سَلِمَ مِنْ عِلَاقِ الدُّنْيَا!« (نهج، نامه ۳)

✓ نقد و برخورد با فرمانده نظامی منصوب و نظامیان متخلف:

«تاریخ الطبري و فضائل أمير المؤمنين عليه السلام عن ابن مردويه: أنه لما أقبل من اليمن بعجل إلى النبي صلى الله عليه و آله و استخلف على جنده الذين معه رجلا من أصحابه فعمد ذلك الرجل فكسا كل رجل من القوم حلة من البز الذي كان مع علي عليه السلام فلما دنا جيشه خرج علي عليه السلام ليتلقاهم فإذا هم عليهم الحلل! فقال: و بلك ما هذا؟ قال: كسوتهم ليتجملوا به إذا قدموا في الناس؛ قال(ع): و بلك من قبل أن تنتهي إلى رسول الله صلى الله عليه و آله؟ قال: فانتزع الحلل من الناس و ردها في البز؛ و أظهر الجيش شكايه لما صنع بهم . ثم روي عن الخدري أنه قال: شكا الناس عليا،

فقام رسول الله خطيبا فقال: [ يا ] أيها الناس لا تشكوا عليا فوالله إنه لخشن في ذات الله« (بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۱۱۶)



گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

✓ نقد رویه تبعیض مصلحتی برای تحکیم قدرت:

«عدة من أصحابنا ، عن أحمد بن أبي عبد الله ، عن محمد بن علي ، عن أحمد بن عمرو بن سليمان البجلي ، عن إسماعيل بن الحسن بن إسماعيل بن شعيب ابن ميثم التمار ، عن إبراهيم بن إسحاق المدائني ، عن رجل ، عن أبي مخنف الأزدي قال :

أتى أمير المؤمنين عليه السلام رهط من الشيعة فقالوا : يا أمير المؤمنين لو أخرجت هذه الأموال ففرقتها في هؤلاء الرؤساء و الاشراف و فضلتم **علينا** حتى إذا استوسقت الأمور عدت إلى أفضل ما عودك الله من القسم بالسوية و العدل في الرعية؛

فقال أمير المؤمنين عليه السلام : **ويحكم أنأمروني أن أطلب النصر بالجور، فيمن وليت عليه من أهل الاسلام؟!!**

لا و الله لا يكون ذلك ما سمر السمير و ما رأيت في السماء نجما ،

و الله لو كانت أموالهم مالي لساويت بينهم ، فكيف و إنما هي أموالهم ...» (الكافي، ٢ / ٢١-٢٢؛ بحارالانوار، ٢١ / ١٢٢)

✓ نقد و برخورد با زیاده خواهی اولیه طلحه و زبیر:

«و في رواية عن أبي الهيثم بن التيهان و عبد الله بن أبي رافع، أن طلحة و الزبير جاء إلي أمير المؤمنين عليه السلام و قالوا: **ليس كذلك كان يعطينا عمر ، قال(ع): فما كان يعطيكما رسول الله صلى الله عليه وآله ؟ فسكتا ،**

قال(ع) : **أليس كان رسول الله يقسم بالسوية بين المسلمين؟** قالوا: نعم ، قال(ع) : **فسنة رسول الله صلى الله عليه و آله أولى بالاتباع عندكم أم سنة عمر؟! قالوا: سنة رسول الله صلى الله عليه و آله يا أمير المؤمنين؛ لنا سابقة و عناء و قرابة؛**

قال(ع): **سابقتهما أسبق أم سابقتي؟** قالوا : سابقتك، قال(ع): **فقرابتكما أم قرابتي** قالوا: قرابتك؛

قال(ع): **فعناؤكما أعظم من عنائي؟** قالوا: عناؤك، قال(ع): **فوالله ما أنا و أجيري هذا إلا بمنزلة واحدة - و أوما بيده إلى الأجير»** (بحارالانوار، ٢١ / ١١٧)



گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

✓ مجازات غلاظ و شداد کارگزار خائن بازار اهواز:

«و عَنْ عَلِيٍّ ع: أَنَّهُ اسْتَدْرَكَ عَلَى ابْنِ هَرْمَةَ خِيَانَةً وَ كَانَ عَلَى سُوقِ الْأَهْوَاذِ فَكَتَبَ إِلَى رِفَاعَةَ (بن شداد، قاضیه فی الاهواز):

فَإِذَا قَرَأْتَ كِتَابِي هَذَا فِنَحِّ ابْنَ هَرْمَةَ عَنِ السُّوقِ وَ أَوْقِفْهُ لِلنَّاسِ وَ اسْجُنْهُ وَ نَادِ عَلَيْهِ وَ اكْتُبْ إِلَيَّ أَهْلَ عَمَلِكَ لِتُعَلِّمَهُمْ رَأْيِي فِيهِ؛

وَ لَا تَأْخُذْ فِيهِ غَفْلَةً وَ لَا تَغْرِيطْ فَتَهْلِكَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ ذَلِكَ وَ أَعِزِّكَ أَخْبَثَ عِزْلَةً وَ أَعِيدْكَ بِاللَّهِ مِنْ ذَلِكَ؛

فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَأَخْرِجْهُ مِنَ السِّجْنِ وَ اضْرِبْهُ خَمْسَةَ وَ ثَلَاثِينَ سَوْطًا وَ طُفْ بِهِ فِي الْأَسْوَاقِ فَمَنْ أَتَى عَلَيْهِ بِشَاهِدٍ فَحَلِّفْهُ مَعَ شَاهِدِهِ وَ ادْفَعْ إِلَيْهِ مِنْ مَكْسَبِهِ مَا شَهِدَ بِهِ عَلَيْهِ وَ مُرِّ بِهِ إِلَى السِّجْنِ مَهَانًا مَقْبُوضًا (مقبوحا منبوحا) وَ اخْزِمِ رَجُلَيْهِ بِحِزَامٍ؛

وَ أَخْرِجْهُ وَفْتَ الصَّلَاةِ وَ لَا تَحُلْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ مَنْ يَأْتِيهِ بِمَطْعَمٍ أَوْ مَشْرَبٍ أَوْ مَلْبَسٍ أَوْ مَفْرَشٍ؛

وَ لَا تَدْعُ أَحَدًا يَدْخُلُ إِلَيْهِ مِمَّنْ يُلْقِنُهُ اللَّدْدَ وَ يَرْجِيهِ الْخَلَاصَ فَإِنْ صَحَّ عِنْدَكَ أَنَّ أَحَدًا لَقِنَهُ مَا يَضُرُّ بِهِ مُسْلِمًا فَاضْرِبْهُ بِالْذِّرَّةِ وَ أَحْبِسْهُ حَتَّى يَتُوبَ؛

وَ مُرِّ بِأَخْرَاجِ أَهْلِ السِّجْنِ إِلَى صَحْنِ السِّجْنِ فِي اللَّيْلِ لِيَتَفَرَّجُوا غَيْرَ ابْنِ هَرْمَةَ إِلَّا أَنْ تَخَافَ مَوْتَهُ فَتُخْرِجْهُ مَعَ أَهْلِ السِّجْنِ إِلَى الصَّحْنِ؛

فَإِنْ رَأَيْتَ لَهُ طَاقَةً أَوْ اسْتِطَاعَةً فَاضْرِبْهُ بَعْدَ ثَلَاثِينَ يَوْمًا، خَمْسَةَ وَ ثَلَاثِينَ سَوْطًا بَعْدَ الْخَمْسَةِ وَ ثَلَاثِينَ سَوْطًا الْأُولَى؛

وَ اكْتُبْ إِلَيَّ بِمَا فَعَلْتَ فِي السُّوقِ وَ مَنْ اخْتَرْتَ بَعْدَ الْخَائِنِ وَ أَقْطَعُ عَنِ الْخَائِنِ رِزْقَهُ» (دعائم الاسلام، مغربى، ۲/ ۵۳۲؛ مستدرک الوسائل، ۱۱۷/ ۴۰۳)

✓ تحير شيعه خطاكار در تكليف پيروي از امير مومنان(ع):

«و بعث أمير المؤمنين عليه السلام إلى لبيد بن عطار التميمي في كلام بلغه؛ فمر به أمير المؤمنين عليه السلام في بني أسد، فقام إليه نعيم بن دجاجة الأسدي فأفلقه، فبعث إليه أمير المؤمنين عليه السلام فأتوه به، و أمر به أن يضرب؛ فقال له: نعم و الله إن المقام معك لذل؛ و إن فراقك لكفر، فلما سمع ذلك منه قال: قد عفونا عنك إن الله عز وجل يقول: "ادفع بالتي هي أحسن السيئة" (مومنون/ ۹۶)؛ أما قولك: إن المقام معك لذل، فسيئة اكتسبتها؛ و أما قولك إن فراقك لكفر فحسنة اكتسبتها؛ فهذه بهذه» . (مناقب ال ابى طالب، ۱/ ۳۱۷؛ بحار الانوار، ۴۱/ ۴۹)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

تلازم تسبیح و استغفار با طلب دعا و استغفار برای بشریت و رهروان راه خدا:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات/ ۱۰)

«إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (انبیاء/ ۹۲)

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَ أَنْثَى وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَ قَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات/ ۱۳)

«وَ مَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا» (نساء/ ۷۵)

«... فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أَحَ لَكَ فِي الدِّينِ - وَ إِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ...» (نہج، نامه به مالک اشتر، نامه ۵۳)

❖ سلام و صلوات خدا و ملائکه بر رسولان الهی و اهل بیت (ع):

«إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (احزاب/ ۵۶)

«قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى اللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ» (نمل/ ۵۹)

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ؛ وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ؛ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (صافات/ ۱۸۰-۱۸۲)

«سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ» (صافات/ ۷۹)

❖ سلام و صلوات خدا و ملائکه و پیامبر(ص) بر اهل ایمان:

«هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَ مَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ كَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا؛ تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ وَ أَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا»

(احزاب/ ۴۳-۴۴)

❖ صلوات پیامبر(ص) بر مومنان اهل زکات:

خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا وَ صَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ( ۱۰۲ )

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ دعا و استغفار ملائکه برای بشریت و رهروان راه خدا:

▪ «تَكَادُ السَّمَوَاتُ يَتَغَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَلَا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (شوری/۵)

▪ «الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا:

رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْحَجِيمِ؛ رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ؛ وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (غافر/۷-۹)

❖ دعا و استغفار انبیاء بر خانواده و اهل ایمان:

➤ دعا و استغفار حضرت نوح (ع):

«رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لِوَالِدَيَّ وَ لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِيَ مُؤْمِنًا وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ لَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا» (نوح/۲۸)

➤ دعا و استغفار حضرت ابراهیم (ع):

«رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَ لِوَالِدَيَّ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ» (ابراهیم/۴۱)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ دعا و استغفار برای اهل ایمان در سیره اهل بیت (ع) :

➤ پیامبر (ص) و پاداش حیرت آور دعا برای اهل ایمان:

«عن أمير المؤمنين عليّ بن أبي طالب ( عليه السلام )، عن النبي (صلى الله عليه وآله) أنه قال: نزل جبرئيل و كنت أصلي خلف المقام، قال:

فلما فرغت استغفرت الله عزّ وجلّ لأمتي، فقال لي جبرئيل: يا محمد أراك حريصاً على أمتك، و الله تعالى رحيم بعباده...» (بحار الانوار، ۹۵ / ۲۶۲)

▪ «محمد بن يعقوب ، عن علي بن محمد ، عن محمد بن سليمان ، عن إسماعيل بن إبراهيم ، عن جعفر بن محمد التميمي ، عن حسين بن علوان ، عن أبي عبد الله ( عليه السلام ) قال : قال رسول الله ( صلى الله عليه و آله ) :

ما من مؤمن دعا للمؤمنين و المؤمنات إلا رد الله عليه مثل الذي دعا لهم به من كل مؤمن و مؤمنة مضى من أول الدهر أو هو آت إلى يوم القيامة؛ و إن العبد ليؤمر به إلى النار يوم القيامة فيسحب، فيقول المؤمنون و المؤمنات: يا رب، هذا الذي كان يدعو لنا فشفعنا فيه فيشفعهم الله عز وجل فيه فينجو» (وسائل الشيعة، ۷ / ۱۱۲)

➤ علی (ع) و پاداش تکرار دعا برای اهل ایمان:

«عبد الله بن محمد ، قال : أخبرنا محمد بن محمد، حدّثني موسى بن إسماعيل، قال: حدّثنا أبي ، عن أبيه، عن جدّه جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جدّه عليّ بن الحسين، عن أبيه، عن عليّ بن أبي طالب ( عليه السلام ) قال: قال رسول الله ( صلى الله عليه و آله ):

من دعا للمؤمنين و المؤمنات في كلّ يوم خمس و عشرين مرّة نزع الله الغلّ من صدره، و كتبه من الأبدال إن شاء الله» ( الجعفریات، ۲۲۳؛ مستدرک الوسائل، ۵ / ۲۴۶)



# گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

## عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

## چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

### ➤ فاطمه (ع) و كثر دعا برای اهل ایمان:

▪ «حدثنا علي بن محمد بن الحسن القزويني المعروف بابن مقبرة قال: حدثنا محمد بن عبد الله الحضرمي قال: حدثنا جندل بن والي قال: حدثنا محمد بن عمر المازني عن عبادة الكلبي عن جعفر بن محمد عن أبيه عن علي بن الحسين عن فاطمة الصغرى، عن الحسين بن علي، عن أخيه الحسن بن علي بن أبي طالب عليهم السلام قال:

رأيت أُمِّي فاطمة عليها السلام قامت في محرابها ليلة جمعتها فلم تزل راکعة ساجدة حتى اتضح عمود الصبح و سمعتها تدعو للمؤمنين و المؤمنات و تسميهم و تكثر الدعاء لهم و لا تدعو لنفسها بشئ!؛ فقلت لها يا أماه لم لا تدعون لنفسك كما تدعون لغيرك؟ فقالت يا بني: الجار ثم الدار»

( علل الشرايع، ١ / ١٨٢؛ وسائل الشيعه، ٧ / ١١٣ )

### ➤ امام سجاد (ع) و دعا و طلب صلوات برای تابعين و رزمندگان با وجود حاکمیت قاتلان شهدای کربلا، بر امت مسلمان!:

▪ «... اللهم و صل على التابعين من يومنا هذا إلى يوم الدين و على أزواجهم و على ذرياتهم و على من أطاعك منهم، صلاة تعصمهم بها من معصيتك، و تفسح لهم في رياض جنتك ، و تمنعهم بها من كيد الشيطان...» (صحيفه سجاديه، دعاء ٤)

▪ «اللهم صل على محمد و آله، و حصن ثغور المسلمين بعزتك و أيد حماتها بقوتك، و أسبغ عطاياهم من جدتك،

اللهم صل على محمد و آله؛ و كثر عدتهم؛ و اشحذ أسلحتهم و احرس حوزتهم، و امنع حومتهم ، و ألف جمعهم ؛ و دبر أمرهم؛ و واتر بين ميرهم؛ و توحد بكفاية مؤنهم؛ و اعضدهم بالنصر؛ و اعنهم بالصبر؛ و الطف لهم في المكر؛

اللهم صل على محمد و آله، و عرفهم ما يجهلون و علمهم ما لا يعلمون، و بصرهم ما لا يبصرون ...

اللهم اشغل المشركين بالمشركين عن تناول أطراف المسلمين ... اللهم و أيما غاز غزاهم من أهل ملتك أو مجاهد جاهدهم من أتباع سنتك ليكون دينك الأعلى ، و حزبك الأقوى و حظك الأوفى فلقه اليسر و هيئ له الأمر، و توله بالنجح ...

اللهم و أيما مسلم خلف غازيا أو مرابطا في داره، أو تعهد خالفه في غيبته، أو أعانه بطائفة من ماله ، أو أمده بعناد ، أو شحذه على جهاد، أو أتبعه في وجهه دعوة، أو رعى له من ورائه حرمة، فأجر له مثل أجره وزنا به وزن، و مثلا به مثل ...

اللهم و أيما مسلم أهمه أمر الإسلام، و أحزنه تحزب أهل الشرك عليهم فنوى غزوا، أو هم بجهد فقعد به ضعف، أو أبطأت به فاقة ، أو أخره عنه حادث، أو عرض له دون إرادته مانع فاكتب إسمه في العابدين، و أوجب له ثواب المجاهدين، و اجعله في نظام الشهداء و الصالحين،

اللهم صل على محمد عبدك و رسولك و آل محمد» (صحيفه سجاديه، ٢٧، دعا برای رزمندگان)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ امام صادق(ع) و پاداش حیرت آور دعای غیابی، برای برادر مومن:

▪ «أحمد بن فهد في ( عدة الداعي ) : عن ابن أبي عمير ، عن زيد النرسي ، عن معاوية بن وهب قال : سمعت أبا عبد الله ( عليه السلام ) يقول : من دعا لأخيه المؤمن في ظهر الغيب، ناداه ملك من السماء الدنيا: يا عبد الله و لك مائة ألف ضعف مما دعوت،

و ناداه ملك من السماء الثانية: يا عبد الله و لك مائتا ألف ضعف مما دعوت، و ناداه ملك من السماء الثالثة: يا عبد الله و لك ثلاثمائة ألف ضعف مما دعوت، و ناداه ملك من السماء الرابعة: يا عبد الله و لك أربعمائة ألف ضعف مما دعوت،

و ناداه ملك من السماء الخامسة: يا عبد الله و لك خمسمائة ألف ضعف مما دعوت، و ناداه ملك من السماء السادسة: يا عبد الله و لك ستمائة ألف ضعف مما دعوت، و ناداه ملك من السماء السابعة: يا عبد الله و لك سبعمائة ألف ضعف مما دعوت،

ثم يناديه الله تعالى أنا الغني الذي لا أفقر ، لك يا عبد الله: لك ألف ألف ضعف مما دعوت» امام صادق(ع): (وسائل الشيعة، ٢ / ١١٢٩)

➤ امام رضا(ع) و پاداش حیرت آور دعا برای امت اسلام:

▪ «ما من مؤمن يدعو للمؤمنين و المؤمنات و المسلمين، و المسلمات، الأحياء منهم و الأموات، إلا ردّ الله عليه من كل مؤمن و مؤمنة حسنة منذ بعث الله آدم إلى أن تقوم الساعة!» امام رضا(ع): (وسائل الشيعة، ٧ / ١١٦)

➤ امام زمان (ع) و دعا برای همه اقشار جامعه:

«اللهم ارزقنا توفيق الطاعة و بعد المعصية و صدق النية و عرفان الحرمة و أكرمنا بالهدى و الاستقامة

و سدّد ألسنتنا بالصواب و الحكمة و املاً قلوبنا بالعلم و المعرفة و طهر بطوننا من الحرام و الشبهة و اكفف ( و كف ) أيدينا عن الظلم و السرقة و اغضض ابصارنا عن الفجور و الخيانة و اسدّد أسماعنا عن اللغو و الغيبة؛

و تفضل **على علمائنا** بالزهد و النصيحة و **على المتعلمين** بالجهد و الرغبة و **على المستمعين** بالاتباع و الموعدة و **على مرضى المسلمين** بالشفاء و الراحة و **على موتاهم** بالرافة و الرحمة و **على مشائخنا** بالوقار و السكينة و **على الشباب** بالإنابة و التوبة و **على النساء** بالحياء و العفة و **على الأغنياء** بالتواضع و السعة و **على الفقراء** بالصبر و القناعة و **على الغزاة** بالنصر و الغلبة و **على الاسراء** بالاخلاص و الراحة؛

و **على الامراء** بالعدل و الشفقة و **على الرعية** بالانصاف و حسن السيرة و **بارك للحجاج و الزوار** في الزاد و النفقة و اقض ما أوجبت عليهم من الحج و العمرة بفضلك و رحمتك يا ارحم الراحمين» (مصباح كفعمي، ٢٨١؛ مفاتيح الجنان، دعای ١٢، ص ٢٠٥)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ دعا و استغفار مؤمنان بر سابقین از اهل ایمان:

«و الَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ» (حشر/ ۱۰)

هم بستگی و پیوند مستمر تاریخی اهل حق: رسولان و اهل ایمان گذشته و حال و آینده:

▪ «قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ اللَّهُ خَيْرٌ مَّا يُشْرِكُونَ (نمل / ۵۹)

▪ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ؛ وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ؛ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (صافات / ۱۸۰-۱۸۲)

▪ «و من کلام له (ع) لما أظفره الله بأصحاب الجمل: و قد قال له بعض أصحابه:

وَدِدْتُ أَنَّ أَحِي قُلَانًا كَانَ شَاهِدَنَا؛ لِيَرَى مَا نَصَرَكَ اللَّهُ بِهِ عَلَى أَعْدَائِكَ؛ فَقَالَ لَهُ (ع): أَهْوَى أَحِيكَ مَعَنَا؟ فَقَالَ نَعَمْ؛

قال (ع) فَقَدْ شَهِدْنَا؛ وَ لَقَدْ شَهِدْنَا فِي عَسْكَرِنَا هَذَا أَقْوَامٌ فِي أَصْلَابِ الرِّجَالِ، وَ أَرْحَامِ النِّسَاءِ؛ سَيَرَعَفُ بِهِمُ الزَّمَانُ وَ يَقْوَى بِهِمُ الْإِيمَانُ» (نهج، خ ۱۲)

هم بستگی و پیوند مستمر تاریخی اهل باطل: ستمگران، منافقین و کفار گذشته، حال و آینده:

▪ «الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهِدَ إِلَيْنَا أَلا نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأْتِيَنَا بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ؛

قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَ بِالَّذِي قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (آل عمران / ۱۸۳)

«كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ؛ اتَّوَصَوْا بِهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ» (ذاریات / ۵۲-۵۳)



گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»  
تلازم تسبیح و استغفار با برائت از سران ستمگر دشمن بشریت، دشمن اهل نوحید و اهل ایمان:

❖ مقدمه:

➤ سیاست جذب حد اکثری و دفع حد اقلی:

«خِذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» (اعراف/۱۹۹)

«أَذْهَبَا إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى؛ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» (طه/۲۳-۲۴)

➤ تکلیف کفر به طاغوت و ایمان به الله:

▪ «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا؛ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (بقره/۲۵۶)

➤ تکلیف دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر:

▪ «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران/۱۰۴)

▪ «الَّذِينَ إِن مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج/۲۱)

➤ تکلیف تولی و رحمت و فروتنی بر اهل ایمان، و تبری و جهاد و شدت و غلظت بر کفار و منافقین:

▪ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (مائده/۵۴)

▪ «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (فتح/۲۹)

▪ «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاعْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَا وَأَهُمُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ» (توبه/۷۳)

▪ «فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان/۵۲)



گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

▪ «عنه ، عن علي بن حسان الواسطي، عن ذكره، عن داود بن فرقد، عن أبي عبد الله (ع) قال:

ثلاث من علامات المؤمن، علمه بالله، و من يحب و من يبغض» (المحاسن، برقي، ۱ / ۲۶۳؛ کافی، ۲ / ۱۲۶)

▪ «الحسين بن محمد، عن محمد بن عمران السبيعي، عن عبد الله بن جبلة، عن إسحاق بن عمار، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال:

كل من لم يحب على الدين و لم يبغض على الدين فلا دين له» . (كافي، ۲ / ۱۲۷)

▪ «الكليني، عن علي بن إبراهيم، عن هارون بن مسلم، عن مسعدة بن صدقة، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال النبي (صلى الله عليه وآله):  
إن الله عز وجل يبغض المؤمن الضعيف الذي لا دين له!، فقل له: و ما المؤمن الذي لا دين له؟! قال: الذي لا ينهى عن المنكر». (كافي، ۵ / ۵۹)

▪ «عنه، عن أبيه، عن حمزة بن عبد الله الجعفري، عن جميل بن دراج، عن عمر بن مدرك أبي علي الطائي قال:

قال أبو عبد الله عليه السلام: أي عرى الايمان أوثق؟؛ فقالوا: الله و رسوله أعلم، فقال(ع): قولوا؛

فقالوا : يا بن رسول الله الصلاة ، فقال(ع) : ان للصلاة فضلا و لكن ليس بالصلاة؛ قالوا: الزكاة، قال(ع): ان للزكاة فضلا و ليس بالزكاة؛

فقالوا: صوم شهر رمضان؛ فقال (ع): إن لرمضان فضلا و ليس برمضان؛ قالوا: فالحج و العمرة، قال(ع): إن للحج و العمرة فضلا و ليس بالحج و العمرة؛

قالوا: فالجهاد في سبيل الله؛ قال (ع): إن للجهاد في سبيل الله فضلا و ليس بالجهاد؛ قالوا: فالله و رسوله و ابن رسوله أعلم، فقال (ع): قال رسول  
الله صلى الله عليه و آله: إن أوثق عرى الايمان الحب في الله و البغض في الله ، توالى ولي الله و تعادى عدو الله» (المحاسن، برقي، ۱ / ۱۶۵)

➤ تعريف سران ستمگر دشمن بشریت، اهل توحيد و اهل ايمان:

«حق پوشان معاند بازدارنده از راه خدا، فریبکاران و وارونه جلوه دهندگان حق و حقیقت»

«فَأَدَّانَ مُؤَدِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ؛ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ يَبْغُونَهَا عِوَجًا وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ» (اعراف/۲۴-۲۵)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ نفرین الهی بر ابلیس:

«حسادت و گردنکشی ابلیس، و ستیز با مدیریت و رهبری آدم(ع)، پیشکشوت و پیر عرفان و طریقت!»

«... و اِنْ يَدْعُونَ اِلَّا شَيْطَانًا مَّرِيدًا؛ لَعَنَهُ اللهُ...» (نساء/۱۱۷-۱۱۸)

▪ «و اِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوْا لِاٰدَمَ فَسَجَدُوْا اِلَّا اِبْلِيْسَ اَبٰى و اسْتَكْبَرَ و كَانَ مِنَ الْكٰفِرِيْنَ» (بقره/۲۴)

▪ «و لَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوْا لِاٰدَمَ فَسَجَدُوْا اِلَّا اِبْلِيْسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السّٰجِدِيْنَ؛ قَالَ: مَا مَنَعَكَ اَلَّا تَسْجُدَ اِذْ اَمَرْتُكَ؟»

قَالَ: اَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِيْ مِنْ نَّارٍ و خَلَقْتَهُ مِنْ طِيْنٍ؛ قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُوْنُ لَكَ اَنْ تَتَّكِبَ فِيْهَا فَاخْرُجْ اِنَّكَ مِنَ الصّٰغِرِيْنَ؛

قَالَ اَنْظِرْنِيْ اِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُوْنَ؛ قَالَ اِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِيْنَ؛ قَالَ فَيَمَّا اَغْوَيْتَنِيْ لِاَفُعِدَنَّ لَهُمْ صِرٰطَكَ الْمُسْتَقِيْمَ؛ ثُمَّ لَا تَبِيْنُ لَهُمْ مِنْ بَيْنِ اَيْدِيْهِمْ و مِنْ خَلْفِهِمْ و عَنْ اَيْمٰنِهِمْ و عَنْ شَمٰٓئِلِهِمْ و لَا تَجِدُ اَكْثَرَهُمْ شٰكِرِيْنَ؛ قَالَ اَخْرَجْ مِنْهَا مَذْحُوْرًا لِّمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَامِلًاۙ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ اَجْمَعِيْنَ» (اعراف/۱۱-۱۸)

▪ «فَسَجَدَ الْمَلٰٓئِكَةُ كُلُّهُمْ اٰجْمَعُوْنَ؛ اِلَّا اِبْلِيْسَ اَبٰى اَنْ يَكُوْنَ مَعَ السّٰجِدِيْنَ؛ قَالَ يَا اِبْلِيْسُ مَا لَكَ اَلَّا تَكُوْنَ مَعَ السّٰجِدِيْنَ؟»

قَالَ: لَمْ اَكُنْ لِاسْجَدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمًاۙ مَسْنُوْنٍ؛ قَالَ: فَاخْرُجْ مِنْهَا فَاِنَّكَ رَجِيْمٌ؛ و اِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ اِلَى يَوْمِ الدِّيْنِ؛

قَالَ: رَبِّ فَاَنْظِرْنِيْ اِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُوْنَ؛ قَالَ: فَاِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِيْنَ؛ اِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُوْمِ؛ قَالَ: رَبِّ يَمَا اَغْوَيْتَنِيْ لِاُرْسِيَنَّ لَهُمْ فِي الْاَرْضِ و لِاَغْوِيَنَّهُمْ اَجْمَعِيْنَ؛ اِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِيْنَ؛ قَالَ: هٰذَا صِرٰطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيْمٌ؛ اِنْ عِبَادِيْ لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطٰنٌ اِلَّا مَنْ اَتْبَعَكَ مِنَ الْغٰوِيْنَ» (حجر/۲۰-۲۲)

▪ «و اِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوْا لِاٰدَمَ فَسَجَدُوْا اِلَّا اِبْلِيْسَ؛ قَالَ اَسْجُدْ لِمَنْ خَلَقْتَ طِيْنًا؛ قَالَ اَرَاَيْتَ هٰذَا الَّذِيْ كَرَّمْتَ عَلَيَّ لِيْنٍ اٰخَرْتَنِيْ اِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ لَاخْتِيٰكُنَّ دُرِّيَّةً اِلَّا قَلِيْلًا؛ قَالَ اذْهَبْ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَاَنْ جَهَنَّمَ جَزَاؤُكُمْ جَزَآءٌ مَّوْجُوْرًا؛ و اسْتَغْرَزَ مِنْ اِسْتَنْطَعْتَ مِنْهُمْ بِصُوْنِكَ و اٰجَلِبْ عَلَيْهِمْ بِخِيٰلِكَ و رَجِيْلِكَ و شٰرِكُهُمْ فِي الْاَمْوَالِ و الْاَوْلَادِ وَعَدَّهُمْ و مَا يَعْذُهُمُ الشَّيْطٰنُ اِلَّا غُرُوْرًا؛ اِنْ عِبَادِيْ لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطٰنٌ و كَفٰى بِرَبِّكَ و كِيْلًا» (اسراء/۶۱-۶۵)

▪ «فَسَجَدَ الْمَلٰٓئِكَةُ كُلُّهُمْ اٰجْمَعُوْنَ؛ اِلَّا اِبْلِيْسَ اسْتَكْبَرَ و كَانَ مِنَ الْكٰفِرِيْنَ؛ قَالَ يَا اِبْلِيْسُ مَا مَنَعَكَ اَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِیَدَيَّ؟ اَسْتَكْبَرْتَ اَمْ كُنْتَ مِنَ الْعٰلِيْنَ؟»

قَالَ: اَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِيْ مِنْ نَّارٍ و خَلَقْتَهُ مِنْ طِيْنٍ؛ قَالَ: فَاخْرُجْ مِنْهَا فَاِنَّكَ رَجِيْمٌ؛ و اِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِيْ اِلَى يَوْمِ الدِّيْنِ؛

قَالَ: رَبِّ فَاَنْظِرْنِيْ اِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُوْنَ؛ قَالَ: فَاِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِيْنَ؛ اِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُوْمِ؛ قَالَ: فَيَعِزُّنَكَ لِاَغْوِيَنَّهُمْ اَجْمَعِيْنَ؛ اِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِيْنَ؛ قَالَ: فَالْحَقُّ و الْحَقُّ اَقُوْلُ؛ لَامِلًاۙ جَهَنَّمَ مِنْكَ و مِمَّنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ اَجْمَعِيْنَ» (ص/۷۲-۸۵)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ حضرت ابراهیم و پیروان حضرت، الگوی برائت از سران فرهنگ‌ی و تبهکاران حق پوش معاند (منافقین و کفار):

▪ **قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءٌ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَ بَدَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَ الْبُعْثَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَ مَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ؛**

رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَ إِلَيْكَ أُنَبَّا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ؛ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَ اغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ؛

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ مَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (ممتحنه / ۴-۶)

▪ «وَ مَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَّهَا إِتْيَاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ» (توبه / ۱۱۴)

▪ **وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ؛ فَجَعَلَهُمْ جُدَادًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ؛** قَالُوا مَنْ فَعَلَ هَذَا بِآلِهَتِنَا إِنَّهُ لَمِنَ الظَّالِمِينَ؛

قَالُوا سَمِعْنَا فَتَى يَذُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ؛ قَالُوا فَأْتُوا بِهِ عَلَى أَعْيُنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ؛ قَالُوا أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ؛

قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَاسْأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ؛ فَرَجَعُوا إِلَى أَنْفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ؛

ثُمَّ نَكِسُوا عَلَى رُءُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هَؤُلَاءِ يَنْطِقُونَ؛ قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَ لَا يَضُرُّكُمْ؛

أَفِ لَكُمْ وَ لِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ؛ قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ؛

فُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ؛ وَارَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ (۵۷ - ۷۰)



گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»  
❖ نفرین الهی بر بلعم باعورا:

«حسادت و گردنکشی بلعم باعورا (مستجاب الدعوة بنی اسرائیل!)، و ستیز با مدیریت و رهبری موسی(ع)»

«و ائُلُ عَلَيْهِمْ نَبَأُ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ؛

«و لَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَ لَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلُ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرُكُهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَافْضُصِ الْقِصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ؛ سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمُ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ أَنْفُسُهُمْ كَانُوا يَظْلِمُونَ» (اعراف/۱۷۵-۱۷۷)

❖ نفرین حضرت موسی بر سامری:

«حسادت و گردنکشی سامری (از رهبران فرهنگی بنی اسرائیل!)، و ستیز با مدیریت و رهبری موسی(ع)»

«قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَ أَصْلَهُمُ السَّامِرِيُّ؛ فَرَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ يَا قَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعَدًّا حَسَبًا أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَخْلَعْتُمْ مَوْعِدِي؛ قَالُوا مَا أَخْلَعْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلِكِنَا وَ لَكِنَّا حَمَلْنَا أَوْزَارًا مِنْ زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ؛ فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمُ وَ إِلَهَ مُوسَى فَنَسِي؛ ...؛

قَالَ: فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ؟!؛ قَالَ: بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَ كَذَلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي؛

قَالَ: فَادْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَ إِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَنْ تُخْلَفَهُ؛

وَ انظُرْ إِلَى إِلَهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا» (طه/۸۵-۹۷)

❖ برائت و نفرین حضرت داوود (ع) و عیسی (ع) بر علما و امت متمرّد بنی اسرائیل:

«لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُودَ وَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ؛ كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنِ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ؛ تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ فِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ؛

وَ لَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ النَّبِيِّ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَاءَ وَ لَكِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ فَاسِقُونَ؛ لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا»  
(مائده/۷۸-۸۲)



گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ «نفرین خدا، ملائکه و معصومین(ع) و اهل ایمان بر فاقدان غیرت دینی و انسانی»:

▪ «قال علي ( عليه السلام ) : لا يحضرنّ أحدکم رجلاً يضربه سلطان جائر ظلماً و عدواناً ، و لا مقتولاً و لا مظلوماً إذا لم ينصره ؛

لأنّ نصره المؤمن (على المؤمن) فريضة واجبة إذا هو حضره، و العافية أوسع ما لم تلزمك الحجة الحاضرة ،

قال(ع): و لما جعل الله التقصير في بني إسرائيل جعل الرجل منهم يرى أخاه على الذنب فينهاه فلا ينتهي،

فلا يمنعه ذلك أن يكون أكيله و جليسه و شريبه، حتّى ضرب الله عزّ وجلّ قلوب بعضهم ببعض، و نزل فيهم القرآن حيث يقول عزّ و جلّ:

« لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُودَ وَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ... » (عقاب الأعمال، ۲۶۱؛ بحار الانوار، ۱۰۰ / ۷۹)

❖ برائت و لعنت خدا، ملائکه، اهل البيت (ع) و مردم بر علمای دین فروش! و یاوران دین فروش ستمگر:

▪ «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَ الْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَ يَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ؛ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَ أَصْلَحُوا وَ بَيَّنَّاهُمْ فَأُولَٰئِكَ أَثُوبٌ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ؛ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ مَاتُوا وَ هُمْ كُفَّارٌ أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمُ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ؛ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَخَفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ» (بقره/۱۵۹-۱۶۲)

▪ «و مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقِيلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ؛ كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيْمَانِهِمْ وَ شَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ؛ أُولَٰئِكَ جَزَاؤُهُمْ أَنْ عَلَيْهِمُ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ؛ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَخَفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ؛ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَ أَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (آل عمران/۸۵-۸۹)

❖ نفرین خدا بر علمای یهود حق پوش معاند صدر اسلام:

▪ «و لَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَ كَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ؛ بِنُسْمَا اسْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَعِيًّا أَنْ يَنْزِلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ فَبَاءُوا بِغَضَبٍ عَلَى غَضَبٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ» (بقره/۸۹-۹۰)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ مباحثه، برائت و نفرین حضرت پیامبر (ص) بر علمای مسیحی منکر حقیقت:

«فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ آبَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ؛ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَصُّ الْحَقُّ وَ مَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَ إِنْ اللَّهُ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ؛ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ» (آل عمران/ ۶۱-۶۳)

❖ نفرین امیر مومنان(ع) بر انس بن مالک حق پوش:

«و قَالَ ( ع ) لِأَنَسِ بْنِ مَالِكٍ - وَ قَدْ كَانَ بَعَثَهُ إِلَى طَلْحَةَ وَ الزُّبَيْرِ لَمَّا جَاءَ إِلَى الْبَصْرَةِ - يَذْكُرُهُمَا شَيْئاً مِمَّا سَمِعَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ( ص ) فِي مَعْنَاهُمَا - فَلَوْى عَنْ ذَلِكَ فَرَجَعَ إِلَيْهِ - فَقَالَ: إِنِّي أَنَسَيْتُ ذَلِكَ الْأَمْرَ - فَقَالَ (ع): إِنْ كُنْتَ كَاذِباً - فَضَرْبَكَ اللَّهُ بِهَا بَيْضَاءَ لَامِعَةٍ لَا تُوَارِيهَا الْعِمَامَةُ»

قال الرضي «يعني البرص - فأصاب أنسا هذا الداء فيما بعد في وجهه - فكان لا يرى إلا مبرقعا» (نهج، حكمت ۲۱۱)

❖ نفرین امام زمان (ع) بر علمای دین فروش:

حسادت و گردنکشی شلمغانی (ابن ابی عزافر: ۲۲۳م، از رهبران فرهنگى تشيع!) و ستيز با نائب امام زمان(ع)»

«ابوجعفر المعروف بابن ابى العزافر كان متقدماً فى أصحابنا فحمله الحسد لأبى القاسم الحسين بن روح على ترك المذهب و الدخول فى المذاهب الردئيه حتى خرجت فيه توقيعات» (نجاشى، ۱۲۰۷: ۲۷۸)

«... بأن محمد بن علي المعروف بالشلمغاني هو ممن عجل الله له النعمة و لا أمهله - قد ارتد عن الاسلام و فارقه؛ و ألد في دين الله و ادعى ما كفر فيه بالخالق جل و تعالى ، و افترى كذبا و زورا، و قال بهتاناً و إثماً عظيماً؛

كذب العادلون بالله و ضلوا ضلالا بعيدا ، و خسروا خسارانا مبينا ، و إننا قد برئنا إلى الله تعالى و إلى رسوله و آله صلوات الله و سلامه و رحمته و بركاته عليهم بمنه ؛ و لعناه عليه لعائن الله في الظاهر منا و الباطن، في السر و الجهر ، و في كل وقت و على كل حال، و على من شايعه و تابعه أو بلغه هذا القول منا و أقام على توليه بعده؛

... أعزكم الله - أنا من التوقي له؛ و المحاذرة منه؛ على ما كنا عليه ممن تقدمه من نظرائه من الشريعي و النميري و الهلالي و البلالي و غيرهم؛

و عادة الله جل ثناؤه مع ذلك قبله و بعده عندنا جميلة، و به نثق، و إياه نستعين، و هو حسبنا في كل أمورنا و نعم الوكيل» (غيبت طوسى، ۲۱۱)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ نفرین امام زمان (ع) بر علمای دین فروش:

حسادت و گردنکشی شلمغانی (ابن ابی عزافر: ۳۲۳م، از رهبران فرهنگی تشیع!) و ستیز با نائب امام زمان(ع)»

«ابوجعفر المعروف بابن ابی العزافر كان متقدماً في أصحابنا فحمله الحسد لأبى القاسم الحسين بن روح على ترك المذهب و الدخول في المذاهب الردئية حتى خرجت فيه توقيعات» (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۷۸)

«... بأن محمد بن علي المعروف بالشلمغاني هو ممن عجل الله له النعمة و لا أمهله - قد ارتد عن الاسلام و فارقه؛ و ألد في دين الله و ادعى ما كفر فيه بالخالق جل و تعالی ، و افترى كذبا و زورا، و قال بهتاناً و إثماً عظيماً؛

كذب العادلون بالله و ضلوا ضللاً بعيداً ، و خسروا خساراً مبيناً ، و إنما قد برئنا إلى الله تعالى و إلى رسوله و آله صلوات الله و سلامه و رحمته و بركاته عليهم بمنه ؛ و لعناه عليه لعائن الله في الظاهر منا و الباطن، في السر و الجهر ، و في كل وقت و على كل حال، و على من شايعه و تابعه أو بلغه هذا القول منا و أقام على توليه بعده؛

... أعزكم الله - أنا من التوقي له؛ و المحاذرة منه؛ على ما كنا عليه ممن تقدمه من نظرائه من الشريعي و النميري و الهلالي و البلالي و غيرهم؛

و عادة الله جل ثناؤه مع ذلك قبله و بعده عندنا جميلة، و به نثق، و إياه نستعين، و هو حسبنا في كل أمورنا و نعم الوكيل» (غيب طوسی، ۲۱۱)



**گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:**

**عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی**

**چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»**

**نمونه های برائت و نفرین الهی، و انبیاء و اولیاء معصوم از گردنکشان و جامعه ستم پیشه:**

❖ **نفرین حضرت نوح بر جامعه غرق در کفر:**

«و قَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا؛ إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَ لَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا!» (نوح/۲۶-۲۷)

❖ **نفرین الهی بر قوم عاد و ثمود:**

«و تِلْكَ عَادٌ جَحَدُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَ عَصَوْا رُسُلَهُ وَ اتَّبَعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ؛ وَ اتَّبَعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛

أَلَا إِنَّ عَادًا كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لِعَادٍ قَوْمٍ هُودٍ» (هود/۵۹-۶۰)

«فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا صَالِحًا وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَ مِنْ خِزْيِ يَوْمِئِذٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ؛ وَ أَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ؛ كَان لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا أَلَا إِنَّ ثَمُودَ كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لِثَمُودٍ» (هود/۶۶-۶۸)

❖ **نفرین الهی و حضرت موسی بر آل فرعون:**

«و قَالَ مُوسَى إِنَّكَ أَنْتَ فِرْعَوْنُ وَ مَلَأَهُ زِينَةً وَ أَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَيَّ أَمْوَالِهِمْ وَ اشْدُدْ عَلَيَّ قُلُوبَهُمْ فَلَا

يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ؛ قَالَ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَ لَا تَتَّبِعَانِ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (يونس/۸۸-۸۹)

«وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا وَ سُلْطَانٍ مُبِينٍ؛ إِلَى فِرْعَوْنَ وَ مَلِيهٍ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَ مَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ؛

يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَ بئْسَ الْوَرْدُ الْمَوْرُودُ؛ وَ اتَّبَعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَةً وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بئْسَ الرَّفْدُ الْمَرْفُودُ» (هود/۹۶-۹۹)

❖ **برائت و نفرین حضرت موسی بر بنی اسرائیل متمرذ از جهاد در راه خدا:**

«قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَن نَدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَادْهَبْ أَنْتَ وَ رَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ؛

قَالَ: رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَ أَخِي فَافْرُقْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ؛

قَالَ: فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ» (مائده/۲۴-۲۶)



گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ نفرین خدا و پیامبر خدا (ص)، و برخورد غلاظ و شداد با جریانات سازمان یافته متعرض به عفت ناموسی جامعه:

«ائتلاف منافقین، اراذل و اوباش، و جاسوسان مامور ایجاد زلزله های ناموسی در جامعه اسلامی»

«لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا؛

مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثَقِفُوا أَخْدُوا وَقْتُلُوا قَتِيلًا؛ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» (احزاب/ ۶۰-۶۲)

❖ نفرین خدا و پیامبر خدا (ص) بر جریانات تروریستی و محارب نظام اسلامی:

«و مَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فِجْرًاؤُهُ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا وَ عَصِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ لَعَنَهُ وَ أَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا» (نساء/ ۹۲)

❖ نفرین خدا و پیامبر خدا (ص) بر خانواده ابولهب:

«تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ؛ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ؛ سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ؛ وَامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ؛...» (مسد/ ۱-۵)

❖ برائت و نفرین الهی و حضرت پیامبر (ص) بر خاندان بنی امیه و حکم بن ابی العاص عموی عثمان خلیفه سوم!:

«وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُحَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا» (اسراء/ ۶۰)

▪ أخرج ابن أبي حاتم عن يعلى بن مرة رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم:

أريت بنى أمية على منابر الأرض وسيتملكونكم فتجدونهم أرباب سوء واهتم رسول الله صلى الله عليه وسلم لذلك فأنزل الله:

«و ما جعلنا الرؤيا التي أريناك الا فتنة للناس و الشجرة الملعونة ...» (الدر المنثور، ۴ / ۱۹۱)

▪ أخرج ابن أبي حاتم عن ابن عمر رضي الله عنهما ان النبي صلى الله عليه وسلم قال:

رأيت و ولد الحكم بن أبي العاص على المنابر كأنهم القردة وأنزل الله في ذلك: «و ما جعلنا الرؤيا التي أريناك الا فتنة للناس و الشجرة الملعونة...»

يعنى الحكم و ولده» (الدر المنثور، ۴ / ۱۹۱؛ «ر . ك : الخرائج والجرائح : ج ۱ ص ۱۶۸ ح ۲۵۸ ، دلائل النبوة ، بيهقى : ج ۶ ص ۲۲۰)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ نفرین امیر مومنان (ع) بر طلحه و زبیر:

«عن الأعمش ، أن علياً ( عليه السلام ) رفع يده إلى السماء و هو يقول:

«اللَّهُمَّ إِنَّ طَلْحَةَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ أُعْطَانِي صَفْقَةً يَمِينَهُ طَائِعاً ثُمَّ نَكَثَ بَيْعَتِي، اللَّهُمَّ فَعَاجِلْهُ وَ لَا تَمَهِّلْهُ ، اللَّهُمَّ وَ إِنَّ الزُّبَيْرَ بْنَ الْعُوَامِ قَطَعَ قِرَابَتِي وَ نَكَثَ عَهْدِي وَ ظَاهَرَ عَدُوِّي، وَ هُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ ظَالِمٌ لِي، فَكَفِّنِيهِ كَيْفَ شِئْتَ وَ أُنِي شِئْتَ» (مناقب ابن شهر آشوب، ٢ : ٢٧٩ ؛ البحار ٤١ : ٢٠٦ ؛ الفتوح، ١ / ٢٧٢ )

«و من العجب انقيادهما لأبي بكر و عمر، و خلافهما عليّ ، و الله إنهما يعلمان أنّي لست بدون رجل مّمّن قد مضى ، اللهم فاحلل ما عقدا و لا تبرم ما أحكما في أنفسهما، و أرهما المساءة فيما قد عملا» (مناقب ابن شهر آشوب ٢ : ٢٧٩ ؛ البحار ٤١ : ٢٠٦ ؛ تاريخ الطبري ٢ : ٥٥ . ٢ )

❖ نفرین امیر مومنان (ع) بر بسر بن ارطاة جناینکار:

«الوليد بن الحارث و غيره ، أنه قال: إِنَّ عَلِيّاً ( عليه السلام ) لِمَا بَلَغَهُ قَتَلَ بِسْرَ بْنَ أَرْطَاةٍ مِنْ شِيعَتِهِ بِالْيَمَنِ حِينَ وُلِّيَ عَلَيْهِمْ مِنْ جِهَةِ مَعَاوِيَةَ ، قَالَ: اللَّهُمَّ إِنَّ بِسْرًا بَاعَ دِينَهُ بِالْدُنْيَا فَاسْلِبْهُ دِينَهُ وَ عَقْلَهُ،

فاختلط بسر ، فكان يدعو بالسيف، فاتّخذ له سيفاً من خشب فكان يضرب به حتّى يغشى عليه، فإذا أفاق يقول: السيف، فلم يزل ذلك دأبه حتّى مات» (مناقب ابن شهر آشوب ٢ / ٢٨٠ ؛ البحار ٤١ / ٢٠٤ ؛ اثبات الهداة ٤ / ٥٧٢ ؛ ارشاد القلوب / ٢٢٨ )

❖ برائت و نفرین امیر مومنان (ع) بر امت متمرّد:

«و قال ( ع ) في سحرة اليوم الذي ضرب فيه:

مَلَكَتْنِي عَيْنِي وَ أَنَا جَالِسٌ - فَسَنَحَ لِي رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ - مَاذَا لَقِيتُ مِنْ أُمَّتِكَ مِنَ الْأَوْدِ وَ اللَّدِّ فَقَالَ ادْعُ عَلَيْهِمْ - فَقُلْتُ:

أَبْدَلْنِي اللَّهُ بِهِمْ خَيْرًا مِنْهُمْ - وَ أَبْدَلْهُمْ بِي شَرًّا لَهُمْ مِنِّي» (نهج، خطبه ٧٠)

«... عن الحسن بن علي، قال : خرجت أنا و أبي نعلي في هذا المسجد ، فقال لي : يا بني إني بت الليلة أوقظ أهلي ... فملكنتني عينا، فسبح لي رسول الله صلى الله عليه و آله، فقلت: يا رسول الله ماذا لقيت من أمتك من الأود و اللدد ؟ فقال لي: ادع عليهم!؛ فقلت:

«اللهم أبدلني بهم من هو خير لي منهم ، و أبدلهم بي من هو شر لهم مني» (مقاتل الطالبين، ابوالفرج اصفهاني، ٢٥)

«اللَّهُمَّ إِنِّي قَدْ مَلَلْتُهُمْ وَ مَلُونِي وَ سَيَّمْتُهُمْ وَ سَيَّمُونِي - فَأَبْدَلْنِي بِهِمْ خَيْرًا مِنْهُمْ وَ أَبْدَلْهُمْ بِي شَرًّا مِنِّي» (نهج، خطبه ٢٥)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ نفرین امام حسین (ع) بر کوفیان در روز عاشوراء:

«... سألت جعفر بن محمد بن علي بن الحسين (عليهم السلام) ، فقلت : حدثني عن مقتل ابن رسول الله ( صلى الله عليه وآله ) . فقال :

حدثني أبي ، عن أبيه ، قال : ... فأخذ الحسين ( عليه السلام ) بطرف لحيته ، و هو يومئذ ابن سبع و خمسين سنة، ثم قال: اشتد غضب الله على اليهود حين قالوا : عزير بن الله ، و اشتد غضب الله على النصارى حين قالوا : المسيح بن الله ، و اشتد غضب الله على المجوس حين عبدوا النار من دون الله ، و اشتد غضب الله على قوم قتلوا نبيهم ، و اشتد غضب الله على هذه العصابة الذين يريدون قتل ابن نبيهم» . (امالی صدوق، ۲۲۲)

❖ نفرین امام سجاد (ع) بر دشمنان اسلام و مسلمين:

«... اللَّهُمَّ افْلُلْ بِذَلِكَ عَدُوَّهُمْ ، و افْلِمِ عَنْهُمْ أَطْفَارَهُمْ ، و فَرِّقْ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ أَسْلِحَتِهِمْ ، و اخْلَعْ وَثَائِقَ أَيْدِيهِمْ ، و بَاعِذْ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ أَرْوَادِهِمْ ، و خَيِّرْهُمْ فِي سُبُلِهِمْ ، و صَلِّ لَهُمْ عِن وَجْهِهِمْ ، و اِقْطَعْ عَنْهُمْ الْمَدَدَ ، و انْقِصْ مِنْهُمْ الْعَدَدَ ، و اَمْلَأْ أَيْدِيَهُمْ عَنِ الْبَسِطِ ، و اخْزِمِ أَلْسِنَتَهُمْ عَنِ النَّطْقِ ، و شَرِّدْ بِهِمْ مَن خَلْفَهُمْ وَتَكَلَّ بِهِمْ مَن وَرَاءَهُمْ ، و اِقْطَعْ بِخَزِيئِهِمْ أَطْمَاعَ مَن يَعْذِهِمْ؛ اللَّهُمَّ عَقِّمْ أَرْحَامَ نِسَائِهِمْ ، و بَيِّسْ أَصْلَابَ رِجَالِهِمْ ، و اِقْطَعْ نَسْلَ دَوَابِهِمْ وَاَنْعَامِهِمْ ، لَا تَأْذُنَ لِسَمَاوِيهِمْ فِي فِطْرِ ، و لَا لَأَرْضِيهِمْ فِي نَبَاتٍ؛ اللَّهُمَّ وَفِوْ بِذَلِكَ مِحَالِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ ، و حَصِّنْ بِهِ دِيَارَهُمْ...» (صحيفه سجاديه، دعای ۲۷)

❖ نفرین امام صادق (ع) بر فرماندار ستمگر بی پروا (داوود بن علی بن عبد الله بن عباس):

▪ و قال الصادق عليه السلام لما قتل المعلى : لأدعون الله على من قتل مولاي و آخذ مالي» (وسائل الشيعة، ۴ / ۱۱۶۵)

❖ نفرین امام هادی (ع) بر متوکل عباسی، خلیفه ستمگر بی حیا:

الخرائج : روى أبو القاسم البغدادي عن زرارة قال : أراد المتوكل : أن يمشي علي بن محمد بن الرضا عليهم السلام يوم السلام فقال له وزيره : إن في هذا شناعة عليك وسوء، قاله فلا تفعل ، قال : لا بد من هذا . قال : فإن لم يكن بد من هذا فتقدم بأن يمشي القواد والاشراف كلهم ، حتى لا يظن الناس أنك قصدته بهذا دون غيره ، ففعل و مشى عليه السلام و كان الصيف فوافى الدهليز و قد عرق .

قال : فلقيته فأجلسته في الدهليز و مسحت وجهه بمنديل و قلت : ابن عمك لم يقصدك بهذا دون غيرك ، فلا تجد عليه في قلبك فقال : إياها عنك

" تمتعوا في داركم ثلاثة أيام ، ذلك وعد غير مكذوب " (هود ۶۵).

قال زرارة : وكان عندي معلم بتشييع و كنت كثيرا أمارحه بالرافضي فانصرفت إلى منزلي وقت العشاء و قلت : تعال يا رافضي حتى أحدثك بشئ سمعته اليوم من إمامكم؛ قال لي و ما سمعت ؟ فأخبرته بما قال؛ فقال: أقول لك فاقبل نصيحتي قلت : هاتها قال : إن كان علي بن محمد قال بما قلت فاحترز واخرن كل ما تملكه فان المتوكل يموت أو يقتل بعد ثلاثة أيام ، ... فلما كانت الليلة الرابعة قتل المتوكل و سلمت أنا و مالي و تشيعت عند ذلك؛ فصرت إليه؛ و لزمته خدمته؛ و سألته أن يدعو لي و توأبته حق الولاية» (بحار الانوار، ۵۰ / ۱۴۸)



گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

مقدمه نشست نجما ۲۷: به مناسبت تصویب ملی «کلان نظریه بنیادین نجما»:

«خانواده محوری در تدبیر نظامات اسلامی»

«ابلاغیه مقام معظم رهبری ۱۳/۰۶/۱۳۹۵، مصادف با اول ذی الحجه»

«سالروز ازدواج سرور بانوان عالم، فاطمه زهرا (ع) با سرور اوصیای الهی، علی (ع)»

«سیاستهای کلی خانواده»

«خانواده واحد بنیادی و سنگ بنای جامعه اسلامی»

و کانون رشد و تعالی انسان و پشتوانه سلامت و بالندگی

و اقتدار و اعتلای معنوی کشور و نظام است

و سمت و سوی حرکت نظام باید معطوف باشد به :

۱. ایجاد جامعه‌ای خانواده‌محور و تقویت و تحکیم خانواده و کارکردهای اصلی آن

بر پایه الگوی اسلامی خانواده به عنوان مرکز نشو و نما و تربیت اسلامی فرزند و کانون آرامش بخش»

۲. «محور قرار گرفتن خانواده»

در قوانین و مقررات، برنامه‌ها، سیاست‌های اجرایی و تمام نظامات آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، «به‌ویژه نظام مسکن و شهرسازی».

۳. «برجسته کردن کارکردهای ارتباط خانواده و مسجد ...»

۴. «ایجاد نهضت فراگیر ملی برای ترویج و تسهیل ازدواج موفق و آسان...»

۵. ...



گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

رکن حمد: الحمد لله:

❖ مفهوم حمد:

«ستایش زیبایی های صادر از فاعل مختار»: فرهنگ «ما رایت الا جمیلا»

❖ جریان مطلق حمد در نظام تکوین و تشریح:

«نظام خالقیت مطلق الهی»/ «نظام ربوبیت مطلق رحمانی و رحیمی»/ «نظام بازخوردهی مطلق الهی در دنیا و آخرت»:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» (حمد/۲-۴)

«وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ؛ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ؛ وَ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (قصص/۷۰)

«وَ لَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَ حِينَ تُظْهِرُونَ» (روم/۱۸)

«فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَ رَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ وَ لَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (جاثیه/۳۶-۳۷)

❖ ویژگی های حامد:

➤ باور قلبی انتساب تمام ارزشها و کمالات به خدا:

«ما اصابك من حسنة فمن الله و ما اصابك من سيئة فمن نفسك» (نساء/۷۹)

«و نَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ وَ قَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلًا رَبَّنَا بِالْحَقِّ وَ نُودُوا أَنْ تِلْكَمُ الْجَنَّةُ أَوْرَثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (اعراف/۲۳)

«فَلَمْ تَغْتُلُوهُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَ مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ رَمَى وَ لِيُبَلِّيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ ذَلِكَمُ وَ أَنَّ اللَّهَ مُوهِنٌ كِيدِ الْكَافِرِينَ» (انفال/۱۷-۱۸)

«فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَ رَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ وَ لَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (جاثیه/۳۶-۳۷)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ انجام وظائف و اداء مسئولیتها به مثابه شکر دائمی نعمت و پرهیز از کفران و اسراف نعمت:

«... الحمد لله الذی هدینا لهذا و ما كنا لنهتدی لولا ان هدینا الله ...» (اعراف/۴۳)

➤ سلوک حمد، شاخص آدمیت:

«و الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ حَبَسَ عَنِ عِبَادِهِ مَعْرِفَةَ حَمْدِهِ عَلَيَّ مَا أَبْلَاهُمْ مِنْ مَنِّهِ الْمُتَتَابِعَةَ ، وَ أَسْبَغَ عَلَيْهِمْ مِنْ نِعَمِهِ الْمُتَطَاهِرَةَ ، لَتَصَرَّفُوا فِي مَنِّهِ فَلَمْ يَحْمَدُوهُ ، وَ تَوَسَّعُوا فِي رِزْقِهِ فَلَمْ يَشْكُرُوهُ . وَ لَوْ كَانُوا كَذَلِكَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَى حَدِّ الْبَهِيمِيَّةِ فَكَانُوا كَمَا وَصَفَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ:

« إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا » (صحيفه سجاديه، دعای اول، ۸-۹)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»  
➤ عرصه های موکد بر مقام حمد:

✓ حمد بر خالقیت الهی:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ؛ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ» (انعام/۱)

✓ حمد بر وحدانیت مطلق الهی:

«و قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا و لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ و لَمْ يَكُنْ لَهُ وِلِيٌّ مِنَ الدُّلِّ و كَبَّرَهُ تَكْبِيرًا» (اسراء/۱۱۱)  
«ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ و رَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا؛ الْحَمْدُ لِلَّهِ؛ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر/۲۹)

➤ حمد بر فاطریت الهی و نصب ملائکه در نظام افاق و انفس:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أُولِي أَيْدِيهِمْ أَجْنِحَةً مِثْنَى وَثَلَاثَ وَرُبَاعًا؛ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنْ أَرَادَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (فاطر/۱)

«لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ و مِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ...» (رعد/۱۱)

➤ حمد بر ربوبیت مطلق الهی:

«فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ و رَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ و لَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ و الْأَرْضِ و هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (جاثیه/۲۶-۲۷)

➤ حمد بر رزاقیت الهی:

«اللَّهُ يَنْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ و يَغْدِرُ لَهُ إِنْ أَرَادَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمٌ؛

و لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللَّهُ؛ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ؛ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ» (عنكبوت/۶۲-۶۳)

➤ حمد بر مالکیت مطلق الهی در دنیا و آخرت:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ و مَا فِي الْأَرْضِ و لَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ؛ و هُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ» (سیا/۱)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ حمد بر فضائل و عصمت الهی، و نسل رسالتمدار:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ» (ابراهیم/ ۳۹)

«و لَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَ قَالَا: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ» (نمل/ ۱۵)

✓ حمد بر نزول قرآن:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيَّ عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَ لَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا؛ فَيَمَّا لِيُذْذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِنْ لَدُنْهُ وَ يُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنْ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا؛ مَا كُنْتُمْ فِيهِ أَبْدًا؛ وَ يُذْذِرَ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا» (كهف/ ۱-۴)

✓ حمد بر هدایت الهی:

«و قَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَ نُودُوا أَنْ تِلْكَمُ الْجَنَّةُ أَوْرَثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (اعراف/ ۴۳)

➤ حمد بر استجابت دعای مخلصان:

«هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ؛ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (غافر/ ۶۵)

➤ حمد بر هلاکت ستمگران و توفیق رسولان الهی:

فَإِذَا اسْتَوَيْتَ أَنْتَ وَ مَنْ مَعَكَ عَلَى الْعُلُكِ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّانَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ؛

«و قُلِ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَ أَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ؛ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ وَ إِنْ كُنَّا لَمُبْتَلِينَ» (مومنون/ ۲۸-۳۰)

«فَأَنْجَيْنَاهُ وَ أَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَّرْنَا هَا مِنْ الْغَابِرِينَ؛ وَ أَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ؛

«قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى؛ اللَّهُ خَيْرٌ أَمَا يُشْرِكُونَ» (نمل/ ۵۷-۵۹)

«سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ؛ وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ؛ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (صافات/ ۱۸۰-۱۸۲)



گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

➤ حمد بر ارائه آیات و قدرت نمایی ویژه الهی در آفاق و انفس:

«فَلَمَّا نَسُوا مَا دُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرَّجُوا يَمَانًا فَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَنَسُوا مَا دُكِّرُوا بِهِ فَأُولَٰئِكَ سَاءَ لِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (انعام/۲۴-۲۵)

«و قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا و مَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ» (نمل/۹۳)

➤ حمد بر صدق وعده الهی، و وراثت بهشت:

«و قَالُوا: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ و أَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُكَ مِنْ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ؛

و تَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ و قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ و قِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (زمر/۷۴-۷۵)

➤ حمد بر لذت مطلق پایدار نعم بهشتی:

«جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ و لُؤْلُؤًا و لِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ؛ و قَالُوا: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ؛

الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمَقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ؛ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ و لَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ» (فاطر/۳۲-۳۵)

✓ حمد بهشتیان بر تمام عرصه ها و نعمتهای مادی و معنوی آفاقی و انفسی بهشت:

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا و عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ؛

دَعَاؤُهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ و تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ و آخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (يونس/۹-۱۰)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ عوامل رسیدن به مقام حمد:

➤ باور به فقر مطلق خود و غناى مطلق خداوند «الله»:

«يا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ؛ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر/ ۱۵)

➤ باور و توسل به فریادرسى خداوند:

«وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ؛ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ» (۲۸)

➤ زهد به دنیا، عشق به آخرت، و سخاوت بزرگوارانه به بندگان خدا:

«ما أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ؛ لِكَيْ لَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَ لَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ؛ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ؛ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَ يَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَ مَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (حدید/ ۲۲-۲۴)

➤ پیروی از قرآن و عترت و انبیاء الهی و اهل ایمان:

▪ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الر كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» (ابراهیم/ ۱)

▪ «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ؛ وَ مَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (ممتحنه/ ۶)

▪ «إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُحَلَّونَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَ لُؤْلُؤًا وَ لِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ؛

وَ هُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَ هُدُوا إِلَى صِرَاطٍ الْحَمِيدِ» (فاطر/ ۲۳-۲۴)

▪ «وَبَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَ يَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» (سبأ/ ۶)

➤ پیروی از راه شهداء:

«قِيلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ؛ النَّارِ ذَاتِ الْوَقُودِ؛ إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ؛ وَ هُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ؛ وَ مَا نَعْمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ؛

الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (بروج/ ۴-۹)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

► تلازم حمد با عشق به خدا، اهل بیت(ع) و ارزشهای الهی، خصوصاً، «قرآن، نماز، زکات و مسجد»:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ؛ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ؛

أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَرِيمٌ» (انفال/۲-۴)

▪ «اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِيًّا؛ تَفْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ؛

ثُمَّ تَلِينَ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَىٰ اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَن يَشَاءُ وَمَن يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن هَادٍ» (زمر/۲۳)

▪ «إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورَ؛

لِيُؤْفِقَهُمْ أَجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ» (فاطر/۲۹-۳۰)

▪ «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَن يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (بقره/۱۲۱)

▪ «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (توبه/۱۱۲)

▪ «و عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا؛ و إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا؛ وَ الَّذِينَ يَبِيَّتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَ قِيَامًا» (فرقان/۶۳-۶۴)

▪ «ألا من اشتاق إلى الله فليستمع كلام الله» رسول الله ( صلى الله عليه و آله ) : (كنز العمال، ح ۲۲۷۲)

▪ " من أحب الله فليحبني؛ و من أحبني فليحب عترتي ، اني تارك فيكم الثقلين : كتاب الله و عترتي؛

و من أحب عترتي فليحب القرآن؛ و من أحب القرآن فليحب المساجد؛

فإنها أفنية الله و أبنيته؛ اذن في رفعها و بارك فيها؛ ميمونة؛ ميمون أهلها؛ مزينة؛ مزين أهلها؛ محفوظة؛ محفوظ أهلها؛

هم في صلاتهم و الله في حوائجهم؛ هم في مساجدها و الله من ورائهم» (ص): (مستدرک الوسائل، ۳ / ۳۵۵)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

مسجد و جایگاه آن در فرهنگ اسلامی:

❖ مسجد، پایگاه عقل و وحی:

«اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ؛... يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُوْرٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ؛

فِي بُيُوتٍ أُذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذَكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ؛

رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَ الْأَبْصَارُ؛

لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَ يَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ وَ اللَّهُ يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (نور/۲۵-۲۸)

❖ مسجد، خانه خدا، پایگاه انبیاء، خانه متقین:

«عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن ابن أبي عمير، عن جابر عن أبي جعفر عليه السلام، قال:

قال رسول الله صلى الله عليه و آله لجبرئيل: يا جبرئيل! اي البقاع أحب إلى الله عز وجل؟ قال: المساجد؛

و أحب أهلها إلى الله أولهم دخولا و آخرهم خروجا منها». (كافی، ۱۲۷؛ جامع احاديث الشيعة، ۴ / ۴۲۸)

«و من أراد دخول المسجد فليدخله على سكون و وقار؛ فان المساجد بيوت الله؛ و أحب البقاع اليه و أحبهم إلى الله عز و جل ( رجل ) أولهم دخولا و آخرهم خروجا». (فقیه ۴۹؛ جامع احاديث الشيعة، ۴ / ۴۳۰)

«قال النبي صلى الله عليه و آله : المساجد مجالس الأنبياء». (القطب الراوندي في لب اللباب؛ جامع احاديث الشيعة، ۴ / ۴۲۱)

«عن النبي صلى الله عليه و آله قال: المساجد بيوت المتقين؛ و من كانت المساجد بيته ضمن الله له بالروح و الراحة و الجواز على الصراط» (القطب الراوندي في لب اللباب؛ مستدرک ۲۲۷؛ جامع احاديث الشيعة، ۴ / ۴۲۷)

«روى ان في التوراة مكتوبا ان بيوتي في الأرض المساجد؛ فطوبى لعبد تطهر في بيته، ثم زارني في بيتي؛ الا ان على المزور كرامة الزائر؛

الا بشر المشائين في الظلمات الى المساجد بالنور الساطع يوم القيامة» (فقیه ۴۹؛ جامع احاديث الشيعة، ۴ / ۴۳۵)



گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ ویژگی های هیئت امنا و مدیریت مساجد:

➤ «عشق به خدا، و خوف و دغدغه آخرت»؛

➤ «اقامه نماز و پرداخت زکات»؛

➤ شجاعت در بیان و عمل به حق و عدم واهمه از غیر خدا»؛

➤ اهل هجرت و جهاد در راه خدا؛

▪ «وَمَا يُمِينُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ» (یوسف / ۱۰۶)

▪ «مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ؛

إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مِنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ النَّبِيِّ الْآخِرِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ لَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ؛ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ؛

أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ النَّبِيِّ الْآخِرِ وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؟! لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ؛

الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ؛

يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَ رِضْوَانٍ وَجَنَاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ؛ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» (توبه / ۱۷-۲۲)

▪ «... نُورٌ عَلَىٰ نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَ اللَّهُ يَكُلُّ شَيْءٍ عَلِيمٌ؛ فِي بُيُوتِ الَّذِينَ أُذِنَ لَهُمْ أَنْ تَرْفَعُوا وَ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَ الْأَصَالِ؛ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ آتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَ الْأَبْصَارُ؛ لِيُخْزِيَهُمْ

اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَ يَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (نور / ۲۵-۲۸)

❖ صلابت در برابر تبهکاران مزاحم ابادی مساجد:

▪ «وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ سَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ؛

لَهُمْ فِي الدُّنْيَا حِزْبٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (بقره / ۱۱۲)

**گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:**

**عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی**

**چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»**

**❖ مدیریت الهی بحرانهای نظامی در حفاظت از معابد توحیدی:**

▪ «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ؛ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبَّنَا اللَّهُ؛

و لَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدِمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدٌ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا و لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ؛

الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ و لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج/۳۹-۴۱)

**❖ دستاورد های حضور در مساجد:**

**«برادری در راه خدا/دانشی نو و شگرف و یا ایت و استدلالی متین/رحمتی مورد انتظار؛**

**رهنمودی نجاتبخش یا هدایتگر/دوری از گناه به جهت حضور و یا سرشت الهی»**

**«کان أمير المؤمنين عليه السلام يقول: من اختلف إلى المساجد اصاب احدى الثمان:**

**أخا مستفادا في الله عز وجل؛ أو علما مستطرفا؛ أو آية محكمة؛ أو رحمة منتظرة؛**

**أو كلمة ترده عن ردى؛ أو يسمع كلمة تدله على هدى؛ أو يترك ذنبا خشية أو حياء» . (فقيه ۴۸؛ جامع احاديث الشيعه، ۴/ ۲۳۵)**

**❖ پاداش نماز در مسجد:**

▪ **«علي عليه السلام قال: « صلاة في بيت المقدس تعدل ألف صلاة؛ و صلاة في مسجد الأعظم مائة صلاة؛ و صلاة في مسجد القبيلة خمسة و**

**عشرون صلاة؛ و صلاة في مسجد السوق اثنتي عشر صلاة؛ و صلاة الرجل في بيته وحده صلاة واحدة »**

**❖ پاداش نماز جماعت در مسجد:**

▪ **أبي سعيد الخدري ، قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله اتاني جبرئيل مع سبعين ألف ملك بعد صلاة الظهر ، فقال يا محمد :... قلت يا**

**جبرئيل وما لأمتي في الجماعة ؟ قال يا محمد إذا كانا اثنين ، كتب الله لكل واحد بكل ركعة مئة وخمسين صلاة... و إذا كانوا عشرة ، كتب الله تعالى**

**لكل واحد بكل ركعة سبعين ألفا و ألفين و ثمانمأة صلاة! ، فان زادوا على العشرة ، فلو صارت بحار السماوات و الأرض كلها مدادا ، و الأشجار أقلاما ،**

**و الثقلان مع الملائكة كتابا لم يقدروا ان يكتبوا ثواب ركعة واحدة!» (جامع احاديث الشيعه، ۶/ ۲۸۶)**

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ مساجد ۴ گانه، وطن مشترک بشری:

«مسجد الحرام، مسجد النبی(ص)، مسجد کوفه، حائر حسینی»

❖ مساجد متفرق دور از مقاصد الهی (فرهنگی و اقتصادی):

▪ «... قامت الدنيا بثلاثة : بعالم ناطق مستعمل لعلمه ، و بغني لا يبخل بماله على أهل دين الله ، و بفقير صابر ،

فإذا كتم العالم علمه ، و بخل الغني ، و لم يصبر الفقير فعندها الويل و الثبور ،

و عندها يعرف العارفون بالله أن الدار قد رجعت إلى بدئها أي الكفر بعد الإيمان! ،

أيها السائل فلا تغترن بكثرة المساجد و جماعة أقوام أجسادهم مجتمعة و قلوبهم شتى ...» علی (ع): (توحيد صدوق، ۲۰۷)

«علي بن إبراهيم ، عن أبيه ، عن الحسن بن محبوب ، عن يعقوب السراج و علي بن رئاب ، عن أبي عبد الله عليه السلام أن أمير المؤمنين عليه السلام لما بويج بعد مقتل عثمان صعد المنبر و خطب بخطبة ذكرها يقول فيها:

الا ان بليتكم قد عادت كهيتها يوم بعث الله نبيه صلى الله عليه و آله!؛ ...» علی (ع): (كافي، ۱ / ۳۶۹؛ نهج، خ ۱۶)

❖ مساجد ضرار (پایگاه کفر، تفرقه و کمین گاه محاربین)، و مواجهه با آن:

▪ «و الَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضَرَارًا وَ كُفْرًا وَ تَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَ لِيَخْلِفَنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسَيْنِيَّ وَ اللَّهَ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ؛ لَا تَغْمُ فِيهِ أَبَدًا لِمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّفْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَّطَّهَرُوا وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ؛

أَفَمَنْ أُسِّسَ بُنْيَانُهُ عَلَى تَفْوَى مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أُسِّسَ بُنْيَانُهُ عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ؛

لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (توبه/۱۰۷-۱۱۰)



گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

تلازم حمد با عشق به آخرت:

«و هَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُصَدِّقٌ لِّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لِنُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَ مَن حَوْلَهَا وَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ» (انعام / ۹۲)

تلازم حمد با حرص بر هدایت بندگان خدا، و عشق به اهل ایمان:

«لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ» (توبه / ۱۲۸)

«فَلَعَلَّكَ بَاجِعٌ نَّفْسِكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا» (كهف / ۶)

«و الَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَ الْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَ لَا يَجِدُونَ فِي صُورِهِمْ جَاحَةً مِّمَّا أُوتُوا وَ يُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ مَن يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (حشر / ۹)

«عنه، عن أبيه، عن حماد بن عيسى، عن حريز بن عبد الله السجستاني، عن فضيل بن يسار قال:

سألت أبا عبد الله (ع) عن الحب و البغض ، أمن الايمان هو ؟؛ قال: و هل الايمان إلا الحب و البغض؟ ثم تلا هذه الآية " و حب إليكم الايمان و زينه في قلوبكم، و كره إليكم الكفر و الفسوق و العصيان أولئك هم الراشدون» . ( حجرات / ۵): (المحاسن، احمد بن محمد يزقي، ۱ / ۲۶۲)

ضدیت عشق به خدا و آخرت و ارزشهای الهی، با عشق به مظاهر کفر و نفاق، فسق و عصیان:

«وَ اعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ حَبِيبَ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَ زَيَّنَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ كَرَهُ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ أُولَٰئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ» (حجرات / ۷)

«لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ

أُولَٰئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَ أَتَدَّهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَ يَدْخُلُهُمْ جَنَّتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ؛

أُولَٰئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (مجادله / ۲۲)

ترجیح عشق به خدا و آخرت و ارزشهای الهی، بر عشق به بستگان و مال و ثروت:

«قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَ أَبْنَاؤُكُمْ وَ إِخْوَانُكُمْ وَ أَرْوَاحُكُمْ وَ أَمْوَالٌ أُفْتِرْتُمْوهَا وَ تِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَ مَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ؟؛ فترَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» (توبه / ۲۴)



گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

تلازم حمد با صلابت برخوردار با فتنه گران سیاه دل تبهکار:

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَنْبِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ؛

نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ وَ لَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَ لَكُمْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ؛ نُزُلًا مِنْ غُفُورٍ رَحِيمٍ»

وَ مَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَ عَمِلَ صَالِحًا وَ قَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ» ((فصلت/ ۲۰-۲۳)

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (احقاف/ ۱۲-۱۴)

تلازم حمد با شکر نعمت و هشدار به عواقب ترک آن :

«وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ: لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (ابراهيم/ ۷)

«محمد عن ابن عيسى عن معمر بن خلاد قال سمعت أبا الحسن عليه السلام يقول:

من حمد الله على النعمة فقد شكره و كان الحمد أفضل من تلك النعمة» . (الكافي، ۲ / ۹۶)

❖ شكر الهی:

«وَ لَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَ مَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ» (لقمان/ ۱۲)

❖ شكر از وسائط نعمت های مادی و معنوی:

«وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَ هُنَا عَلَيَّ وَ هُنَّ وَ فِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَ لَوَالِدَيْكَ إِلَى الْمَصِيرِ؛ وَ إِنْ جَاهَدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَ صَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَ اتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (لقمان/ ۱۲-۱۵)

«وَ صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَ الْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ؛

وَ لَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْهُمْ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ وَ هُمْ ظَالِمُونَ» (نحل/ ۱۱۲-۱۱۳)

«لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَ شِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَ اشْكُرُوا لَهُ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَ رَبٌّ غَفُورٌ؛

فَاعْرَضُوا فَأرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَ بَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِي أُكُلٍ خَمْطٍ وَ أثلٍ وَ شَيْءٍ مِنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ؛

ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَ هَلْ يُجَازِي إِلَّا الْكُفُورُ؛ وَ جَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْعُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا فُرى ظَاهِرَةً وَ قَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لِيَالِي وَ أَيَّامًا آمِنِينَ؛ فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ وَ مَرَفْنَاهُمْ كُلَّ مَمْرُقٍ إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ» (سبا/ ۱۵-۱۹)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

«لا يشكر الله من لا يشكر الناس» .(ص): (من لا يحضره الفقيه، ۴ / ۲۷۲)

▪ «حدثنا علي بن أحمد بن محمد بن عمران الدقاق و محمد بن أحمد السناني والحسين بن إبراهيم أحمد المكتب رحمهم الله قالوا حدثنا أبو محمد بن أبي عبد الله الكوفي عن سهل بن زياد الأدمي عن عبد العظيم بن عبد الله الحسنی محمود بن أبي البلاد قال: سمعت الرضا عليه السلام يقول: **من لم يشكر المنعم من المخلوقين لم يشكر الله عزّ وجلّ**». (عيون اخبار الرضا(ع)، ۲/۲۷؛ وسائل الشيعه، ۱۱ / ۵۴۲)

▪ «عن ابى عبد الله عليه السلام: **لعن الله قاطعي سبيل المعروف!** قيل: و ما قاطعوا سبيل المعروف؟

قال (ع): **الرجل يصنع إليه المعروف فيكفره؛ فيمتنع صاحبه من أن يصنع ذلك إلى غيره**» (كافي، ۴ / ۱۲۳؛ وسائل الشيعه، ۱۱ / ۵۳۹)

«**لا يزهديك في المعروف من لا يشكره لك**، فقد يشكرك عليه من لا يستمتع بشئ منه،

و قد تدرك من شكر الشاكر أكثر مما أضع الكافر و الله يحب المحسنين» على(ع): (نهج، حكمت ۲۰۴).

«رسول الله (صلى الله عليه و آله): يد الله تعالى فوق رؤوس المكفرين ترفرف بالرحمة» (علل الشرائع، ۲ / ۵۶۰)

▪ «حدثنا الشيخ المفيد أبو علي الحسن بن محمد بن الحسن الطوسي (ره) قال حدثني والدي رض قال حدثنا محمد بن محمد بن النعمان قال حدثنا (ثني - أمالي المفيد) أبو حفص عمر بن محمد بن علي الزيات قال حدثنا عبيد الله بن جعفر بن محمد بن أعين قال حدثنا مسعر بن يحيى النهدي قال حدثنا شريك بن عبد الله القاضي قال حدثنا أبو اسحق الهمداني عن أبيه عن أمير المؤمنين (علي بن أبي طالب - أمالي المفيد) عليه السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه و آله: **ثلاثة من الذنوب تعجل عقوبتها و لا تؤخر إلى الآخرة:**

**عقوق الوالدين و البغي على الناس و كفر الإحسان**» (أمالي ابن الطوسي، ۱ / ۱۳؛ وسائل الشيعه، ۱۱ / ۵۴۱؛ جامع احاديث، ۱۳ / ۵۳۶)

▪ «حدثنا الشيخ المفيد أبو علي الحسن بن علي الطوسي ره قال أخبرنا الشيخ السعيد الوالد أبو جعفر محمد بن الحسن بن علي الطوسي ره عن أبي الفضل قال أخبرنا جماعة قالوا أخبرنا أبو المفضل قال حدثنا أبو عبد الله محمد بن عبد الله بن راشد الطاهري الكاتب عن أبي أحمد عبيد الله بن الطاهر عن أبي الصلت عبد السلام بن صالح الهروي قال حدثني أبو الحسن علي بن موسى الرضا عليه السلام قال حدثني أبي عن جدي جعفر بن محمد عن أبيه عن جده أمير المؤمنين صلوات الله عليهم أجمعين قال قال النبي صلى الله عليه و آله:

**أسرع الذنوب عقوبة كفران النعمة**:» (أمالي ابن الطوسي، ۲ / ۶۵؛ جامع احاديث الشيعه، ۱۳ / ۵۳۷)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

▪ «محمد بن الحسن باسناده عن محمد بن الحسن الصفار، عن محمد بن الحسين ابن أبي الخطاب، عن محمد بن سنان، عن عمار بن مروان، عن سماعة، عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

ان الله من على قوم بالمواهب فلم يشكروا فصارت عليهم وبالاً، و ابتلى قوما بالمصائب فصبروا فصارت عليهم نعمة» (وسائل الشيعة، ۱۱ / ۵۴۲)

▪ «بالأسانيد الثلاثة، عن الرضا، عن آبائه، عن علي بن الحسين (عليهم السلام) قال:

أخذ الناس ثلاثة من ثلاثة: أخذوا الصبر عن أيوب، و الشكر عن نوح، و الحسد عن بني يعقوب» (عيون أخبار الرضا(ع)، ۲ / ۴۵؛ بحار الانوار، ۶۸ / ۴۴)

▪ تلازم حمد با صبر در بلا:

▪ «و لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِيرِ الصَّابِرِينَ؛ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا: إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ؛ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ» (بقره/۱۵۵-۱۵۷)

▪ «محمد عن ابن عيسى عن القاسم عن جده عن مثنى الحنات عن أبي عبد الله عليه السلام قال: كان رسول الله صلى الله عليه وآله و سلم إذا ورد عليه أمر يسره قال: الحمد لله على هذه النعمة؛ و إذا ورد عليه أمر يغم به قال: الحمد لله على كل حال» (الكافي، ۲ / ۹۷)

▪ تلازم حمد با شكر در بلا:

▪ «فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ غُرُوبِهَا وَ مِن أَنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَ اطَّرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ؛

وَ لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَ رِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَ أَبْقَىٰ؛

وَ أَمْرٌ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَ اضْطِرَّ عَلَيْهَا لَّا تَسْأَلُكَ رِزْقًا نَّحْنُ نَرْزُقُكَ وَ الْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَىٰ» (طه/۱۲۰-۱۲۲)

▪ «اللهم انى اسئلك صبرا لشاكرين لك، و عمل الخائفين و يقين العابدين لك...»

امام صادق(ع) به معلى بن خنيس؛ (دعاى روزانه ماه رجب، مصباح المتجهدين، شيخ طوسى؛ مفاتيح الجنان، شيخ عباس قمى)

▪ «اللهم لك الحمد، حمد الشاكرين لك على مصابهم الحمد لله على عظيم رزيتى!» امام هادى(ع)؛ (زيارت عاشوراء، ذكر در سجده)



گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

تلازم حمد با ندیدن خود و دیدن بندگان خدا!!

❖ تلازم حمد با ندیدن خود:

➤ تقلیل عملکرد خود:

▪ «يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ؛ فُمْ فَأَنْذِرْ؛ وَ رَبِّكَ فَكِّرْ؛ وَ ثِيَابَكَ فَطَهِّرْ؛ وَ الرَّجْزَ فَاهْجُرْ؛ وَ لَا تَمُنَّنِ تَسْتَكْبِرُ؛ وَ لِرَبِّكَ فَاصْبِرْ» (مدثر/۱-۷)

▪ «و الَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَ قُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ؛ أُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ هُمْ لَهَا سَابِقُونَ» (مومنون/۶۰-۶۱)

▪ «لَا يَرْضَوْنَ مِنْ أَعْمَالِهِمُ الْقَلِيلَ - وَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ الْكَثِيرَ - فَهُمْ لِأَنْفُسِهِمْ مُتَّهِمُونَ وَ مِنْ أَعْمَالِهِمْ مُشْفِقُونَ؛

إِذَا زُكِّيَ أَحَدٌ مِنْهُمْ خَافَ مِمَّا يُقَالُ لَهُ فَيَقُولُ: أَنَا أَعْلَمُ بِنَفْسِي مِنْ غَيْرِي وَ رَبِّي أَعْلَمُ بِي مِنِّْي بِنَفْسِي؛

اللَّهُمَّ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا يَقُولُونَ؛ وَ اجْعَلْنِي أَفْضَلَ مِمَّا يَطْنُونَ وَ اغْفِرْ لِي مَا لَا يَعْلَمُونَ» (نہج، خ متقین، خ ۱۹۳)

➤ عدم انتظار مزد از دیگران!:

▪ «وَ جَاءَ مِنْ أَفْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ؛ اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَ هُمْ مُهْتَدُونَ» (یس/۲۰-۲۱)

➤ عدم انتظار حتی تشکر از دیگران!:

▪ «وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا؛ إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكْرًا؛ إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا

فَمَطْرِبْرًا» (انسان/۸-۱۰)



گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ تلازم حمد با دیدن بندگان خدا و اباد کردن حیات آنان:

- «و إِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ ثَابَرُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ» (هود/۶۱)
- «عدة من أصحابنا ، عن سهل بن زياد ، عن يحيى بن المبارك ، عن عبد الله ابن جبلة ، عن رجل ، عن أبي عبد الله ( عليه السلام ) قال: في قول الله عز وجل: " و جعلني مبارك أينما كنت " (مريم/۲۱)؛ قال (ع) : نفاعا» (كافي، ۲ / ۱۶۵)
- علي بن إبراهيم ، عن أبيه ، عن النوفلي ، عن السكوني ، عن أبي عبد الله ( عليه السلام ) قال : قال رسول الله ( صلى الله عليه وآله ) : **الخلق عيال الله فاحب الخلق إلى الله من نفع عيال الله** و أدخل على أهل بيت سرورا» (كافي، ۲ / ۱۶۲)

➤ **عدم حرص و طمع و حسد بر ارزشهای بندگان خدا:**

- «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا؛ إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا؛ وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا؛ إِلَّا الْمُصَلِّينَ» (معارج/۱۹-۲۲)
- «و الَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَ لَا يَحْدُونَ فِي صُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَ يُوَثِّرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ مَنِ يُوقِ نَفْسَهُ قَاوَلِيكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (حشر/ ۹)

➤ **تکثیر ارزشهای دیگران، تقدیر از ان و بازخوردهی پر پیمان به آن:**

- «و إِذَا حُبِبْتُمْ بِهِمْ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا» (نساء/۸۶)
- «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ» (الرحمن/ ۶۰)

▪ «و إِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ؛

- فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ؛ وَ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (اعراف/۸۵)
- «وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَ الْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ؛ بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَ مَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ؛ قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصْلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ تَتْرَكَ مَا يُعْبَدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ تَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَكِيمُ الرَّشِيدُ؛ قَالَ يَا قَوْمِ ... وَ مَا أُرِيدُ أَنْ أَخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنهَاكُمْ عَنْهُ إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَ مَا تُوَفَّقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْهِ أُنِيبُ» (هود/۸۵-۸۸)
- «وَ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ لَا يَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ؛ وَ زِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ؛ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ؛ وَ اتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَ الْحِيلَةَ الْأُولَىٰ؛ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسْحَرِينَ ...» (شعراء/۱۸۰-۱۸۵)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

«بالاسناد المتقدم في هذا الباب عن عبد السلام بن صالح الهروي عن الرضا عليه السلام قال: قال النبي صلى الله عليه وآله:

يؤتى بعد يوم القيامة فيوقف بين يدي الله عز وجل فيأمر به إلى النار فيقول: اي رب أمرت بي إلى النار و قد قرأت القرآن؟!!

فيقول الله: اي عبيد اني أنعمت عليك فلم تشكر نعمتي؛ فيقول: اي رب أنعمت على بكذا فشكرتك بكذا و أنعمت على بكذا شكرتك بكذا فلا يزال يحصى النعمة و يعدد الشكر فيقول الله تعالى صدقت عبي؛ الا انك لم تشكر من أجرته لك نعمتي على يدي فلان و اني قد آتيت على نفسي ان لا اقبل شكر عبد لنعمه أنعمتها عليه حتى يشكر من ساقها من خلقي اليه» (أمالی ابن الطوسی، ۲ / ۶۵؛ جامع احادیث، ۱۲ / ۵۲۸)

مثالها: «حقوق خانواده: حق همسری و مادری بانوان؛ و حق سرپرستی شوهران؛ و ... /عکس العمل در برابر نعمت انقلاب اسلامی، و دفاع از حرم/ و ...»

➤ رسیدگی به احوال بندگان خدا و رفع نیاز آنان به قدر وسع:

«... إِلَّا الْمُصَلِّينَ؛ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ؛ وَ الَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ؛ لِلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ» (معارج/۲۲-۲۵)

➤ رسالت هدایت بندگان خدا:

«قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَ يُمِيتُ

فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ كَلِمَاتِهِ وَ اتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (اعراف/۱۵۸)

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَدْعُوهُمْ مَكْنُوبًا عِنْدَهُمْ فِي النَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ؛

بِأْمْرِهِمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَ يُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ؛

فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَ عَزَّرُوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (اعراف/۱۵۷)

➤ سرپرستی مومنان به هدایت الهی:

«وَ لَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَ الْقُرْآنَ الْعَظِيمَ؛ لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَ لَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ؛

وَ قُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ؛ كَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ؛ الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ» (حجر/۸۷-۹۱)

«وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (شعراء/۲۱۵)

➤ تلازم حمد با اخوت الهی:!

«اخوت ایمانی/ اخوت توحیدی/ اخوت بشری»

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

مقدمه نشست سی ام: به مناسبت ماه محرم ۱۴۴۴ ه.ق.

«قرآن محوری و مرجعیت محکّمات دینی در تحلیل سیره مدیریتی سید الشهداء (ع)، از مدینه تا کربلا»:

❖ خروج از مدینه و ورود به مکه: تشبیه حرکت سید الشهداء (ع) به سیره حضرت موسی(ع):

▪ «... فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِي أَهْلِ مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَيَّ قَدْرًا يَا مُوسَى؛ وَ اصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي» (طه/۴۰-۴۱)

▪ «... فسار الحسين إلى مكة و هو يقرأ " فخرج منها خائفا يترقب قال: رب نجني من القوم الظالمين " (قصص/۲۱) ... و لما دخل الحسين عليه السلام مكة، ... و هو يقرأ: " و لما توجه تلقاء مدين قال: عسى ربي أن يهديني سواء السبيل " (قصص/۲۲) . (بحار الانوار، ۴۴ / ۲۳۲)

❖ اتمام حجت شب عاشورا همچون سیره حضرت عیسی(ع):

▪ «فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَى مِنْهُمْ الْكُفْرَ قَالَ: مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ؟؛ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ: نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ!؛ أَمَّا بِاللَّهِ وَ اشْهَدْ يَا نَبِيَّ مُسْلِمُونَ؛

رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَ اتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُنِبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ؛ وَ مَكَرُوا وَ مَكَرَ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ» (آل عمران/۵۲-۵۴)

▪ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ؛ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ تُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ؛ ...

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ: عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ: مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ؟؛ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ: نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ!؛ ...» (صف/۱۱-۱۴)

▪ «البهبهاني روى عن كتاب نور العيون بإسناده عن سكينه بنت الحسين، أنّها قالت:... إذا بأبي (ع) جالس، و حوله أصحابه ... يقول لهم :

اعْلَمُوا ، أَنْكُمْ خَرَجْتُمْ مَعِيَ لِعَلِّمِكُمْ أَنِّي أَقْدِمُ عَلَى قَوْمٍ بَايَعُونِي بِأَلْسِنَتِهِمْ وَ قُلُوبِهِمْ؛ وَ قَدْ انْعَكَسَ الْأَمْرُ ... وَ أَخْشَى أَنْ تَكُونُوا مَا تَعْلَمُونَ وَ تَسْتَحْيُونَ وَ الْخَدَعُ عِنْدَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ مُحَرَّمٌ ، فَمَنْ كَرِهَ مِنْكُمْ ذَلِكَ فَلْيَتَصَرَّفْ ، فَاللَّيْلُ سَتِيرٌ وَالسَّبِيلُ غَيْرُ خَطِيرٍ وَ الْوَقْتُ لَيْسَ بِهَجِيرٍ ، وَ مَنْ وَاسَانَا بِنَفْسِهِ كَانَ مَعَنَا غَدًا فِي الْجَنَانِ نَجِيًّا مِنْ غَضَبِ الرَّحْمَنِ ، وَ قَدْ قَالَ جَدِّي مُحَمَّدٌ (ص): ولدى الحسين ... فمن نصره فقد نصرني و نصر ولده القائم ، و لو نصرنا بلسانه فهو في حزننا يوم القيمة...»(الدمعة الساكبة ۲ : ۲۷۱ ، أسرار الشهادة : ۲۶۸)

▪ «... و قام إليه مسلم بن عوسجة فقال: أ نحن نخلي عنك؟!؛ و بما نعتذر إلى الله في أداء حَقِّك؟!...»(الإرشاد، ۲۳۱؛ تاريخ الطبري، ۲/ ۲۱۵)؛

▪ «... ثم قالت: أخي، هل استعلمت من أصحابك نيّاتهم... فبكي (ع) : أما والله ! لقد نهرتهم و بلوئتهم و لئس فيهم [ إلا ] الأشنوس الأفعس

تَسْتَأْنِسُونَ بِالْمَنِيَّةِ دُونِي اسْتِنَاسَ الطِّفْلِ بِأَبِيهِ أَوْهُ ...» (الدمعة الساكبة ۲ : ۲۷۲ ، مقتل المفيد : ۲۶۵)



گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ تاملی در احادیث برداشتن بیعت و سلب مسئولیت دینی دیگران در شب عاشورا:

الطبري : قال أبو مخنف : حدّثني عبد الله بن عاصم الفائشي ، عن الضحّاک بن عبد الله المشرقي بطن من همدان - أنّ الحسين بن عليّ ( عليه السلام ) جمع أصحابه قال أبو مخنف : وحدّثني الحارث بن حصيرة ، عن عبد الله بن شريك العامري ، عن عليّ بن الحسين ، قال : جمع الحسين ( عليه السلام ) أصحابه بعد ما رجع عمر بن سعد ، وذلك عند قرب المساء ، قال عليّ بن الحسين ( عليهما السلام ) : فدنوت منه لأسمع و أنا مريض ، فسمعت أبي و هو يقول لأصحابه : أثنى على الله تبارك و تعالی أحسن الثناء ، و أحمده على البسراء و البسراء ، اللهم إني أحمّدك على أن أكرمتنا بالنبوّة ، و علمتنا القرآن ، و فقهنا في الدين ، و جعلت لنا أسماعاً و أبصاراً و أفئدة ، و لم تجعلنا من المشركين .

أما بعدُ ، فإنّي لا أعلم أصحاباً أولى و لا خيراً من أصحابي ، و لا أهل بيت أبرّ و لا أوصل من أهل بيتي ، فجزاكم الله عنّي جميعاً خيراً ،

ألا و إنّي أظنُّ يومنا من هؤلاء الأعداء عداءً ، ألا و إنّي قد رأيت لكم ، فانطلقوا جميعاً في حلّ ، ليس عليكم منّي دمامٌ ،

هذا ليلٌ قد غشيكم فاتخذوه حملاً . (تاريخ طبري، ۳/ ۳۱۵؛ الكامل في التاريخ، ۲/ ۵۵۹؛ ارشاد مفيد، ۲۲۱)

«... فجزاكم الله عنّي خيراً ، فهذا الليل قد أقبل فقوموا واتخذوه حملاً ، و ليأخذ كل رجل منكم بيد صاحبه أو رجل من إخوتي و تفرّقوا في سواد هذا الليل و دروني و هؤلاء القوم ، فإنهم لا يطلبون غيري ، و لو أصابوني و قدروا على قتلي لما طلبوكم» (الفتوح، ۵/ ۱۰۵؛ الكامل في التاريخ ۲/ ۵۵۹)

«... و قد نزل بي ما قد ترون و أنتم في حلّ من بيعتي؛ لبست لي في أعناقكم بيعةً ، و لا لي عليكم ذمّة ، و هذا الليل قد غشيكم فاتخذوه حملاً و تفرّقوا في سواده فإن القوم إنما يطلبوني ، و لو ظفروا بي لذهلوا عن طلب غيري» (الأمالي صدوق، ۱۲۳؛ بحار الأنوار، ۲۲/ ۳۱۵)

الطبري : قال أبو مخنف : حدّثنا عبد الله بن عاصم الفائشي - بطن من همدان - عن الضحّاک بن عبد الله المشرقي ، ... قال : فلما كان الليل قال :

هذا الليل قد غشيكم ، فاتخذوه حملاً . ثم ليأخذ كل رجل منكم بيد رجل من أهل بيتي ، تفرّقوا في سوادكم و مدائكم حتى يفرّج الله ، فإن القوم إنما يطلبوني و لو قد أصابوني لهما عن طلب غيري . (تاريخ الطبري ۲/ ۳۱۵؛ البداية و النهاية، ۸/ ۱۹۱)

«الراوندي : سعد بن عبد الله : حدّثنا أحمد بن محمد بن عيسى ، حدّثنا الحسين بن سعيد ، حدّثنا النضر بن سويد ، عن عاصم بن حميد ، عن أبي حمزة الثمالي ، قال : قال عليّ بن الحسين ( عليهما السلام ) : كنت مع أبي الليلة التي قتل صبيحتها ، فقال لأصحابه :

هذا الليل فاتخذوه حملاً ، فإن القوم إنما يريدونني، و لو قتلوني لم يلتفتوا إليكم، و أنتم في حلّ و سعة .

فقالوا : لا ، و الله ! لا يكون هذا أبداً . قال : إنكم تقتلون عداءً كذلك ، لا يغلت منكم رجلٌ . قالوا : الحمد لله الذي شرفنا بالقتل معك .

ثم دعا ، و قال لهم : ارفعوا رؤوسكم و انظروا . فجعلوا ينظرون إلى مواضعهم و منازلهم من الجنة ، و هو يقول لهم : هذا منزلك يا فلان ! و هذا قصرك يا فلان ! و هذه درجتك يا فلان ! فكان الرجل يستقبل الرماح و السيوف بصدرة و وجهه ليصل إلى منزله من الجنة . (الخراج و الجرائح، ۲/ ۸۲۷؛ بحار الأنوار، ۲۲/ ۲۹۸)



گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

جذب و گزینش حسینی بر اساس اصل اختیار و بصیرت نیروها:

«قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (يوسف / ۱۰۸)

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ ...» (انفال / ۶۵)

«فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ وَ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَكُفَّ بَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ اللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَ أَشَدُّ تَنْكِيلًا» (نساء / ۸۴)

➤ ضرورت همراهی اهل ایمان با رهبران الهی در صحنه های قتال در راه خدا:

«وَ كَأَيِّنْ مِنْ نَبِيِّ قَاتَل مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ مَا ضَعُفُوا وَ مَا اسْتَكَاثُوا وَ اللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ؛

وَ مَا كَانَ قَوْلَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ إِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ؛ ...» (ال عمران / ۱۲۶-۱۲۸)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّا قُلْنَا إِلَى الْأَرْضِ! أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ؛ إِلَّا تَنْفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَ يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَ لَا تَضُرُّهُ شَيْئًا وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (توبه / ۲۸-۲۹)

«روي عن عبد الحميد قال: بينما الحسين (ع) واقف في ميدان الحرب ... و هو ينادي: هَلْ مِنْ رَاحِمٍ يَرْحَمُ آلَ الرَّسُولِ الْمُخْتَارِ؟ هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُ الذَّرِيَّةَ الْأَطْهَارَ؟ هَلْ مِنْ مُجِيرٍ لِأَبْنَاءِ الْبُتُولِ؟ هَلْ مِنْ ذَابٍّ يَذُبُّ عَنِ حَرَمِ الرَّسُولِ؟...» (المنتخب، طريحي : ۲۷۹ ؛ الدمعة الساكبة ۲ : ۳۲۴)

«و لَمَّا فَجَعَ الْحُسَيْنِ (ع) بِأَهْلِ بَيْتِهِ وَوَلَدِهِ ، ... نَادَى : هَلْ مِنْ ذَابٍّ يَذُبُّ عَنِ حَرَمِ رَسُولِ اللَّهِ ؟ هَلْ مِنْ مُوَحِّدٍ يَخَافُ اللَّهَ فِيْنَا ؟ هَلْ مِنْ مُغِيثٍ يَرْجُو اللَّهَ فِي إِعَانَتِنَا؟ ، هَلْ مِنْ مُعِينٍ يَرْجُو مَا عِنْدَ اللَّهِ فِي إِعَانَتِنَا؟» (مقتل الحسين (ع)، خوارزمي، ۲ / ۲۲؛ الفتوح لابن أعمش ۵ / ۱۲۱)

➤ ضرورت همراهی خانواده در نهضت حسینی:

«... ارتحل الحسين عليه السلام فبلغ ذلك ابن الحنفية فاتاه فأخذ بزمام ناقته - و قد ركبها - فقال : يا أخي ألم تعدني النظر فيما سألتك؟ قال:

بلى قال: فما حداك على الخروج عاجلا؟ قال: أتاني رسول الله صلى الله عليه و آله بعد ما فارقتك فقال: يا حسين اخرج فان الله قد شاء أن

يراك قتيلا فقال محمد ابن الحنفية: إنا لله و إنا إليه راجعون ، فما معنى حملك هؤلاء النساء معك و أنت تخرج على مثل هذا الحال؟!؛

قال : فقال [ لي صلى الله عليه وآله ] : إنا لله قد شاء أن يراهن سبايا؛ فسلم عليه و مضى» (اللهورف سيد بن طاووس، ۵۲).

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

مقدمه نشست سی و یکم:

«آسیب شناسی چگونگی بهره برداری از نعم الهی: ضدیت شدید رکن حمد با اسراف و تبذیر»

«ضرورت حیاتی اصلاح الگوی مصرف و سبک زندگی»

❖ ضدیت با اسراف (زیاده روی و ریخت و پاداش):

▪ «و لَا تَعْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ؛ إِنَّهُ كَانَ مَنصُورًا» (اسراء/۲۳)

▪ «إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ؛... فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ؛ وَ لَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ؛ الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَ لَا يُصْلِحُونَ» (صافات/۱۵۰-۱۵۲)

▪ «... وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ؛ قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ؛ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (انعام/۳۱-۳۲)

▪ «وَ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَ غَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَ النَّخْلَ وَ الزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْثُهُ وَ الزَّيْتُونَ وَ الرُّمَانَ مُتَشَابِهًا وَ غَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَ آتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (انعام/۱۲۱)

▪ «... بل أنتم قوم مسرفون» (اعراف/۸۸)/ «كذلك زين للمسرفين ما كانوا يعملون» (يونس/۱۲)

▪ «فَمَا آمَنَ لِمُوسَى إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِنْ قَوْمِهِ عَلَى خَوْفٍ مِنْ فِرْعَوْنَ وَ مَلَئِهِمْ أَنْ يَغْتِنَهُمْ وَ إِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَ إِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ» (يونس/ ۸۳)

▪ «و لَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ؛ مِنْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ عَلِيًّا مِنَ الْمُسْرِفِينَ» (دخان/۳۰-۳۱)

▪ «وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى؛ قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَ قَدْ كُنْتُ بَصِيرًا؛

قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيْتَهَا وَ كَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى؛ وَ كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَ لَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَ لَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَ أَبْقَى» (طه/۱۲۴-۱۲۷)

▪ «ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَ مَنْ نَشَاءُ وَ أَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ» (انباء/ ۹)/ «...و أَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ» (غافر/ ۴۲)

▪ «و ابتغ فيما آتاك الله الدار الآخرة و لا تنس نصيبك من الدنيا...» (قصص/ )

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

▪ ضديت با تذبذير (ريخت و پاش):

- «وَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا؛ إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ؛ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا» (اسراء/ ۲۶-۲۷)
- «علي بن إبراهيم عن صالح بن السندي، عن جعفر بن بشير، عن داود الرقي عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: إن القصد أمر يحبه الله، وإن السرف أمر يبغضه الله، حتى طرحك النواة، فإنها تصلح لشيء، و حتى صبك فضل شرابك» (الكافي ۲ / ۵۲، الخصال ۱ / ۱۰)
- «عن بشر بن مروان قال: دخلنا على أبي عبد الله (ع)، فدعا برطب فأقبل بعضهم يرمي بالنواة، قال: و أمسك أبو عبد الله (ع) يده، فقال (ع): لا تفعل؛ إن هذا من التبذير، و إن الله لا يحب الفساد»: (تفسير العياشي ۲ / ۲۸۸، المستدرک ۱۵ / ۲۶۸).
- «حدثنا الله حدثني أبي ثنا قتيبة بن سعيد ثنا ابن لهيعة عن حبي بن عبد الله عن أبي عبد الرحمن الحبلي عن عبد الله بن عمرو بن العاصي رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم بسعد، و هو يتوضأ، فقال (ص): ما هذا السرف يا سعد؟! قال: أ في الوضوء سرف؟! قال(ص): نعم و إن كنت على نهر جار» (سنن ابن ماجه، ۱ : ۱۴۷ / ۲۲۵، مسند أحمد ۲ / ۲۲۱؛ احتجاج، ۱ / ۲۵۰)
- «علي بن محمد و غيره، عن سهل بن زياد، عن محمد بن الحسن بن شمون، عن حماد بن عيسى، عن حريز عن أبي عبد الله (ع): «إن لله ملكا يكتب سرف الوضوء، كما يكتب عدوانه» (الكافي، ۳ / ۲۲، الوسائل ۱ / ۲۴۰)
- «إذا أراد الله بعبد خيراً ألهمه الاقتصاد و حسن التدبير و جنبه سوء التدبير و الإسراف» على (ع): (غرر الحكم و درر الكلم : ص ۳۵۳)
- «سبب الفقر الإسراف» (غرر الحكم و درر الكلم : ص ۲۵۹)
- «عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب، عن علي بن رثاب، عن ابن أبي يعفور و يوسف بن عمارة قالا: قال أبو عبد الله (ع): «إن مع الإسراف قلة البركة» (الكافي، ۴ / ۵۵)
- محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن ابن فضال، عن ابن بكير، عن زرارة، عن أبي جعفر (ع) قال: لقي رجل أمير المؤمنين (ع) و تحته وسق من نوى فقال له: ما هذا يا أبا الحسن تحتك؟! فقال (ع): مائة ألف عذق إن شاء الله، قال(ع): فغرسه فلم يغادر منه نواة واحدة» (كافي، ۵ / ۷۵)



**گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:**

**عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی**

**چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»**

**سیره امیر مومنان(ع)، و حضرت داوود(ع) در حوزه نظارت بر آسیبها و چالشهای قوای سه گانه:**

«علي بن إبراهيم ، عن أبيه ، عن ابن أبي عمير ، عن علي بن أبي حمزة ، عن أبي بصير ، أبي جعفر عليه السلام قال:

« دخل أمير المؤمنين عليه السلام المسجد فاستقبله شاب يبكي وحوله قوم يسكتونه فقال علي عليه السلام ما أبكك»

فقال يا أمير المؤمنين إن شريحا قضى علي بقضية ما أدري ما هي إن هؤلاء النفر خرجوا بأبي معهم في السفر فرجعوا و لم يرجع أبي فسألتهم عنه فقالوا مات فسألتهم عن ماله فقالوا ما ترك مالا فقدمتهم إلى شريح فاستحلفهم و قد علمت يا أمير المؤمنين إن أبي خرج و معه مال كثير؛

فقال لهم أمير المؤمنين عليه السلام: ارجعوا فرجعوا و الفتى معهم إلى شريح فقال له أمير المؤمنين عليه السلام:

يا شريح كيف قضيت بين هؤلاء القوم فقال يا أمير المؤمنين ادعى هذا الفتى على هؤلاء النفر أنهم خرجوا في سفر و أبوه معهم فرجعوا و لم يرجع أبوه فسألتهم عنه فقالوا مات فسألتهم عن ماله فقالوا ما خلف مالا فقلت للفتى هل لك بينة على ما تدعي؟؛ فقال: لا فاستحلفتهم؛

فقال أمير المؤمنين عليه السلام: هيهات يا شريح هكذا تحكم في مثل هذا؟ فقال يا أمير المؤمنين: فكيف فقال أمير المؤمنين عليه السلام:

**و الله لأحكمن فيهم بحكم ما حكم به قبلي إلا داود النبي عليه السلام:**

يا قنبر ادع لي شرطة الخميس فدعاهم فوكل بكل واحد منهم رجلا من الشرطة ثم نظر إلى وجوههم فقال(ع): ما ذا تقولون؟ أتقولون إنني لا أعلم ما صنعتم بأبي هذا الفتى إنني إذا لجاهل ثم قال(ع): فرقوهم و غطوا رؤسهم قال ففرق بينهم و أقيم كل رجل منهم إلى أسطوانة من أساطين المسجد

**و رؤسهم مغطاة بثيابهم** ثم دعا عبید الله بن ابي رافع كاتبه فقال(ع): هات صحيفة و دواة و جلس أمير المؤمنين (ع) في مجلس القضاء و اجتمع

الناس إليه فقال(ع) لهم: إذا أنا كبرت فكبروا ثم قال(ع) للناس: أفرجوا ثم دعا بواحد منهم فأجلسه بين يديه و كشف عن وجهه ثم قال(ع): لعبيد الله اكتب إقراره و ما يقول ثم أقبل عليه بالسؤال فقال له أمير المؤمنين (ع): في أي يوم خرجتم من منازلكم و أبو هذا الفتى معكم؟ فقال الرجل في يوم

كذا و كذا قال(ع): في أي شهر؟ قال: في شهر كذا و كذا قال(ع): في أي سنة؟ قال في سنة كذا و كذا؛ قال(ع): و إلى أين بلغتكم من سفركم حين مات أبو هذا الفتى؟؛ قال: إلى موضع كذا و كذا قال(ع): في منزل من مات؟؛ قال: في منزل فلان بن فلان؛ قال(ع): و ما كان مرضه؟؛ قال: كذا و كذا؛

قال(ع): فكم يوما مرض؟؛ قال: كذا و كذا؛ قال(ع): فمن كان يمرضه؟؛ و في أي يوم مات؟ و من غسله؟ و أين غسله؟ و من كفنه؟ و بم كفنتموه؟ و من صلى عليه؟ و من نزل قبره؟؛ فلما سأله عن جميع ما يريد كبر أمير المؤمنين عليه السلام و كبر الناس جميعا؛ فارتاب أولئك الباقون و لم يشكوا أن

صاحبهم قد أقر عليهم و على نفسه؛ فأمر أن يغطي رأسه و ينطلق به إلى السجن؛ ثم دعا بأخر فأجلسه بين يديه و كشف عن وجهه ثم قال كلا زعمتم أنني لا أعلم بما صنعتم؟ فقال يا أمير المؤمنين ما أنا إلا واحد من القوم و لقد كنت كارها لقتله فأقر ثم دعا بواحد بعد واحد كلهم يقر بالقتل و أخذ المال ثم رد الذي كان أمر به إلى السجن فأقر أيضا فألزمهم المال و الدم؛ ...» (الكافي، ٧ / ٣٧١ ؛ التهذيب، ٦ / ٣١٦ ؛ من لايحضره الفقيه، ٣ / ٢٤)



گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

سیره حضرت داوود(ع) در حوزه بازرسی و نظارت بر آسیبها و چالشهای قوای سه گانه:

«... فقال شريح يا أمير المؤمنين و كيف كان حكم داود النبي عليه السلام؟

فقال(ع) إن داود النبي عليه السلام مر بغلظة يلعبون و ينادون بعضهم بيا مات الدين؛ فيجيب منهم غلام فدعاهم داود فقال(ع):

يا غلام ما اسمك؟ فقال مات الدين؛ فقال له داود: من سماك بهذا الاسم؟ فقال أمي؛

قال(ع): فانطلق داود إلى أمه فقال(ع) لها: يا أيتها المرأة ما اسم ابنك هذا؟ فقالت: مات الدين؛

فقال لها: و من سماه بهذا الاسم؟ قالت أبوه؛ قال: و كيف كان ذلك؟؛

قالت: إن أباه خرج في سفر له و معه قوم و هذا الصبي حمل في بطني؛ فانصرف القوم و لم ينصرف زوجي فسألتهم عنه فقالوا مات؛

فقلت لهم: فأين ما ترك؟ فقالوا لم يخلف شيئا؛ فقلت: هل أوصاكم بوصية؟

قالوا: نعم زعم أنك حبلى فما ولدت من ولد جارية أو غلام فسميه «مات الدين» فسميته؛

قال داود و تعرفين القوم الذين كانوا خرجوا مع زوجك؟ قالت: نعم قال فأحياء هم أم أموات؟ قالت: بل أحياء .

قال فانطلقني بي إليهم ثم مضى معها فاستخرجهم من منازلهم فحكم بينهم بهذا الحكم بعينه و أثبت عليهم المال و الدم؛

ثم قال للمرأة: سمي ابنك هذا عاش الدين ؛ ...» (الكافي، ٧ / ٣٧١ ؛ التهذيب، ٦ / ٢١٦ ؛ من لا يحضره الفقيه، ٣ / ٢٤)

سیره نظارتی و آسیب شناسی سرداران بزرگ انقلاب و حل برخی از معضلات نظام:

«شهید سلیمانی، احمد متوسلیان، و مرحوم عبدالله والی»

**گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:**

**عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی**

**چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»**

**سیره حضرت لقمان حکیم در حوزه بازرسی و نظارت بر آسیبها و چالشهای قوای سه گانه:**

▪ «علي بن إبراهيم: أبي؛ عن القاسم بن محمد؛ عن المنقري؛ عن حماد، قال:

سألت أبا عبد الله عليه السلام عن لقمان و حكمته التي ذكرها الله عز وجل؛ فقال(ع):

أما و الله! ما أوتي لقمان الحكمة بحسب و لا مال و لا أهل و لا بسط في جسم و لا جمال؛ و لكنه كان رجلا قويا في أمر الله؛ متورعا في الله، ساكتا، سكيئا، عميق النظر، طويل الفكر، حديد النظر، مستغن بالعبء، ...

و لم يمر برجلين يختصمان أو يقتتلان إلا أصلح بينهما؛ و لم يمض عنهما حتى تحاجزا، و لم يسمع قولا قط من أحد استحسنته إلا سأل عن تفسيره و عن أخذه، و كان يكثر مجالسة الفقهاء و الحكماء؛

**و كان يغشى القضاة و الملوك و السلاطين فيرثي للقضاة مما ابتلوا به؛ و يرحم الملوك و السلاطين لغرتهم بالله و طمأنينتهم في ذلك؛**

**و يعتبر و يتعلم ما يغلب به نفسه؛ و يجاهد به هواه؛ و يحترز به من الشيطان؛ و كان يداوي قلبه بالتفكر؛ و يداري نفسه بالعبء؛**

**و كان لا يطعن إلا فيما يعنيه؛ فبذلك أوتي الحكمة؛ و منح العصمة؛**

**و إن الله تبارك و تعالى أمر طوائف من الملائكة حين انتصف النهار و هدأت العيون بالقائلة فنادوا لقمان حيث يسمع و لا يراهم فقالوا :**

**يا لقمان هل لك أن يجعلك الله خليفة في الأرض؛ تحكم بين الناس؟**

**فقال لقمان: إن أمرني ربي بذلك فالسمع و الطاعة؛ لأنه إن فعل بي ذلك أعانني عليه و علمني و عصمني؛ و إن هو خيرني قبلت العافية؛**

**ف قالت الملائكة: يا لقمان لم؟! قال: لان الحكم بين الناس بأشد المنازل من الدين، و أكثر فتنا و بلاء ما يخذل و لا يعان، و يغشاه الظلم من كل مكان، و صاحبه منه بين أمرين: إن أصاب فيه الحق فبالحري أن يسلم؛ و إن أخطأ أخطأ طريق الجنة؛**

**و من يكن في الدنيا ذليلا و ضعيفا كان أهون عليه في المعاد من أن يكون فيه حكما سريرا شريفا؛ و من اختار الدنيا على الآخرة يخسرهما كليهما؛ تزول هذه و لا تدرك تلك؛ قال (ع): فتعجبت الملائكة من حكمته؛ و استحسنت الرحمن منطقته؛**

**فلما أمسى و أخذ مضجعه من الليل أنزل الله عليه الحكمة فغشاه بها من قرنه إلى قدمه و هو نائم؛ و غطاه بالحكمة غطاء؛ فاستيقظ و هو أحكم الناس في زمانه، و خرج على الناس ينطق بالحكمة و بينها فيها ...» (تفسير قمى، ٥٠٨-٥٠٩؛ بحار الانوار، ١٢ / ٢٠٩)**

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

الگوهای رکن حمد:

❖ سیره عجیب حضرت نوح (ع):

▪ «ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا» (اسراء/۳)

▪ «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ» (هود/۲۰)

▪ «و لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ» (عنکبوت/۱۲)

▪ «و هِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَ نَادَىٰ نُوحٌ ابْنَهُ وَ كَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا وَ لَا تَكُن مَعَ الْكَافِرِينَ؛ قَالَ: سَأُوبِي إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَ حَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ» (هود/۲۲-۲۳)

▪ «صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأةَ نُوحٍ وَ امْرَأةَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَ قِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ» (تحریم/۱۰)

▪ «سَلَامٌ عَلَىٰ نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ؛ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ؛ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ؛ ... وَ إِنَّا مِنْ شَيْعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ» (صافات/۷۹-۸۲)

❖ سیره حضرت ابراهیم، اسحاق، و یعقوب (ع):

▪ «و اذْکُرْ عِبَادِنَا اِبْرَاهِيمَ وَ اسْحَاقَ وَ یَعْقُوبَ اُولٰٓئِیْ وَ الْاَنْبِیَآءِ؛ اِنَّا اَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِکْرٰی الدَّارِ» (ص/۲۵-۲۶)

❖ صبر جمیل حضرت ابراهیم (ع) و هاجر (ع) در جریان هجرت غریبانه هول انگیز هاجر (ع) به بیابان مکه:

▪ «رَبَّنَا اِنِّیْ اَسْکَنْتُ مِنْ ذُرِّیَّتِیْ بِوَادٍ غَیْرِ ذِی زَرْعٍ عِنْدَ بَیْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ اَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوٰی اِلَيْهِمْ وَ ارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ یَشْكُرُونَ» (ابراهیم/۲۷)

▪ «و لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَیْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْاَمْوَالِ وَ الْاَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ؛

وَ بَشِیْرٍ الصَّابِرِينَ؛ الَّذِیْنَ اِذَا اَصَابَتْهُمْ مُصِیْبَةٌ قَالُوا: اِنَّا لِلّٰهِ وَ اِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ؛ اُولٰٓئِکَ عَلَیْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ وَ اُولٰٓئِکَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ؛

اِنَّ الصَّغَا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ اَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَیْهِ اَنْ یَطُوفَ بِهِمَا وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَیْرًا فَاِنَّ اللَّهَ شَاکِرٌ عَلِیْمٌ» (بقره/۱۵۶-۱۵۸)



گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

▪ «و عنه، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن معاوية بن عمار، قال: سألته عن السعي فقال:

إن إبراهيم (ع) لما خلف هاجر و إسماعيل بمكة عطش إسماعيل فبكى، فخرجت هاجر حتى علت على الصفا و بالوادي أشجار؛ فنادت: "هل بالوادي من أنيس؟" فلم يجبهما أحد، فانحدرت حتى علت على المروة؛ فنادت: "هل بالوادي من أنيس؟" فلم تزل تفعل ذلك حتى فعلته سبع مرات،

فلما كانت السابعة هبط عليها جبرئيل (ع) فقال لها: أيتها المرأة من أنت؟؛ قالت: أنا هاجر أم ولد إبراهيم، قال لها: و إلى من خلفك؟؛ قالت: أما إذا قلت ذلك لقد قلت له: يا إبراهيم إلى من تخلفني ههنا؟؛ فقال: إلى الله عز وجل أخلفك، فقال لها جبرئيل (ع): نعم ما خلفك إليه؛ و لقد وكلت إلى كاف فارجعي إلى ولدك، فرجعت إلى البيت و قد انبعث زمزم و الماء ظاهر يجرى...» (المحاسن، احمد بن محمد برفی، ۲ / ۲۳۸)

❖ صبر جميل حضرت ابراهيم و اسماعيل (ع) در جریان ذبح:

▪ «رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ؛ فَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ؛ فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ: يَا بَنِيَّ إِنِّي آرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى؟

قَالَ: يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ؛ فَلَمَّا أَسْلَمَا وَ تَلَّهُ لِلْجَبِينِ؛ وَ نَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ؛ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ؛ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ؛ وَ قَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ» (صافات/ ۱۰۰-۱۰۷)

▪ «روي أن إبراهيم قال لإسماعيل عليهما السلام في حال الذبح: ادع أنت بالفرج؛ لأنك أنت المضطر «امن يجب المضطر إذا دعاه»؛

فلما رأى الكباش خرج ليأخذه؛ فلما رجع رأى يدي إسماعيل مطلقتين قال: و من أطلقك؟

قال: رجل من صفته كذا؛ قال: هو جبرئيل؛ و هل قال لك؟ قال: نعم؛ قال لي: ادع الله فدعوتك الآن مستجابة؛ قال إبراهيم: و أي شئ دعوت؟

قال: قلت: اللهم اغفر للمؤمنين و المؤمنات؛ قال: يا بني انك لموفق» (القطب الراوندي في لب اللباب، مستدرک الوسائل، ۵ / ۲۴۷)

❖ صبر جميل در سيره عجيب حضرت يعقوب (ع) در مديريت بحران خانوادگی:

▪ «وَ جَاءُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَ اللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ» (يوسف/ ۱۸)

▪ «... قَارِجِعُوا إِلَيَّ أَبِيكُمْ فَقُولُوا يَا أَبَانَا إِنَّ ابْنَكَ سَرَقَ وَ مَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلَّمْنَا وَ مَا كُنَّا لِلْغَيْبِ حَافِظِينَ؛ وَ اسْأَلِ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَ الْعِيرَ الَّتِي أَقْبَلْنَا فِيهَا وَ إِنَّا لَصَادِقُونَ؛ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ؛ وَ تَوَلَّى عَنْهُمْ وَ قَالَ يَا أَسْفَى عَلَى يُوسُفَ وَ ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزَنِ فَهُوَ كَظِيمٌ؛ قَالُوا: تَاللَّهِ تَفَاتًا تَذَكَّرَ يُوسُفَ حَتَّى تَكُونَ حَرَصًا أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ؛

قَالَ: إِنَّمَا أَشْكُو بَثِّي وَ حُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَ أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ...» (يوسف/ ۸۱- ۸۶)

«و لَمَّا فَصَلَتِ الْعِيرُ قَالَ أَبُوهُمْ: إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَا أَنْ تُفَنِّدُونِ؛ قَالُوا: تَاللَّهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلَالِكَ الْقَدِيمِ» (يوسف/ ۹۴- ۹۵)



گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ سیره داوود (ع) و سلیمان (ع):

▪ «و لَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَ سُلَيْمَانَ عِلْمًا وَ قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ» (نمل/۱۵)

▪ «اصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَ اذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُودَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ» (ص/ ۱۷) / «وَ وَهَبْنَا لِدَاوُودَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ» (ص/ ۳۰)

▪ «فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِنْ قَوْلِهَا وَ قَالَ: رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلَى وَالِدَيَّ وَ أَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَ ادْخُلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ» (نمل/ ۱۹)

▪ «و لَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَ الْأَقْيَنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ؛ قَالَ: رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ هَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ» (ص/ ۳۴-۳۵)

❖ سیره عجیب حضرت ایوب (ع):

▪ «وَ اذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَ عَذَابٍ ... إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ» (ص/ ۲۱-۲۲)

❖ سیره عجیب شهیدی از انبیاء بنی اسرائیل (ع):

▪ «و حدثني أبي رحمه الله، عن سعد بن عبد الله، عنهما جميعا، عن محمد بن سنان، عن عمار بن مروان، عن سماعة بن مهران،

عن أبي عبد الله (ع)، قال: انه كان لله رسولا نبيا تسلط عليه قومه فقشروا جلدة وجهه و فروة رأسه،

فأتاه رسول من رب العالمين فقال له: ربك يقرؤك السلام و يقول: قد رأيت ما صنع بك و قد امرني بطاعتك فمرني بما شئت،

فقال: يكون لي بالحسين أسوة» (كامل الزيارات، بن قولويه، ۱۲۸)

▪ «حدثني محمد بن الحسن بن علي بن مهزيار، عن أبيه، عن جده علي بن مهزيار، عن محمد بن سنان، عن ذكره، عن أبي عبد الله (ع)، قال:

ان إسماعيل الذي قال الله تعالى في كتابه: «و اذكر في الكتاب إسماعيل انه كان صادق الوعد»، اخذ فسلخت فروة وجهه و رأسه، فأتاه ملك فقال:

ان الله بعثني إليك فمرني بما شئت، فقال: لي أسوة بالحسين ابن علي (ع)» (كامل الزيارات، جعفر بن محمد بن قولويه، ۱۲۹)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ سیره عجیب حضرت زکریا و یحیی بن زکریا(ع):

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ كهيعص؛ ذِكْرُ رَحْمَةِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا» (مریم/۱-۲)

▪ حدثنا محمد بن علي بن محمد بن حاتم النوفلي المعروف بالكرماني قال: حدثنا أبو العباس أحمد بن عيسى الوشاء البغدادي قال: حدثنا أحمد بن طاهر القمي قال: حدثنا محمد بن بحر بن سهل الشيباني قال: حدثنا أحمد بن مسرور، عن سعد بن عبد الله القمي قال:...

قلت : فأخبرني يا ابن رسول الله عن تأويل «كهيعص» ؟!

قال(ع): هذه الحروف من أنباء الغيب، أطلع الله عليها عبده زكريا ، ثم قصها على محمد صلى الله عليه وآله؛

و ذلك أن زكريا سأل ربه أن يعلمه أسماء الخمسة فأهبط عليه جبرئيل فعلمه إياها ،

فكان زكريا إذا ذكر محمدا و عليا و فاطمة و الحسن سري عنه همه، و انجلى كربه، و إذا ذكر الحسين خنفته العبرة، و وقعت عليه البهرة!؛

فقال ذات يوم : يا إلهي ما بالي إذا ذكرت أربعا منهم تسليت بأسمائهم من همومي ، و إذا ذكرت الحسين تدمع عيني و ثور زفرتي ؟!

فأنبأه الله تعالى عن قصته، و قال:

" كهيعص " : "الكاف" اسم كربلاء . و "الهاء" هلاك العترة . و "الياء" يزيد ، و هو ظالم الحسين عليه السلام . و "العين" عطشه . و "الصاد" صيره .

فلما سمع ذلك زكريا لم يفارق مسجده ثلاثة أيام و منع فيها الناس من الدخول عليه ، و أقبل على البكاء و النحيب و كانت نديته:

«إلهي أتفجع خير خلقك بولده إلهي أنتزل بلوى هذه الرزية بفنائها،

إلهي أتلبس عليا و فاطمة ثياب هذه المصيبة، إلهي أتحل كربة هذه الفجيعة بساحتها؟!»

ثم كان يقول : «اللهم ارزقني ولدا تقر به عيني على الكبر، و أجعله وارثا وصيا، و اجعل محله مني محل الحسين؛

فإذا رزقتنيه فافتني بحبه؛ ثم فجعني به كما تفجع محمدا حبيبك بولده؛ فرزقه الله يحيى و فجعه به .

و كان حمل يحيى ستة أشهر و حمل الحسين عليه السلام كذلك» (كمال الدين و تمام النعمة، صدوق، ٢٤١)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

الگوی تلازم حمد با صلابت ایمان، در سیره شهدا و مومنان به ادیان الهی:

❖ صلابت رزمندگان عاشق مجاهد در رکاب انبیاء:

▪ «و كَأَيِّنْ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ؛

وَمَا كَانَ قَوْلَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ؛

فَاتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنِ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (آل عمران/ ۱۲۶-۱۲۸)

❖ صلابت ایمان در سیره سحره:

▪ «قَالَ: أَمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ أَدْنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرِكُمْ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ لَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَ لَأَصْلَبَنَّتْكُمْ أَجْمَعِينَ؛

قَالُوا: لَا ضَيْرَ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ؛ إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا أَنْ كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ» (شعراء/ ۴۹-۵۱)

▪ «فَأُلْقِيَ السِّحْرَةُ سُجَّدًا قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَ مُوسَى؛ قَالَ: أَمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ أَدْنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرِكُمْ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَ لَأَصْلَبَنَّتْكُمْ فِي جُذُوعِ النَّخْلِ وَ لتَعْلَمَنَّ أَيُّنَا أَشَدُّ عَذَابًا وَ أَبْقَى؛ قَالُوا: لَنْ نُؤْتِرَكَ عَلَى مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَ الَّذِي فَطَرَنَا فَافْضِ مَا

أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا؛ إِنَّا آمَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطَايَانَا وَ مَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ وَ اللَّهُ خَيْرٌ وَ أَبْقَى» (طه/ ۷۰-۷۲)

❖ سلامت نفس و صلابت ایمان در سیره آسیه:

▪ «فَالْتَقَطَهُ آلُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَ حَزَنًا إِنَّ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِئِينَ؛

وَ قَالَتِ امْرَأَةُ فِرْعَوْنَ قُرَّةُ عَيْنٍ لِي وَ لَكَ لَا تَقْلُوهُ عَسَى أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ» (قصص/ ۸-۹)

▪ «وَ صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةٌ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بِنْتًا فِي الْجَنَّةِ وَ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»

(تحریم/ ۱۱)

▪ ابن إدريس ، عن أبيه ، عن محمد بن أحمد ، عن أبي عبد الله الرازي ، عن ابن أبي عثمان ، عن موسى بن بكر ، عن أبي الحسن الأول (ع)؛ قال:

قال رسول الله (ص): إن الله عز وجل اختار من النساء أربعا: مريم ، و آسیه ، و خديجة ، و فاطمة» (خصال صدوق ، )

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

مقدمات سی دومیین نشست نجما:

(۱) «ضرورت بررسی تفصیلی سیره مدیریتی حضرت لقمان و سلمان»:

❖ «مشاور اعظم رهبری معصوم(ع)

❖ نماینده تام الاختیار در:

«بررسی مستمر میدانی حسن جریان وظائف عمومی مدیریت در سلسله مراتب مدیریت در نظام اسلامی»  
و «بازخورددهی مناسب و به موقع به عملکردها».

(۲) تکمله ای در معنی گزاره «افضلیت علمای اسلام نسبت به انبیاء بنی اسرائیل»:

«ان العلماء کسائر انبیاء قبلي»

«ان العلماء کسائر انبیاء بنی اسرائیل»

«علماء أمتي أفضل من أنبياء بني إسرائيل» (ص) : (بحار، ۲ / ۲۲)



گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

(۳) تاملی قرآن محورانه در حادثه گشت ارشاد:

«و اعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا؛ و اذكروا نعمة الله عليكم اذ كنتم اعداء فالف بين قلوبكم فاصبحتم بنعمته اخوانا...؛

و لتكن منكم امة يدعون الى الخير و يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر و اولئك هم المفلحون؛

و لا تكونوا كالذين تفرقوا و اختلفوا من بعد ما جاءهم البينات و اولئك لهم عذاب عظيم» (آل عمران/ ۱۰۲- ۱۰۵)

❖ مراتب الزامات دینی و مدیریت جهادی:

➤ «الزامات مسلمین»: الزامات فقهی حقوقی: الزامات طیف «مقید به احکام»، «مرض القلب» و «منافق»

➤ «الزامات اهل ایمان»: الزامات فقهی حقوقی + الزامات اخلاقی

➤ «الزامات اهل یقین»: الزامات فقهی حقوقی + الزامات اخلاقی + الزامات عرفانی.

«...عن جابر قال : قال لي : أبو عبد الله عليه السلام : يا أبا جعفر!:

إن الإيمان أفضل من الإسلام ، و إن اليقين أفضل من الإيمان و ما من شيء أعز من اليقين» (اصول کافی، کلینی، )، صدوق ( ) .

❖ مراحل فرهنگ سازی حسن تحقق ارزشهای دینی:

«تلاوت» (تبیین ارزشها و ارائه الگو) / «تزکیه» (مدیریت تحول اعتقادی و اخلاقی) / «تعلیم کتاب و حکمت» / «تزکیه موهبتی»

❖ راهبردهای تحقق ارزشهای دینی:

«فوریت در اجرا» / «تدریج در اجرا» / «تاخیر در اجرا»

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ مراحل نظارت بر حسن تحقق ارزشها در هر مرتبه از الزامات دینی:

«دعوت به خیر» / «امر به معروف» / «نهی از منکر»

❖ دسته جات مسلمین و مراحل نظارت بر حسن تحقق ارزشها:

➤ مسلمان جاهل غافل:

➤ مسلمان عالم عامد (مسئول): «مقید به احکام، مریض القلب، منافق»

❖ خلأ قیمت گذاری ارزشها در تفکر دینی:

«مثلث اوجب واجبات»: «حفظ ناموس و خانواده» / «حفظ دین» / «حفظ نظام»

➤ قدر و قیمت حفظ ناموس و خانواده و حساسیتهای ناموسی:

▪ «من تزوج فقد احرز نصف دینه؛ فلیتیق الله فی النصف الباقی» (ص)

▪ «الذ الاشیاء فی الدنیا و الآخرة النکاح...» امام صادق(ع) / «اکثر اهل النار العزاب»

▪ «و لا تَعْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ ... وَ لَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَنَ وَ لَا تَعْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ...» (انعام/ ۱۵۱)

▪ لَقَدْ بَلَّغْنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ كَانَ يَدْخُلُ - عَلَى الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ وَ الْآخِرَى الْمُعَاهِدَةَ - فَيَنْتَزِعُ حِجْلَهَا وَ قَلْبَهَا وَ قَلَانِدَهَا وَ رُعْثَهَا - مَا تَمْتَنِعُ مِنْهُ إِلَّا بِالِاسْتِرْجَاعِ وَ الْإِسْتِرْحَامِ - ثُمَّ انْصَرَفُوا وَافِرِينَ - مَا نَالَ رَجُلًا مِنْهُمْ كَلِمٌ وَ لَا أَرِيقَ لَهُمْ دَمٌ -

فَلَوْ أَنَّ امْرَأً مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسْفَاءً - مَا كَانَ بِهِ مَلُومًا بَلْ كَانَ بِهِ عِنْدِي جَدِيرًا» امیر مومنان(ع): (نهج/ خ ۲۷)

▪ «یا أهل العراق، نبئت أن نساءكم يخرجن إلى الأسواق و يزاحمن العلوج و يدافعن الرجال في الطريق؛

أما تستحون الا تغارون؟!» (مستدرک، ۱۷۱)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ قدر و قیمت حفظ دین: «اهتمام به «اقامه نماز و زکوة» و «نظارت عمومی (امر به معروف و نهی از منکر)»:

▪ الَّذِينَ إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ؛ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج/ ۴۱)

▪ «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ؛ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ؛ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ؛ وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ...» (مومنون/ ۱-۴)

▪ «مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ؛ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ؛ وَ لَمْ نَكُ نُطْعِمِ الْمِسْكِينَ» (مدثر/ ۲۲-۲۴)

▪ «الصلوة عمود الدين»

▪ «ان الامر بالمعروف و النهی عن المنکر فريضة تقام بها الفرائض» امام باقر(ع)

▪ «و ما اعمال البر كلها و الجهاد فى سبيل الله الى الامر بالمعروف و النهی عن المنکر كنفثة فى بحر لجى!» امير مومنان(ع): (نهج/ )

➤ قدر و قیمت حفظ وحدت و حرمت نظام و رهبری:

▪ «وَمَكَانُ الْقِيَمِ بِالْأَمْرِ مَكَانُ النَّيْطَامِ مِنَ الْخَرَزِ - يَجْمَعُهُ وَيَضُمُّهُ - فَإِنْ انْقَطَعَ النَّيْطَامُ تَفَرَّقَ الْخَرَزُ وَذَهَبَ - ثُمَّ لَمْ يَجْتَمِعْ بِحَدَافِيرِهِ أَبَدًا..» (نهج، خ ۱۲۶)

▪ «فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ - وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ - فَإِنَّ الشَّادَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ - كَمَا أَنَّ الشَّادَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذَّبِّ؛

- أَلَا مَنْ دَعَا إِلَى هَذَا الشِّعَارِ فَاقْتُلُوهُ؛ وَ لَوْ كَانَ تَحْتَ عِمَامَتِي هَذِهِ!» (نهج/ خ ۱۲۷)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ فرایند برخورد با چالشهای امنیتی، اقتصادی و ناموسی:

➤ فوریت برخورد قاطع و شدید با محاربان نظام اسلامی (تبهکاران سردمدار و حریم شکنان)،

خصوصاً در موارد ناموسی:

▪ «... و الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ...» (بقره/۱۹۱) / «... و الْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ...» (بقره/۲۱۷)

▪ «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ؛

ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ؛ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (مائده/۲۳-۲۴)

▪ «فَإِذَا تَتَفَعَّطَهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِمْ مَنْ خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَدَّكَّرُونَ» (انفال/ ۵۷)

▪ «سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ؛ الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِئَةَ جَلْدَةٍ وَ لَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ

اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ لِيَشْهَدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (نور/۱-۲)

▪ «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُتَافِفُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا؛

مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثَقِفُوا أَخْدُوا وَ قُتِلُوا تَقْتِيلًا؛ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» (احزاب/۶۰-۶۲)

➤ فوریت اقدامات ایجابی جلوگیری شکل گیری چالشهای امنیتی، اقتصادی و بویژه چالشهای ناموسی:

✓ فوریت بسیج فرهنگی ازدواج:

«آموزش و مشاوره» (قبل، حین و بعد از ازدواج)، و «همسر یابی»

✓ آغاز بسیج اقتصادی ازدواج:

«تامین مسکن، تامین حد اقل وسائل زندگی، تامین حد اقل در آمد ماهیانه»



گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

## مقدمه سی و سومین نشست نجما:

❖ تاملی در آسیب شناسی مدیریت منابع انسانی، شاخه جذب و گزینش:

به مناسبت «حوادث ۷ تیر، ۸ شهریور، و مدیریت ایام اربعین»

➤ میزان ارزش شایسته سالاری در اسلام:

❖ جذب و گزینش در تاریخ انبیاء و صدر اسلام:

➤ «جذب و گزینش اول خلقت: دوره آدم (ع)»

➤ «جذب و گزینش دوره انبیاء (ع)»

➤ «جذب و گزینش دوره پیامبر(ص)»

➤ «جذب و گزینش دوره خلفاء»

➤ «جذب و گزینش دوره امیر مومنان(ع)»

❖ جذب و گزینش در انقلاب اسلامی و ضرورت حرکت جهادی و مدیریت جهادی:

➤ «جذب و گزینش منجر به حوادث ۷ تیر و ۸ شهریور و ...»

➤ «جذب و گزینش ها در سلسله مراتب مدیریت اسلامی و کارکنان، از پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون»

➤ «جذب و گزینش در مدیریت مراسم اربعین و ضرورت ویژه حرکت و مدیریت جهادی»

❖ جذب و گزینش مهدوی (ع) در دوره غیبت، و دوره ظهور:

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ مولفه های اساسی حرکت جهادی:

«وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ؛ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ؛ وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ» (ضافات/۱۷۱-۱۷۳)

➤ مدیریت جهادی

➤ منابع انسانی جهادی:

«سهل ، عن بكر بن صالح رفعه ، عن أبي عبد الله ( ع ) قال: الناس معادن كمعادن الذهب و الفضة ...» (کافی، ۸ / ۱۷۷)

❖ شاخصه های مدیر جهادی:

➤ عقلانیت الهی:

○ «عقلانیت ارزشی»:

«عقلانیت معرفتی / عقلانیت گرایشی / عقلانیت رفتاری»

○ «عقلانیت حرفه ای»

«عقلانیت تخصصی / عقلانیت تجربی / عقلانیت تدبیری»

➤ سلامت خانوادگی:

○ «پاک نهادی/ تاهل سالم»؛

○ «رعایت حقوق والدین / رعایت حقوق همسر و فرزندان»؛

○ «حفظ حریم ناموسی خانواده / قدرت تدبیر خانواده»؛

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ شاخصه های مدیریت جهادی:

➤ مدیریت قربة الى الله:

▪ «اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَ هُمْ مُهْتَدُونَ» (یس / ۲۱)

➤ مدیریت نور علی نور:

«تدبیر و عقلانیت تحت الشعاع و سیطره وحی الهی»

▪ «نور علی نور...» (نور/)

➤ مدیریت قرآن محور:

▪ «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَى وَ يَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا وَ إِنِ يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مِثْلَهُ يَأْخُذُوهُ؛ أَلَمْ يُوْحَدْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَ دَرَسُوا مَا فِيهِ وَ الدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ؛ وَ الَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ، إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ» (اعراف/ ۱۶۹- ۱۷۰)

➤ مدیریت خانواده محور:

➤ مدیریت ولای الهی (نماینده سرپرستی خدا):

«سرپرستی توام با عشق و محبت»:

استعاره ها: «سرپرستی عیال الله / رابطه مرغ با جوجه ها / رابطه پدری و فرزندی معنوی / طبابت حاذقانه و مشفقانه»

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ مدیریت ستادی-صف حاضر و ناظر در صحنه:

▪ «و لَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا... وَ ألقى الألواحَ وَ أَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ ...» (اعراف/ ۱۵۰)

- «حدثنا محمد بن علي المروزي ثنا إسحاق بن عبد الله الخشك ثنا حفص بن عبد الرحمن ثنا محمد بن إسحاق عن حكيم بن حكيم بن عباد بن حنيف عن سعيد بن جبیر عن ابن عباس قال: قال رسول الله صلى الله عليه و سلم: **ليس الخبر كالمعاين**» (المعجم الوسيط طبرانی، ۷ / ۱۰۲)
- حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا سريج بن النعمان ثنا هشيم عن أبي بشر عن سعيد بن جبیر عن ابن عباس قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: **ليس الخبر كالمعاينة** إن الله عز وجل أخبر موسى بما صنع قومه في العجل فلم يلق الألواح فلما عين ما صنعوا ألقى الألواح (فانكسرت)» (مسند احمد، ۱ / ۲۷۱؛ مسندرك حاكم نيشابوري، ۲ / ۲۲۱)

➤ مدیریت نفس لواحه آخرت گرا:

▪ «لَا؛ أَفْسِمُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ وَ لَا؛ أَفْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَامَةِ» (قيامت/ ۱- ۲)

- «عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، رفعه إلى أبي عبد الله (ع) قال: **أحب إخواني إلي من أهدي إلي عيوبي**» . (كافي، كليني، ۲ / ۶۳۹)
- «حمد بن يعقوب، عن عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن عبد الرحمن ابن أبي نجران، (عن محمد بن الصلت، عن أبان، عن أبي العديس) قال: قال أبو جعفر (ع): **يا صالح اتبع من يبكيك و هو لك ناصح، و لا تتبع من يضحكك و هو لك غاش،**

و ستردون على الله جميعا فتعلمون» (وسائل الشيعة، ۱۲ / ۲۴)

▪ دعای ۱۶ صحیفه سجادیه: عذر خواهی به درگاه الهی از گناهان و خطاها

➤ مدیریت ضابطه مدار آخزت گرا:

▪ «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ؛

➤ مدیریت بهره مند از روح مؤید:

▪ **أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَ آيَدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ؛ ... أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ؛ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»** (مجادله / ۲۲)



گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

مقدمه سی و پنجمین نشست نجما:

❖ برکات و تبعات دنیوی و اخروی جذب و گزینش مدیریت رحمانی و غیر رحمانی:

▪ «مَنْ يَشْفَعُ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا وَ مَنْ يَشْفَعُ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ مِنْهَا؛ وَ كَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُقِيتًا» (نساء / ۸۵)

▪ «وَ إِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا» (نساء / ۸۶)

▪ «وَ تَرَى كُلَّ أُمَّةٍ جَائِيَةً؛ كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» (جاثیه / ۲۸)

❖ بررسی قرآن محورانه ریشه یابی حوادث اهانت ناموسی برخی از معترضین و اغتشاشگران،

بویژه در فضای مراکز آموزش عالی:

➤ ریشه های داخلی اهانت ناموسی غیر واقع:

✓ وجود حدود ۱۵ میلیون دختر و پسر، و زن و مرد مجرد در سن ازدواج:

▪ اکثریت در معرض خطر یاس از تامین نیاز جنسی راه حلال/اقلیت مایوس از تامین نیاز جنسی از راه حلال

▪ مجرد بودن اکثریت معترضین و اغتشاش گران (حدود ۹۰ الی ۹۵٪)، خصوصا قشر دانشگاهی آنان

✓ صدمه ناموسی اهانت کنندگان:

▪ اقلیت تبهکار فرورفته در فساد ناموسی و غیره (سران ارادل و اوباش، منافقین، جاسوسان؛ مزدوران بیگانه)

▪ اکثریت معترض و اغتشاش گر آلت دست محروم از تامین نیاز جنسی از راه حلال

✓ برخی از عوامل عدم پاسخ حلال به نیازهای جنسی اکثریت اهانت کنندگان و دیگران:

▪ فقدان بینش صحیح اسلامی به نظام خانواده و الزامات آن، و درجه اولویت آن در میان ارزش های دینی

▪ فقدان اهتمام لازم در نخبگان حوزوی دانشگاهی و سلسله مراتب مدیریت در جهت حل معضلات ناموسی و خانوادگی

▪ گسترش سبک زندگی جاهلی مدرن پر هزینه در سطح زندگی بخشی از سلسله مراتب مدیریت، نخبگان و عموم جامعه

**گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:**

**عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی**

**چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»**

➤ تاریخچه پر غصه راهکارهای ناقص و ناکار آمد در حل بحران ناموسی جامعه در دولتهای بعد از دفاع مقدس:

✓ دولت ۵ و ۶ (۶۸-۷۶):

«طرح ازدواج موقت برای همه مجردان (با حذف اذن پدر، برای دختران بکر) و مقاومت شدید جامعه و حوزه های علمیه»

✓ دولت ۷ و ۸ (۷۶-۸۴): (پیروان جدایی دین از جامعه):

«شعار پذیرش درصدی از صدمه ناموسی/ از ضرورتهای توسعه جامعه، طرح خانه عفاف/ آغاز دیرهنگام فعالیت شورای ازدواج»

✓ دولت ۹ و ۱۰ (۸۴-۹۲):

«تصویب قانون تسهیل ازدواج/ طرح مجدد ازدواج موقت برای عموم مجردان (بدون توجه به اذن پدر)/ اجرای طرح مسکن مهر»

✓ دولت ۱۱ و ۱۲ (۱۳۹۲-۱۴۰۰): (پیروان جدایی دین از جامعه):

«رهاکردن حل مسئله و ایجاد موانع برای رفع بحران/ تعطیل ساخت مسکن و تمسخر مسکن مهر! /...»

✓ دولت ۱۳:

«تصویب قانون جوانی جمعیت و خانواده، پیگیری آن/ طرح مسکن ملی/ و...»

➤ **سیاستهای کلی مصوب مقام معظم رهبری، مرتبط با حل بحران ناموسی:**

سیاستهای کلی برنامه سوم تا هفتم توسعه (۱۳۸۰ تا ۱۴۰۱) / سیاستهای کلی اداری (۸۹/۱/۳۱) / سیاستهای کلی امور امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات و ارتباطات (افتا) (۸۹/۱۱/۲۹) / سیاستهای کلی نظام در امور مسکن (۸۹/۱۱/۲۹) / سیاستهای کلی نظام در امور ترویج و تحکیم فرهنگ جهاد و ایثار و ساماندهی امور ایثارگران (۸۹/۱۱/۲۹) / سیاستهای کلی اشتغال (۹۰/۴/۲۸) / سیاستهای کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ملی (۹۱/۱۱/۲۴) / سیاستهای کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور (۹۲/۲/۱۰) / سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی (۹۲/۱۱/۲۹) / سیاستهای کلی سلامت (۹۲/۱/۱۸) / سیاستهای کلی جمعیت (۹۲/۳/۲۰) / سیاستهای کلی خانواده (۹۵/۶/۱۳) / ...

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

➤ مقدمه نشست سی و ششم نجما:

❖ گردنه های راه خدا و الزامات جهادی عبور از آن:

«فَلَا افْتَحِمِ الْعَقَبَةَ؛ وَ مَا اَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ؟؛ فَكُ رَقَبَةً اَوْ اِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ؛ يَتِيْمًا ذَا مَقْرَبَةٍ، اَوْ مِسْكِيْنًا ذَا مَثْرَبَةٍ؛ ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَ تَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ؛ اُولٰٓئِكَ اَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ» (بلد/۱۲-۱۸)

➤ سرعت

➤ جرات و خطر پذیری و شجاعت

➤ صبر و استقامت

❖ ضرورت درک مشترک دینی نخبگان و مدیران از بحران ناموسی جامعه و راهکار علاج آن:

➤ بحرانی بودن اسیب ناموسی خزنده رو به گسرنش:

➤ ضدمه ناموسی، نوعی خودکشی و آدم کشی:

➤ حفظ ناموس و تشکیل خانواده، نصف اول دین جامعه

➤ دشوارترین گردنه راه خدا: (اجهاد اکبر و کبیر):

«تکلیف وجوبی بسیج همگانی برای حفظ ناموس و تشکیل خانواده»

➤ عاقبت به شومی اهل دین در صورت تعلل و سر پیچی از تکلیف بسیج ازدواج:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (تحریم/۶)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ نزول انفجاری پر طنین سوره نور از عالم ملکوت و راه کارهای قرآنی در حل بحران ناموسی:

«سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نور/۱)

❖ محوره‌های اساسی سوره نور:

➤ برخورد سخت با مرتکبین فحشاء / تهمت زندگان ناموسی / شایعه پراکنان و مروجین فحشاء

➤ مقررات حریم روابط در روابط خانوادگی و اجتماعی

➤ آداب برخورد زن و مرد و فرمان حجاب عمومی

➤ فرمان بسیج ازدواج

➤ «الله»، «نور هستی، نور اسمانها و زمین»

➤ مساجد، کانون تلاقی نور وحی و عقل / و بسیجیان مسلح به این نور

➤ نظام خلافت الهی امام زمان (ع) و خصائص آن

➤ احکام تکمیلی روابط خانوادگی و اجتماعی

➤ تکلیف حضور در صحنه، در شرائط فراخوان عمومی رهبری نظام اسلامی



گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

❖ كانون محوری و قلب سوره نور:

➤ فرمان بسیج ازدواج:

«وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِيمَانِكُمْ؛ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ؛ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛

وَلَيْسَتَعْطِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَالَّذِينَ يَبْتِغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَآتُوهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ وَلَا تُكْرِهُوا فَتِيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِيَبْتِغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛

وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُبَيِّنَاتٍ وَمَثَلًا مِنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ» (نور/۲۲-۲۴)

▪ «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً؛ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم/۲۱)

▪ «قال عليه السلام: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله):

زوجوا أياماكم؛ فإن الله يحسن لهم في أخلاقهم؛ و يوسع لهم في أرزاقهم؛ و يزيدهم في مرواتهم» (النوادر، راوندى، ۱۷۸)

▪ «الجعفریات: أخبرنا عبد الله، أخبرنا محمد، حدثني موسى قال: حدثنا أبي، عن أبيه، عن جده جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جده علي بن الحسين ، عن أبيه، عن علي (ع)، قال: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله):

تزوجوا أياماكم، فإن الله تعالى يحسن لهن في أخلاقهن، و يوسع لهن في أرزاقهن، و يزيدهن في مروءاتهن» (مستدرک الوسائل، ۱۴ / ۲۰۳)

▪ عدة من أصحابنا ، عن أحمد بن أبي عبد الله ، عن إبراهيم بن محمد الهمداني قال :

كتبت إلى أبي جعفر ( عليه السلام ) في التزويج ، فأتاني كتابه بخطه قال رسول الله ( صلى الله عليه و آله ):

إذا جاءكم من ترضون خلقه و دينه فزوجوه؛ « إلا تفعلوه تكن فتنة في الأرض و فساد كبير» (كافى، ۵ / ۳۴۷)

▪ «و عدة من أصحابنا، عن سهل بن زياد ، عن الحسين بن بشار الواسطي قال : كتبت إلى أبي جعفر ( عليه السلام ) أسأله عن النكاح ؟

فكتب إلي : من خطب إليكم فرضيتم دينه و أمانته فزوجوه، إلا تفعلوه تكن فتنة في الأرض و فساد كبير» (كافى، ۵ / ۳۴۷).

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

- «عن محمد بن الوليد، عن الحسين بن يسار (بشار)، قال: كتبت إلى أبي جعفر عليه السلام في رجل خطب إلي، فكتب عليه السلام: من خطب إليكم فرضيتم دينه و أمانته كائنا من كان فزوجوه، إلا تفعلوا تكن فتنة في الأرض و فساد كبير» (من لا يحضره الفقيه، ۲/ ۳۹۳)
- «علي، عن أبيه، عن ابن فضال، عن ثعلبة بن ميمون، عن عمر بن أبي بكر، عن الحضرمي، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم زوج المقداد ابن الأسود ضباعة بنت الزبير بن عبد المطلب؛ و إنما زوجه لتضع المناكح و ليتأسوا برسول الله صلى الله عليه و آله و سلم و ليعلموا أن أكرمهم عند الله أتقاهم» (الكافي ۵ / ۲۲۴).

➤ «الله»، «نور هستی، نور آسمانها و زمین»:

«الله نُورُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ» (نور/۳۵)

➤ «مساجد، كانون نور عقل در پرتو نور وحی» و «پایگاه شبانه روزی بسیجیان مسلح به این نور الهی»:

«مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَ لَا غَرْبِيَّةٍ؛

يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ؛

فِي بُيُوتٍ أُذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذَكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَ الْأَصَالِ؛

رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَ الْأَبْصَارُ؛

لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَ يَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ وَ اللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (نور/۳۵-۳۸)

❖ ضرورت تحول اساسی کارآمد سازمان بسیج عمومی با محوریت بسیج ازدواج و حفاظت از خانواده:

« با احیا و مرکزیت مساجد»، و «ارتقاء رسالت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، و امنیتی بسیج»

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر»

➤ الگوهای بسیج ازدواج آسان:

❖ سیره حضرت موسی(ع):

➤ غیرت و حمیت ناموسی حضرت موسی(ع)، با وجود ضعف بدنی:

▪ «و لَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْفُونَ وَ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ؛

قَالَ: مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا: لَا نَسْقِي حَتَّى يُصَدَرَ الرَّعَاءُ وَ أَبُوْنَا شَيْخٌ كَبِيرٌ؛

فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ: رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ» (قصص/۲۳-۲۴)

▪ «و إِنْ شِئْتَ ثَبِّتْ بِمُوسَى كَلِمَةَ اللَّهِ (ص) حَيْثُ يَقُولُ: «رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ»؛ وَ اللَّهُ مَا سَأَلَهُ إِلَّا خُبْرًا يَأْكُلُهُ!؛

لَأَنَّهُ كَانَ يَأْكُلُ بَقْلَةَ الْأَرْضِ؛ وَ لَقَدْ كَانَتْ خُضْرَةُ الْبَقْلِ تُرَى مِنْ شَفِيفِ صِفَاقِ بَطْنِهِ!؛ لَهُزَالِهِ وَ تَشَدُّبِ لَحْمِهِ!» (نهج، خ/۱۶۰)

➤ حجب و حیا در ارتباطات اجتماعی، فقر شدید حضرت و سهولت تشکیل خانواده، مقارن اشتغال:

▪ فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ: إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا؛

فَلَمَّا جَاءَهُ وَ قَصَّ عَلَيْهِ الْقِصَصَ قَالَ: لَا تَخَفْ نَجَوْتُ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (قصص/۲۵-۲۶)

▪ «... فقال لها موسى : تأخري و دليني على الطريق ...؛ فأنا من قوم لا ينظرون في أدبار النساء» (بحار النوار، ۱۲ / ۲۹)

▪ قَالَتْ إِحْدَاهُمَا: يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ؛

قَالَ: إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حَجَّجٍ فَإِنْ أَنْمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَ مَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ؛

سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ؛ قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجْلَيْنِ فَضِيتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَ اللَّهُ عَلَى مَا نَعُولُ وَكِيلٌ» (قصص/۲۷-۲۸)

گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:

عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی

چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»

❖ نظرات برخی از فقهاء، در عدم شرطیت اشتغال در صحت عقد، و آغاز زندگی:

➤ علامه حلی:

«عدم اعتبار الحرفة في الكفاءة» (تذکره الفقهاء، ۲ / ۶۰۶)

➤ شهید ثانی:

▪ (الخامسة عشر: ليس التمكن من النفقة) قوة، أو فعلا (شرطا في صحة العقد) لقوله تعالى:

"و أنكحوا الأيامى منكم و الصالحين من عبادکم و إمائکم؛ إن يكونوا فقراء يغنهم الله من فضله و الله واسع عليم"، و الخبرين السابقين (الروضه البهيه، فی شرح اللمعه الدمشقيه، ۵ / ۲۳۷)

➤ شیخ یوسف بحرانی:

▪ «المسألة الثانية : المشهور بين الأصحاب رضي الله عنهم أن التمكن من النفقة ليس شرطا في الكفاءة بل يحصل الكفاءة و يصح العقد و إن كان عاجزا عن ذلك ... و الخبر المذكور ظاهر بالنظر إلى صدره في المطلوب و المراد ،

و صريح بالنظر إلى حكاية قصة جويرير بأوضح صراحة لا يعتررها الإيراد؛ ومما يدل على ذلك قول الرضا عليه السلام في كتاب الفقه الرضوي:

«إذا خطب إليك رجل رضيت دينه و خلقه فزوجه ، و لا يمنعك فقره و فاقته ، قال الله تعالى: «و إن يتفرقا يغن الله كلا من سعته»؛ و قال تعالى: «إن يكونوا فقراء يغنهم الله من فضله، و الله واسع عليم» (فقه الرضا، ۲۳۷)

و هو كما ترى أيضا صريح في المدعى، و تؤيده الآيات و الروايات الدالة على ضمان الله عز وجل الرزق لمن خلق و تكفله به» (الحدائق، ۲۴ / ۷۰-۷۴)

➤ سيد عبد الاعلى سبزواری:

(مسألة ۱۸): لا يشترط في صحة النكاح تمكن الزوج من النفقة... للأصل و الإطلاقات و العمومات و قوله تعالى: «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ...» (مذهب الاحكام، ۲۵ / ۷۳)

➤ محمد علی اراکی:

➤ «و هل يعتبر فيها التمكن و اليسار بمقدار النفقة أو لا؟؛ لا إشكال في عدم اعتبار ذلك في صحة العقد...» (كتاب النكاح، اراكي، ۲۰۷)



**گفتار اول: مبانی هستی شناختی خالق «الله»: نظام اسماء الله:**

**عرش الهی: مقام تدبیر و فرماندهی الهی**

**چهار رکن عرش الهی: تسبیحات اربعه: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»**

▪ **محمد تقی بهجت:**

▪ **عدم شرطیت تمکن از نفقه در صحت نکاح: و تمکن از نفقه ، شرط کفایت و معتبر در صحت نکاح نیست» (جامع المسائل، ۳ / ۴۸۸)**

▪ **«هرمکلفی موظف است وظائف اجتماعی و شرعی خود را بجا آورد؛ و قضاء حوائج مومنین بر همگان استحباب موکد دارد؛**

**و در صورت اینکه در معرض تلف و هلاکت باشد؛ و عرض و جان مسلمانی بخطر جدی بیافتد، بر هرکسی که قادر بر حفظ آن باشد، واجب است انرا حفظ نماید» (استفتاء: ۱۳۷۹/۹/۲۹)**

➤ **فاضل لنکرانی:**

▪ **«قال المحقق في الشرائع : و هل يشترط تمكّنه من النفقة ؟ قيل : نعم ، و قيل : لا ، و هو الأشبه . (شرايع الاسلام، ۲ / ۲۹۹) ؛ ...؛**

**و أدلة القول الأوّل كلّها مخدوشة ، فالأظهر هو القول الثاني ، فتدبرّ جيّداً» . (تفصيل الشريعة، في شرح تحرير الوسيلة، كتاب النكاح، ۳۱۳)**

▪ **«همانطور که صریح ایه سی و دو سوره مبارکه نور است در اسلام بسیار نسبت به ازدواج ترغیب شده، اما واجب نیست ولی مستحب موکد است؛ و هر امری هم در راستای آن، مستحب موکد است؛**

**بلی در صورت اینکه ترک ازدواج موجب مفسد مهم اجتماعی گردد، بر مسئولین نظام اسلامی لازم است که نسبت به حل این نوع از مسائل و معضلات اجتماعی تدبیری بیاندیشند؛ و بعید نیست که بر همه مردم بنحو واجب کفایی مطرح باشد، که البته با اقدام حکومت نسبت به حل مسئله، از مردم ساقط میشود.» (استفتاء: ۱۳۷۹/۱۱/۱۵)**

➤ **مکارم شیرازی:**

▪ **«در درجه اول حکومت اسلامی با در دست داشتن امکانات بسیار وسیع و بودجه های اضافی که این روزها سخن از آن می گویند، در برابر این معضل اجتماعی مسئولیت دارد؛**

**و در درجه بعد همه مسلمانان متمکن به عنوان وظیفه کفایی باید در این امر شرکت کنند و جوانان را از آلودگی به فساد گسترده نجات دهند؛ همیشه موفق باشید» (استفتاء: ۱۳۷۹/۱۱/۳)**